







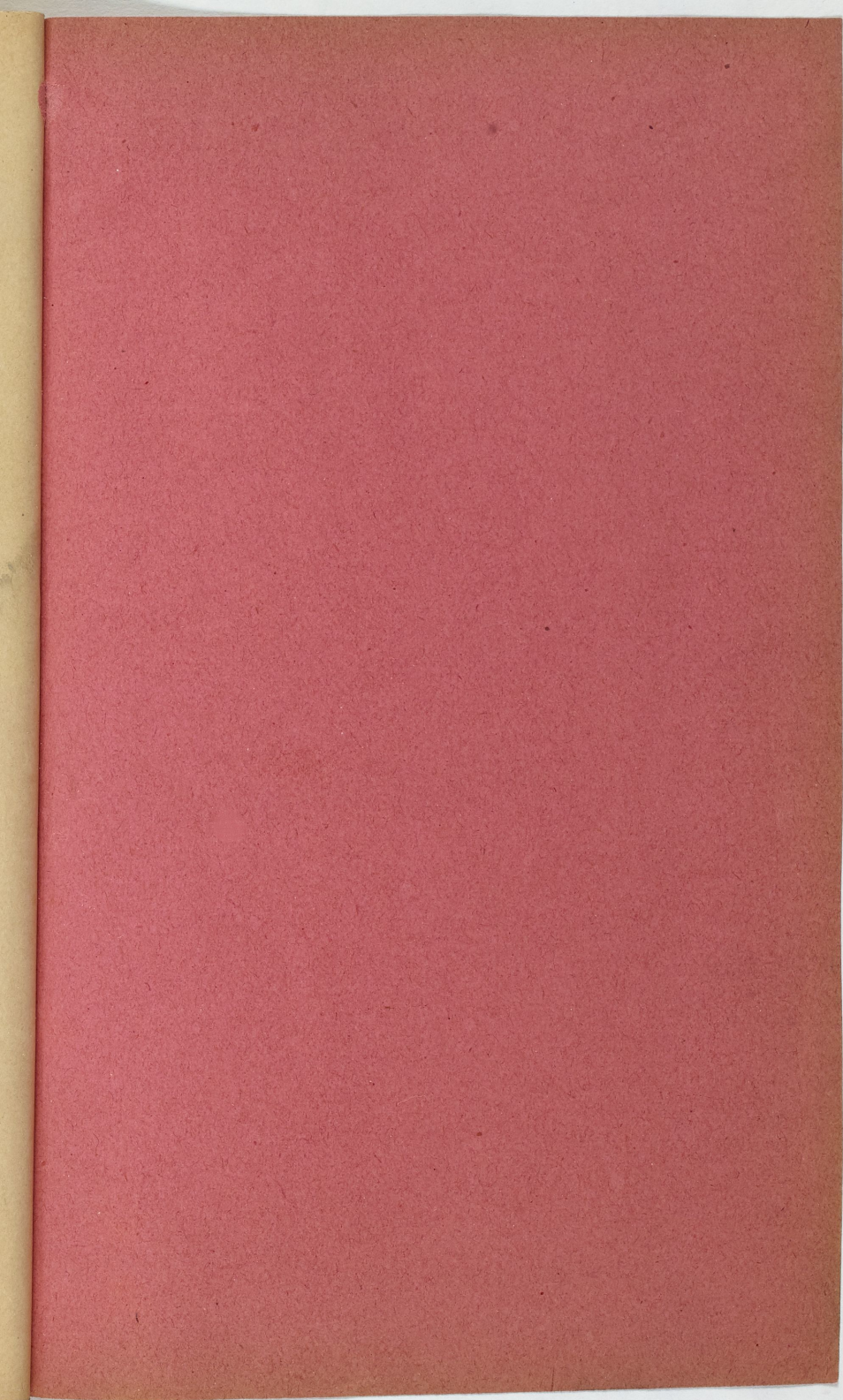


Adarruāt-i-  
Sinān Pāšā.



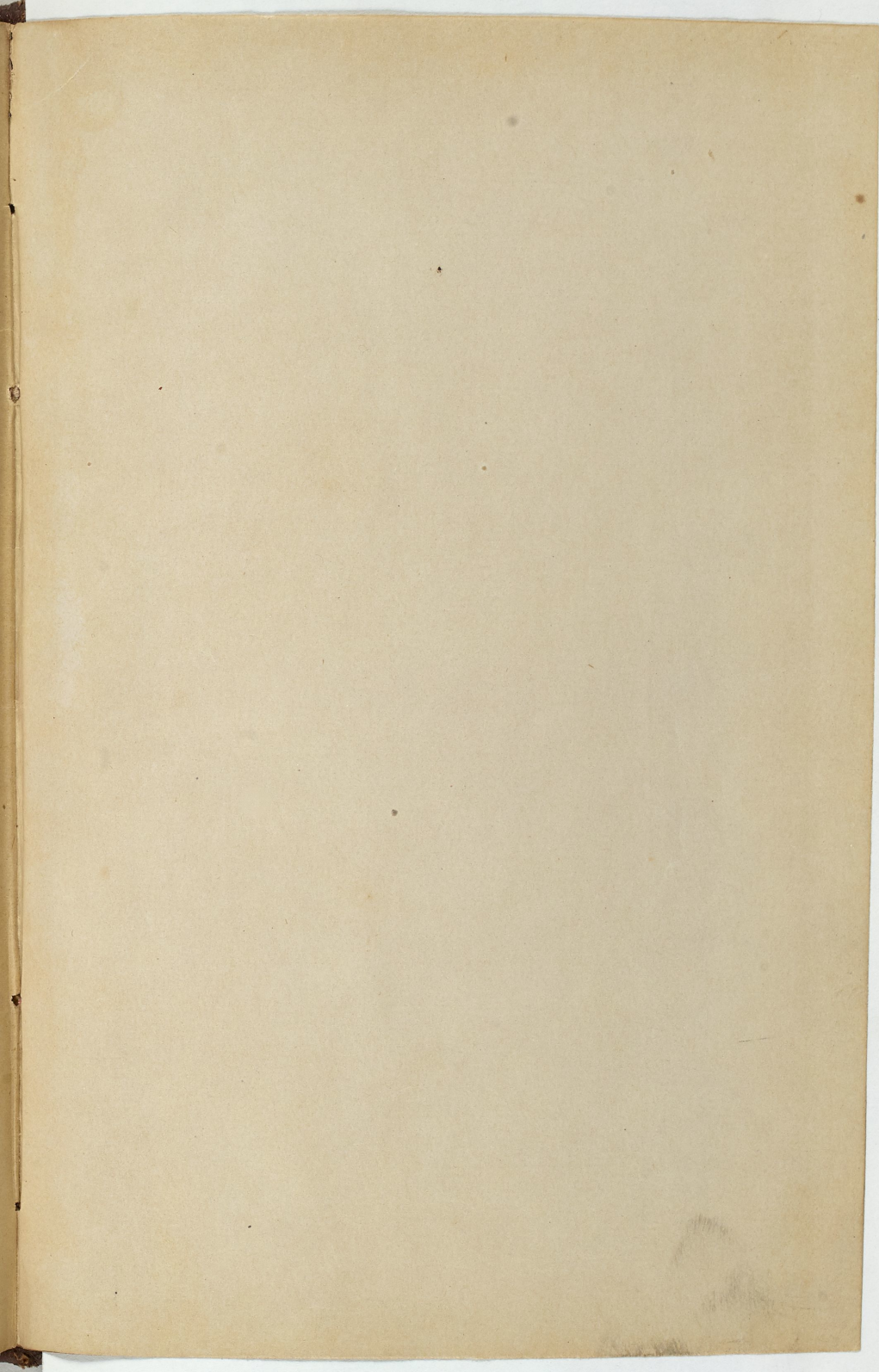
ms. 4wrc 181















کتاب  
نصرات و نجات  
سنان پاشا

بسم الله الرحمن الرحيم  
حمد نامحدود و ثنا نامحدود اول حضرت نزار در که هر ذره  
موجود و هر ذره دانه وجود اول حضرت کت و جوب وجودیه  
و لیل فاطمه و منت بی قیاس و شک و سباس  
سؤل جنابه نزار در که ترتیب ممکنات و نظام موجودات  
اول جنابک و حاکمیت ذاتیه برهان ساطعه بر سلطاندر که  
جمیع عالم سلطنته سلطان قائم بر سجاد که هر موجود  
شیخه قوی و دائم بر ملک در که عالم ملک ملکوت ممکنات  
بر خطه بر بادشاه در که صحن ساری غنچه عرش و سعادت  
بر قبه بر منبر عدل که عدم خوانه ابد عید بر موجود در که  
بوفیق و سبله آخر اعد بر عقل و دین افق ذره کمالی  
کوهر بر دهم نیز بر دامن سراق جلاله ایمر نسطر خاطر  
انسانی که هر وقت موجودات علوی و سفلی تکامل و ترقی  
نفس ربوبیت پوشیده بر جوب و جهر و طایفه عقل  
و فکر ادبی که روز و شب قضای ملکوت و صحرای  
جهنم و جوه ایدر بر قدم الوهیت ساحه سنده سیاحت ایمر



عقول مضارده که الطف مخلوقات و کمال موجودات در لطف  
 و کمال صفات است احصا نده میخورد بی هوش نفوس  
 ناطقه که با لطف عالم ارواح و وسائل معارف اشباح  
 عزت و جلال کونست فنانده دانه و مد هوش گردید که  
 کائنات سرور و موجودات محض است کلامی باشد نده نود  
 است قولی که بنی جان میانه با غلام شود در و جان که  
 علایق انبساط جسمانی و قود سلسل میولانیدن  
 است و زاده شود است قوت لطیفی وجود لری جدید  
 طاعت شود نوافت خود و کونست بجوم که مناکب مرکب  
 افلاک سوار شود نونست عظمت نطعده بز قاج  
 خوار صغیر بیاده شود مولد سفی و نایج عنصری که  
 سخن طبعی قدش جهت به تصور شود جلال و قهری زنده  
 بر نوبت نونست فنانده شود بر علم در که علمه غایت  
 یون بر قدر در که قدرته غایت یون قدم در که عقول  
 متقدمین و متأخرین دانه قدمه قدم با صغر حکیم در که حکای دین  
 و آخرین حکمت و معرفتدن دم و در بر قدر که عشق پوسنده  
 لهور فلک جرحه کبر و اینار بر مجبور که شوق در زندن دون  
 و کون اسباب جرح اشک بر حاکم که قضای محکم سنده عقل کل  
 کاتب دامن بر حاکم که حفظی خزان سنده بر نقطه کتاب مین  
 بر فاد که قدرت نخر بر نده عاجز قلم اعلی بر عالم در که معلومات  
 احاطه سنده قاصر لوح معلی علم قدیمی کلی و جزئی به محیط لطف



عیسی مرکه بسطه سبط رحمد که دو عالم حرت نمین  
 رفیع کریم در که ایکی جهان گرمی دگرندن برقطره  
 غفور در که مغفرتی زلال صحایف جرایم جواید بر عفو در که  
 بر نظر عطیله نجه کما هری عفواید بر قدوس در که زمره  
 ارواح مقدسه سر دقات فشدن بر قدم کج بر عزیز در که  
 هزار جان غریزان سر برده غمتندن بر ذر کشف ایده  
 برقرار در که جلال سلطنته هر موجود مقهور رحمن در که جمال  
 تجلیله هر ذر مسرور سميع در که سمعته آلت یوق  
 بصیر در که بصیرت آفت یوق مرید در که ارادته علت یوق  
 خالق در که مخلوقته نهایت یوق بنواد در که بخشنده غرض  
 یوق حی در که حیاته عرض یوق موجود در که اکامکان  
 یوق دائم در که اکازمان یوق سولور دلی سوزی جهتن کل  
 فصل اول در اما وصلتی ذقتدن کل هر شبه قریب  
 ذری مکانی کل هر موجوده بله در معیته ربانی کل بنوم در  
 عالم انکله قائم فیاض در که همان فیضیه دایم دباب در که  
 کینه بخشی ذریق رزاق در که خزنه سنده یوقتی در  
 غنی در که هیچ فقر کوهر کامل در که اکانتقصان الی بر فر  
 دارت در اول دخی اول مالک باقی در ربیسی  
 جده مالک واجب در اکا واجب یوق اولو در  
 در کاهنه حاجب یوق معطی در که هر کشی به جان غشلار  
 هادی در که هر مؤمنه ایمان غشلار مانع در در نوله



در ملک النده مصل در نه دار اضلای ملکندہ فلاح در  
 باغلو دیلری وود در اونی کوکلری کبیر در کبری اضانی وکل  
 صادق در وعدی خلانی وکل ستار در قولرینک کن بنی  
 مجیب در مطلوب ملک آمانی قاضی در بالوارانک حاجتی  
 جمیع در ہر فقہک مناجاتی کافی در ہر مہمی دفع در ہر ظمی  
 جبار در کتب نہت اکابر ہی یون قمار در کہ خہ زندہ لطفی یون  
 قابض در کہ بطندہ غورایدنی باسط در قبضندہ شکر  
 ایبسی حاضدر ترفع الہنی رافع در تواضع الہینی مل در  
 متغزینی معور در منذلنی عادل در مکندہ ظمی یون  
 صبور در قولرینہ ظمی یون خیر در ہر کہہ نوسری حبیب  
 خیر دسری لطیف در کہ لطفی بی عد منعم در کہ نعمتی بی حد  
 واسعد در ہر شہد و معیت آذن کریم در عالمہ مکرمات  
 آذن مصور در ہر صورتی مہمن در ہر سیرتی علی در  
 علوسی فوقانی وکل عظیم در عظمتی جسمانی وکل شکور در  
 شکور اولان قولرینہ رؤف در رحمت ایدر بحر طرینہ  
 وھب در حیاتی باعث در روائی حمید در ہر دلیل  
 شہد در ہر کوکلہ جامع در آخرت حاضر در ہر قندہ  
 معنی در ہر غنی آذن جلیل در جلالی دانتان رسیدر  
 رشد و انوری حشد و ایمان بولانری مقسط در الینہ  
 منتقد راہلنہ ولی در ملکستندہ متعالی در غنبتہ  
 بدیع در کہ اداغہ نظیر و مثال کریم مبدع در کہ اختہ اغنہ صورت و مثال



کر کمر هم محب در هم محبوب هم طالب در هم مطلوب  
 هم دود در هم مودود هم شاد در هم شهود رقیب در  
 و حاضر قریب در و ناظر خالق در و واحد محیی در و واحد  
 سلام در آفادن مؤمن در عابدان مشکه در نوله پراستور  
 متجبر در نه دار بشور مجید در مجدی حقیقی قوی در قوی  
 تحقیقی متین در مستی محکم در حکمی بهرم مبدی در  
 و نباده معید در عقیده حمیت در ابدانی محیی در  
 کنه آنی باری در خلقی قاسم در زرقی مقدم در اوک  
 کفی مؤخر در صوکت قالاتی ولی در اولیاسنه کسبل در  
 اصفیاسنه ضار در مضرتی حکمدان نافع در منفعتی قدریدن  
 ربید در ممکناتک نورید در موجوداتک **ابیات**

سابقه سالار جهان قدم	حسب بوند کلو ی قلم
لعل طراز کمر آفتاب	حله کری خاک و علی بند آب
رویش آموز درون بردان	روزی براننده روزی خوران
داغ نه ناصیه دران پاک	تاج ده تخت نشینان خاک
خام گئی تخت تیره ها	غذر بند برنده تقصیر ها
دیده کف کور و لان خیال	سرکش دیده دران کمال
برده کش جلوه کران نیاز	جلوه کر برده نشینان راز
مونس اندیشه یحیایان	خانه برانداز ستمکاره کان
بنجر باز حرم نشین دری	نقش طراز طبق جنبه دری
مجره گردان نسیم بهار	خلجی سوز چمن گل عذار



رنک روز فرخی آفتاب  
 چهره غامی نه فرخنده روی  
 نقش نگارنده نیلی تنق  
 غایت مقصود و امانی دل  
 جلوه دهش بد کل روی مهر  
 کو هر کان گرمی کن فکان  
 که حکمی متغیر و کل  
 جمیع جهان فانی بقایست  
 بد بد جان مرغ سیمیندر  
 حلقه بکوش دری در ماه نو  
 مرغ روان فاخته طوق در  
 جرخه روس قطعه نبات اول  
 اولسید قدرت آنک زانمون  
 کنج او در قیاسی درانه سی  
**نم** واحد در که سر اوقات لم بر لیده خرد انیتله  
 موصوف احد در که سر بر لایزالیده و حد انیتله مع دوف  
 فرد در رصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن که کفوا احد **ایات**  
 جهان بادشاه خدائی است  
 سن اولوک خداوند بالادست  
 ویر و حد کردن خبر کائنات  
 نه سا که عدل و نه که عدل  
 نافه کن فی نفس است  
 غایب سالی شب زنجیر مونی  
 خرد و فنانده زرین افق  
 واقف بر نهانی دل  
 مشعل افروز روانی چرخ  
 غرق بحر نعمی انس و جان  
 عرصه تنگی متقدر و کل  
 ملک تعالی و تقدس آنک  
 طوطی دل بسببستاندر  
 لشکری در باد جهان پیش رو  
 بیر خرد طفل ره شوق در  
 درج نه کوهستان اول ویر  
 کافله بو شهر ایدی حرف نون  
 سمع او در جمله سی بر دانه سی  
 ازل تا ابد بادشاهی است  
 وجود کله اولدی نه دار نیست  
 رواند نسیم کله آب حیات  
 مغیث الوری خالق لم یزل



خدا یا سکا در بوتهای سزا      که سبکده جمله سست کدا  
 قوکه مبر حاجت مور و مار      و مکه یا مار سبکده نور و مار  
 غنا دل ز حکله زخم سدا      کلی لطف ایتر قسم غای  
 دکلست جھانده جھانده طولو      دکلست مکانده مکانده طولو

**نش** آنها ملکک با دشا با سن اول دل سست که  
 سکا ابتدا یوق و سن اول آخر سست که سکا انتها یوق سن  
 اول طاهر سست که کیم نید دکلست یلم و سن اول باطن سست  
 کیم کدن کبر نمر بر حی سست که جمیع حی را حیاتی شدن  
 آلود بر قوم سست که جمیع محتاج جستن سنده بولور  
 بر حبار سست که انا جعنا فی اعنا فھم اغلاا ربخیر مہ  
 جبار کرک بوغنی باغلا مشکدر بر قہار سست که و قطعنا  
 منہ الوہابن شیخیہ قاہر کرک جانی ظہارین کیم مشکدر  
 بر سبوح و قدوس سست که تسبیحک ایچون ہزاران ہزار خواہر  
 زوہار و اح مجرودہ معارج علوی و طارم بالا دعائی سعادت  
 علی دہ موج موج و فوج فوج طور و بحر سبحدہ ساج  
 و جہان تقدیس ساج اولوب صولوی نحن تسبیح محمدک  
 غبو قدری و تقدس لک بردا حد واحد سست تو حیدرک  
 ایچون ہر ذرہ بر و ہر قطرہ بحر ان حال و دلالت  
 احوالہ تبیل کو یا اولوب ایدر کہ لا الہ الا اہد و حدہ  
 لاسیریک لہ لہ الملک و لہ الحمد و ہو علی کل شیء قذیر

**ابیات**



ای مقصد وار کید رقیب ی سن  
گر سفر فتنی دلمه سبک راه دین  
آج خرد خشن نظر قل می پس  
سر کوز پیک کور منی دانش در  
چشم سر غماز چشم دل در  
چون یقین اوله که وارد در خدا  
خضر تنده یوق بحال قبل قال  
بی سبب دنده حی و کامل الی  
هیچ موجود آکا بهمت اطوار  
شیب و بالا و نهان و آشکار  
ماه محض و نجم و لوح و قلم  
جمله سی جو دندن انک بر اثر  
سرا بخندن بونوره تابان الی  
جمله اشیا جد در کاه  
عقل کار افتاده جان و کلاه  
دو جهانک اویلی و آخری  
بی تغیر منعم و فاساد  
فتمت امر به اولور چون پیش  
آفتاب روحی کیم تابان اند  
کلیه روح القدس قلبی قبول  
چون حرمه عرب به بل غار اند

روز و شب فضل طلب توحید سن  
صدق رهبر مکی امله یقین  
عقل فرزانه سکا اوستادش  
سر کوز پیک نینه کیم من در  
چشم دلی بیرون اب کل در  
ذات پاکنده دیمه چون در  
ایره فر در کاهنه و هم و خیال  
بی جهت فنده با فاریک حلال  
نیمه آکا لست و بالا و بوطر  
جمله سی آثار صنع کرد کار  
بحر و در خشک و تر و زیر و بزم  
آفرینش هر نه واره سر بسر  
فامو اندن زنده و حسان اولور  
هر بری قدر نجه انک کاه در  
آسمان کردان زمان سواده  
خود کلک باطنی و ظاهری  
بی تفاوت فاعل مختار او  
کردش فلاح بخون مستقم  
بنیه آوده اول بنحان ایدر  
روح قدسی و حب کلی قبول  
حکیم به فرغ سنک اندازند



حکم ایدر اول عنکبوت نه دم اید  
 آب بحری استیجک پل ایدر  
 کاه بر دیوه سیمالتق ویر  
 بر عصا دل ویره در لقمان اول  
 زعه ویر که گهی شبح جوش  
 هر چنگل خرقه پوستی کوی در  
 که با شینه رنگت تور تاج زر  
 طوطی کت بوینده طوق زرقور  
 باره باره خاک ایچنده خون ایدر  
 آلمه بدی رنگن آنک لاله زار  
 هر جنبه که چه اندن رنگت و بو  
 قبله سن بر پان اید امان دست  
 اول وجود پاک و حی و ذوالجلال  
 اول خدای حق و سلطان ازل  
 اول خرمند خرمند اندر  
 بودند اوگدن کیم بوغندی بوجان  
 بلکه اوگدنک وخی بوغندی هم  
 جسمه جانندن نهان دینار آنک  
 بر تو لطفی بدید ایدر صور  
 آتش عشقی جهانی اوداید  
 موبو رک رک بیلور بلکل خدا

فخر عالم تا وارب ارام اید  
 آتش سوزنده بی اول کول ایدر  
 کاه بر دیوه سیمالتق ویر  
 بر تنور دن کوستر طوفان اول  
 ابره شونی ایدر برق و خروش  
 جمله عالم مست های و هوای در  
 که دیزر سینه تاجه کهر  
 بد بدی بغیمبره رهبر قیور  
 تا عشق لعل اول بیرون ایدر  
 بیل ایزدی چنده آه و زار  
 رنگت و بودن پوقدر آه نامو  
 جمله ذرات جهان عزت دست  
 ایزدی چون قدیم لایزال  
 فاعل مطلق حکیم لم یزل  
 اول خداوند خداوند اندر  
 نه زمین و آرا پیدی نه خود آسمان  
 کیم و آرا پیدی اول خداوند قدیم  
 عقل و حیدن اولدی نهان آنک  
 صولت قهری میلور زیر و زبر  
 ذره سی آنک عالمی خشنود اید  
 اول وکل بر موقدر سندن خدا



طاعت کند بود آینه حیا  
 کفر و ایمان عرصه میداند  
 کرمه تو جیدین او نور هر دل است  
 دیده اولان حرف و کلمه خیا  
 کرمه بر غوغا لب بازار دل  
 سول کشی کیم اولدی اول پهل  
 علم و دانش اکا آنجق بود  
 لیک سول کیم کو کلمه شایند  
 ره روانی ملک معنی آکھی  
 سول که خصل غم دور فانی کور  
 هر نه واریه جهانه از جوق  
 جان عاشق دوستی طالب دلور  
 نور حق قبلار و جو دینی غام  
 بیغ و حدت هر فن خنجر حکم  
 بیغ و حدت هر گناب بیلن بحر  
 بزمی هر دم کشتن معنی دلور  
 زمره اراج ایله محرم دلور  
 هر دمنده عالمی سیران بد  
 کاه خرسید و کھی در با اولور  
 هفت اختر هفت زمین و هفت سما  
 انس جن و خلق عالم تحت و فوق  
 کرمه طاعت نیک بسته تاج  
 دلیری و باین جو کاندیر  
 لیک لیک سرنی مشکل است  
 بیک اینکندن ده ملک لایزال  
 حیرت و سودا در اما کار دل  
 غفل و فکر بد ویر و دم غیر  
 دو نمر اکا کیم فیه بدن کد  
 عشق اینده جان کو کینک مایه  
 کشکان خنجر الا الهی  
 هر نه به با قاریه آنی کور  
 نور حق فائده کور و جمل بوق  
 نور حق دار غصه غالب اولور  
 کورخ آندن غیر سنی اول همام  
 سر قور اول کیم به کیم سر حکم  
 اول هوای لامکان ایجره و حر  
 سیری هر وقت عالم کبری اولور  
 ساکان قدس مہدم اولور  
 بر و کوکی نفس جولان آید  
 کاشی کوه قاف و کعق اولور  
 هیچ برینی کند و دن بولور خدا  
 جمله سن کند و ده کور و جوق جوق



کمرت ایچیده باقار اول دعدنه  
 کیده رکت اول صکره بوندن دیکه  
 بحر دعدنه طلوب فانی اولور  
 وار لغنی بیر غوب یکن اولور  
 ماهو سبار و منن دگوا و خوش  
 بر تو ذات حجاب کسیر یا  
 کمره دور خر یوقنی آزار مدام  
 خم دعدن بویاش بی درکت  
 نوره غرق و نور ایچیده منضحل  
 چون حیدر ایه بوکا بولور مراد  
 نول قول اولور حق حق اولور کلام  
 کیمدر معدوم اول موجود ایدیه  
 دار وار اولور یوق یوق اولور دوما  
 ایل کارکت بونی بیلوب اکلا به  
 بر روایست راهین بر فیلور ز  
 یوقه بز فانی و فاندن بومقل  
 سه توحید اول نفس اولور عین  
 قاله بونده کلن طبع و حواس  
 اولدن اول کند و بی فانی ایدیه  
 دو جها نده هر نه دارنادی غم  
 چونکه دانکده بو حال بوله سک

قالم انک اعتباری کشته  
 مرغ جانی بو هوادن ده اوجر  
 اول فنا ایچیده حقانی اولور  
 حصه ایر حصه بنیا اولور  
 کاه جمله چشم و کامی جمله کوش  
 ایدرانی غسره بحر صف  
 یوقن ایچیده بولور وارین قلا  
 آرقه سنده خلقی بر هفت رکت  
 کمره کیم کیمش لباس بی کل  
 که صافین صانه حلول و اتحاد  
 ممکن سن واجب اولور صامه عل  
 یا کیم اولور هستی نابود ایدیه  
 کیمدر کیم ممکنه واجب دینه  
 وحشی یوق برم کبی به سوبله به  
 بر حکایتد که بر نقل ایلرز  
 حق فنی و فانی آنده قیل قال  
 یوقدن طشره حقیقه مرغ جان  
 هم خیال هم دهم فکر و قیاس  
 وار لغن یوقله حقانی ایدیه  
 جمله سن غرق ایدیه داری عدم  
 عارف اسرار توحید اوله سک



کیم نمز شرح حال معرفت  
 معرفت شمس میر و ذره جان  
 بو جیدن کیمه ارمز بر کله  
 کار عالم جهرت و غیر تذکر  
 ارمز اکا بو خیالات و مکات  
 شو که حق بیلدی بیلر کندی  
 معرفت دریا و عارف غرق اولور  
 کیمکه خواص در دریا اولور  
 شاه اولور که کنج و حدت همی  
 شمع بزم اولور اکا نور صفات  
 کورمش ویش ولی ناول اولور  
 عارف چیست ولی جیران اولور

**نش** الهی ای ملک عظام وای مالک ازمنه انام  
 سن اول موجود سکت که کل خساری اکام ارحامده تقدیرک  
 ابد پیدا ابر سکت و سن اول مبدع سکت که خسار کلی ارحام  
 اکامده تدبیر کله هویدا ابر سکت سن اول حکیم سکت که کریمک  
 کور بونی ز کس کوز لوله کنی حکمتک آثاره بین ابر سکت  
 و سن اول کریم سکت که سو سکت زبانی سوسن زبانده کنی نعمتک  
 اذکاره کوبا ابر سکت سن اول محبوب سکت که عیسی زبان  
 کلین نهال نازده شوکت نواسنه نغمه ساز خوش خلق  
 ایدر و سن اول معشوق سکت که زبان عیسی خصال کلین بستانده  
 عشقتک بوسنه نرم کوی دوستان سرائق ایدر



سن اول علیم است که آینه معرفت کده اسرار خفای و معنیات  
و وجهانی چهره روز روشن کنی لایقدر و سن اول چشم است که  
نسیم رحمت و مانع جان انس جان و شام ادب عالمی  
رایحه غنبر است که کنی فایقدر سن اول جواد است که سوال  
سلطان آسمان و زمین و فاضله مواهب موجودات عالین  
مگر ایام و تعاقب شعور و عوام اله نعمت خانه شدن برزده  
قدر است که سن اول غفور است که عفو جمیع جرائم بندگان  
و محو جملہ نقصیات گناه کاران هر نه قدر که بی عدولی آنها  
و هر نه مقدار که لا بعد و لاجبی اوله مغفرت بحر مدن بر قطره  
نقصان کوتوز الهی سن اول قادر قدیم و صانع حکیم است که  
ازل آزلده جلایب اسرار صفات و حجب احدیت زائله  
مستور ایش بر کنه مخفی ایکن دیکه دک که خزینہ انعام  
و سخا آیلوب و برایجا در حمت صایحیلوب خوشید  
خرج لم یزل مشرق از لدن طالع و فیض انوار قدم عرصه ابد  
لامع استعلا مع ذات و ریحه سرای وجود دن و شمس  
عکس اشرفات سطح در بای وجود دن عدم اظلمت یکنه  
منبط و لایج و یقین آینه است نورن علی و واضح اوله یعنی  
دیکه دک که جمال بی مناکت شهدی ظاهر و مجلی و کمال  
بی نهایت شایدی روشن و اشکارا و یغیون جهان  
صورت و نویسنده بر نقش عجیب رسم و کارگاه ایجاد و نویسنده  
بر غریب طلسم ابداع ابد است که کنت کثر انحصافا فاجبت



ان اَعْرِفْ فَخَلَقْتَ الْخَلْقَ لَا عَوْفَ بِسْ بِدَقْدَرْتِ قَاهِرَه  
 و باین حکمت با هر که ارادت فلن آلوب لوح ابداع و تحت  
 اختراعده جمیع مکونات سابقه و لاحقته نک و جمده موجودات  
 متعاقبه و متلاحقه نک سواد عددن باض وجوده کلیک صورت  
 حالنی و کیفیت احوالنی بر سوب این تصویر و بر مثال دیگر ایندک که  
 وقت ایجاددن ابد الابداده و کین هر موجود اول تقدیره موافق  
 و هر صورت اول مثال مطابق هر حرفی نک صورت عملکرده کاین  
 و هر ذره نک مثال اول لوحه کاین بر احدک زهره سی یوق که  
 آنده بر حرف آتوره و کیمیک نک قدرتی یوق که آندن بر نقطه  
 کیده سن اول حاکم ازل و قاضی لایزال سک که قدم قلمبند  
 هنوز بر مخلوق پیدا و کل کن و فضاک محکمه سنده هنوز بر ممکن هویدا  
 و کلکن شود پد علمیه و مینات حکمیه کله اجرام به علویه  
 عناصر رباعه سفلیه بی تزویج نکاح ایندک که تقدیر سبحانی و تدبیر  
 رحمانی بسببیه جهان صورته و عالم شهادته اول باو کرکات  
 بومها عظام اید از دواجی واسطه سبیل جری عاده حق و قانون  
 نظام خلق ادرینه رحم عددن مولدیت لهوره کله که هر مولود کنی  
 استعدادی باینکه تسبیح و تمجیده و هر موجود کنی حال باینکه  
 تقدیرش تو حیده اوله هر صورت سنی کو سترک ایچون بجهانه  
 و هر حائده سندن برتانه هر تعپنده بر یوزدن لطف  
 و کمال و هر تحفده بر درو کجی جمال هر ذره ده و حدایتکه بر مینه  
 فایده و هر ممکنه قدر که بر حجت ساطعه ظاهر اوله



فنی کل سئی له آیه      ندل علی انه واحد  
 دو عالم اکا دیل برهان      نو جیدن او فور جماد و جوان  
 هر ذره کم بود ه مست اول      هر نقطه کم حصیض است اول  
 جمله انی جان بده طلبکار      لیکن بریسی و کل خبر دار  
 آنده کم حیریم بی نیازی      اندیشه اولور خیال بازی  
 الهی سن اول منور سکت که      ذکر ک هر کیمه موفق  
 اوله موفق اقبال سن اول منور سکت که      شکر ک هر کیمه

میسر اوله میسر مال      **ابیات**  
 بنده اولان موکسسه شاگرد      غیر و سرده خیر اید ذاکر کرک  
 غم اولور سه دل انی نعمت یله      رنج اولور سه دل انی رحمت یله  
 شکر بر نعمت رحمتی بدید      شکر نعمت موجب جلب خیرید  
 شکر دخی نعمت شکر یانه      عجز کی بیگ همین انجی سکت  
 عجز شکر اولور حقیقت شکر ییل      عجز درک اولور کمال درک ییل

ای خالق هر موجود      **نثر** ای دایم هر کرم وجود  
 ای قیاح ابواب سرت ورتیاح      ای مبدع طره مطرای شام  
 و غره غای صباح      ای زمین و آسمان نور کله روشن که  
 نور السوات و الارض مثل نوره کم کاه      فیها مصباح قوٹاشقان  
 سبحات جلالتکله نور      انفاس مشتاقان لغات وصالکله معط  
 ارواح رافین زلال جمالکله عطشان      اسرار و الحین جمال کمالکله  
 حیران      دل صدیقان تجلیات غرت و جل کندن بی هوش  
 جان مقربان سطوات عظمت و کمالکدن مد هوش      فتوح ملک



جهانیان بنده در کاهک الوغله آسایش جان عالمیان  
 خاک بار کاهک الوغله ترنم بیدان بوستان مینا بر شجاده  
 ثناء قدر تک ایون تبسم کلکسان فصل چهارده نجب حکمت  
 ایون هر محضه که بر جمع دار سوخته عشقت در و مجبده که بر جمع  
 دار اخر وخته شوکت باران شیر غم بستان انعامت شکان  
 و کر سکان زخره انسانه لطف و انعامت در سیر باران  
 بستان دایه غمادن دهان طفلان باغ وستانه عین فضل  
 اگر اکدر که پوادی بنزل الغیت من بعد ما قطعوا وینشر رحمت  
 و هو الولی الحمید سجایب در بار قطرات امطاری صفحات اقطار  
 اور زینه لیل و نهار با قدر یعنی سنک تقدیر که و غواص بر  
 بهار عقیقه و در اید آبداری قمر بخار زخار و ن کتوب بار ارجن کلاره  
 عرض آید یکی سنک تقدیر که جرح طولانی فکلی کمال قدر شکله روز  
 و شب کردان ایدر سنک و هر برگوزه زرین و سیمین کوکبی دل چرخ  
 بر لرزه ملحق و سر کردان ایدر سنک تا اول حرکات غایب و اوضاع  
 و حالات و اول اوضاع عجایب ارتباطاتی و اوسطه سبله حرکات  
 مخفوت قانون نظام ممکنات و زینه جهان باغنده کائنات  
 انواع نباتات و حیوانات و عالم کون و فاعده اصناف متحدات  
 موجودات هر فصله اول فرجه مطابق و هر دمده اکا موافق  
 اکسیت و لمبوب و اما اول باغ زیب و زیندن و اول کلکسان  
 صن و بهجتن خالی المیه الهی ای بادشاه عالم ای موجود  
 جن و آدم ای صانع دانا و ای قائل توانا ای مظهر بدایع حکم



وای مبدع لوح قلم ای خالق ناز و نور ای رازق ماردور  
 ای کن بنده ابواب رحمت ای نمائنده اسباب مغفرت  
 ای مبدی و معید ای قاهر و جبار و غنی **ایست**  
 ای برآزنده مه و خورشید نقش بند جواهر بیم و امید  
 بی قلم صورت بدیع اندک بی ستون خیمه رفیع اندک  
 مایه بخش عقل اولی سکت خاطر صورت و هوای سکت  
 ذات بچونکه بدایت یون بادشاهانکه نهایت یون  
**نشر** سن اول ملک سکت که ملک که غل یون  
 سن اول عزیز سکت که عزیز که ذل یون سن اول سلطان سکت که  
 سلطان که خیل و خشم کرکن سن اول پادشاه سکت که  
 شاهانکه خیر و علم کرکن سن اول قهار سکت که سلطوات  
 قهرک ایردب لمن الملک الیوم دیدیگت وقت زوایی  
 علویدن و سفلیدن بر حدت جواهر طاعتی اولم کنه جلالت احدیگه  
 سد الواحد القهار دیو جواب دیر یگت کنه یک معارضه به  
 استطاعتی اولم قنی اول لاف جباری و مباهات جفانداری  
 ایدنر نیچون اول کونده اول لافدن دم اورخرز و قنی اول  
 دعوی منصب و جاه و مدح رفعت بارگاه ایدنر نیچون اول ده  
 دعویاه قدم باضمز سن اول قدوس سکت که ذات مقدس  
 تقدس مقدس ان تسبیح سبحان بی نیاز در که ان حسنم  
 فلکم جمله وان اسم فلکم و باله سن اول واحد سکت که  
 سرحدیت و حقیقت محمد بنک توحید باکان و شرک بی باکان



منزه که حقیقه الصمدیه منزّه عن جماعکم و دو باکم الهی  
 سن اول کریم سکه که مشارب کریمت زاخر و صافی و سن  
 اول منعم سکه که رؤسب حکمت و فروانی بقیس سبا  
 سماکه جرح محرو قواری قصر میناده دور بندۀ دیکاه قدرت  
 عجیبکدر و قدین مرصع برضیا که طاق محراب بیروزۀ فلک  
 معلا ده نیز سعه انوار حکمت غیبکدر طارم قبه بالا و عرصه  
 ساحت بستی وجودک نوریده روشن اولدر بهفت صفه کلستان  
 علویات و چهار گوشه بوستان سفلیات رحمتک آرایه  
 کلشن اولدر غیب خزینه لایک عیسی قبضه قدر نگه  
 و کیز نو سر لک طویمسی دست ارادنگه علم حکمت کوهر لرینی  
 بیدین سکه و اقبال سعادت پولدینه یدین سکه  
 هریمت که نفده اوله و هریت که کوکله کله علم قدیکده جمله  
 موجود و کتاب مبسکده جمعیسی معدود هر دانه که خیابای  
 بسیط خاکده مکتوم اوله و هر نقش که زوایای محیط افلاک  
 مرقوم اوله هر ذره سی دائره حکمده داخل و هر نقطه سخی محیط  
 حکمتک شامل سواد سرمه دیده ابوان صحرا و بیاض کوهر دندان  
 ماهیان دریا حکمده قلمتدر که بعلم مافی البر و البحر و برکت  
 زان فصل خزان و سکوفه هر باغ و بوستان کنایه یلمتدر که  
 و ما تسقط من ورقه الا علیها و لاجته فی ظلمات الارض و لا یطرب  
 و لا یابس الا فی کتاب مبین هر رقی ورق خضر که درختن خدا  
 اوله بیور سکه که اینجبه قاج کرده دور قنغی پوزی و درینه پره اینر



اول برده نورور کیدرمی و یا بر حیوان آبی یودار می اول حیوان  
آنده می کله کرک و یا خود اول اکامی دایسه کرک اول حیوان  
عاطله موجود میدر یوقه هنوز کم عدده محفوظ میدر سر قده می  
اول کرک مغزیده می کجه می یسه کرک یوقه کوندور می آنک  
تفنده نه اثر اینه کرک اکا اصی بان نه دیرسه کرک جمله سین  
ازنده بیورسک و عکاک اوزینه طور رسک نه بیلدیکه احتمال  
زوال دار و نه عکله تغییر و انتقال دار الهی سن اول عالم  
اسرار ازل وابد و کردار هر نیک و بد رسک هر نه جزوی که  
خیالات واد با همه کلور و هر نه کلی که عقول و فها مده سلور  
جمله سنه عالمسک و دیده دیکک کبی حکم رسک هر مولود که آنا  
رحمه دوشه ازنده بیورسک که ذکر می در انشی می تام خلق  
خشی می خوب می اولور یوقه رست اهل دوزخ می اولور  
یوقه اهل بهشت عاقل می اولور یا دیوانه آشنا می اولور  
یا بیگانه عالم می اولور یوقه جا اهل ناقص می اولور یوقه کامل  
غنی می اولور یا خود فقیر شریف می اولور یوقه حقیر عمری  
اوزون می اولور یا قصیر جسمی کبیر می اولور یا صغیر جمعیسی  
علم غیب مطلقه موجود و جمله سی لوح نقش کله مضبوطدر  
برواز عقاب عقول انسان بالای الای آسمانه اسرار غیب  
قدر که یتیم که وعده مفتاح الغیب لایعلمها الایه و طول  
عرض و قدر خیال محاسبان ارقام اعداد اجناد جلال عرسته  
و فایتم که و ما یعلم جنود ربک الایه کاه ماهی میدان نضا



لایق ملک اعلامه برکوی رخشان ایدرسک دکاه کنه  
 آتی دست سمجھ کر دون معلاده برسپین جوکان ایدرسک  
 کاه بو اوراق نیلی کت اب آسمانده آئونه یارلیس برنون تابان  
 ایدرسک دکاه برسفره پیروزه خوان احسنده برقطعه نان  
 ایدرسک کاه زین اوروب خنک کردونه سوار ایدرسک  
 کاه زینت یخون ساعد زپره به سوار ایدرسک الهی مهره  
 یکی شمع در که فراشان قدرک خلیفه زادگان انی جاعل  
 فی الارض خلیفه شک مجلس حضور یوچون یاشلدور دیدی فات  
 سادات برقبه در که صانعان حکمتک اول شهراده لک سرای  
 سرور یوچون یاشلدور ماه منیر نوکارستان سنکده  
 برکیونند شیمینی زلف شب تار در بر جرج برین فلک تنجانه  
 عنقده بر حلقه زرین کوش بتان تار در الهی سن  
 اول قادرسک که جنود قضاک منصور و سن اول جواد اسک  
 وفود عطا پاک موفور سن اول عظیم سک که غت و غطف سک  
 معترف اولون و اخرون و سن اول کیه سک که کبر مای جبر و سکه  
 منصف متقدمون و متاخرون و سن اول حاکم سک که مهره امه  
 قضا و حکم اینده ک همین کون تکیون

### بیات

قدیمی توانا که جان جهان آنکه بولور جمله نام دستان  
 عطاسی فراوان و بی انتها نه الملک و اکحد و الکبریا  
 مطر اگر چهره کل اودر کره بند کیوی سنبل اودر  
 سرای جهان کلبه شوق بهای خرد و متمدنی طوق در



منابع گشای شراب جهان      در رباع جسمه دل آب روان  
 نیا که مبدع کائنات      زبان جادو روان نبات  
**ن**ش الهی سن اول موجود است که محکوم هو است  
 شاعدن بر ذره سید و وجود کونست که بر نون بر سید  
 هزاران هزار صورت دلربا و حصه جان فرای کم عددان  
 صحرای وجوده کتور است و سن اول موجود است که جلال دانست  
 د کمال صفات سید هر موجود ممکن و هر محکوم است  
 هر نفسه قولغه وجوده کتور است سن اول جبار است  
 پنج جبار کردن کتوری سر غرودکی نصیب نشه تا تمام  
 ایدر است و هزار فرغانه بی مالری فرعون موسی کبی بر آغاج  
 باره سید زبون و رام ایدر است اگر مورخ جمل متین  
 عنایت که شک اید و دیده ماری اکسه سندن حکم  
 و کورده با ضعیف چراگاه حایت که بول بوله اصل که حکم پنج لویه  
 الهی سن اول رهن است که کشتن فردوس رحمت حدیث است  
 کم کلارد و سن اول نصار است که لطافت جسم  
 عضمت است اولی شر ایدر **بیت**  
 هشت جت لمعه انوار در هفت دوزخ تابشون نادر  
 سن اول عظیم است که علم کتاخانه سندن بر نقطه است  
 احرا چون طغوز فلک بر آریه بوکولوب بر هم المند  
 و سن اول معتم است که زبان حال عقل کل نسرال و نعمت که  
 اخس بکم المند عقل دور بین و کبریش ایدیش ذات



چو نمک در آینه جبران و هم نیز کام خیال جهان نورد صفات  
سیرنده سرگردان اعداد اعداد رحمت کثیف اخصا و مضیق  
شماردن بیرون لطافت آسمان در بین بدایع حکمت و صنایع  
قدرت که مشحون **ابیات**

هر نه به با نسک دلیل و نذر  
جمله آسپا مصحف آیا نذر  
عش و فرشت قطع شتی خاکدور  
خرد و کل برهان ذات پاکدور  
اولین و آخرین همنون  
ایندی ظاهراً جمله بی برکات نون  
روز و شب چرخ دور و بگردان  
روز و شب مه تابان ایدر  
ذات پاکتی هر چه نذر بر نون  
فاعل و نادر بی حسد و چون  
بوجهای غفل و جان حیران نذر  
کوی دهر جمله سرگردان نذر  
کیمه کم سودا سی در در سر بلند  
مرغ جاندر دامی به مای بند  
صنع جوینیم لطفی اظهار نذر  
آب و گلن قابل دیدار در  
مبدع بی عون و بی التذاول  
خالق بی غایت علت در اول  
ای که سن سبک باطن و اتم سکار  
رحم و رحمان و حی و کر و کار

**ن** الهی سن اول قادر حکیم سبک که خیر که نول طر و فی  
در و ک که آنی کور و کله کل دل آجلوب بر صفا اولور و کل خیاره  
سول نصاری در و ک که انکا قار شودل شکل او تا نوب غرق حب  
اولور الهی سن اول قادر سبک که نخل بند قدرت سبک ترتیب  
تکلم موجودات و تولید موالید کائنات و احیاء سبب و ازاله  
دوران و اعلان اعداء سحر حیران جهان ایچون تن و دل معلقه  
اجرام کوکب و مصباح منوره نجوم ثوابت به سرفات مناره



قبه املک و درجات طاق سهری املکده هر دمه بر وضع  
 غریب پیدا و هر اعدا بر نفس عجیب هویدا اید که منجان عالم  
 اول اوضاعت از مالتی حکمتی جبران و موفقتان بنی آدم اول  
 و کمال و قاطعی ادرکنده سرگردان گردد فرشتان حکمت و جهان  
 قدر است عبادت عبادان سکان ارضین صولات معکشان روی  
 زمین اکنون رطاق محراب سرور کرده و درون فضای قبه  
 جرح تنگونی سجاده سبز باکی روی مسجد خاک اوزرینه سسط ایدوب  
 دوشهر و دوکلان مقابل در حکمت و دوکلان خزان نمیشد  
 صاع مرصع زمین فصل بهارده انواع در کوهرله و زمان خزانده  
 صفوف سیم و زرله دولدیروب جهان نعمت اکنون عالمه شمت  
 ایدوب ایدوبرلمو خوان لاریست سقره باط هامون  
 و صحن سبط ربع مسکن اوزرینه مولد مولد کائنات و صوف  
 طعمه حیوانات و نباتات در خوان سبانه و ترتیب بادشانه  
 کیم عالمک ساهری ویدی املک بادشانه اول خوانک  
 نوله سنگ کم کداسید و زرق اولدن و خرن و مولد متعلقین  
 و متاخرین اول سقره انفاسک اذی عطا سیدر الهی سن  
 اول مندر ازلی و مدبر لایزالی است که هر موجودی موجودات  
 عالم کبری و صغیران هر ذره ذرات جهان لیست و بالادین  
 بی حکمت اعلی و بی مثل غایب بر محبوب طور رسک سن اول خلوق  
 برست تیره کردن و بر آودج عیار ناباکدن ایکی عالمی بر آرای جمع  
 ایدک آدینی آدم تو دیک بری عالم جسم اسکارا بری عالم روح



و نایدا بری عالم طاهر کشف وری عالم باطن لطیف  
 برسی کنج خانه عصمت برسی کارنامه حکمت مشاطه قدرت  
 بر قطره آبدن بر عروس زدیوب اول سکریک عالم جلوه  
 اندر وی که انک مقصد خطیب ازل منبر ابداع ده بو خطبه حمد  
 ابتدای فنار که اسم حسن الخاقین معروف عقول محض گروین  
 بوضعی او تو دیکمی لقد خلق الانسان فی حسن تقویم بر ترکیب عجیب  
 در صورت غریب پیدا اندک که هر کورن صانع که بر مریدان شد  
 مشک ساسی اوله و بر مشک بر دیش که مفر ساسی اوله بر مشک  
 دوز دیش می فروش اوله بر می در مشک تکران اوله بر قد  
 سرور داند بر یک در که جان رواند بر یزد در که حب که کج  
 بر دیند که سوله بیک کج بر دیند که در خسته دوش بر دود  
 نعلایه دوش چشم در که عجمه کج بر زلفدر که غنیه کج بر آن در که  
 بدر ایش یه دوش بر فاسد که مشک تونو بایه دوش بر دیند  
 خفه یا قوت ایش بر سخن در که خانه خدا قوت ایش بر سه مار عقل  
 حوس قوشه بر س ایش بر طوطی جاندر که تن قفسه نیش ایش  
 بر داند که آینه وجود مطلق ایش بر کوکله که همین عرش کاغذی ایش

### ابیات

عقلد بر نور پاک دود کمال	عالم آنکه بود بر جسد کمال
سعه سی دل خانه سن روشن قلوب	تازه و خوب کل کلش قلوب
عقل فرزانه جو اوله همسین	الکس اوله نکتة علم البقین
روح دخی بکه امر کرد کار	عقل ددله دفر آنسین کار



نفس و عقل و دل و خی و سمع و بصر اولیای روح اولیای زیر و زبر  
 جسم با کت سر بر چون جان اولی لایق شایسته جانان اولی  
**ن**فس الهی جمله نقاشان عالم و مصوران بنی آدم بر نقش  
 تصویر و بر صورت خیزر اینک ایستاده بر دایره و روشن مقام  
 بر کن نشسته است او ستوده اندر بر سن اول مصور از لیس که  
 بر قطره شکر آب او زنده رحم و حکم شک و تار کنش بر صورت آدم  
 تصویر اینک که جمله نقاشان جهان و صورت کران روی زمین  
 که غامه جهره کت و صورت عبرت خالری جان آوری عبرت بر قرب  
 و عقل اینک آینه و طبع صورت انجمن لری خاطر مانی جبریده نور  
 بیخ اول صورت این تصویر کیستایسته بر صورت تصویر و وجدان ایده  
 و اول نفس کارک حسن زیبا سنده چهران و سخنان قالدیر  
 و جمیع و صفایان جهان و شهبان دوران اینک شهبانده عابر  
 و سرگردان اولی سن اول حکم سن که نیجه مخلوقات همان  
 سجد بار اندک مار و ماهی مثال و نیجه شک راکع بار اندک که  
 بهایم مثال و نیجه سن قاعد بار اندک اشجار و نباتات کبی آدم  
 خلاصه موجودات و زنده مخلوقات در هم راکع و هم سجد هم قائم  
 و هم قاعد بار اندک که بر هیئت بر هیئت دافع و بر شکل بر شکل  
 مانع و کل الهی شک بنی آدم انعام کبی عدد الهی شک  
 ان نه اگر انعام کبی عدد الهی مخلوقات و بعضی که زمره ملائکه گرد  
 شوند بار اندک که محض روح مقدس و عقل مجرد و وجود لری دود  
 آتش شحوت و غضبیدن مبرا و صفای خفیه و مسدود و بخندن معرا



خوف جلال است سبحانی لوازم حالندری که بخانون بهیسم  
 من فوهم و بفعلون مایه و عون ذکر عظمت و کبر مای رحانی معارف  
 و اثری که بسجود التلبس و نهما لایفترون عصمت لری جلی در  
 هیچ آلوده طغیان و عصمت و طرکه لایعصون اند ما اعرهم  
 و طاعتی طبیعی در اصلا ایمنه استکبار و غفلت و طرکه و من غنه  
 لایستکبرون عن عبادته هرری حکمت اوزینه فوهم و کبر اول ملک  
 طاعتید و هرری برصلمه موکل اول ملک که اول ملک عبادتد  
 هر برینک خدمتی داشته لازم در و هر برینک عبادتی وجود لری ملائکه  
 انما که قدرتی بود در ترک انما که طاعتی بود در خلقی غفیر و جوری  
 جلی در و بعضی که کوائف بهایم حیوانات در سوره یار اندک که  
 ترکیب لری همین دعاء شهادت حیه و مقصود لری هماغه لذات  
 جسمیه در همتی خلق و فوهمی ایست مقصور و فکر لری خلق  
 و لطفی نسبت مقصور و اندر ده داعی طلب لذات روحانیه و باعث  
 همت معارف باینه فوهم اندر خلقت لری اول قابلیت و برینکه  
 عجائب قدرت الهی دن عبرت آله و جسد لری اول استعداد و توانا که  
 اسرار حکمت یاد است می معرفتی اول هرری رائل اخلاق لری  
 برصفتده تمام غایت و برصفتده طرف نهایت در کمی حصرده  
 اعلا جی آله در کمی نهوش غایت کماله در کمی غصیده مغرط کمی  
 جسد مغرط کمی حصرده معرف کمی غل ایست موصوفه کمی حیه  
 و تبسده مشهور در تمام تفصیل عجائب مخلوقات مذکور اما موجود  
 آراسته انسانی سوره یار اندک که وجودی هم خیره قابل مام سره



مام نفعه قابل نام ضره صلحه ده استعدادی دارف ده ده صلحه  
 قابستی دار رت ده ده حبلی مستعد کمال و نقصان و خلقتی  
 قابل طاعت و عصیان اگر چه طبایع و سهوات حیوانیه نک جمیع  
 الت و یلت لیکن اطلاع اسرار معارف الهیه به دخی تمام استطاعت  
 فوئش اگر چه لذات جسمانیدن خوش دوقی دار اما لذت دانه به  
 دخی تمام شوق دار ایکی عالمان دخی نصیب حصه سی دار و ایکی طایفه  
 دخی حکایت و قصه دار برنه واسطه جان و دلید و ریخت آلتی اب  
 و کلید اگر شویله فریده طبیبین قلوب کتمه به و کلین خوش طسره  
 جمیعته بونک منزله سی بهایدن ادنی ولور که آنز مخر کن قالدیر  
 بو بولوب اول معافی خشت راید انز عاجز اولوب آید ایتیر یوتیر  
 و اینکن انق در ایدر اولنک کالانعام بل هم ضل سبیل  
 و اگر شویله که معارف ربانیه اید موصوف و اخلاق ربانیه اید معروف اوله  
 بونک مرتبه سی ملاکدن عمل اولور که انزک خلقت ربانیه اول و یلتی  
 ایتیر و انزک جبلتدنده اول فوئش دی کتور دیر خلافت ان که  
 اختیار به بونجه لذاتی رکت ایدی و قدر فی وارکن بودر شهواتدن کدی  
 بوسیدن او توردر که بو طایفه نک کلی و بورعه نک کلی حصنه  
 کاه کور که نکان قاب فوسین و ادنی و کاه و غور که لمع اندقت  
 لایعنی فیه ملک مغرب و لایس مرسل حضرت ابراهیم خلیل اید  
 صلوات الله علیه و سلمه مشهور در که بهای همتی سول قدر عالی قدر  
 ایدی که طایس رسالت دخی و عنقای مغرب ام دخی حضرت جبریل  
 علیه السلام آنش مروده کله کی وقت اما الیک فلا یدی



و خاتم تکبیری نبوت و در صدف فتوت کل باغ رسالت  
 و سر بوستان جلالت خواجه جهان جهان و جهان اسد جهان  
 حضرت رسلان صلی الله علیه و آله و سلم منقوله که روز منقحات  
 او این سوره حضرت رسالت آنجه سدر سلور دی که جبریل حضرت  
 پیغمبری حتی بعضی آنکه در دخی وقت حضرت رسالت علیه السلام  
 عرف و بدی حضرت جبریل علیه السلام تعجب آید که بن خود سکا  
 بیل بر دم سن نه دن سلیک و بدی نیجه و با بونک کبی فرم اول  
 و شهادت افعال دلالت آید که مکمل بتر مقام ملائکین که اکبره زمره  
 حکماک اغتفا دلری بود بکم بتر عقول مرتبه سندان کجمر دان  
 هر نه قدر کامل اولور سه مجردات مقامنه و افر نکلن بو قصور نظر آید  
 و نقصان فکر آید که ان یک مرتبه سیک آنجی اکلا و قریب سلور  
 و کنگک مقامربنی مبین عقیده و ایلان صانور و اندن خبر لری  
 بون کیم بونک اهای دل عرش شایانر یک دایره عقیدن  
 خارج فضای مقدس عالم غیب مطلقه طیر انوری اولور و طایرس  
 کلا باغ و انور یک محوطه فکرون طسره کلان صفاء حضرت  
 احدیت حقه جولانری اولور زمره خواص ملا علی و کل ملائکه  
 علی حده عرش صورت ایسه بونر حله عرش حقیقت در که قلب المؤمن  
 عرش الرحمن انزخی تعالایک بواج صفت منظر اولور سه انسان  
 کامل جمیع اسماء الهیه به نظر در که ان الله خلق آدم علی صورته  
 اول طائفه تغریب و تجریده قلمش در تمثیل و شهادت خبری  
 بون انسان کامل یکسده ده مظهر و شدر هیچ برینه دخی نظری بو



آنکه هر بری بر مقادیر شویبۀ قیامت که باز سکا بر سر قدری  
 اول مقامات فضا شدن بر قدم ایزد اوجیه و های همت خاوند شده  
 بر مرتبه بود که اندن اکاد و کعبه هر حال اندن اکاد و در دخی حال وارور  
 و هر مقام اندن بر مقام انتقال وارور در هر استیث عدی بود  
 و مقامات عدی بود. سیر فی الله غایت اولی و در یای الهی به نصابت  
 اولی فی اکمل ارباب کوف ظاهره و صحت فواید ظاهره که نوبت  
 حق فنیق و قیاد و ایمانی بطرفه طریق نیست در سون اوزر نه الهی  
 و بوسه ده اتفاق نیست در یکم علوم بر علوم ملائکدن و خوشی  
 خواصندن افضل و کلدن شویبۀ که اول صدایب و بیوای صفیا  
 بوجین آدم سرور سر عالم بعل خوشنوی و ما بطق عن الهوی  
 سواره معبود لغای انجم اذهوی رسول عرب و عجم مبعوث  
 فنیج انجم حضرت رسالت صلی علیه و سلم جمیع نفوس مقدس  
 افضل و جمله عقول مجرد و دن اکلدن جبرئیل بر مقام وارور که  
 اندن بر قدم اکاد و کعبه طاقی بود و اول صدایب بر مرتبه وارور که  
 اندن بر نفس ایزد دم اوزر استطاعتی بود و اما باز عالی مقام  
 دل نبوی و دس خوش خرام جان مصلحتی اول مقامات جمیعندن  
 کردی و اول مقامات دن بوسه اوجادی اول سببند که روح  
 مظهری مفضو و کل کل مفضو و ولدی و روان منوری مظهر اول و اصل  
 موجود و ولدی صورته صوک ایبه مضاده اول ابدی وجوده متاخر  
 مرتبه و افضل ابدی جمیع ملکات بار الهی حکمت است وجودی ابدی  
 و جمله جهانک طاعتندن مراد است سجود ابدی است وجودیله جهان غنه



زبور کلدی و انک شریفه نوع اسما نه رب و فرکلدی انک برکت  
 بنو نو عک کلا فی نامقد و اولدی و انک تفضیل انک تفضیل  
 نامقد و اولدی و لقد کرمت بنی آدم و حمدت بهم فی البر و البی و فیما هم  
 من الطیبات و فضلناهم علی کثیر من خلقنا تفضیلا **باب**

بهیتر آفریده او در  
 بهیتر برکتیده او در  
 بهم نظر ده اولدی در الطیف  
 بهم کما لست جمده و ان شرف  
 نقش کشی نقش بند اول  
 هجج صورت یاراندی اول  
 زنده جار طبع و شجاعت اول  
 اختر آسمان معرفت اول  
 حامل کلفت مجبیده اول  
 خلقی مستعد استکمال  
 انک اینده در ازله خطاب  
 طایر ام آسمان روی زمین  
 انک ایچون خدا یاراندی مبین  
 فرشتی غریب اطمینانی  
 جرح بیرونه کوی چو کانی  
 حکمت و عظمت و کبریا بیست و علم  
 همت عالی و عروت حلم  
 جمع ایدوب جمده انده خودی خدا  
 قصه کلدی علم الاسما  
 خالق خلق ایندی بی چون  
 فاعل کارگاه کن فی کون  
 حمد و انندی سنی مقصود  
 هنر به کیم اول یاراندی در وجود  
 خلق اینست مفضل ایندی سنی  
 خاک ایدوب اول مکرم ایندی سنی  
 بوخه محبتی رام فیله سکا  
 کانت فی غلام فیله سکا  
 کونکلی کعبه سدی انک ایچون  
 فی سکی عرس ایندی کند ایچون  
 روز کارک کجه بو سبر تله  
 بس سکا دونه می که غفلتله



بسیله سگ کیم ابد و گنگ من هیچ  
بو بخه غر و شرف وره اوسکا  
قیمتی جو هر سگ انکی حصا  
دار دروشن کل که باشی اوسکا  
نفسی چه ابد که نفیس له سگ  
سندده هم دبو دار همه ملک  
دبو اوسکا سگ اوله سگ مکی  
دیو اوله سگ که ره نهای که  
که سکا عقیل ابد رسه بن نفیس  
جمعه بدوب نفسکی مجرد قبل  
کوهر شقی زبور جان ایت  
سعی قبل جرح مرقد اوله سکا  
سن که بی کبر و بی ریا اوله سن  
طالب سخوت محال اوله  
خوب روسک ریس راوله  
اول محاسنه تازه روی لطیف  
مسکت کیم بولمنه اول  
خاک راه اول که شرط اید  
فیل مهربانه حقه خسوع و بکا  
مقصودک عالم الطیر در  
بی ریا راه حقه قوسن با

نه به کلک نه ابد و گنگ من هیچ  
بسیله سگ انکی غصه خطا  
ایتک انکی باغسیده نهان  
جوهر کی اوله که ناک اوسکا  
اکا اوبار اوسکا حبس اوله سگ  
سندده درهم زمین و دخی فلک  
قدر و غصه که سگ فلک  
افضل قبلین س که مفر  
مهرنگ کار سکا و علیان  
طلب دولت مؤید قبل  
قصه آب حویه امان ایت  
دار دروشن عرش مسند اوله سکا  
خاص درگاه کبریا اوله سن  
سکن خانه خیال اوله  
راست خوشک دروغ کواوله  
تاشی جمعه خلق طونه شریف  
سندان اوله از قبول هیچ عمل  
جاه غلت کوزت که جاه بود  
روز و شب اول میان خوف و جا  
بی تاب هی و بی تاب هیدر  
خالصا مخلصا برای خدای



طمع و حرصه سن هرید اوله  
 هر نه واریه نعمت دنیا  
 وار در حق سر فراز اوله سگ  
 عوشت حضرت خداوند اوله  
 نیجه به دکت لوا ف کعبه کل  
 صاحب عارفان صادق اوله  
 طلب صحبت مان ایتمه  
 ایتمه کل انفسات بدکاران  
 اوکمر اول که اید حلیت تنیس  
 بار اید نه صافین که نادان  
 بومشدر عجمه کی روشن  
 جهد اید و بسن فنی عالم  
 عدله طوت نه ایشک کشتی  
 اعتدالی قوم سن الدن هیچ  
 عدل بر شمع در جھان افروز  
 عدله دست نه قوی کوپور  
 ظلم ایدر بنا، ملکی خراب  
 هر نه واریه جھانده عاری  
 ملک تنده که ملک جسمانی  
 عاقبت ملک ایجره بر قورنان  
 دیوت اول که ایده بر بوجاقده

بازید اول یور می برید اوله  
 وار براق که اوله غت غضبی  
 قو در خلقی بی نیاز اوله سگ  
 منصب و جاهک اول سردار اوله  
 نفس ایت طوائف کعبه دل  
 بهره و ایتمه موافق اول  
 طمع عهد ناکان ایتمه  
 دایم اول فعل رفیق و نیازان  
 بد فراج اولان غرور نفس  
 محرم ایتمه سکاتنی آنی  
 دوست نادان بد رصد دشمن  
 نخته کردش اول و خام اوله  
 عدله قبل جمیع جنبه کی  
 کمیه کوریز زبان اول بولدن هیچ  
 ظلم نه آتش محاکم سوز  
 فامت ملک مستوی کوپور  
 ظلم خویش عهده منع حجاب  
 اولو نعمت شکی عاقبت  
 عاقبت ملک سلیمان  
 ویرمز اول دوق ملک خاقان  
 آردینه آنه کفت دگوی تمام



بوجهای تو بوب بختانی  
 هر کیم بو غرض میسر در  
 شهر بارانی غلام اولور لک  
 هر کیم کیم خدا ویرده توفیق  
 دوق شکر شکر کبی شین  
 بسم تن که بیر کور در  
 روح بسم که جایی نورانی  
 روح جوهر درر مجدد پاک  
 بر تو نور فیض ربانی  
 اولدر محرم حضور احد  
 سن آنی کلمه پهنشین اینه  
 کر دیر سکه که اولدر سکه  
 حق نولنده بلا و محنت و حلم  
 اول خدا حق پاک و بی غول  
 علم دین کیم اولیه اسکاه  
 علم دین فوئیه بازی دکل  
 علم دین بلکه سیر خزان سکا  
 علم انیم اهلین تور تلبیس  
 نیج بر جنس و نوع و فصل اول  
 حکمت او کزن حکم صادق اول  
 حکمت اول صانه آنی که خلق کلام

داما فکر ایده بختانی  
 تنگید اهلین برادر  
 جرعه خواران جام اولور لک  
 صبر و شکر قیامت فین  
 اولور اکاکه بوله دوق دین  
 خورش کرم و توت مورد  
 منه لیدر هوای روحانی  
 کیم اکا منظر اوله آب لک  
 کوجه مجوس صم طینی  
 کور اول هینج سکنای لک  
 سن رفیق بده قرین اینه  
 دین اول علم روز و شب  
 بیسته الدین ادو العلم  
 دین العقل عالم الغیب اول  
 جصل و دین دوشه کراه  
 علم دین باری و بازی دکل  
 علم دل فارسی و بازی سکا  
 دین بدین منطقیه اقلیدس  
 سعی بت اکاکه علم اصل اول  
 دار کلمه سوره موافق اول  
 حکمت اولدر حکم حق اکلام



صافی اول خدای بیجو نذر

وصف در لم یلد و لم یولد

الذی لا اله الا هو

صانع عالم شهادت و عجب

کاخ بخش طبع ارکان

دور و برایتی جامع الاضداد

ایتی جانبی اخی اول روشن

ابد از ذوالنجمال والا کرام

یوقدر اول ساعده نهاد پناک

کائنات او مبدأ و اومعاد

ر بهر راه اولان هدایت

عالم السر و الخفیات او

دردی است که دل سنگین ده

روز و شب طالب وصالیدر

جان و دل آذن اولدی قایل بود

جهت سندان کرک هدایت است

کار فرمای کردش دوران

ماکت لایزال و لم یزل

قابض ظل امتداد وجود

شکر نعمای کیمه ابدیه

دو جهان غرق بحر جو دگر

بکله هر که درون و بیرون نذر

وتر قدوس و کردگار احد

کیمه بیخ اخی نه در کلاه

ماکت ملک قادر بی عیب

آفریننده زمان و مکان

صغله آب و خاک آتش و باد

تیره خاکی چون ایتدی طینت

جمله خلق ناقص و او تمام

ساعه قدسی هر چند باک

اول یار ایتدی جهان کون و فضا

هادی و جهان غایتیدر

دافع جمله بلبات او

ذکر می است زبان بسته ده

دو جهان عاشق جمالیدر

اثر فیض اولدی ناقص

استمک سندن و غایت است

ای خداوند آشکار و نهان

منقذ فیض رحمت از علی

باسط نور آفتاب شهود

وصف الاک زبان عقل ایدر

جانی جان ایلین وجود کدر



جمعه ذرات کون ذاکر در  
هر کیم کیم سن اینک از زانی  
ایستد جان قول غلبه ملایم  
هر دیکت تسعة بسقه ویدی  
هر بری ذکر انجده مضمت  
سرسر جمله ذاکران صفات  
بر دل اوله مکر که رحمانی  
دل کوزی کر اولور سه اولیا  
کردل آینه سنی سن آیه سکت  
نور خورشید در جهانده فاش  
ملک روح ایچجه دنه ده کت  
منظر نقش کفر و دین اولدر  
سویلمن دلده جام جم و لدر  
قابل تابش نبوت اودر  
روحی چون مرک غنایت اودر  
عقل انک بر دیزر کا ملیده  
تخته نقش لکات امر اولدر  
مبدأ کائنات جو هر بدر  
حاکم ملک وجود اولدر  
مدد اندن ایرر جهانده تمام  
عقل دستور و خل جدر

هر بری حالتنه ش کردر  
سمع داودی و سیمانی  
هر زیدن هزار درلو کلام  
هر دیکت درلو درلو دردی  
بنده سی اکلا لغی معرفت  
لیکات قانی که اوله ذاکر ذات  
اول دله ایره عون ربانی  
کو رونه انده جمعه اشیا  
خالق خلقی اکلا لوب سجه سکت  
کوجه کور مرده دیده خفاش  
دار لکات تهر ایچره شاه دکت  
تخته محمد و طرف کین اولدر  
مستقرات و غم و لدر  
لوح محفوظ سرع دست اودر  
نفس ایچون ملک هدایت اودر  
روز و شب خیر اینده غلبه  
دایه نفس زید و عمر اولدر  
مرجع روح پاک کتوریدر  
سایه راحت و دود اولدر  
نوشه اندن بولور خواص عوام  
شهر تنه دبیر و نامبر



قلم جنبش و توقف اول در  
 محض کلمه رسد لوح نقشه باز  
 نفس بر نفس یونانده شود  
 آنده یونان قسمت مات و لوف  
 بزودی خط ملی سیه رود در  
 ابتداء نتیجه قدم اول  
 مبدأ بود و بود و فرشتاد  
 ملک بی حدود بی تنهاده  
 و هب نطق و کتاب منشور  
 عقل خزان و عقله برود در  
 عقل بکیم ملک مقامی در  
 اویسیس در دکت کلکی  
 بلکه بوخته فریب و هوس  
 رور و اولان اولدر منزل  
 طوئه کور کل طریق تقوایی  
 حاصلی عمر بیکه بر دمد  
 جهاد اید کور که سخی اول قادر  
 اضی اول هر نه کیم دیر سکاوال  
 نبش و بد نفع و ضرورت و رخ  
 جده آندن بیل و دکت خوش طوت  
 بوشکدر جهانده بیل معروف

من عالم حروف اول در  
 اولس و اوله بخنده هر نه که وار  
 خط بر خط در یونانده مراد  
 آنده یونان رحمت حدوت حروف  
 اثر رشت زاج و عازو در  
 آفتاب سیده عدم اول  
 مظهر استوی علی العرش او  
 نامی آنک خف مظهر  
 مبدأ امر و مبدع مأمور  
 راه حق بهیسته هر دو در  
 و هم سلطانک اوز که دامی  
 نادر و ناک که اوله ملکی  
 لوح نقش حرف اول و پس  
 که آنده معلوم و له حقیقت اول  
 تا اید سکت صلاح عقبا بی  
 صانع اول دمه که مسلم در  
 قسیده سکت رشت طین و ظا هر  
 قسمت اولان او در سکا آرد بول  
 هر نه وارالت سری بسنج  
 اولس و اوله حقی و لیس طوت  
 هر عمل و قسیده اولور موقوف



ایدہ فرج کعبہ تحقیق  
 سوز لعل غدا ی روحانی  
 نظم و نثری کا نہ اعمال  
 بوستان ذکر کہ رکمل و نثر بن  
 مؤنس عاشقان حضرت حق  
 قائلن تو سوز نہ قبل نظری  
 سخن کور نہ خوب و شرین  
 سعد دن کریم ی تو اتم بن  
 بنم اول عند لب گفت کن  
 سخن دل سعد دن اول و دو  
 ادیکد و کم بن سوز می لاف و کل  
 قصد خصیض طالبین ایدم  
 بود کل اندہ دخی بیکہ عراو  
 بکے سید اولہ دعا بہ سبب  
 اولہ کیم رب فی قوتی اولہ  
 اول قولنہ خدا سی سقیت ایدہ  
 بر فوی عاجز دستہ دہ دلم  
 مسکندر بنم رباط خراب  
 بر عجب خط در ہوا سی عفن  
 بستہ عقد حسن ارکام  
 روز و شب طویب کران بادم

المیجہ فیقی انک توفیق  
 باز دغدر رموز ربانی  
 سحر مطلق و لے مباح جلال  
 آسمان ذکر کہ بر مہ وروین  
 سحر طالبان قربت حق  
 باکہ باقمہ سوز مدن ال عمری  
 منتظم صبا کہ عقد بر دیند  
 عجب لغز و خوش نواہم بن  
 طوطی سہد کو دفتر سخن  
 نثری منظم نظم سی اول و منور  
 مدحہم آئی عبت کداف و کل  
 یعنی تحریک راغبین ایدم  
 یوسفہ حاصل اولہ بر خود اولہ  
 او تو بان باکہ رحمت ایدم  
 کندوسی خوب سوزی طقو اولہ  
 پوزی صوبینہ باکہ رحمت ایدہ  
 وادی حیرت بحر مازہ دلم  
 منہ لدر بنم رہ سبلا ب  
 ساکنی در سنگنہ بای و زمین  
 قید بند جہار با یا غم  
 غصہ فکر آیدہ گرفت رم



کاه تویش خرج وقت عیال      کاه افکار کسب علم و کمال  
 کاه فکر بزم نو نور عالم      نه به وارسیه آخر احوال  
 کر بو حال به اولور ایسم بن      روح مسکنه نیجه اوله مسکن  
 وار سکا یترلم زماندن خوف      وار حکایت لرم حجابدن خوف  
 کیمه دیسم که بولمزم مہمدم      کیمه عرض ایدیم که یوق محرم  
 اولدی کر بور باط منظر      حرم قدس میل ایدر دلم  
 جاسکی مرده دیر تمام اولدم      کیم با صحت سن اول بودم  
 ای که در دکلہ زندہ جان دلم      بن نہ اولدم با بنم نہ اوله سخنم  
 ابدی شوق معلم کوبا      برده دن طوطی دل کوبا  
**نش** الهی سکت طعنه غایت یوق الهی سکت      الهی سکت  
 کر مکہ نہایت یوق الهی ای نایندہ طریق تحقیق وای سکتہ      وای سکتہ  
 در توفیق ای بخشندہ دیو بینا وای برکشندہ کسب      وای برکشندہ کسب  
 منہ قدر سکت اسرار فضا نہ ایکی دریغ سنج و بصیر      وای برکشندہ کسب  
 حکمت انوار ضیا سندن ایکی طبعه شمس و قمر غرمت      وای برکشندہ کسب  
 تصویرینہ بر نمونہ غرض معلی      حکمت احاطہ سندن بر شانه  
 قلم اعلی حکمت نفاس نہ مداد صورت دیو و هیولی **ایات**      وای برکشندہ کسب  
 تعالی اسد کہ ری مثل کاند      اکا در لر خداوندان خداوند  
 شب و روز آفرین ماه و خورشید      غم و شادی نثار و بیم امید  
 عذار افروز اجرام نوا      محاکک بخش سلطان کواکب  
 عبیر امیز انفس بھاری      زبور آموز کک کوه ساری  
 کو هر بخشندہ لیل تن بند      زراف سندن صبح سکر خند



چمن برای باغ آفرینش  
کنه دارنغ بالا دستی  
وجودی جمله موجوده فایده  
زمان آذن ولی آذن بای  
قدیم که اوله است ایوب  
جهاندار می که ملکی بی زوالدر  
خداوندی که نامی عز جاند  
جهان بر تو خورشید جودی  
کواکب قدیمه کار فرمای  
و بر هر شبهه لایق اول زنی  
دله او کردن اول علم الهی

دلیل رهبران کوی منس  
طایفه دار لغه جمله هشتی  
نشی هر کوی پندره لای  
مکان آذن ولی اسکا مکان بوق  
کریم که آفرینه انصاف بوق  
جدا کبر یاسی لایزالدر  
انک ذکر می دله کام زباند  
ایشیکنه ایدر عالم سجودی  
طبایع صنعت که هر آما می  
که ایدر هر ذره بی تسبیح خوانی  
کو کله ویردی صدایت می

**ن**ش الهی بن سنی نه دلیله او که م که دل حقیقت بحرذن  
بر قطره الهی بن سنی نه وجود دله وصف ایدم که وجودم مهر ک  
شعاع بر ذره هر عقل دراک جلاک ادرکنده خیمه  
هر رای روشن جاک و صفت تیره اصحاب منون و شروح  
عنک خوشبخت متدلی ارباب قلوب کوف جبروتک حرمه  
بر ملک بیکانه و ناشی بصایر اصحاب عقل منین و بصیرت  
عظمتک بجایک بر قطره سنی غریق خواطر ارباب  
رای خیره و فکر جلاک آتشک بر سریده حریق الهی  
نطفه مهسک نه زهره سی و حاتم مسک نه لباقی او که  
سک عظمتک در یاسک خواسته سنده جگر نه و یادات



و صفات مقدسک بوده سنده و کونه موصیفات نه قدر  
اوله که اهلک او چه سید بسنه جبرک نه طاقی اوله که صرصر حلاله  
مقاومت اید سید الهی سن اول عزیز سک که جمیع عزیز سک  
النه عزتک رقم ذل حکمدر دسن اول اولو سک که جمیع  
اولو سک بورینه عظمتک داغ خواری قومدر دسن اول  
کامل سک که جمیع کاسک کوزینه کمال بی نهایت خاک  
نقصان امکدر الهی سن بر عظیم سلطان سک که میدان عظمتک  
مقدر اولدر که بر طوب زین غطان اید ویدر سک بر احدک  
زهره سی یوق که اکا بر جوکان اید ویره دسن اول قادر سبحان سک که  
جهاک سقفنده زمانه کمشدر بر کند عالی کردان اید و  
طور و سک بر کیمه سک طاقی یوق که آنی بر خطه طور ویره بر آینه  
دوزدک که در دخی کوکله عالمی روشن ایدر و بر جو هر راندک که  
جهانه نظر اید که کلشن ایدر سیلداشدر یکم بر شاه بازین ثانی  
آشمان شرفدن پرواز ایدر و بر اظهار ایدر سک بر احدک قدرتی  
یوق که بر کون مغربدن پوا غدیره و دور انگر کجدر که بر مهره مهر  
منیری هر صبحدم قصه خاور دن چقاروب اشکار ایدر سک کبریا سک  
جالی یوق که آنی جانب بخشردن کثیره **باب**

اول حضرت کسوت و پیغام	یعنی اول ذات نیز اعظم
شمه سقف کسب میسنا	روشنی بخش دیده بینا
چرخه همدم پیچ اولدر	چسپنده صورت ملیح اولدر
شاهد جمله جهان اولدر	یوسف مصر آسمان اولدر



اول فریدون خطی اعلی  
والی شرق و غرب هفت اقلیم  
کو ستره چون صبح پرتو نور  
هستند کور و غم یک سر  
جمله ثابتات مقصودی  
ماهد بر پرده دار یوانی  
بزم یچون اولدی یعنی خنیا که  
کینجه کوندوز لوردوب اوردریج  
سعد اکبر عیال نعامی  
مزی اوله چون سرائی حمل  
دیر اول حسن و زیب دورانه  
چمن و سبزه تاره روی اولو  
قدح لاله پر شراب اولور  
غنچه کت ضبح بر قعی چلیور  
هم دها نیجه در لومپوه ایرر  
مدح اکاپس که صانع عالم

خسرو هفت کشور بالا  
بادشاه ممالک تجسیم  
خیل ضحاک شب اولور مقصور  
اخته سبع منتظر احضر  
اول امیر و قالانی مأموری  
هم عطارد و دبیر دیوانی  
سیم قصر ایچره زهره اهر  
دشمنک دینه خنجر مینج  
رهب پیر حارس باحی  
باشلا میر هزار در لوم عمل  
نقش زیبا و برکتانه  
بوستان جلور شک دوی اولو  
عارض ارغوان حصاب اولور  
چهره یاسمن وخی سچیلور  
بنیر بر پر یوزنن وخی شکر  
یاد ایدوب ایلدی اینه صم

**ابیات** الهی سن اول قادر سک که هر نشانی قدر نه  
بار دیر سک بی واسطه معنی دالت و هر پرده حکمتک اینه ایشدک  
بی شابه غرض علت کارگاه نابودون بونجه عالمی بداع  
ایندک ویر باره دودون یدیات سموات اختراع ایتدک  
کمال صنعکله بر تقویم افلاک زر نکار و صفحه دوا بر کار بی پرکار



و بر اسطرلاب سموات نجوم دار ترتیب اید و باندن اندون ایکی  
 برجی پیدا و هر برج دهتمش درجه جزا و هر درجه ده پنج کوهر پنج  
 و لؤلوی لالا اظهار و اید اینک که تبارک الذی جعل فی السماء  
 بروج و دست قدر نیکه ایکی ماهی دریای معلق و ایکی زوزی بحر  
 از فی بریم کوهر نما و دریای درآماده خلق و انش اینک که  
 و جعل فیها سراجا و قمر امیرا الهی سکت و انک عظمه عظمه  
 خلق این سحر الهی سکت صفا نکت ادرکنه ضمیرات کل منشی  
 این الحاد و الطین و حدیث رب العالمین الهی بزم عقل هر نه قدر  
 بیلور بر معرفت خود نمایی در عینکوت نه قدر محکم با بار سیه برخانی  
 هواییدر الهی بزم سکت و انکدن نه سید کمر و صفا نکتدن ادرکنه  
 اوله کیم کلیمه کلامی مقام قرب غنچه سبحانک تب الیک  
 و ندیمک نداسی محسن انس و حدنه لاحصی ثناء علیک  
 الهی هر نه که لفظ و عبارتیه صیغار حرف و سمد رسندن مبرا  
 و هر نه که مبران عقله کیر عادت و سمد رسندن مبرا هر نه که  
 و انکه فکر اولور سلوب و اضافات و هر نه که صفا نکتدن ادرکن  
 اولور و جوه اعتبارات عقل عفا لیکیم کنهکه ایرمز بدن  
 حجابیه کیمنه و صلی بولمز و کوکندن کیمین سنی کوهر ایکی جهانی  
 صالیخه سکا ایرمز دوست یولنده نیست لک کرک بار اوکنده  
 سبکت کرک تن جبهه سی چاک کرک کوکل اوی پاک کرک

### ابیات

توحید و کلد راب خاک کوکت اولدر دل صاف جان پاکت



اسلام صاقین دبله صاعه  
بیلکل که حکایت زبانی  
ایتیس که دشمن قدیمک  
بل هر بری بیک حجابک ای دن  
هر برسی سکا بر هوا در  
کرسن دلی که پاک پندمهک  
انده که مقام ره رواندر  
چون اول حرم ابجره خیر و شر یوق  
اندیشه بین کم یوق آنه  
آنه که نشان بی نشانی  
اول عالم بی دلان شیدا  
اوراده کمال حال مردان  
کیم بو یونک اوله راه بینی  
کنده که اوله عادت و تکلف  
آنه که هوای رنک و بودر  
اکا که خدا عنایت ایتیش  
ملک و دجهان اولور طفیلی  
اخرنده آنک تکلف اولمز  
خلق قبله اولور سه صورتیله  
هر قوتوسی صاکنه ناده مشک  
طشره سی کولر ورونی پردرد

قانع اولوبن اکا دایا نه  
اول تیغ محمدک امانی  
هر کوشه رنده اول میسک  
اون حسک درون بیرون  
هر آرزو که وار دله خدایه  
دیو دیر بدن نه پاک پندمهک  
دیوانه فرشته دن اماندر  
پس دیو و فرشته نه کذب یوق  
بو جور زمانه غم یوق آنه  
جانه کنه کنه سی کمالی  
بی نام و نشان لا والا  
شیران مبارزان میدان  
تقدیق خلایق آفرینی  
دی و دینسون اودم تصوف  
در ویش و مه که ای کودر  
دولت کونشی حمایت ایتیش  
یوق هیچ برینه دلنده میلی  
بو آیو یوز تصرف اولمز  
کند و پله خود ضرورتیله  
لیکن دم ناده مغر ایدر خشک  
بو اولدی علامت خردمند



**نشانی** الهی سیدی و مولایی سن اول بادشاهاست که  
 شاه صغنه زوال یوق و سن اول سلطانست که ملکده اخلال  
 یوق هر ذره نیک صداسی قل اللهم ملک هر ممکنه نداسی  
 کل شیء ملک جلالک ای ائیکبر یا ردائی جمالک صفتی  
 لایسعی ارضی و سمائی الهی هر نه قدر کار سازست که اول قدر  
 بی نیازست که اول قدر کار سازست هر ممکنه منزه  
 کمال بی نیاز لعلدن و هر موجوده بیه سیک تمام بنده نواز لعلدن  
 الهی بن نه دیم که بوجه مطیع عاصی دانی فاضی یار ایدرست  
 اظهار کار ساز لعل و قدر بچون و بوجه سماد است وارضین  
 اولین و آخرین یوق ایدرست بیان بی نیاز لعل و غریبچون  
 و که حکمتک معماری بوخواب ابادی معمور ایدوب یکی و بنا ایدر  
 اوزار کمال معدست بچون برینه جنت دیدک منظر رحمت و جلالک  
 استیک و برینه جهم دیدک آلت سطوت جلالک استیک  
 هر کیم نه اوده نصب استیک تقدیر سنگدر سعلنه اولم  
 عنایتک اولمیج جانشین فائز آملر پدایتک اولمیج طلبه اولم  
 جذباتک اولمیج ایستیک بولمخر سن استه منیج **ایست**  
 هر سعید و هر شقی آذن در هر نجیل و هر سختی آذن در  
 خورلق و دولت جهانده اولم بر عت دولت هم آنده اولم بر  
 خیر و شر و نیک و بد هریش کم عیش و شادی راحت هم بچم  
 جمله تقدیر حق اظهار ایدر هر نه دار اول کرد کار کاید  
 هر کیم رزق اوله آنده عیش ممکن و ملز کیم یمیه بونده بصل



کیمنه رزق اولور خرابیک  
 کیمنه نعمت میسر اول  
 لعنتی اولدن اولور لعنتی  
 عالم معناه اول تقدیر اید  
 ابر کریمه قیام کولمز جن  
 حق بیلور دی کیم سعید کیم شقی  
 عالم معناه وار ایدی ازل  
 لیک صورتده وجوده کلم اول  
 دینه دعوت ایتیمجه اول خدا  
 اختیاره وار ایدی هر شی  
 تا که عدلی ظاهر اوله عالمه  
 جبر اید سن اختیار ی کلغل  
 عالم معناه باقی جبره همان  
 کر دیلر سک اصل معند عام  
 بلکه عالم ظاهر و کر باطن او  
 نیجه صورت معاند طایعی  
 کر بصیرت کوزینی سن آجه سک  
 حاکم حق جبر اید قولرینه  
 اختیار اید سعید اوله جعن  
 جمل سن بیلدی ازلده اول خدا  
 سگ یوق انده کیم تفصای کلکان

کیمنه رزق اولور سگایک  
 کیمنه رحمت مقدر اول  
 جنتی اولدن اولور جنتی  
 صورته کله اولور تدبیر اید  
 هم اعلی باغ ایچده باطن  
 کیمرا کا عاصی کیم مستقی  
 ایش اوله حق ایچره هر عمل  
 کلیمجه انبیا و هم رسل  
 مونی کافر دن ایلد جدا  
 اختیاره با غلامی اول خفشی  
 حجت روشن قیل اول آدمه  
 یکسینی ایکی یرده کوز کلکل  
 اختیاره قبل نظر بونده عیان  
 پس کنه جبره بنشور اسلام  
 برینه مرتبط هم ناظر او  
 علم معاند مکدر هم تابعی  
 جبر اید سن اختیار ی صاچه  
 اختیار ی و ردی بل الدینه  
 نف اولوب یا بعید و جعن  
 سیدی قیلدی یوق اکا چون  
 یندورن اولد مکان و لامکان



قالب قلبکده حاکم دست دوست که سنی مغز ابلر که نه پوست  
**نشر** الهی سن اول بی نیاز سست که اگر جملہ دلکباب و جمیع  
 دیده لبر آب و کوثر و عالم خراب اولوب جلال استغناک بسبب  
 التفات اینست که کمال دانسته بر ذره نقصان کلیم که ان پادشاهیکم  
 دیات بخلق جدید و مادکث علی الله بعزیز و سن اول کار سزایک  
 اگر جمیع عالم عاصی و هر ذره طاعی و هر موجود باغی اولوب کمال حشمت  
 جمیع عفو اینست که بحر کمدن بر قطره کس که با عبادی لندن اسر و  
 علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه یغفر  
 الرحیم الهی شول چاکه شاق اولان کوکله دی بو خاکدان دارغون  
 ساحت سرای سرور که سن پدایت است دشول و صلاکه موقوف اولان  
 دیری بو پو اوجر بودای صلا لدن زلال سبز زار رحمتک سن دلالت  
 است بقا استین جان دن وجود آفتابین سن دفع است  
 دیر یک اومان کوکله دن وارلق چا بنی سن رفع است جان سیرین  
 ایستینه سرع بولنی طریق است بوفلق یولنه کیده توفیقکی رفیق  
 است سارکایکی عنایت آتیه سوار است یولکده فنا بولانی کینه  
 سنکله وار است عشقت شهید لبی نه سن یو بولنده اولندی  
 سینه سن قوس سنی موکد در دن آریر ذکرک ایدیک وردن  
 آریر قاله فالانی فالدن کجیر حال ایستنی حالدن کجیر فاپو کده  
 صنق کوکله دی لطفکله بنون است یوکدن ازن قولدی توفیقک  
 ایله الن طوت عشقه کربان کوزلری سنکله بر نور قش در دکله ویران  
 دلیری و صلاکله معور است بو حیرنه فاش داره لری ارباب قوب ایدیک



ایت و بودر مائده فاش سجاره لری خاص قولر کله امد ایت  
 فاشده فاش دلبری انرک شوقیده یابنده ایت و مرده ایش  
 کو کلدی نی نف بدیده زنده ایت

ای مایولی دایمی بجه صید اولان	رسم عادت بند ییله قید اولان
باک باز خطه ناسوتی اول	شاه باز حضرت لاهوتی اول
صوفیان صافی و مبار قیل	قدسیان عرش ایلد پرواز قیل
برزم کابگی قندرواز قیل	خلوکی پاک و بی اغیار قیل
چار سوخی بستی آبا و قیل	تعلیمی دار هسپیدن آرز قیل
حقه صاف اول سن نغان اوشار	حق یولنده مردانسه ای مردگار
علم تحقیقن دکن اکاه قیل	شارع شرع رسول الله قیل
کر دیلر سه ک کیم بلند اوله سرک	خاک پای صوفیان ایت افسرک
اوله کور ملک نقوف مجری	بوله سرک مهر کنین عالمی
ساکه مرشد کرک بلیکلانی	مرشد المینجه آزار یولنی
رهبر اولان کیدر سه ک راهین	که دوشه سرک با کچه که چاهین
هر نهالی باغبان و گمان کرک	هر اکینک تخمینی اکمان کرک
بیر دریا و مریدان خس اولور	عاقله بوندن اشارت بس اولور
کر دیلر سه ک سن سلوک راهین	ایسترا الیه ک کیم عیان دلین
اختیار ایت داریوری برین سن	اکه تسلیم ایلد دلن جان سن
رهبر دانا اوله و سپه بند	ظاهر و باطن بوزندن بهره بند
ظاهرنده علم کسپیدن صفا	باطنی میراث دار مصطفی
پیر ره کبریت احمد در همین	سینه سی بر بحر احضر در همین



پیرره حق عهدینه دانی اولور  
 صوفینک اوج حرف اولور پستی  
 ادلی صدق و وسط اولور وفا  
 ناکه بند تن طور مشکل اوله  
 چون مصفا و مهذب اوله اول  
 صوفی اولور بسته حکم خدا  
 خیر و شر هر نه اولور سه پیر اوله  
 علم دینله صانکه بر دریا اولور  
 در و جو هر له پیر اولور معدنی  
 کهر باسن چونکه اول پیدا قیلور  
 کهر باسی چون انک پنهان اولور  
 پاک و پاکیزه اولور دینار انک  
 جملہ خلقی اول کور صاحب کمال  
 پاک اولور آینه سی آینه نظر  
 ناقص اولان نقص کور و عم اول  
 کند می نقص و عیب در اینده کور  
 سنک دنا مدن صوفی اولور بل حلا  
 نور حق فارش کلوب رهبر اولور  
 پس قیلور کوی سلامته مقام  
 مرد معنی فارغ بالا و پست  
 صورتی صوفی معنی بی صفا

پیرره بر صوفی صافی اولور  
 انی تکمیل انیمکه ترسته  
 آخری البسته اولمقدرفنا  
 کیم دل جان قرب حق یول اوله  
 حضرت حق بمقرب اوله اول  
 بر اولور شادی عجم و فقر و فنا  
 آج طئو نه بو لور سه پیر اولور  
 ایچی طو لور کو هر کو یا اولور  
 منقب ر بی نوا صانکه فی  
 کاه هپتی دلی شیدا قیلور  
 کو کلک ایچی طوب طو لور طعبان اولور  
 هم شکر دن طئو اولور کفنا ر انک  
 ایلر اول کیمیه اید قیلور فال  
 هر کیمی کور سه کور و خوب تر  
 نقص خلقی سویمکه قائم اول  
 آینه پاک اوله ایلا اولور  
 بهج اولور رد قبول خاص عام  
 معرفت ایچنده بر سرور اولور  
 فارغ سنک ملامت دل مدام  
 اهل دعوی صوفی صورت پست  
 غادی مغوی سی راه مصطفی



بر بند آواز و پست افتاده اول  
کی صافن قربند انک قبل حذر  
کر دیار لیسک کان برایشه یار  
سوز و کل بکر کلور سه خاطره  
بنچون اولمز پیر عالمه کیت  
اهل دین اولمید می جهان  
هیچ جهان بی قطب اولم فی یابد  
کر بونمایه ایدی رباب دم  
صنیع عالمه چو حکمت معرفت  
کر دیار لیسک پیر یوقدر اسکار  
دقت اینسه ک بوده شیطانی کلام  
حاشا حقان اینستینه ویریه  
سوج بزدر یوقدر بزده طلب  
درد اولانه حق ایدردان بدید  
درد فر یوق کیم بزه دوان اوله  
درد می اولان خوش نشسته دانه  
دینه ایشنده نه خود چالیشیر ز  
حق ایشنده سولمز دینه قانور  
ایسته مک بویمه دکلدیشیر ز  
لیک بز می کنه اولدر بویمه ایدن  
اوعنایت ایتمیخ اولمز اول

دین بولنده خود پرست افتاده اول  
که آتش فتنه در جاران یار  
دارسن لیسه که هزار اندر هزار  
بوده شیطاندن در بر خاطره  
حاشا کایسه وار آتی اینست کیت  
نه زمین قانور دی آنده نه یان  
آسمان قطبیده بولشد قرار  
تار و مار اولور ایدی عالم اودم  
اولمز آدم اولمز ایسه بوصف  
بولمز طالس اکو بیگ کر آرار  
بولمیان اول کیم طلبه نایام  
کیجه کوندوز حق دینه ایویمیه  
حق بولنده چکرز قیبه لقب  
قفل دردینه بدید اولور کلید  
جان کر کدر کیم اکا جانان اوله  
جان دیرن تن وصل اولور جانانه  
بر مراده طور میوب یلشیر ز  
بولطب میدر بونک اید قانور  
حق بولنده بز نکال قیور ز  
اولدر ریل اینستینه ایسته دن  
بی هدایت کیم بولمز هیچ بول



بالواره لم که بر می طلب ایده جان و دلدن حضرت رغب ایده  
 تا میسر قیده شاید اول خدا بیزه خاک پای پیره نیا  
 هر کیم کا ندن عنایت پریشور بر طرفان پیر هسبر پیشور  
**نثر** الهی کو کل کوز بنی حکمت روضه سنگ انوار از بار بده  
 منور قیل و جان و غنی معرفت بویتاندر یک نسیم اسرار یله  
 معطر قیل خلوت شبر و غریبی هوا دشووات طعنه کراه ایلیمه  
 و ریاضت مسافر بنی صحرای چیرنده بی راه ایلیم الهی چون جان  
 قوشنی دام و دانه محوساته نن نفینده محبوبس ایلک و دل  
 طفلی شبر و غدای شهواته بوخانه خاکی به مانوس ایلک  
 کنه آخر اول طوطی بو قیدان ادب و اول بار بوخانه دن کجوب  
 جوار رحمت که وصل اولد یعنی دقت هوای نفسی قدسه پرواز  
 و حرم سرائی نپسه آشیانه ساز قیل **ابیات**  
 روح اول شاهد دیدار ایدی وصلت یار ایلیم بر خور دار ایدی  
 چونکه با صدی عالم سفته قدم ایلدی مجوسانی حکم قدم  
 اول سبیدن طفل اناسدن جد قیلیم قیلور اول جد القدن بکا  
 اول بکا تا شیر حزن یار در ماتم هجران حزن یار در  
 قیلدی چون ناچار حبس بکابل اولدی اولد فیه انیس عخل و دل  
 کور عقتلی داخلی مرد قدسی در کندیه کلنجی انکس انسی در  
 هر کیم کیم عقتل اولدی پیشوا منزلی اولور زمین دن آسما  
 دل دخی بر خانه معمور روح قابل اشراق عکس نور روح  
 مخزن اسرار ربانی دکت منظره انوار سبحانی دکت



دای سکا دیران بدر سگ آن  
 نجه اولور سگین رو حاکم سگین  
 دل خراب عقل مغلوب بده  
 بیخیزم کیم رو حکی پس نیده سگ  
 کیم با ط نطع ننده رو حنی  
 فیل بند نفیله صافلار نی  
 قیم عالم رخن چون کیم چیت  
 فیل بندی طور ایکن ت ادر  
**ن** لطفک خزینه سی بی پایان کرکات دیسی بی کران  
 جو دکت سبحان قائم فیضک باران دائم رحمتک انعام شامل  
 قدرکت آثار کامل جو دکت دکرندن دو عالم بر قطره مهرکت  
 هوایندگی جهان بر ذره الهی اگر خلق اولین و آخرین جمع و لایق  
 الطباقی آسمانی و فائز ایتسه لر بر دمله ایتد یکت الطاف و انعامک  
 یوز بیکده بر پخت حسابی کور میه لر واکو بنی دکت همر فیلی دیل و اهر  
 کوکل اولسه بر نفیده قیلد یکت احسان واکو اکت بحردن نظر هکت  
 زمیندن ذره پستک شکرین دایده میه لر الهی چون اول رزق  
 سوابق طاعت و لواحق خدمت اولدین کند و لطف عظیم و خلق کرکدن  
 توحید ممکنه مالک و تغذیه سکنه پاک ایدوب قالا اعلی عهد  
 اتوب تاج تقدیر منا یه عزیز و کرم ایدک یه اول لطف  
 بی عوض و کرم بی غرضکدن بوجرم عاصیدک بقصیر و کفران الغرای  
 پیسیده قدر تاراجی سبط ایدوب ایمان تاجی باشمزدن اله  
 شول شراب اری که البت کوننده یا پجیر دکت ابدی کسک ایته الهی  
 عاصیده عذاب ایتمک عذاب عفو ایتمک دخی عهد کدر الهی  
 مجرله عقاب ایتمک حق ایپه باشملاق دخی و عهد کدر  
 مرغ در ایمان بری خوف در جا مرغ بی پر قاشک اوله کیم اوجار



باره حق کینه ایکی با  
 یا خوطاعت اهلنه دیکلی ال  
 آدمی امید قیور بی ادب  
 تخم غفلت دن بیتر شاخ امید  
 بیم اگر انداره دن بیرون اوله  
 نور تو سندن چونکه طوکه اب کل  
 پس کوک امید بیمیله بدا  
 کوزی او کند طوره خوف دیا  
 بوسه بندر کلامنده خدا  
 عدلنی کوریه کیشی بی خوف  
 قهر سی فکر ایتر اب خاک  
 کنه لطفن کوزی بیک شاد اولور  
 قهری ایجره لطفنی بیل سر مکن  
 کیمدرر نومید اوله اندن تمام  
 لیک فکر اولد قیه لطیفی شوق  
 وایدی بر مرد وانا اهل حال  
 کیم سنی بن نشه خندان کوفریم  
 دیدی کوکاک قانی صاحب تم  
 دار او کده منزل دور و دراز  
 بیلمیم حالم نذر نولپ کوک  
 یور کم خون و درونم خار خار

بر می آکسک اولسه اولم نول  
 پس برین نمر اوله طاعت غفل  
 بی ادب اولان وایغز راه بیت  
 بار کاهل کک اولور اندن بد  
 آدمک دائم یور کی خون اوله  
 وحشت ایده بر برندن جان دل  
 احر دینده تانکشی کیم یول بوله  
 قبله بیرندن برینه النجا  
 یکپنده ایتر شکلی بی بنا  
 عفوینه باق کنه عقلی کلور  
 کیمجه کوندوز طور میوب غمناک اولور  
 لطفی ایله جان ددل آباد اولور  
 بودر امید ارباب یقین  
 ادل خدا لا تقطو دیرکن مدام  
 عقد ویر اول تمامت حیرتی  
 دیر اکابر ایله ویهوده قال  
 روز و شب بر سطحه شان کوفریم  
 اولوم فکر اینیو بن بر غم  
 هر آیدجه بیک برت بیک فراز  
 باشم اول یولده کله کوک  
 بیلمیم کیم نیجه اولیسر ختم کار



هر قبیله بود امیدوار بر م  
 هر شکسته بودی بن یا بود بر م  
 اول سبیدن دوزخ شمشیر بند بود  
 در مکنون کبی نظم و نثری  
 تا که بود لطفی چون نشاید  
 هر عزیزت سمعنه الف ایدم  
 و یکلیه لرز شوقه چو تکم بودی  
 یاد اید لر بر دعا ابدی بنی  
 هر کو کلدن کیم اوله خنی آکھی  
 یاد اید لر بر دعا ابدی بنی  
 ایستانت بزدن دلی ویران  
 جان و دلدن ایدم شئی الهی  
 لطف و احسان اول جود مطلق

**نثر** الهی محبت او دنده کتاب اولان جگر لک حق چون  
 فراغت او دله حکم ابدی باقمه الهی عشق لشکره ویران اولان  
 کو کلدن مستی چون روک ابدی کو کلم اوین پیغمبر الهی ای چاره کرجا کاکان  
 دای پناه آواره کان بوجاره قولر کی دایما لطف سایه  
 سر فراز است و بوضیف بنده لر بنی گاه و بیگاه ذکر کلمه  
 دایا است الهی جمله جهان بنده ک جهان پادشاهی  
 سرفکند که قاهران آسمان زمین منهور ک نیرات  
 سخاوت دایصن کلامی نور ک یکی جهان ک ملک و اصحاب  
 دولت رشاکه خوار دولکت یکی عالم ک سلطان و ارباب  
 غنی نموند دار غنمت هر وجود وجودی که نسبت عدم هر موجود  
 صفت ک کار کا هندن برقم هر وارلق وارفت کوشندن

**ایات** بر تاب و ده ممکن جبر و نکت هوا بند بر تاب  
 نور حق خورشید ممکن ظلمت  
 آفتاب اولدنی ظاهر ظل کیدر  
 حق کر که دارغنی آل کیدر  
 کیم بوق ایتمه وجودی ظلمتی  
 کو میسر در حق اول نورینی



اول سپیدن حضرت معبرک  
 و دشندهی ظلمی پره اول سرورک  
 سایه سی بوق ایدی کرچه کیم کیم  
 سایه سنده راحت اولد دشنده  
 سایه معنی کرکد رپایه ده  
 چونکه صورت سایه سی بی ماله  
**نثر** الهی بن اول فادر سلطان و رارق سبحانک  
 مفا تیج اوراق آسمان و زمین و مقابلد کنوز سموات و ارضین  
 قبضه قدرت باین حکمت کله محفوظد بکیم براحدک زهره سی  
 یوقدر که سن باغلا دیغک آچه و برکیمنه نک مجالی یوقدر که  
 سن آید یغک باغلابه که مانضیح اسه لناس من رحمة  
 فلا ممسک لها و ما یمسک فلا مرسل له من بعده لا مانع لما أعطی  
 و لا معطى لما منعت لا ساد ما فتح و لا راد ما منحت الهی  
 ارباب دنیا قتمده حاجت قبول اولمغه زی و صورت و منصب  
 و عزت کرکسه سنک فاکنده دل خسته و کنده شکسته  
 کرک اهل دنیا اعتباری سلب و منتظره ایسه سنک اعتبارک  
 مخبره در اهل دنیا ماله میل و صورتی نظر ایدر سن ماله  
 اعتبار و سیرته باقاریک اهل دنیا قتمده کمال  
 کرک سنک قتمده پلاس کرک آنلرک پانده قبادناج  
 کرک سنک پانکده بالغن و آج کرک ای نیجه خوف کلستانر  
 و لطیف بوستانر که قیاس فصلده برکیف خار و برنخت  
 دلازار کوز کور اما بهار جلوه یه و غنچه خنده یه کلدی وقت  
 نلی هر اولور کیم اول خار نه خوب حرر دویا و اول مرغزار  
 نکوزل رشک هزار چهره زیب و اول دل آزار نه خوش نگار



عاشقان ناشکیبایش همچنان اول در دوش لباس پوش  
 خشن جامه کهنه عمامه بی خانه و دیوانه کوزه خوار و فقیر  
 نظره ضعیف و حقیر اما روز آخر زده و موقف قیامت  
 بر میر تا جدار اولور که جهان پادشاهی کداسی در پادشاه  
 نامدار کوزیکور که عالم طولویت و صداسی بر اوجت جمال اید  
 بود که اول دینده خوار عدایدوب پوزینه باقیاندر پوزینه  
 باقه خزل در عزت و جلالت کز که بونده آبی آت تونیه عرف  
 اندر عظمت غبارینک برگردینه ابر خزل لکھی سنگ حکمت  
 بنوک اوزرینه در که صورت اکسک و گشت اوله معنی تمام دست  
 اولور ظاهر خراب و دیران اوله باطن معمور و آبادان اولور  
 منظر معتبر اوله مخبر فی اعتبار اولور مخبر ذمی قدر اوله  
 منظر فی مقدار اولور فوق و سلطان مسک پوست پوشدن  
 یا بیلیر نفخه لراطیبی غیر سیاه روی دن بودر طلسم حریر  
 کرم خفک تحفه سیدر عمل بی نظیر زنبور ضعیفک منحه سیدر  
 بلال صورته جیشی ایسه معناده قرینیدر اعتبار حکم دله در  
 بنیه کله دکدر نظر باطن صدا که در ظاهر جوارحه دکدر صوت  
 زیبا و جامه دیبانه یه کرک دل سگنه و درون خسته کرک  
 ان اسد لانیطه الی صورکم داعی کم و کمن نیطه الی قلوبکم و نباتکم  
 صد هزاران ربیع سکون پادشاهی هجر میدان محشر ده  
 سرگردان کرک و نیجه بیک بوجهاک نفس و کدالری  
 اذل کونده سر پرده عزت آلتده فرح و خرامان صابنور ل



عالم صورت نذر بیل گفت و گو  
 صورت ظاهر فنا بولور همان  
 نیچو صورت آخر ای صورت برست  
 نیچو به دگ عشق نقش بوسبو  
 صورتی تو معنی به فیض نظر  
 بو صد فکر کیم طو لو اندن جهان  
 لیک اولمز هر صد فده بیل کهر  
 شول صد فکیم در می دانند کنین  
 امکی اولدک سن جهان افکنده  
 جمد اید کونفکی آرا و قیل  
 آج کونک ایت عبرت اسرار کار  
 فکر ایت انی کیم نیچون اولدی برو  
 کیمده کیم عقل اولدی اولور ادم  
 آدمی عقل بیلد اولور بیل لطیف  
 عقل فیله بی بیل شرف آدمی  
 الما ملکا پروردکار بنده نوارا  
 بدیخی دایه رحمتک دست شفقت کله  
 صدانی اید بیلکه اول دست و صلاکت  
 بو علف جهانی دلو ت شهوانی حرص  
 و پوست خیال ایدن مدبر لک صفا سیدر  
 علم و عمل دانه لریله معرفت کلزار نه سن بسله  
 بو اولد و جان ببلدی بی

عالم معنی همیشه شبت و شو  
 عالم معنی در بیل جاودان  
 دامن معنی به اورغل وارست  
 یوری وارسن عاشق اولل ایت  
 در می کور کل سن صد فدن قیل کدر  
 کر چه جمله زنده در بای جان  
 سن بصیرت کونیه فیض نظر  
 بیل انی کیم یاب اولور در عین  
 بو هوا و نفک اولدک بنده سی  
 بو غم آبادیجه آنی ساقیل  
 اولدک ایسه سن جهانده شویار  
 بو عجب طاق رواق نیلگون  
 اولمز کیمده اول خرون کم اول  
 اول سبیدن جمله چواندن لطف  
 آدمی فیله دی خدا نیک محرمی

الما ملکا پروردکار بنده نوارا  
 بدیخی دایه رحمتک دست شفقت کله  
 صدانی اید بیلکه اول دست و صلاکت  
 بو علف جهانی دلو ت شهوانی حرص  
 و پوست خیال ایدن مدبر لک صفا سیدر  
 علم و عمل دانه لریله معرفت کلزار نه سن بسله  
 بو اولد و جان ببلدی بی



حکمت ففنده راغ و سواس نفس سرندن سن صاقله آمین  
 قوت اصلی بی بشر نور خدا  
 قوت حیوانی دکل اکا سدا  
 لیک معلول اولدی چون کین دل  
 خسته اولور کوکلی انک کل دیر  
 شول غذا کیم یار اولسه ایتمز  
 چون مزاجک فاسد اوله ایلا اولور  
 ماهیاک در غذا سی نور عرش  
 برزقودن اولدی حایه قوت حق  
 اول غذا در رزق صاحب اولیل  
 هر نه صورت کیم ایدر سک سن نظر  
 باقار ایسک سن بصیرت کوزینه  
 صورت هر آدمی در بر طبق  
 کوزلری برسا بقدر حق کوزک  
 بسلی میسر بوری نوش ایملکل  
 هر نه یه باقار ایسه جو شمش دل  
 نور حقن غیر بینی کور خزا دل  
 نور حقدر هر بری جان دیک  
 نور حقن ایملکل سن فوقی  
 قوت حیوانی دکل اکا سدا  
 روز و شب اولدی غذا سی ککل  
 خسته لقمه نه کرکسه دل دیر  
 شول بک کیم بی دیه لر بیبه حرز  
 پس مزاجی فاسد قوی اولور  
 مار و ماهی ک ماهیسته دود فرس  
 اول طعام نه دمان و نه طبق  
 اول غذا در بی کلو والت اول  
 وار غذا الفضله آدن اکر  
 کور ایسک سن حقیقت یوزینه  
 ایچی طو لودر غذا سی نور حق  
 غمزه سی بر جا دودر فامجی کرک  
 حسی باغنده کوکل خوش ایملکل  
 نور حقدر کور دیک سن اولیه بیل  
 نور حق ایله کور بنور اکا بول  
 نور حقیه کوز تکل سن یوک  
 نور ایچینه طور مه بیکل نو تنکی

نشر الہی اگر بدن خاکی مجرب جان قدسی مطہر  
و اگر قول کنا ہمارے کرمات سفیدر الہی بون غلط  
کد و ترک بینی روح لطیف صفایہ سن مصفی قبل و بودن خاکی



کنا فخر بنی جان پاک لطافت بد سن مرکی قبل روح مجرد  
اشراق و ضیای بد بدن ملکتنی منورایت و جان مقدس  
نسیم دکت سبیل تن هواسنی معطرایت بو هیئات بدنی دن  
انی مطهر و پاک قبل و بو عذایق هیولانیه دن انی ازاد و بی باک قبل

### ابیات

مگر بر کون تن پر در و مجرد	خطا با بدوب روانه دیر که ای روح
سن اول عفتای قاف لامکانک	سن اول مرغ هوای خدایک
سن اول طوطی که جستان بر دوش	طوطی بربرقضای بجزه زیوانک
هماسک اکسزین بر دمه دش	ای بدوب آستنه هیکامه او شمش
ایدر سکت دم بدم بیت که تفت	کرفنا را پندی سنی چاه یوسف
کلای اب روان بو پستانم	کلای مهر منیر آسمانم
همین آدم سن دین تور میسم	همین سن کنج دین ساکاسم
نه درج دله سکت کمی کوهر	نه برج دله سکت دار اختر
بونی بیکل که ای جان و جهانم	بو بیچاره تنه روح روانم
سنگله اولدی با که اشناق	کیجه کوندوز همین نور قوم جلالی
وصاکت خوش بکایکی جهان	همین سکت بنم کون و مکان
بکا بار فراکت سخت بار اول	که جان ابر بیدر صعب کار اول
دلایم بود در بنی انسیات	بنی محشر ده سکت ابله طغیلات
استدی چون بنی اولان عیالین	جوانمده دیر ای محبوب دیرین
قو دعوی نیمکل سن عشق بازی	سکت مهر کدر بکا محاری
قوس عاشق دکلاسک با که لیکن	سکت مهر ک بنم کوکله سکن



سناک چون بن کلوب محنه قالدن  
 بکا نفسک عداوت قیلدی بیله  
 ادر دوب برکزه انی دفع ایتدک سن  
 بنی برکازنک دیردک الینه  
 هواسنه بنی سورر یا نیجه  
 همیشه طو ریوب ایدامه ساعی  
 اگر که یک بنی سور ایتدک سن  
 ادر سهک سن اگر لاف ارات  
 تو نفسی باقمه سن آرایشه  
 که یارین آتش اویسه مکانات  
 یک چونیکم اوله سنک جهنم  
 سن اوله رسک اودم بیزار بندن  
 ایلدن عاجز اولدم بندخی هم  
 اولور سهک بو الایشدن اگر یک  
 ایتکرده اوله دوز راحت یسار  
 سکا آزار اولور چون بکا آزار  
 که چمکه سنک آخر سن عذابلی  
 بو معنادن ایلیم بر حکایت

وطن ترک ایلیوب غربتیه قالدن  
 که سنک خصم غریب اولور همیشه  
 بکا یار اولدیک بو میدرامی تن  
 کیجه کوندوز بر ایتدک اویکینه  
 مراد نجه بلدرم بن اوکینجه  
 که خومی خلقی اخلاق سباعی  
 بنی قورنا اولموشنک الذدن  
 بو اخلاق بدی ایتدک سن عادت  
 کوکل دیرمه انات الایشه  
 یانجه هم هکات مسکین جانک  
 کور و غر کوزیکه همراه و همدن  
 دلوکون قیلدک سنک زار بندن  
 غذابی بن یانجه بیلک کوره م  
 ایلدک سنک عیسی کنی جامی افلاک  
 تن اوله خوش عمارت جان آباد  
 سور سهک بنی صافین ای دل آزار  
 یکنجه کوریم بن ده عفا لی  
 سه عتاقی منجوندن روایت

نهال سبز بوستان محبت  
 سرفراز جهان عشق باز می

کل باغ رزکان محنت  
 گرفتار کند دلنوازی



قح نوش شراب شوق لبلی  
 اسیر بند غم مجنون آزاد  
 ضمیری برده اسرار لبلی  
 کوزلی عسلی کبی بر کوهر نشان  
 دماغی رکبذار خیل سودا  
 دلی کیسوی لبلا دن موش  
 خیال روی لبلی هم نشینی  
 صباچی سودا می شمش سویده مدوشت  
 نهنکی غم بونی حکمت بانه  
 قاجار خاهاک کور و غر کورینه  
 اگر اولامه ایدی کسوت بن زار  
 مرض کور دیر اکا غالب اولدی  
 دیر لور کیم علاج قصدا یدله  
 چو جراحی کور رقی احوال مجنون  
 بنم دستم اولو یدر دست لبلی  
 کیم اولد دستنه انک اوره ال

خواب چاشینی دوق لبلی  
 بوبوب کیر شدی برکنج غم آباد  
 دل و دینی فدای کار لبلی  
 درونی طره سی کبی پریشان  
 نشانی محسوس چهره پیدا  
 عذار ندن پنا را پنجه آتش  
 عمی صدر ندن اولدر میکنی  
 که قیلس دو جهانی اول فراموش  
 قریب ایش هلاک اریسه جانه  
 یقین اولر کمنه نک بوزینه  
 اولور دی لور دن اول پنهان پنا  
 هلاکته تمام اول طالب اولدی  
 علاج ایچون دار دین قصدا یدله  
 طوروب دیر بندن امر کمنه غون  
 ایچم طاشتم اولو یدر دست لبلی  
 بو فکری ایتمه کل سن پوری درکل

کور ای تن سنده کیم بو عشق باقی  
 وار یسه کرسنک ده اتحادک  
 که یارین چون بنده سکا نعمت  
 بونی ایشندی و آغلا دی دل

نیجه اولور ایش بو دلیوار سحر  
 طلب ایتمه طوروب هر دم مراد  
 سنک او بکدن ایره بکا محنت  
 جوا بنده دیر ایچینوب اولور دن



بنم سوچم ندای طاعتی جانم  
اول نفس بنده برآوده سیم  
خدا قومی را خرده برلفت  
نه چارم دار که تو رسیدم اوزدن  
بکا اول شد اول لای کتاب  
خدا حق سنی دلدن سورون  
دیده رم کیم مراد که اولام بن  
ولی طوخر بنم سوز می نفسم  
بنی تو فر که اولم سا که محرم  
بو عالم مناسب قصه خوش

که بوطعنی اید رسک با که خام  
النده عاجز و در مانده سیم  
تن به نفسه ویدی و وحدت  
نه خود حقیقه بهایورم بن سوزدن  
مرادی نه یسه اول که طالب  
دیدم خم خدا بر کخطه سندن  
نه کیم سکا بارانی قیلم بن  
بنم دخی کسکه اندن انیم  
سکله اوله و ز بر کخطه اهدم  
حکایت در که اول لیلی موش

اد نور دیده بیدار محنون  
شناسای رموز دلربایی  
چراغ مجلس صحبت نشینان  
کل سیراب بوستان لطافت  
بت شکرت شیرین سمال  
طییب ریج رنجوران عشق اول  
دهانیدر نمدان ملاحت  
پوزندندر چراغ دل منور  
خدیدر سماع جمیع عشق بازان  
قوامش ماهه رونق رویی انک

مداوات دل بیمار محنون  
طلبکانتان آشنایی  
نوامی پرده های نازنینان  
سوار صفت میدان طرافت  
جمال عالم و نور قبائل  
دوامی درد بی درمان عشق اول  
رخ کلهک بپنان صفت  
صا چند ندرت نام جان معطر  
قدی در سرباغ دل نوازان  
صمیمت مسکک بهاسن مویی



کمان کوسه گیران ابرو سپید  
کوز می خون دله اوش سحر خیز  
قبیلور سنبله می غنچه فاش خلق  
کل اوزره اول دوز یکین کلاله  
میا سندن همک شکلی هلالی  
رخ نازک ابرک سمندن  
قبیلور بر کیم مجنونه کدز اول  
خو حرم خرام دجور موسس  
چونا که کیم ایدر مجنونی اول یاده  
بجست این ایدر اول خانه سنی  
یوزی سوقندن اولور خانه تنک  
کوز بر مجنون که اول محبوب عالم  
دیر ای نور چراغ دیده جان  
طیکدر جان دهم خانه دل  
چاکل چشم جاز چشم نور  
نیچون بندن جالوق تیشه قیدک  
بلور سست که نیجه عالم بن  
اوزه کن اوزر که ایم یوق جهانده  
کوککل طلولو تمنا می و صاکک  
دلم بر جوش و تن بر تاب اولوب  
دو شرمی سکه کیم بوید فلا سکت

32  
مجانینه سلاسل کیوسپید  
لبی ریش جگر اوزره نمک ریز  
ایدر فصل کبی کوهر فاش خلق  
طولار ریختله اطراف لاله  
هلال اول طاق ابرو سکت منالی  
قد رعنا یله سر و چمندن  
ایدر حاله داروبن نظره اول  
بت نازک خراج دسر و کیش  
خراب آبادین ایدر خرم آباد  
طولو ایدر نوره کاشانه سنی  
رخ عکسی ایلده تازه کلستان  
طورر رسد و کبی خوب دخرم  
که سست حسن اللهه خون  
نمک سلطان خلوت خانه دل  
چاکلدن همیشه چشم بد دور  
پلا کیمه طوروب اندیشه قیدک  
پولکده بر محب صادق بن  
قابو کدن غیر می جایم یوق جهانده  
دماغم آلدی سودای خیاک  
کوزم هجر ک ایله خواب اولوب  
کیمه کوندوز هلاکده ادمه سکت



اسیر زلف مشکینک دلوبون  
 این قصه ایتم کل بنم هلاکم  
 صاحبک کبی بن اوش آشفته کام  
 نه دم کیم سن ایدسک آشنات  
 ویره م پروانه دوش یکله بن جان  
 جو بنده دیدی کیم ای وفادار  
 دیرم بن سکه صحبت اینک  
 اسیر که رم سنی بن دخی ایتم  
 اول آتشدن که سن بایدک جرعه  
 غمدن سنده داره خسته غم  
 سن ایدک بر محب در دنیا کم  
 ولیکن بر جماعت اولدی پولدا  
 قوغز انز که قیدم ساکه الفت  
 بنم ده آنز که حبسیم دار  
 خدا کر نور ناره بنی اولردن  
 اگر بولورسم انوردن رایلی

اسیر که کل که مشکینک دلوبون  
 صاقین ابریه آه سوزناکم  
 سیه روی پریشان روزگارم  
 اوره شمع و صابون روضان  
 اولدم قدیکه قار سوست و حیران  
 بلورم سنی در دم قیددی بیار  
 اوتور دلوب کیمه کوندوز خلوت اینک  
 دیرم کیم اولدم خدمته قائم  
 طو تو بدر بنده ده نابی دعا غی  
 بنم ده دار سا که دلبنه لکار  
 بنده عشق دین یاقان هلاکم  
 کیمبسی انام و کیمی قریز اس  
 ایدر هدر بری با که منع و صلت  
 قویا مانم اولار ای الغم وار  
 خدا اولیم آریق خدمت کدن  
 ایدم سکت ایل خوش شایلی

بنده بونکلین بلکه ای جان  
 قویا انوردن اینجه خصلت بد  
 بولورسم که بونزدن بن خلاصی  
 دیدی جان کیم شجاعت بود ای

لمحه دار هو انفس سلطان  
 که هدر بری اراده اولورسد  
 دکلم احرا که بر سخطه عاصی  
 که بونز می با صه سکت اربکی سن



تو ما کیم ملکات ایچره حکم اده لر  
 ویر ایت عقل بینی بر عسکر  
 با صدمه آنزی جمله قیبر لم  
 ایدرسک کر بونوره حرمت سن  
 با صلوب بونوره مغلوب اولوسک  
 اگر بونوره سن کیم با صید سک  
 بونک اوزره اولور سک وکدر  
 سک بد ایشردن بنره آخر  
 خدا بیلور نه رحمت اوله ظاهر

الهی سن صافلا جمیع ملاردن الهی سن تورار  
 ابتلاردن الهی سن ایت فیق ایت الهی سن ایت شفیع  
 ایت الهی سن ایتمیج سن کیم بولمز و سندن اولمیج کیم  
 و صلیک ابریز الهی اکو سن انسا طاک بساطنی بسط ایتمیدک  
 بو بر اوج خاک ناباک نه زهره سی دار ایدی که ملک الملک  
 بساط حوالیه قدم با صه ایدی و اگر سک جذبک جاذبه سی جذب  
 ایتمیدی بوسیاه کلیم کلمه اوبارک نه لیا قتی دار دی که قبه قرب  
 جبرونه بول بوله ایدی بر جذب که ایره که بر دم بیل فوق عبادت  
 دد عالم الهی عمران او غلنه لطیف اربوب موسی دیدک ابوطالب  
 دینمینی جذب که چو ب مصطفی ایدک الهی سنک عنایتک جادوس  
 سعادت آتیه سوار اولوب ابرمه آذربت تراش اولی کمدی که  
 خلیل الله خلعتنی کیم بلیه ایدی الهی باران لطیفک راس حکمت  
 نسیم کیم ایشمسه یعقوب کیم اولور دی که انک فطرتی بوسنا سندن



هزار کل رسالت آید پدید می رسد ریح لوافح کرم والطاف  
زکریا یمین صدق در نبوت و جلالت اندک رسالت  
آمار انوار احسان و اعطا قلدر که بر بویک بت پرستی خاندان خاتم  
رسالت اندک الهی سن اول بی نیاز است که نیجه پیر من جانک  
بیاض روزی جریده طاعات و سواد شبی غمزه آب دین مناجات  
ایدوب نفس اماره بی تیغ مجاهد له قطع دغوات سکوه صوره نیجه  
منزل قطع آتش ایکن اخر عمر رشته سی بار یک و حیاتی روزی تاریک  
ایمن قول غنه بودانی ایر کورک که الطرب رد و الطرب سد دن که  
سعی مردود و پول مردود رسن اول کار رسالت که نیجه چون  
خرابی که در دکات نه بی ورد وار بوزینه کوزینه سوروب و زاویه  
خمخانی بی رند وار دون و کون سکن ایدوب روزگار بی زمر و خر  
عیش نوشکد کیمش ایکن ناکاه پدایت رسول ایدوب و قبولت  
قبولی اسوب غنایت جدسی بیوب مقرب حقان ایدک الهی  
سنت بسته مه که طاعت و نشانه کرک الهی بسته ماسکنه عذر  
و بهانه کرک دبله دیگی صومعه ده سر و بیکانه ایدر سکت سر  
پستدگی میخانه دن چوک آشنا ایدر سکت الهی بیست اولی  
ملاکده اره سنده زندیق ایدک ابوکر نه ایلدی که تجانه ایچنه  
صدیق ایدک ممت عالم در رسول نبی آدم حضرت رسالت صلی الله  
علیه وسلم منقول که حضرت جبریلون علیه السلام صور دی که یا اخی  
جبرائیل هیچ سکت ده خطایر قدسه و منازل است که  
ادور سندنویش کنه دار میدرد دیدی جبرائیل ایدی بابی الله



نول بر مرغی آره خردن سوره لیدن بری هیچ بر مرغی هنوز این دکن  
 او تو میوب طور رز الهی سکت لطفک علت استم الهی سکت  
 قهر که سبب کر که کاه بر آلوده سپاه روی کتور و غایت ز لایله  
 باک ایدوب پوزین آغ و بر سکت کاه بر طاهر باک روی سوره  
 در و هجرانه ملوت ایدوب قارار دیر سکت هزار هزار طالب دارد که  
 عالم را دین تنی ترابه و جانی سید و بر سکت و هزار هزار  
 عاشق دارد که هوای حیرت حریق آتش دل و غریق اب دین ادوب  
 کز هنوز زلف مقصود ندن بر تاره و کوی معبود ندن بر غبار پرمشدر  
 و نیجه غافلدار که طلب نه نش نه در غم عشق نیند دکن اکلاخ عمر بنی لذت  
 نفه رور کار بنی هوا و هوسه کج مشدر ناکه مانی غایت  
 نسیمی سوب و هدایت بدرقه می ایدوب نطلمات وادی غولاندن و شبنام  
 صحای مسلمانته حیقار و بیدار محبوب پیدا در روی معشوق بودا  
 اولو نفس داحده غرود نادانی وصل دمانی به تبدیل ایدر  
 نیجه دار که تجانی معبود بنی معبود اید مشدر کوز پلکه رسم  
 سعادت جریده معامله سنده جک مشدر و نیجه وار که عرشی قبله  
 در البرسمی سجود اید مشدر پور خبری بوق که داغ شفاوت آلسنده  
 تو مشدر کاه اولور که بر شمشک بلند بر بنی کتور سکت دکاه اولور که  
 بر بنی کت خاندانن بر شقی حیقار سکت کاه اولور که پلقد معصیتی  
 عفو ایدر سکت کاه اولور که بر کاه قدر جرمیده رد ایدر سکت الهی  
 مکن آدم اوغلی مکیون که بر لوت جماعت طور و بستی لستر لهر لحظه  
 زبان جلد قول قلمینه بوند اکلور که لاطریق لکم فاذهبوا سزه بول پودر کت



و بر بویک جماعت سندن یوز دود مندر کشید و رکز کرد هر دم بوسالت  
کو نذر رسک که اناکم انتم لی فاقبلوا بن سیرکم سر بنیذ کلک  
الهی نیجه یافنده خلوت فاندی وار یکم آتش فتر کله اوده اورد ب  
دور رسک و نیجه عبادت خرمندری وار یکم باد استغنا کله بده اورد ب  
طور رسک الی بونه حکمت در که عمر بر یاندن فلیجینی چوک کرز لات  
و غزیه آند بجه که البته محمدک باشن کیدم اکا اویانوی قیارم  
و بر یاندن پدایت چاوشلری اوکجه سکر و لیسور لور و غنا پیت  
منادیری یانجه جاغری لور که طر فوا العبد رب العالمین  
کیدک تو مک بولدن آبریک اوکلدن الی بو بر معامله در که کیمسه  
بو یک سربنی پلیر الی بو بر معامله در که کیمسه کنهنه ایرغز **ایات**  
ای دل کله سن قندری اول  
نیجه طلب امید و مقصود  
بیک بیل بده رسک دو کام اولوی  
و اغسل سن ایکی خضر قیل  
سن کندیک بیتم ناک قیل  
کیمیسی سعید اولور کور رسک  
سعی یله دکلر بونی بیل  
بیل بونی دانش و عملدن  
مقدور سعادت و شقاوت  
جهدک قومه مال اکلدن  
حقی دخی قومه هم و کلدن  
جهد اید که بر کنه بی رنج  
بودنیا طوره لی بولدی کینج



لیکن اسکا قہیمہ اعظم دکت وار ایہ تو کھلی عسما دکت  
 کل فو لیسنہ بورا ہر کپتہ کل مسجد و خانقاہ کپتہ  
 کرد و خدمہ طواف ایستہ حج عبت و کداف ایستہ  
 باکت ایہ دکی قومہ مہمل کیم شرط بودر بویلدہ اول  
 بسا بد طواف عشق کرسی ہمسراہ مقربان قدسی  
 شریقی قینو بد رطہارت کیم این نماز ایچون اقامت  
 کلبی پتہ صافلا دکت یچککہ دونوب ملک اوحدیغٹ سن  
 ہی بونی صافین خیال تہمہ اولمذا علی محال تہمہ  
 کلب ایہ ملک براودہ صغیر بری بریلہ یکسی شمر  
 وار کلبی کپدر ملک بدل قبل ہمسرہ عقدہ کہ وار پوری حل قبل  
**نہ** الہی ہر کستی سندن تورقار بن بدن سندن ایملکن  
 غیری سندن پوق ہر بار مارلق بدن الہی ہر پردہ حاضر ہک  
 سنی قندہ ایستیم و ہر حاملہ ناظر سکت سکا نہ دیم الہی بن ضعیف  
 نسلیم کہ محبتک تقاضا سی کل دیرسہ غمک کبریا سی رد ایدر  
 جاکت بکلیسی جذب ایدر سہ جدا کت سطوتی قہر ایدر الہی اگر من بی  
 وجدنی لطف و شرفی فولدکی فرج و کرم ایدر سہ اکبر ہار دانی  
 سہم پیاسنی کتہ بر طرفدن دہم ایدر و ہو حکم اینا کستم  
 مرده سی خبری شہر روح آر تیر رسہ فقہائی سد الملک الحق  
 ہیبتی بدن جان کیدر اگر توتپای شہارت وجوہ پومند  
 کوز لرنہ سور میگوپ روشن و پرنور ایدر سہ تند باد عزت لاند کہ لایا  
 کتہ طویراق صاحب پترہ و کور ایدر اگر ہوا اول معناسی ضایرہ مقرر



ادویه هو الاخر کلوب بوزار واکر هو الطاهر فجوہی خواطردہ  
 پراپرسہ ہوالباطن یتہ محو ایدر واکر و عدک ابانی ست دان  
 ایدرہ بنہ و عیدک تہدیدی حیران ایدر اگر دصکک  
 جذبہ و شہوہ لری فرخان ایدرہ کنہ ہجہرک ستم و شوریدہ لکدی  
 سرکردان ایدر اگر عفو و کریمک خصوصہ بافارسم بلا دقہرک  
 علاتنی نیچہ ایدہ ہم اگر جسم و عفتدک نصوحنی کور و رسم  
 غضب و بطشک آیتنی نلیہ ہم الہی طاق بوندہ طاق کہ دل  
 اہل دعوی پر نفاق و جان اہل معنی پر استیاق پس  
 دوست نژدہ اولہ انفاق الہی اگر حج ایک سہ سی و لمیدی  
 آفتاب استیاق جہانی با فارایدی واکر سرعک سیاحتی و لمیدی  
 اصحاب دعوی علی طواری دی الہی کورستان ایدہ خانہ حسرت  
 و کستان ایدہ جا بجاہ عبرت بر کیمینک کہ عالی کاہ عبرت و کاہ  
 حسرت اولہ اکا ارادہ نہ قدر حسرت اولہ الہی بوسا فروقلدیکہ  
 سرعبت و ادیندہ طریقت با دینسن مہترایت  
 و حقیقت و کز نغ غایت نسیمنی سن رہ برایت عبادت کجانی  
 زہد نوریکہ منور قبل و طاعت اولرینی معرفت نسیمیکہ معطر قبل  
 امی کوکل و شتر نسکا عیش و طرب حق بلیکل حق قبل سن طرب  
 حق ایدہ اول سن نہان و نسکا بودر شرط دل پر ہنر کار  
 زاہد اولہ رکیم اولہ سیرانہ فرد ایکی عاملان قبلہ کو کلنی معرود  
 زہد شمع و مرغ دل بردانہ در زہد اسکار ہد فرادہ  
 زہد کسچہ بر مقام غایدر زہد زہد انک اولر حالیدر



زنده که آندۀ اختیار نفس اولور  
اول فناء اهل قسطنطنیه پس اولور  
چونکه ترک اختیار اولور مقام  
زنده دخی را هید اولور لرمدام  
چونکه بومیدانه اول چولان اولور  
واربع و یوقلق اکا بکان اولور  
ره و اولور بونده قطب استوار  
اختیارین اتمس حق اختیار  
بوسعادت هر کماک یاری اولور  
دنیا انک بر بستاری اولور  
جان اولور اول جسم و غیر زنده  
شاه اولور اول یکی عالم بسته  
الهی شکوفۀ امان دینی گلشن سادمان بقینده سن  
مقبسم ایله الهی بیل باغ شریعتی اعصاب شجره طریقت سن  
مترجم ایله الهی ایمان بنا سنی سوبه محکم ایله که صرصر و سوسه  
شیطان دن اصلا متزلزل اولمیه و اسلام فاعن سنی سوبه  
محکم ایله که متجین اتمس فنادن برزده متغلی اولمیه اساس اتمان  
دین کبی استوار و قطاب فلک شرع کبی بایدار اولور الهی بر دیرک  
میسر ایله که سبب حیات ابد و موجب بقا و سرمد و طراز حله  
زندگانی طریقت و فهرست اعمال دامانی حقیقت اولور الهی بر خصل  
و بر که فاتحه ادراد فکر و زیور ابرار ذکر و نشان صحیفه قبول اعمال  
و عنوان نامه استقامت احوال و نهال باغ کامرانی افانی و فلاح  
درست دامانی دوجمانی اولور بر خوصص عقیدت اولور که کرد تغییر انک  
کمال باطلک خویشنه توهمیه و بر حسن طوبیت اولور کهیم سبب سبب  
انک صفاسی زلالک متعنه فارسیه بر پاک نیت اولور که تعامل تا فلان  
نون محاسنه اراسته و بر کوکبک غریمت اولور که قدود دلیران  
رستاق دستقامتد بر اراسته اولور الهی قول همتی پند عی



حصول معرفت عالم غیب مستوجب حرار هدايت سبب آخرت  
 اوله انى سن مسير است الهى سؤل توفيق که جالب مراضى و مبائن حلا  
 و فایده عواطف و مراحم سخاى اوله انى سن مقدار است الهى سؤل بصيرت  
 کور بنى سن آج که نتایج عواقب امور دنیایى بمنور مبدا رسیده اکنون  
 تمام کوره و سؤل عقل خانه سنى سن حکم است که مستقبلا جرئیات  
 احوال عقبیه به هنوز وقوع بولدى ذوق و یقین بوله الهى سؤل غایت  
 دل و ارتباط حق که انک جمعیتى قضایه بادیرت ان اسمیه سؤل  
 انتظام خاطر و انقطاع خلق که انک اطراف و کائنات عوالم الی ششم به  
 او مایه کندى کرکدن انى بوضعیف برینه سن تسهیل بره سؤل غایت  
 صادق که اباطیل خانه غرور و غرورات کاشانه در بعضى تسویات  
 نفس ناره و تمویهات توامی مکاره انک حرم صحنه نزول  
 و حرمی خواننده تفوال اتمیه لطفکدن امید فر اوله که انى بزقول که  
 سن تقدیر ایدیه سؤل الهى سؤل کوکل که غرقه غمران دریایى شهبانک  
 اوله حاکم که دصکک بحری سى انى ساحل نجاته ابرکور مبه و سؤل  
 قالب که مرده بی هواجر بوا دى سواکت اوله حاکم که غایت  
 زلالی کاتاره حیات ویرمه الهى سن بکانبندل بقیسکت دین  
 دوم اگر بن بنی پلزمه م معذورم الهى بندن عبادت کرکسه سؤل  
 غنایت کرک قولدن طاعت کرک حقدن هدايت کرک الهى  
 بار اماره لکودن پنجه تور فارسه م بلا اوله دیو ایلیکودن اول قدر تور فرم  
 استلا اوله دیو الهى سوچم سلیم قیو که کلام رد اتمیه الهى بی سؤل  
 دیوار بنی سدا تیه الهى جل دمنده پریشان حال اتمیه الهى الم انجی قیده



یا مال اینم الهی بنی روز محشر ده خلق را سنده رسوا بینه الهی بنی  
یوم بر زنده تن حشر الله ما دی اینم الهی بنی طاعتش که دائم الیه الهی  
بنی کجی کرده قائم الیه بومرده دلیری لطفش که زنده است و شب ظلماتش  
کوکل سمعی تابنده است نه که اول نور دیده عالم و سرور سینه آدم و صدف  
رسالت و در می سماج جلالت ختم سوره نبوت خانم بختن فوت حضرت سالت  
صلی علیه وسلم منقولد که ایکی کوز جهم او دینی کوز بری عین ابد که ظلمات  
وادی شده هیبت جلال حصه آب حیره کبی اول چشمه جسدان باشد در آن  
اولور و چشمه بیدار که طلیعه رحمت خدا به منظر اولوب صبا طره دکن طوره  
دیده آن اولور الهی احیا و لیلی برد و لند که دکه نو که مقدر اینتر سکت  
الهی نیاز نیم شب بر سعادت در که دکه کوکله میسر اینتر سکت شب مقام فوت  
عاشقا نذر شب خایام دولت مشا قاندر نوصیح سعادت کامرانی  
مقا ساه ظلمت شب مجاهد دن صکره لوفار که سیجعل الله بعد سر سیرا  
و هامی سیادت و دجهانی بال اقبال و جناح نجاتی شب روانان او ربه  
صا لار که عند الصبح مجد القوم السراج جمع ارباب قلوب توجیهانی کجی ده  
رنا ده بولور و جمله اصحاب کثوف کشف غریبی شده از دبا دین بولور  
سلوک ابراهیم خلیل الله شده اولند که فلما جن علیه الليل رای  
کوکبا قال یذاری فلما افل قال لا احب الا فلین تسبیح بولس نبی سعدی  
ظلمده پلند که و ناد می فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت  
من الظالمین و بعد حضرت موسی دخی میقات طوره لیا لیلله اولند که  
فتم میقات ربه اربعین لیلله درایت دولت محمدی دخی قبه افلاک کجی لیلله  
حقیقه که سبحان الذی امری بعبد له لیلله و ان قدیم دخی کجی ده



نازل اولمدر که انا انزلناه فی لیل مبارکه و قدر ذی قدر دخی سبده  
 مقدر اولمدر که هی حتی مطلع الفجر سب جمع مکث خود شرفی مذکور و مظهر در  
 و پنج کجی لک دخی قدری معروف و مشهور در دلو اول کسب یکیم کجی کرده طوبه  
 سول مردان شیرآسا و دلیران صف هجاکبی تیغ مجاهده بیک نفس ماره پے  
 زیون در دزگرد تقوی اید اول مغوی سدرگون اید که و سول زان ضعیف  
 دزم کو کلک کجی اید کرده و کین زار دنیا ز ایدوب تحه جرعه دیده دن وزن  
 دزین دیا بلری دباره باره لعل بلری کور ناسی برنه سیدان ایدوب  
 علی الدوام دو که در و صاحب دیده خونبار دن کلزار رخسار شب تار  
 اوزرینه باریان غم آخری و کزیه روز قیامت با غمور کبی طور بسوب با غمور که  
 الهی بزم سکانه راز مراد الهی بزم سکنه نه بازار مراد الهی ضعیف  
 روایت کربلک شان دکل الهی فساد لری یه صامق و چکات نسائی  
 دکل الهی سکن اذک محسن و جواد در بزم بسم جمل و عباد در  
 سن آدیکه لایق ایت بزم خاطره کوره ایت الهی سکن ذاکت  
 رحمان در بزم فعلر عصیان در سن ذاکت مناسب ایت بزم فعلر کوره  
 ایت الهی نائب کما هیز اولین کرکسه و کما کر نائب بولفر واکر بولفر  
 بشیانی بیترسه و کما یدره عاصی کور غم نه مرد بهلوان اولو که هیچ  
 نفسی نه اولمدر و نه صاحب طبعان اولو که صکره تمام شمان  
 بزم بیل بشیانی قوی زبان کن کرک و ذاکت مامین لب ندن کرک  
 بر دخی ایتام که غمبت کرک و بالکله واکر که همت کرک **ایات**  
 ای طبعی محمور ایچی ویران کو کل نفس قول و عالمه سلطان کو کل  
 حکمت جبل اید اولمدر ایچک بحر حیرت فابلانس اولو که فحاک



کرد و بر سه کس عمارت اوله سک  
 کل دوز نکل سن بوطاعت خانی  
 کوی دبنده خانه کی ابا ذیل  
 مرتبه ک ایسترسه ک اوله برقرار  
 کر بنا سخی خانه نک محکم اوله  
 توبه اوله سن بیمان اوله  
 دل کوزه حضرت عجز و نیاز  
 دیده کریان ددر دن آتش اوله  
 بنده حق اوله و غیر می خوا  
 ور دین اکر که یور کین طغیبه  
 بن بکایندم دیو حسرت ایله  
 کیمه کوندوز طور میون یا لواره  
 بیر کافر کیشیمان اوله اول  
 توبه دن اول کرک بویله ایله  
 دیا صکره در بویله بشتوا  
 هر کسینک توبه سی بر در لاولو  
 آدم اولور توبه اکا بر کمال  
 که گفت به غلامن قربت در  
 حضرت حق بر عطا در رکرم  
 کفر دایمان عاشق اول کبریا  
**نشر** الهی معرفت رسمیده نه اعتقاد الهی عبادت عادت نه اعتقاد

طوب طولو نور عبادت اوله سک  
 وار عمارت ایله بو دیرانه بی  
 وار دوزن توبه بی بنیاقیل  
 اولین بنیاد سک لیت استوار  
 چون کهن اوله خرابی کم اوله  
 حقی بیوب نوسمان اوله  
 قلب قلب ایلیمه یارار زار  
 جان دل اول آتش ایله خوش اوله  
 نفسی ترک ایدوبن حقه اویا  
 عمر ضایع کج بکنه آغلایه  
 نویسر عالم دیو غیرت ایله  
 بن کهنکارم بکار حمایت دیه  
 چونکه عذر ایدو مسلمان اوله اول  
 واره صکره توبه سنه توبه ایله  
 توبه ایله هر نه اوله غیر خدا  
 هر مقام صورتی بر پوز لاولو  
 آدم اولور توبه ده فایق اول  
 که کنا من آنکسی حقت در  
 عاشقی در هسم وجود هم عدم  
 مشق نفقه بنده اول کیمیا  
 اعتقاد الهی عبادت عادت نه اعتقاد



الهی حسن عمل نه اعتبار سوز قبول اراده در الهی بوگوئی ایلیکه دایره  
نه حساب ایست عاقبت اجله در الهی مقدور اراده نه مکنیت کار  
تذییر بنگذر الهی بزارم اول طاعتدن که عجب در باکتوره خشودم اول  
معصیتدن که زاری و بکا کتوره الهی بیلم اول غازی که نیاری یون  
الهی بیلم اول درونی که زاری یون

### بیت

عقاد شرع و دین بیکل غازی	غازی که اوله انک نیازی
غایت معیسی بیکل دعا در	دعا زار خوشه روا در
قو طاعتین اول تاجید بیل	صلونی مؤمنک معراجید بیل
چو خلق ایست می خدا بوجہ ملائک	نودی هر برین بر بولسا کک
کیمی سا جد کیمی خدمته قائم	کیمی راکع کیمی قاری دایم
کیمی قاعدت سنده خدا کک	کیمی ایدر صلوتن مصطفایک
برینک خدمته بری اولمز	برینک طاعتنی بری قبلمز
صلونده مصلی اولنه حاشع	ادلور اول جمله طاعتی جامع
فغان کیم ایله سک اندک بیه	در و ندان فاعدا سن ایله تصعیر
حضور می ایله فرینک دایم ایمل	جودقت نیت اوله ایله حاصل
کوکلان قیل توجه حضرتینه	دل و جان دن قیام بیت خدمته
کوزت دایم او گلده سجد کاهی	توسن اطرافنه میل و کاهی
فرالصدن اولانی قیل غایت	سنن ترکدن دخی اسکه حیات
سن اول مستغرق آیات دادکار	جیقار دلان حقاقت غیر یکنیم دار
مکرکیم بر عسین ایدر روی طاعت	طور و ب بر مسجد حیره اول عبادت
بیعتیور مسجدک بعض جباری	طولار مسجد ایچی غوغا دراری



بو حالندن دکل اکاه دروش که دیرمش کندونی جهان دنی خوش  
 قیلا رسک کر غازی بویه قیل سن قو آنی کیم قوری رحمت حکم سن  
 کوکل جو نکم غازی بحیره دکل اول بولور می اول غازی ایله حقه بول  
 دیر سهک سر کوزی کوره ایچکلن کیدر ظا هر حجاب سن کوزکلن  
**نثر** الهی ندیم اول سر می که اسرار یوق الهی ندیم اول نور کیم انوار  
 یوق ندیم اول کوعی که حضور یوق ندیم اول سجدی که حضور یوق ندیم  
 اول غمیر کیم نگریمیز اول ندیم اول قیامی که نطق مسخر اول ندیم اول غنوی که  
 نور سز اول ندیم اول طاعتی که حضور سز اول **ابیات**  
 وضو دیریل سلاح اهل ایمان وضو اینه قیو نور قصر شیطان  
 صفادان کیمکه بولشد رشت اول وضو سز یور وخر اصلار آن اول  
 وضو ده دهر نه دار فانون سرعی کر که ریکم تمام اوله فرعی  
 حضور قیب دخی سن بغایت وضو ایچده دخی ایچکل طابت  
 که شریطیدر وضو جو نکم غازی که بولور اولی حقه نیکت  
 نجاستدن جو طاهر پاک ایدر نیچون ایچک طولو خاشاک ایدر  
 طهارت ظاهر می واجب دیکن کر که هم دخی تطهیر باطن  
 ایچکله دلاان اخلاق دیمه که هر بر می اولور ساکه جرمه  
 درش کیم جمله سندن پاک اوله ره حقه قوی جالاک اوله پاک  
 بنم کیبی اولور سهک سن پاک و نوکون اوله سهک در دیکه عساک  
 بیلورم ایچک مردارینی بن و یکن آردیمارم آنی بن  
 الهی اب دشم بیلورم هیچ بودغیم بای دشم بیلورم هیچ  
 کوکل جو نکم ملوث برنجاست نه دیرر پاکه بو ظاهر طهارت



شمس الهی نماز دیو قیلام همین صورتده بدختم نماز قیلام کو کلام  
 معصیده سنت دیو طوتارم قور و سنت دعادت عبادت دیو ایترم  
 همین آدی عبادت قرآن او قورم همین باند طاعت ایدرم کوکل بابانده  
 مذاکره ایدرم غت هوبو چون مطالعه ایدرم نکت صفا چون علم او قورم دنیا چون  
 عمری کچوردم هوبو چون تسبیح ایدرم زبانده و او قورم باند هرنه علم که صفا  
 صاندم کوردم جابندن ریا قشمت و هرنه فعلی که خاص صاندم با قورم بطردن  
 هوا کرشمش صافالم آغدی هنوز اوصلا ندوم قرقیل اولدی اولوم اوباندام  
 هر کون دیرم اینه اصلا ده کلم هر آی اومارم کله سی ای صلا ده کلم بوبه دیو  
 کونم کجی اوش اوش دیو عمر کیدی کوکلم هر کله نفس هر کله  
 بن آره بیچاره روحم طبعی حقه ندختم او کندی خطه اولوم ارده آواش  
 بیلیم نه اینک کرک اما ایترم نیچایه یم هله باری بیلیمی برایدنه بیلدیریم

### ایات

کر صور اسه ک بکه شرط راه سن یوری فکرت جالمه دنی لندن  
 وار لغی یوق ایدوب دی لا اله نا اوله سک ملک دینده یاشاه

قدرت حق کورد اتر قیل هر که غیر پیر اینک انکار قیل  
 کند بکی طفل طوت تقصیده هر نه دیرم اینک تسلیمده  
 بیکله طفل بسته کهواره اول بی نصرف بنده بیچاره اول

نفس را توده حرص و هوا وار درس پاک ایند دایمی فنا  
 پس پوشش ایچی جسدن دست جاز اوله حقه تا کف کو



خلوت است خانه امید و بیم	ادل مصلائی قناعته مقیم
هفت غوغا نه یکم سنده دار	آج قیوسک کور که اینجمنه نه دار
نه درن بوخانه نک جون با یک	سن روانی هفت منظر آه سک
قبه بی جون بوله سرت بکیر قبل	کو کلکی یعنی حق ابله بر قبل
کنز یکی است محمود ریای وجود	تا بوله سرت نقد لهرار سجود

نامه سسک بسته بهر بیچ و تاب	صوم سکه صرفه مان ایدلب
صوم صانعه سن سیم بوش اولغی	دار کوکل بوش اید کل الصوم بی
روزه دار آکا دیش اصل حرد	که اول درون دلان ایده غیری

کیم سوار مرکب توفیق اولور	اکا حج مکه تحفیف اولور
نوب دنیا دن عیوب احرام قبل	پس طواف کعبه اسلام قبل
شول مقام سعی کیم دیر صفا	بیل صفا و مرده بی خوف و حیا
پوری ترک دعوی و نیز اقبل	صکده دار لیک عاشق و اقبل
چون بدید اوله حرم بارگاه	نفسکی قربان ایدوب اولغل تنه
بی جبت رانده بیت کبریا	یوزوکی هر جانبه طوئسه ک روا

ای کرامی کوهر عالی نسب	علم بخون ایلر نسک سن طلب
جمله جون مرده در آب دلاک	علم ادفو کیم حی اوله جان و دلاک
مه کی علمه تا بان اوله سک	کل کبی هر دمه خندان اوله سک
علم اوله عمل برکین اولور	اولر ایله علم قوری رنج اولور



علم بنیاد و طاعت خایه سی  
 علم سن سؤل اصطلاحی صانع  
 قبل و قال به بولمز راه حق  
 علم ظاهر ده بنی اولخل امیر  
 علم کسبی اولمز ابه حاصلک  
 لیک قالمه آنده کیکل ایزو  
 وار بحار قدره غواص اول  
 کر قالمه سک علم ظاهریه پس  
 کره معشیده دانا اوله سک  
 اول که اولور علم دینده بهره  
 علم صورت بنیه نند ره مان  
 نقش صورت رنر قوسن نقاشی  
 بنده کی طاعت در بنیاری نو  
 عشق اربابک بیل هواسی غیر اولو  
 طبعه بر الحام ربانیدر اول  
 بو بنم عالم دکلدر سولیم  
 سن بنی نو دبیکمی دبیکه کل  
 بن دخی بر عاجز و حیرام  
 نه بیلوریم نییم نیجه ایدم  
 حیرت الدی ایچیم طیشم بنم  
 عققله لوت بیلوریم نیک کرک

اوستی اولمز بولور کات نیسی  
 علم اولور دم دیو اکا قانع  
 قاله قالاغز اولور کسده حق  
 کیم غدامی طفل اولور اولده شیر  
 علم ذوقی حاصل ایتمز هم دکت  
 نیجه طفل اوله سک سن شیر جو  
 واکنوز حکمت ایچره خاص اول  
 سن لب در یاده اوله سک کس  
 طولولوسن در دریا اوله سک  
 دو جهان سر فراز و سر بلند  
 علم معنی صفت جانی درون  
 عالمک فرشتن قوسن فراسی کور  
 علم بیل بیکلدر رکفتار قو  
 عبل جانک نواسی غیر اولو  
 جانه بر تفنن روحانیدر اول  
 اهل عالمک سوز بد فضل ایزم  
 استی قو سوزیک کی کلغل  
 بو هوکنک در دله آواره ام  
 نه بیلورم قنده دارم نه ایدم  
 بیلر اولدم بن بنم بنده حکم  
 لیک بر جده به کلوب حکم کرک



در دوزخ حق داره لم مقصوده  
اوله کیم لطف مطوب غفدر<sup>انده</sup>  
دنباده آجه کوکل کوزینی اول  
دیدۀ باطن اگر بینا اوله  
سر وحدت ظاهر اولور بی کمال  
کنج حقه جان مخزن هم ملین  
جون حقیقت بحرینه اولر یولور  
ای کل خندان قومه سن رنک بو  
مرغ کبیسته دانه اوله سن  
نفسکی محوایله آنده ایج دف  
سؤل کوکل کیم اولدی عیسی دست  
مرغ وحدت که کسی دلدۀ اوچر  
بسبل جان کاه که بران اولور  
که جمال یار کشف ایز نقاب  
دوشه فالقه اول کوکل طالع اولور  
اول که صاحب حال اولور می  
سؤل که انیسی اولور انک اول خدا

نثر

یالواره لم یعنی اول معبوده بز  
راه حق بز قوله آسان ایدۀ  
تا آجبدۀ آندۀ دخی طوغری یول  
نیجه سر لر کوزلده سید اوله  
عین علم اول دقت اولور یکیل علان  
بو اولور دبباجه حق الیقین  
کوهر معصودینی ناکه بو لور  
کراید رسک سن تحبده آرد  
مبتدای خویش بیکانه اوله سن  
نادقونه آیت اثبات حق  
که قومی اولور که اولور سینه  
برق و شمس لیکن قرار ایتیم کجده  
که کولر دل که یند کریان اولور  
که جلال غنی قیلور حجاب  
کاه مغلوب و کاهی غالب اولور  
حق ایدۀ در همد دم آری انک  
بحر ممکن اولور و در می فنا  
الهی هنر نه قدر جدا بدوب ظاهر مرم معور ایدرسم بطمن دین

ظاهرده هنر نه قدر سکا قول ایسم ایچده هوا سلطان الهی حجات کردی  
یونم طوطی الهی حسرت دردی بلم بوکدی الهی ایمان تخمینی که قلب  
فرزده سنده کندی طعنه الکوک اسلام نهالی که کوکل رود سنده



کمال کر مکدن دیکدک داما باران رحمت و نسیم عا طع شکله سن نشو نما  
 ویر هر دله دل کست زارنده محبت تحمذن غیر یسنه انکه روح  
 کتینسن و حدتک بجزدن طشه صالمه چون توحید بنیا دینی  
 سن اوردک خراب ایتمه و چون امان غنی سن دیکدک بی آب ایتمه  
 الهی هر نه محبت اید رسم سنک جا لاک حرائق و هسنه نه که کوکلم و یوم  
 صفاتک یانی الهی هسنه نه باقار رسم سن آنده حاضر الهی  
 هسنه بی کور و رسم سن اکا نظر الهی کز لوسک غایت ظاهر کردن  
 الهی کور و غرسک زیاده نو بکدن الهی سیدی و مولای هر نه قدر  
 کناه کار رسم کر مکدن ناما میدکلم و هر نه مقدار مجرم رسم عفو کردن  
 نومید دکلم نه قدر کناهم چرکی و اربابه امیدم اولکه رحمتک مصفی  
 عفو ایده الهی حجات طوبی اغن ایتمه صا جبه الهی یوزم قره سن یوزمه  
 ادرم چون بواده یا افر لقاوم ستر اندک اول اوده دخی کرم کند  
 الهی دنیا ده جوق نعمتیکه غرق اندک آخر نه دخی نعم سندن  
 الهی نه قدر جرم اید رسم رحمتک آذن ارتق و نه قدر ظلم اید رسم  
 حکمتک آذن ارتق الهی بنم نه طاعتم اولکه که معصیتیم یوبه الهی  
 بنم نه عبادتم اولکه که جصمندان الیقویه قوتقیمه راول که زیاعسوز  
 عبادتم راولکه که بر ایدرز عبادت اولد کیم دایم کوکل فکرده اوله دول  
 ذکرده اوله تن مجاهده ده اوله جان مشاهده ده اوله نماز عیب نه  
 اوله روزه عیب نه اوله شکر رضا دل که رضا صفادن که نسیم  
 ایچکم پند اوله و صبه کوچکم پند اوله فقیر دل دولت بیلنه و یوقن نعمت  
 بیلنه الم لذت کله و غم راحت کله کونه خلوت شایق بیلنه و انقطاع



خلق یادش بلیله ذوق آهلقده بولنه و صفا بیخلفق بولنه  
 عزت خورلقده بولنه و حضورنا حضورلقده بولنه عشق شهادت اوله  
 شهوتدن اولیه و محبت معنیدن قویه صورتدن اولیه اعتقاد سببه سز  
 اتصال قطع سز اوله ذکر ملائکه اوله توجه خلائق اوله هر شیده  
 اسیر اوله و هر دمه بکا و آهله اوله تبارک دعوی اوله متحمل اوله  
 اوله بنسبه ارادت مولی اوله الهی سن قولی قبول استیجیه کیم سکا  
 قول اولم الهی سن طلب ایدوب کل یمسجه کیم سنی آریاوب بولم  
 الهی اکبریم بنجام عبادتم موقوف اوله ایسم بیتمش اگر خلاصم خلاصه کوره  
 اوله یوکم بیتمش الهی بنم نه علم اوله که اسکا دایانم الهی بنم ایسکم  
 نه اوله که اکا ایسانم همین امیدم سکا فاشدر رحمت سندن  
 همین جام لطف که در مغفرت سندن ای بیچاره دلبرک چاره  
 ای آواره کوه کلرک غمخواره سی ای بی دلری بادل ایدن ای مدبری  
 مقبل ایدن ای بی زبانه زبان دیرن قره طویراغه جان دره ان  
 دیرن ای کونیز لری بیضا ایدن ای دیس لری کویا ایدن ای  
 بر قطره نطقه به دست و باد دیرن وی هر دست دیایه بک عطا  
 دیرن ای فقیر لر نعمت دیرن وی درویش لر همت دیرن ای تبر  
 دلری روشن ایدن ای دیانن کوه کلری کل سن ایدن ای سیر لری  
 غنقا ایدن ای بنده لری مولی ایدن ای کافی هر درد وی بوس  
 هر فرد ای عطا یاس خط بوش

### ابیات

ای مقصد همت بلند آن مقصود دل نیاز مندان  
 ای سر مکش بلند بیان دیرا ککن درون نشینان



ای صانع جسم و خالق روح مرهم ده سینه های مجروح  
نشر ای آفریده کارش جهنم و چارغضر ای بید آرنده  
دوازده برج درج پر در ای مصور شباح وی منور ارواح ای روشن  
کنند الطباق آسمان و زمین و می کشن کننده قلوب اولیا  
و عارفین ای داننده ناله ابوبی ای شنونده نوحه یعقوب  
ای کشنده ابواب مانی وی نماینده اسباب طانی ای بخشند  
اموال بی عوض وی همنده آمال بی عرض ای هست مطلق و می باشد  
حق ای یان بی یاران وی روزی ده بی کاران ای آفریننده مهر  
پاه و ماهی وی در گذارن جرم گناه تناهی وی بید کننده حق  
و محکمنده باطل ای نصرت دهنده محق و خوار کننده مبطل  
ای دارای جهان ای دانای نهان ای دست گیر دازل و ابد ای بخش  
عطا های بی عدد ای جهاندار و ملک بخشی ای فصل گستر و عدل  
ای کشنده خدائن خود نفس پیوند کارگاه وجود  
کوکب آرای آسمان بلند هم زمین ساز دهم فلک پیوند  
خالق المخلق باعث الاموات عالم الغیب سامع الاصوات  
حی و قیوم و قادر و قاهر اول اول آخر آخر  
یادشاه قوی ملک حق منستی نقش فاعل مطلق  
علم اندوز عالم ملکوت محل فروز طارم جبروت  
مسترف مالکان ملک ملک مرشد ساکنان فلک فلک  
شهد اسد کواه معرکه و حق لا شریک له صفات  
ابتدا که سنک نهایت یوق انتها که سنک بدایت یوق



نقش بند وجود یوق غیرک      مستحق سجود یوق غیرک  
آفرینش قسم کشدک در      هر که غیر کدر آفرینش در  
روزن دیده به ضیاسدن      روضه سینه به صفاسدن  
شاهد صبحه زیب و فرسندن      خسرو شاه تاج زر سندن  
ابر نوروز به حباسدن      سبزه فیفتی قبا سندن  
کرچه بی جای دلی مکاشک سن      سکن دلکش سکا لشک سن  
قبله روح استا نک در      دل مجروح خندا نکدر  
کارسارک کارسارک یوق      دنیا ده کاروان رازک یوق  
لی نوایم بکا نوا سندن      در مندم بکا دوا سندن  
فرده کوکله حیات سن ویرکل      خسته جانہ نجات سن ویرکل  
مشرع جسمه سار دین ایله      میوه می میوه یقین ایله  
مست جام شراب شوق ایله      ببل بوستان ذوق ایله  
شهر ای خداوند عالم ای خالق جن و آدم ای آفریننده نهره  
بر دین ای بیدارنده آسمان در زمین بر خالق الخلق سکت که کن  
دیدک آدم صفتی اولدی بر مالک الملک سکت که کن دیدک  
ایسین سقی اولدی بر جهاندار سکت که خزینه دار دن سغنی بر ملک  
بخش سکت که تاج دنا را جدن غنی الهی سن اول وارث دیا نیک  
شول دمه که مدت مهلت عالم بسته اوره داوان خراب محوطه دنیا  
یقین اوله عرصه زمین مالکان مجازی و میراث خواران عاریتی دن  
عاری اوله واقایم ارضین ملوک کامکار سلاطین جهاندار برودن  
خالق فاکه مالک مملوک سندن رعیت مملوک سندن فارغ ادوب ملوک تاج و تخت



رعیت و قحط و سخت بیانه صاله امانت نرت الارض من علیها  
 و ایست بر جوع و کمیده لمن الملك اليوم صدای جهاتی طونه دزبان  
 و ان خال ایله سدا لواله القهار جواب هر ذره ده ظاهرا اوله  
 هر کوشه دن بر آوازه کلمه کتم قتی اول ملوک عالم و اول سلاطین بنی آدم  
 اول صاحب قران جهاندر اول بادشاه دور اندر اول خسران آیین جملر  
 اول کردنشان کردون جملر قتی اول دولت و استظمار لری قتی  
 اول مکتب افتد لر لری قتی اول آیین شاه لری قتی اول ارکان و بادشاه لری  
 قتی اول سرای سر در لری قتی اول مجلس جوهر لری قتی اول نصرت و نصوری  
 قتی اول حقوق و جوی لری قتی اول کوکبه و جلال لری قتی اول ابھت و جلال لری  
 قتی اول مطبخ و شربخانه لری قتی اول علم و طبخانه لری **ایات**  
 قتی یغیمبران مسیح و کلیم آدم و نوح و ابراهیم  
 یونس و لوط و یوسف یعقوب صالح و هود و یوشع و ایوب  
 یا قتی خواجه سراج کمل خاتم انبیا جبرائیل  
 قان ابوبکر و عمر و عثمان یا علی شیر صفدر دوران  
 بشر حافی و بابرید قتی شبلی و مسیح و یسعی قتی  
 قان سنجین حضرت مولی کندیز کبندی قالدی صیت و صد  
 قان ارسلو و جالوس حکیم یا فلاطون بحر علم قدیم  
 قان کیکا و س جم و هوشنگ یا فریدون یا فرو فرشتگ  
 یا منوچهر و ایرج و دیوز خسر و کیتباد و اسکندر  
 یا بهادر لر ایچده سول بهمن کیو کو در س طوس هم بیزن  
 خمره پهلوان شیر جهان سام و هم زال و رستم و دستان



جده سناک مقری بر خاک کبیری خرم و کبیری غمناک  
 قتی **نشر** اول قصر قصر که کنکره یوانی اوج کبوانه ایرمندی  
 قتی سول ملک انوشردان که شوکت و عدال ابد جهانی طوتمندی  
 قتی کوس کیکا و سلطینی صداسی ملک کوشنی کر ایتندی  
 و ططنه داوازه سی طراف عالمه ایرمندی قتی جستر دنیا نو سک  
 سده سنی ایرمندی و ههای و افغنی پیکش ایدی قتی شوکت بیجان  
 پیده امر ایدردی تختی بل کبر و ب عالمی کر زدی قتی حصمت  
 دولتین که مسرق و مغرب انده ایدی جمیع دنیا تحت یدنده ایدی  
 قتی جم عالمی قتی فریدون و ایامی قتی سداد شوکتی قتی قارون و قوتی  
 قتی دار و دولتی قتی فرعون و عرنی قتی بنجه نصرک بختی قتی اربشیرک  
 تختی قتی رسمک رزمی قتی خسروک رزمی قتی افرسیابک لشکری  
 قتی بو سملوک قلا نوری نولدی ملوک عجم دانه کچنک پلر نولدی هند  
 اینده اولان بادشاهلر قتی خطا و خن اقلیمک خانری قتی مصر  
 شهر سناک سلطانری قتی روم و والی اولان اقصیه قتی جهان اکاسر  
 قتی سول خلفاء اسلامیان قتی اول امرای عالمیان قتی ال عباس  
 و شوکتدی قتی آل مروان و دولساری قتی جنکیز داوادی انک  
 قتی بو بنجه ابنه و احفادی انک قتی آل سلجوق خانری قتی ال عثمان  
 و خانلری قتی سلطان محمد و شوکتی قتی بو بنجه عزت و هبتی قتی قدر  
 و قوتی قتی صولت و طوقی قتی سیاست و صلابتدی قتی جلالت  
 و شجاعتدی

### ابیات

قتی بیک درلو بدیری جهانده قتی فکر ایدکی آمال آنده



قنی آیین ملک ایجده نظم می  
 قنی سلطان غنی عالمده انک  
 قنی اول حسن و خلق و لطف طبعی  
 قنی که تغل علم و کاه به سلسلی  
 قنی که رزم و کاه می رزم عالی  
 قنی کتاب و لغاتش کتا بر  
 قنی طوب و لغات و سهم و غری  
 زه به وار دی بونگر نولد می سندی  
 فلکله شعبده بازی نیجه کون  
 جهان ایسی همین مکر و فوند  
 انکچون عاقله زندان اولوب  
 نه کورو ب میل اید عارف جهان  
 نیچون عبرت آئینه کجندن  
 کن حال اید هر اولو سولر  
 جهان حالی همان اولیقه به بکوز  
 اولکجک او یانیر بایور نه نمش  
 دوشیده کوره تغیرین کویسر  
 چو عکسی کویور اکثر دوشیلر  
 جاسلف مخالف حتمی جاک  
 کیم کر ذوق و کر رحمت مطلق  
 نیچون عاقل برار حکمی به رحمت  
 قنی خلقه قود یعنی انتظام می  
 قنی حکم بنی اوده انک  
 قنی اول هیبت و ترتیب وضعی  
 قنی که درس کاه می یا دیشلی  
 قنی که بحث و که جهات و جدلی  
 قنی سازنده لر جهات و بر با بلر  
 قنی سول دار و کیر و جهات و حرلی  
 خیال ایدی مکر کله دی و کسندی  
 بو جا درون برار کوسه دی اولون  
 بوکا کوکل و برن غایده دوند  
 اگر چه جا هله خوش راکت خوشبو  
 نیچون الدانه عاقل بوزمانه  
 کیم اوله بیگ ایده غنای اولدن  
 که با قوب عبرت الفل ای برادر  
 کوکل آرتق و برن صیرویه بکوز  
 کین حالی همین برادر یقو میش  
 خیاله کوره تا دین بولیس  
 بلا جاک بونده کیم خیر اوله صدق  
 که بود دستک اوله بغیر می کوکجاک  
 او یان نفس اولور غایده احق  
 که ابد ملکند بوله عز و لغت



طونه لم بادشاه دوله جهانده آكه سندی بوكه سپهر زمانه  
 دنبا بر پیره زن عجزه دركه لباس عرايس دخترانده كويونر  
 وبر خراب آباد ويراندركه منظر آباد آنده كونيونر انك دوق ومضا  
 دفای يان و ابر تابستان كمي نايابدار در وعصه و جفا سعي وراق  
 استجار واعداد طال كمي بي شمار در كرمه كمي ملو غوليفن كنه ير و كلب كمي غلغ  
 اينديكن ايصبر بر كيمكه عهد يتي كه كنه بوز مدي و كيمكه عقد يتي كه  
 كنه بوز مدي كيمكه در روز كارك راجيني بي كساد و صلاحيني بي فساد  
 و صعو ديني بي هبوط و وصوليني بي قنوط و اوجيني بي حضيض نازل و سهند  
 بي سم قاتل و صحنيني بي جنك و جدال و دولتي بي تفسير و ذلال و ملو عني  
 بي قول و نزول و نولي بي قول و سرفني بي وبال و قدومي بي ارتحال و فرحني  
 بي رنج و بلا و سختي بي محنت و استلا و بقاسني بي فنا و غناسني  
 بي غنا و نعمتي بي غم و دلتي بي الم و سرتيني بي زهد و لطفتني  
 بي فخر و عزتني بي مذلت و دولتي بي ذلت و تلافيني بي فساد  
 و محبتني بي نفاق و كورميش اولد بورا و دركه عمارتني خراب  
 و اعلادي ناياب و غرتني تحقير و تقطيلاري تصغير و عرصه آفات  
 و منزل بلبا تدر هر كيم كاسه جهان دن شراب حياط ايچدي عاقبت  
 خمار حماق كورسه كر كدر و هر كيم باغ زمان دن كل راحت تو قددي البته  
 خار زحمن چكسه كر كدر هر يارنك و در شمشير مرك النذن بر غوندر  
 و هر طاق دولت كلنكي ز حندين سر كنوندر قضي سر و بالاي اقبالدر كه  
 فوت باد اجل بي مجال آني دونا ستميد در و ضغي شكونه باغ جمالدر كه  
 سطوات خزان مرك و بال آني يره دوشورامدر قضي نقش نقش نيايد



طوفان حدیثان الهی رق ورق زانند ییوب کبد باشد و قنق قاض  
 کل عیاد که غدارمه تابانی خار و خاشاک جهان فار یوب کین باشد و قنق  
 آسمان صفا در که غلام حادئات کائنات غلبه ایله رنک در دواسی کدورت  
 و زوال بولاشد و قنق صورت ماه سجاد که طربان موانع کنبانی سفلیله  
 ردونی و صنیاسی نعیر و انتقال بولاشد و قنق جمال مردم دیده غنادر که  
 دیده مردم اول حسن درینک لطافتده حیران اکین ناکهان بادفت  
 اسوب خاک بجیده خور آسماندر و قنق قوت دولت جوان بختدر که  
 پیر جوان اول صاحب دولکت رکابنده دوان اکین آخر شیر اهل ییوب  
 زور سنجید زاریا باشد و قنق مبارزه صفدر جهاندر که کت ده عنان  
 کشیده شمان ادوب یور رکن بسته عقیق شصت دهر اولما باشد  
 و قنق مرد میدان زماندر که سخت کمان و زهر سیکان ادوب کر کن خسته  
 زخم دست قهر اولما باشد و نیجه خلیفه لک عمامه دولتری داردی که بکولان  
 سر کنون ادوب پیوتر پی آنکه با غلا دیل و نیجه بادت هارک کر غزتری داردی  
 ناکهان اسیر ادوب بلدیله زنجیر ایدیل نیجه دلیر بها در لادور یکم کندی و قنق  
 کر دزنیله چکیور و نیجه عاقل بادت هارادور که تدبیر لریله کنه کنه در صیور  
 باغ جهان هیچ کل دولت دیر باشد که خار جفا و محنت اکا لازم اولمه  
 و زبور زمان هیچ تهدعت صوغا مندر که زهر خور و شفت اکا ملازم  
 اولمه و قنق یوسف دور اندر که زنجیری یان و امن چاک آتیش اوله  
 و قنق سیمان زماندر که بوجان آلی طوب هلاکت آتیش اوله نیجه جرم کلدی  
 انکت جامی اشدی و کیم دولت دیر لدی که مدلی دو کندی دار اپکت  
 دیو مدارات و دارانله دوران طوعی و رای هوار رای در ایا نده جهان



ضبط ایتمدی داد و نیکینک زهیری اجل تیرینی صادی موسی  
 کلیمک عصاسی مرک از داسن باصه دی شیت عله اولومی دفع ایتمدی  
 ونوح عمر یله اجلی منع ایده مدی عیسی موت اجیا ایدرکن آخر اولسه کرک  
 وموت اولسی سواده دخی بولسه کرک قغنی لاله چین ملا خذکره آخر یول  
 بولدی قغنی آفتاب فلک صبا حدرکه عاقبت افول بولدی قغنی  
 شهر یانک بختیدرکه دنیا هواسک باسنده یکرکن بی خت و بخت  
 فالمدی قغنی تاجدار صا حب تختدرکه جهان سرانک سرینه ایدرکن  
 بیاج دخت فالمدی قغنی آیین دولت شاهاندرکه مندرسل اولوب کیمیدر  
 قغنی آیت مصحف خواباندرکه منسوح اولوب کیمیدر قبه سموات بوسیدرکه  
 آخر منسحق اولوب سقیسه کرک وروی زمین بو طراوته عاقبت خراب  
 اولوب بوزولسه کرک طالع که کور رسک طالع که کرک صول که کور رسک  
 صول که کرک یلیدر که پره و دوسه کرک دیرد کوک بوبرنه قارنسه کرک  
 هرکارگاه که کور رسک بی کار دوبار فالسه کرک وهر جماعت که کور رسک  
 تار و مار اولسه کرک خلعت زندگانی آدمی خوش دیبای زیبا میدی که  
 اگر دست روزگار جیفار میدی و نهال عمر کرانی خوش قامت عناییدی اگر تداود  
 کردوش دوار تو بار میدی نیچه طفل نازیند هنوز غنچه کل عذری چلماش و لب  
 مشکباری چو لاشمش قاشدی یایی تو لاشمش غمزه لادتی آتمش ناکاه قهر نان  
 فتان اول نارسیده لری خاکه یکسان ایدر نیچه محبوب کز جهر جان فرا  
 و قد دلا لری کوکل کلارینه بیجت و جهان بنه زینت ویرسکن برکون قینه  
 دور زمان اول سر دیو کرک قدرینی وادل کل یوز لورک خدرینی لورق  
 آلسنده نهان ابر نیجه هلال درشتان اولور که هنوز بدر ابدلن خوش



و بنجه آفتاب تابان اولور که انقدن قانعدن کسوف بولور جهان باغنده  
 بنجه نهال اولور که مستدن کنه فورور و روزگار چمندنه آبخه ريخاند  
 اولور که آجلدن پولونور بنجه غمنا جلري اولور که يئسوب متمرکن زخم جشم  
 زمانه غدار اير يئسوب نگاه باد فناء حوادث يئسوب دوشور و بنجه زندگاني  
 دوصلري اولور که کوکلري زمينه ستم ايکن لواط روزگار مکار يئسوب  
 برکون صرصر مصائب يره آقدر جهان باغباني بولور کلمش دیکوب توپار  
 زمان دهقاني بولور عادت انمیش اگد يکين کتور **بيت**  
 نه خوش ايدی بودهرک بوستانی کراولمبيدي اسبب ز مانی  
**نثر** بنجه دلبان ايام ويران آجام کلدريم آهنگ يک توري  
 چينده شيرخني بنجه دعوی يله زبون ايدر لودي آغشاغ افلاک  
 برقاج ددرينه دیکوب مست بهوش اولور بيشري کوکه ايکن زمين اوزره  
 مفروض اولور همچن وجود لرندن زمانده برقصه و ياد دربانده برقوده  
 قالدی سيمان مرسل که دیو و پری فرما نسل ایدی و خوش و بطور عرسد  
 و پمانسل ایدی و پوان سنک سرکاکه کسان مطیع جا هی ایدی پزان  
 مایه کیر کوکب موکب سباهی ایدی حرکت جواد باد حفته زن کون  
 عاد نقش بند دیبای ربع جبرکشی صور بدیع فرانس خیمه سحاب  
 نقاش مینه آب جلوه دهند طاه و سبایغ برکنده ناموس چراغ  
 بولی برکبه عطی رطلعه کاروان سار سابق ناجران خشن عاشق  
 دختران چمن یعنی نسیم روان بی روان صفا بخش جان انس و جان  
 تحت تصرف و ارادت نسل و دست قوه و قدر نسل ایدی دیکه  
 حرکت بادوزینه زمین مکن اوروب آهسته اطرافنی سیران ایدردی که



تجرئی با جره رضا و حیات اصحاب دایسته سه بر ساعتی بیل سوار ادوب  
 پدای طبعی جولان ایدر دیکه و سلیمان الریح صفة فی الجمله منسوخ تصرف  
 کسوف خاک کف کفاینده ایدی و نام فیاد است که با دقبضه ایالت  
 و عایتند ایدی صوف صفوف لما بود صف صف قنادلین اوجوب تحت  
 بخت کت و سر بر سر پیکت اوسته سیان سعادت با غلار لر ایدی  
 آخر اجل مصافحت صفینه بر خطه طور میوب آلت و سبابی و عنوان اصحاب  
 بر اقوب پنهان اولدی عربان و تنها زیر زمین ایچینده نهان اولدی  
 دنیا حالی بویله کلمه کلک کیدر و اجل آرد و هاسی بویله اولر قاروشونده  
 بولدیغن یودار زخمه تریاک اینه اصلاح اولر و زخمه علاح اینه صلاح اولر  
 دنیا سیر اینه غرور لمعان سیر اینه آلد اینه بکوز و بصورت آلاسته التفات  
 نفس اینه انیا نفع بکوز جهان رکنه کوکل ویرن کوکل رکنن آچه حر  
 و دنیا بویله میل ایدین جان قوتسین طویخر بویر تحسیر که ساقی زوکار  
 الغدن زهر دوش بر جاهدن سویرور و بویر نمر لدر که اضلال دهریت  
 ایچون دیو و سر دوش بر قاعدن کوکچور ظلمت تابع نوزدر و غصه نالی  
 سرور در صحت خوش نعمت ایدی اگر دهر دون منغص ایتمیدی بکلیک  
 خوب زینت ایدی اگر بیر کت کلوب بویرمیدی وصلت یا خوش صفا  
 ایدی اگر فرقتی اولمیدی عشق مجازی دخی خوش لذت ایدی  
 اگر دائم طوره ایدی اما هر دنیا وصلتک فراتی دار و هر جماعت فراتی دار  
 نه مقدار اولسه که الفت آره نه آخر اولور فرقت آره ده  
 زماندر عاشق معشوق اولور و خدی بر برندن ابر میورسد  
 چو سن فانی و محبوب اوله فانی نه و کلو اوله اول عشقک زمانه



کوکل بکیم به و بکیم طوره اول      نه سن فانی اوله سکت و نه خود اول  
 مجازی عشقی چونکم سن طایر سکت      نیجه در لذتی سن بیلیر سکت  
 بونی فکر ایله کیم نولور بولدت      اگر معشوق و عشق اوله حقیقت  
 خصوصاً کیم همیشه دایم اوله      سکه تا ابد اول قاسم اوله  
 نه کوردک کیم کوکل و پردک چنا      به نولک آلا نیر سکت بوز فانه  
 جالیش کیم آخرت ایچون زایل سکت      جهمدن سنی از دایله سکت  
 و کت ربط ایکل حق حضرتنه      و درش ظاهرده دخی خدمت نه  
 اوله کیم بوله سکت آخر سعادت      دو عالمده کوره سکت سن عبادت  
**نثر** اگر سعیده شعیبک حالنی و یکلی سکت دخی مسالنی سیکل لیسر        
 فرض ایله کیم بر باد شاه عاقل و جهادار کامل و ارمی که اکار و ج  
 القدس و بر بردی ایکی اعلیٰ کوندر دمی واره لر غریبه تحصیل معارف  
 لطیفه و کمین فضائل شریفه و جمع خلاق سینه و احوار ادب زکبه  
 ابدیه و دیده طلیعه غوا و بدنی مرکب برنا فکری انا بکرم و عشقی  
 و زیو معظم جوارحی خدم و توانی ششم نمی جاسکیر معده بی طبیح  
 بی نظیر حکمی خون ساله لطیف و نفعی فراش شریف فاشی  
 کمان کیوسنی چو کمان هر مره سنی بر تیرش نه و هر سیکنی بر دیرب  
 دانه میسمنی بلاد غریز و غمره سنی خنجر تیز لعلنی مدام و ارضنی  
 دلم دیرنی کوهر و چارسه سنی بر جوهر دماغی خزینه مسکیم  
 و مزاجی کلبه محکم طبیعت خازن ملکین و قواسنی خدام امین حافظه  
 بر غلام خزینه دار و خیالی بر جاسوس بی قرار مصوره بی نقاش صور  
 محسوسات و معکزه بی معاربان معقولات ابدوب بوجهه اتباعی



و اسبابی بیدارینه توشب دارالملک قدس دارالفنا الله  
 کوندر دی بخر دخی بودیاره کلید برق کون کوزی باغ طور دیر  
 کور دیگر که بر ملک دلار و شهر جان فرا روضه بهشت کی صورت کشت  
 و هر دو اسباب لدی همیا همین بری بوکه میل ایدی دبو ملکه کوکل  
 و یردی لذاته آلداندی و غورینه طاباندی آتاسک دیارین اولوندی  
 و قوم و قبیله ایچدن جیفدی عقل نصیحت ایدی اسلمدی و کز سولیکه  
 دیکه مدی آزد دخی بکلری اوغلی ایدی نیلینور و شهر ده لری ایدی نیلینور  
 چار و ناچار بونک پانجه یلیر و دیله دیکه اویلر سگاه کا بعضی بی  
 منع ایتیر الدیدن کلکجه دفع ایتیر و اول بری دنیا به یا قادی و جهان نشنه  
 آقادی پنچون کلکله آلی کور ملک آردجه مصلحتی نه قیرمق آردجه اولدی  
 آتاسی محسنی ایچدن کسمدی و اول دیاری اولوندی دنیا خرفاته آلداندی  
 و لذت غورینه طیباندی فنان سن کلایوب کوکل و یردی و حقیقتن  
 بیلوب التفات ایدی آخر آتار رسول ملک الموت و الحی امی فوت بریدلغی  
 و قاصد مفرق اسباب مکتوب موب حسرت و نامه مادم اللات کتوب  
 یکسی دخی البته آتارینه کیدر اولدیر و بوجان دن اول جهان سفر ایدر اولدیر  
 اول بری که تحصیل کمال اتمدی و آتاسی دیکین ایش ایدی معرفت الله  
 سوار اولوب تقوای حق زاده و اعمال حسنی همراه ایدوب ایمان  
 سمعی نتیجه و هدایت بدرقه سی اکنجه جمیع خدم مشتمله مسرور دان و عزم  
 و خرامان آتاسی دلاقتنه و قوم و قبیله ایچیه و ایدوب آزد دخی بونی معارف  
 یقینیه ایلعلی و اواب دینیه که هر کی باب شهرستان روحانیان و دیار  
 قدوس پانده افراد عیان و جمله تمیز اندن ایدوب آردنده رالیه انبان



برکت‌نیزه زار اید که نصرتی بی تغییر در وصال و بهاری بی تبدل انتقال  
 راسی ملایم و صفاسی بر دوام نوری بی ناز و غمری بی خارش هاری  
 بی هیبت عجب است هدری بی زحمت رقب ادور و اول بری که بوند  
 لذاته عرف و سهواته مستغرق کاش نه زینب که آتش و سهرای غوره آتش  
 آخر کیتی ایوبی کور که بود که ندی خلق بونده قاور و بوملوف اولی غی چاند  
 آریور اول اسباب و مال که بیغیندی و اول سرطاد که بایستی اول  
 دست که با نیخی سک و لیور دی و اول قول که او کجی بوکر لیور دی اول  
 ابناء و بنان که آنرا کجی چون جلیسوری و اول اهل و جماعت که مصلحتی  
 دور لیور دی جمله سی بونده قاور بویا که بوله کیر اتاسدن بیکه کل نکولر  
 دخی طایفه لور بر آتک تقینه نه بوند و اریور دیرلر بس کندی قاور  
 یاکوز بر قار انقظه بوسر نه زادار نه مرکب نه کلنجی دار نه مصاحب  
 نه شمع و ارکه بولن کوره نه قولا و ارکه بول کوستره کاه برده به دست  
 جیغز کاه بر با نیجه با تار قالمقار نه بر کیمه و ارکه الی ال نه بر بوله آتش  
 و ارکه قالدیره کامیلا نمره او غار کاه جیلا نمره کاه قورنمره او غار  
 کاه اسلام نمره اول اول یکا دن حکر یار لار بو بریکا دن صوفار یار لار  
 هر خطه ساتی نهر دن عذاب کاسنی طولو طولو ایچیر و هر ساعت  
 ندامت ایله حسرت خاکنی باشنه صاجار نه یوزی و ارکه آتاسی یوزن کوچه  
 نه بول بیور که هیل باری و رای بیله همین شویله وادی جمالنده داله و حیران  
 قاور و بودی صلاستد عاقر و سرگردان اولور الهی سن صافه بول  
 الهی سن خلاص یله بو ایستادن الهی هر ایس منکده سندر الهی حلی  
 حصر منکده یک سندر هزاران هم نمی او کمره هدایت غیاثت کوشندن



بر دزد و کل دیوزبیک بنم صکریم آر شده دلت رحمت دکنن رفته  
 و کل ایکی جهانک مقابلیدی اوکلده دنیا و آخرت کلیدی ایلیکده دیکه  
 دنیا و بر سکت دیکه دک آخرت دیکه سکت کیسندن ده و بر سکت دولت  
 دیکه سکت بر کدایی عالمک و ایدرسکت و ایدرسکت بر بادشاهی جان  
 راه ایدرسکت هر دولت و اقبالی و پیکاک الکن و هر نعمت زدالی  
 ین دیکه کلده الهی پادشاهی سکا یا سوره که جهان پادشاهی یعنی کیه دیکه  
 و بر سکت و یکدن دیکه سکت آیدرسکت کاه فرعون یعنی سرور سر بر ملک  
 مصر ایدوب موسی کلیمی کلیمه احزان غریبه مبتلا ایدرسکت و کاه بنی اول  
 ملعونی قهرک دکننه غرق ایدوب موسی بی ملکته پادشاهی ایدرسکت کاه  
 یوسف صدیقی حسرت چاهنه و ملا زندانه گرفت رایدرسکت و کاکنه چقار  
 مصر تحت مده غریز و نادر ایدرسکت الهی سن اول مالک الملک ازل  
 و ایدرسکت که قل اللهم مالک الملک هر کیمه دیکه سکت تحت ملکتنی و بر سکت  
 توفی الملک منقش و هر کیدن دیکه سکت ناج و دولتی ایدرسکت که  
 و تنوع الملک منقش و هر لیمی ایدرسکت درجات غریبه تیدرسکت که  
 و نغم منقش و هر کیمی دیکه سکت درکات مدینه براغورسکت که و بدل  
 منقش و مفتیج خیر و سعادت قبضه اختیار و بمن ارادکنده در که  
 بیکر انجیر و نواصی کائنات تحت قدرکنده مقهور و سراسل تصرفکنن  
 ماسور در که انک علی کل شیء قدیر نور ظلمت مسخر آثار قدرت حکمکنده  
 روحی روز هندی شب بنده در کاه غرکنده که توبل الیسیل فی النهار  
 و توبل النهار فی الیسیل کاه اولور که بر جم علم شب و بجوری بر پیش فرعون  
 کبی جواهر زو اهر کو اکبله مرصع و زیبا ایدرسکت و کاه اولور که



عود سحرین صبح صبحی بین موسی کبی نور خورشید تابان ایله ییضا  
 ایدرسک کاه اولور که سواد روی شب نخوستنی بیاض روز ملک دوله  
 فرعون دار مالک دستولی ایدرسک و کاه اولور که بیاض جهه روز  
 سعادت سواد سب بلا و محنت اوزینه موسی صفت غالب و مستغنی ایدرسک  
 کاه اولور که برکافر میت بدن آرز و عبادت کبی بر حی ظلم جبار و  
 ایکی جهانده حبیب و خلیل ایدرسک و کاه اولور که بر حی و عالمات  
 صلیدن نوح نبی اله کبی برکافر میت کیتوب دو عالمده خوار و دلیل  
 ایدرسک که و تخریج ایمن المیت و تخریج المیت من ایکی استسک  
 کیمپندیه نعمت دیوب رزقی بیستمار ایدرسک و دیکسک بر نانه  
 محتاج ایدوب قبول کرده زار ایدرسک که و رزق منیت و بغیر حساب  
 الهی سن اول یادش هسک که جمیع مایل روم و چین و جمله طوائف  
 هند و چین و سایر مکان عرصه زمین اختلاف طبقات و تبین  
 و جاذبه مذاهب متجانف الفروع و الاصول و طریق متباعدة الایاد  
 و الفضول و زربله ایکن جمله سی بوازه مطبق جمیعسی نوین متفق لرد کیم  
 یادت یل یادش هی سسک که س حافظه بدایت یوق و سلطان  
 سلطان سسک که سلطان غننه نهایت یوق جمیع صنایع عرب و عجم  
 و ملوک ترک و یونان و امراء مغاربه و عظمای صفایه عنوان نامه و دیوان  
 سسک نام شریف کله مهر و نگین ایدر و طغرای فرمان عزیزی سسک  
 اسم کیمیکله تنفید و نگین ایدر و هر بری و یلو و یمنه سنی ذکر و یاد ایدر  
 و هر بری بر آله سکا جا غروب فریاد ایدر کیمی نگر می دیر کیمی خدا  
 کیمی اند دیو ایدرند اهر دله مقصود سسک و هر منده معبود سسک



هر بادست هجاری که جهان کلدی و هر سلطان عاریتی که بوملکه قدم  
 با صدی دولتی کند دایم بلیه کسندی و سلطنتی و جویدن محو اولای اگر صحائف  
 تواریخ و اسما و لطائف و دوا وین اسعار و کسب سه ابرکت آثار و انکار و  
 جایدور و شمار و صفیات بیل و زهار و درین برتر لری قالمادی سن  
 اول مالک محاکک آسمان و زمین سبک که ملکات بخوبی و اقبال دن  
 منزه و مبرادر و سن اول پادشاه قوی و متین سبک که سلطنت بیدل  
 و زوالدن مقدس و عزادار سن اول سلطان قادر و عفت سبک که گاه اولو که  
 عرضه عالمی بر طائفه دن خالی یدر سبک که و کم نقصان من قربت کانت طایفه  
 و کاهی که اول عرصه بی بر جاعتی که مالی یدر سبک که دانست نابعدا قوما آخرین  
 وقت اولو که دولت و اقبال و ثروت و مالی بر بگویدن الیر سبک که کم ترکوا  
 من جنات و چون و زروع و مقام کریم و نعمه کانا و اینها فاکهین بنه هزار درونم  
 و انواع خدم و حشم بر بگو که دخی و بر سبک که کذ نک و اورشاه قوما آخرین  
 گاه اولو که بر طائفه بی سروران عالم و مالکان قایب بنی آدم ایدوب هر کسی  
 آنکس غفلت نده چنان و تحت حکومت نده سرکردان قبضه قدر نده مقهور  
 و تقیاد امر نده مجبور خدمت عالی نده قائم رکاب همایون نده عازم ایمن  
 ناکاه تذبذبا و صرصر جلاک اسوب اول سرور لری خاک که یگان رخسارین  
 تاراج و تالان اولو لفرین ذلت و تحقیر غریب نده بدین دولتین لته  
 مهابتین مهانه نیتین نفقه مختلین محنت تر و ترین رثانه مذو ترین  
 ندامت مال و بی ملالت سعادترین سفادته مبدل ایدوب محکومترین حاکم  
 محکومترین مالک مأمورترین آمر ضعیفترین قادر خادترین مخدوم و مکرم  
 بنده لرین امیر مخم ایوب قاری و لریه اولو آنکس قاری و سوسه اولو و دواب لرین



او بندک اولین او بدیر رسک ماک الملک سنسک که مملکت روال  
یوق بادشاه مطلق سنسک که بادشاهنہ انتقال یوق حاکم سنسک  
جمنی عالم مطیع فرمانک سلطان سنسک که یکی جهان بنده احسانک  
بیوروق سکا یار شور که هرته استسک ایدرسک بکاک سکا یاقور که  
کیمی دیرسک بک ایدرسک لطف و جمال سنسک که بر کرمه اید عالمی نازده باره  
خندان ایدرسک قدر و جلال سنسک که بر غمزه اید جهان باغی تر حرد خزان  
ایدرسک آیین شاهی سکا یار شور که خوشبختیغ زن رزمک مدانک  
کم دلاوریدر ارکان بادشاهی سکا یاقور که زهره طرب زن بزمک بکاک  
ادنا خنیا کردار ویرمک سنسک ویرمک کبی کوک که کیمه دیوسه ک  
بنوت ویرمک ویرمک نختس سنسک نختس کبی کوک که تواننده  
کرنه ولایت و کرامت غنیمت سنسک تحت و سیر سکا یاقور که طبقات سماء  
واصفین عرسک نزدانک بر پایه سیدر مال و خزینه سکا یار شور که  
جودک خزان سنسک بر جوهری یکی جهان خلقک سرمایہ سیدر  
الهی سن اول حکیمک که مهندس حکمت یرده و کوکده هر نه تبدیل و تغییر  
ایدرسک تدبیر کله الاهی سن اول مصورک که نقاش طبیعت عالم صورده  
هر نه تحریر و تصویر ایدرسک تقدیر کله بر قاهرک که اول یرده که فکر  
لاتا منوا اوقه جمیع دلالتیرہ و خوان اولور لطیف سنسک که اول منزلده  
لطفک لائقنظوا دیہ جمیع یولوغسم و خوان اولور سول دمک جمنک  
نسیمی یرده خاک اوستی کلزار پاک اولور سول دنت که سطونک  
صرصر میاسه کلزار یکی تیرہ خاک اولور بر جبر رسک که فکرک الی کیمه  
ایرہ قادر کن بس ایدر بر جمنک که لطفک ملی کیمه عاقل کن نوی



لطیفه عطا ک دوستدینی کربه محسنه سیه دخی صدف در حمن اید  
 اعجوبه قصاک دشمنی کربه غنیه سیه دخی هدف تیر لغت ایدر  
 بر جیل سگ که جلاک تجلیسی هیتدن عاکاک هر زاویه سندن  
 نیجه بیک جانر و اخناه آهنی سن زل فکله ایرکوردلر بر جیل سگ که  
 جلاک سیده سی حلا و سندن جهانک هر کوشه سندن و اسوقه سندن  
 مجامع مکدن کجیر لر هر دمه هزار هزار ویدی لطف و جاکاک لدی  
 مقام و صاله ایرکوردن کمن کمن اول دمه سلطان جلاکک اولانجه  
 ستریه سنی نمارن و تاراج ایدر وهر ساعت هیت جلاکک جلیه عالمی  
 هرسم و مجروح اتیشکن کمن راحت جاکاک هر همی و علاج ایدر الهی جلاکک  
 صفتی بی نیازی الهی جاکاک آتی کار سزاق کلیمک خویش بعمی  
 بی نیاز انگدن سگ صفت و نابکار ایدک بهایم انجسی کلکی کار انگدن  
 شیر مردانه یار غار ایدک ایسی بونجه سرباه طاعت مفلس و مطر و ایدک  
 آدمی بی سرباه عمل رایج مسعود ایدک کاه نیجه بی دولتیه دولت ویر  
 کاه نیجه صاحب دولت ویر سگ کاه نیجه کسی کس ایدر سگ  
 کاه نیجه کسی کس ایدر سگ کاه برینی نانه محتاج ایدر سگ و کاه برینی  
 صاحب تخت و تاج ایدر سگ برینی فقیر و زار ایدر سگ و برینی غنی  
 و مالدار ایدر سگ کاه بر سرده سر حکمیر سگ بوستانده کاه بر سرده  
 سرگون ایدر سگ کوهستانده کاه صحن چمنی کل دلاله ایدر نومهار ایدر سگ  
 کاه لباس کفنی خون دیده ایدر لاله زار ایدر سگ کاه زکسک خشمی بینا  
 ایدر سگ کاه زکس کوزولری نابینا ایدر سگ کاه بردن بنفشه لر  
 آچار سگ کاه بنفشه خطری یره صاچار سگ کاه صحرانده نافه لری



مسک از فر ایدرسک کاه کنه مسکین نافه لری خاک اغبر ایدرسک  
 کاه قره طاش لری لعل یاک ایدرسک کاه لعل لیدی تیره خاک ایدرسک  
 کاه بر قوشک مسکنی مرغ زار ایدرسک کاه کنه دامه دوسر و ب اول  
 مرغی زار ایدرسک کاه بر لب خوش نفس ایدرسک کاه کنه آبی کرخار  
 نفس ایدرسک کاه بر طوطی بی فصیح کلام ایدرسک کنه اول کلامی کاه  
 دام ایدرسک کاه غزالک خوشی مسک ایدرسک کاه در بین جیقار و  
 مسک ایدرسک کاه بر حیوانه بر خاصه و بر مسک کنه اول خاصه دن هزار  
 غصه و بر مسک کاه اول در لر در پس یون کاه طوتار بال در یی یون  
 کاه و بر لر تحمیحون کاه بو غار لار تحمیحون کاه بشن کسر لر غده  
 و پس یون کاه فارین یار لر یخنده کی طایحون کاه صید ایدر بر صر  
 یون کاه حبس ایدر لر حسن و بر یون جهانک لطامی بونک اوزینه  
 کلمش و بو کار کاکت انتظامی بویه ایلش یکم جوق او بور کنش بی کمال  
 و بر مسک کنه اول کال دن اکا دبال و بر مسک نقصانی تاه بی رو شمش  
 زخمی راحه بستر و تمشکدر استادی به برغم تور مسک و هر غمه برغم  
 تور مسک هفت آخری بدی جراق ایدرسک کنه برینک نوید برین  
 جراق ایدرسک الی سن اول عزت تقی زنده بی نیاز و رحمت  
 نسیمه دلوار مسک کاه بر سقه میانه یخنده آه ایدر و ب معصیتی  
 طاعنه کسیر مسک کاه بر لاهی مغرور آه ایدر و ب عبادتی معصیت  
 یکبر مسک کاه آبی ظلمه یکن نوره یقینار مسک کاه بونی نوردن  
 ظلمه بیر قیر مسک کاه اولور که بر توکی دنیا ده شاه و آخرت ملکنه  
 بادش ایدرسک کاه اولور که برین بواده و پس و مردود و اول



اوده دخی محروم و مطر و داید رسک کاه اولور که یوکنده عاشق  
 اولان مردانه لری و محبکنده صادق اولان فرزانه لری آخر عشق  
 بیایانده حیران و گریان و هجرت بویانده و اله و عطا ان جانین  
 آلوب قومدر معده لرزدن کفنر و قورنر شکرندن کورستان ایدرک  
 سول جاکله ناظر اولان جشمدری طعمه زانغان و سول و صاکه محرم اولان  
 دلری لقمه شیران ایدر رسک الهی محبتک بده تر و تازه اولان لک بایرینه  
 بلا بی انداره اولور عشقکله خرم اولان لک کوکلدری یغم اولور مهر و محبت  
 بولنده شیر و اولان لک ریخ و محنتی بیشتر اولور **بیت**  
 هجرکله جهان لذتی هیچ ایسه نه غم کیم لذت که غمک ایچره بنم و اکیک وار  
**نثر** الهی دنیا عاشقنرک نصیبی عوت و سوره سکات مان  
 اولان لک حصه سی محنت و سوز در سندن فارغ اولان لک ایسی ذوق و غم  
 ساز و غم اوله سکا طالب اولان لک دخی ریخ و لم و جفا و غمدر  
 دنیا یونزه نعمت کرکه مولی یونزه محنت کرک درت یوز بیل فرعون جفا  
 کور مدی آخر جان جهمه یردی طوغد بلی کوندن موسی بلا جکدی سکره  
 دولت آکا یوز طوغدی نعمت دنیا جست و جوی ایدوب کرز قنده  
 برغنی مالدار و امیر تاج دار دارمه آکا دایر محنت و بلا لک و یوی ایدوب  
 یلر نره ده بر افتاده و عهدیده ستم رسیده اولور سه آتی بولور حق  
 کوینه قدم باصان اول عافیتدن کوز بوموب سلامتدن ال یومنی کرک  
 دوست و صالین بولم دیبن دکک صدف تیر بلا و تنن سپر تیغ جفا  
 ایتمک کرک است الناس بلاء الانبیا ثم الادلای ثم الامل  
 فانسل هرگاه که لک کر محبت طبعه سی دل جاسوسک بایرشدن



بهر دلب پلایسته و هر دقت که سلطان عشق جاویدتری کوکل شهر نده  
هر چندان جیغریسته بر طرفدن عصبی کوره سکت که بردار ادلوب صلیبش  
در طرفدن غاصبی کوره سکت که جا ریخته کرمش سلا متنی کور سکت که  
خانان ترک آتش کبدر تقوای کور سکت که تاراج آتش قاجار

زهدی سیر ایدوب باغداش سکت دنام بی نام دستان آتش  
صبر ادلوب بیات باره آتش کمر تو غولوب آره آتش راحت سیرلی  
بیغمش حضور کوشکی باغمش سده جا طریضش عشرت خمی آتش

صفا صفه سی بولش غت قبه سی سفلیش ان الملوك اذا دعوا فیه افسدوا  
و جعلوا اغرة اهلها اذله و کذک انک یغفلون الهی هر کیم که جهان باغنه  
کوکل ویردی اول آرق کوکلنی بوطر و هر کیم دنیا خوانه حرص اولدی  
آرق سیوب دو باز جهان کلزار بر باغ صورت نمودر و بشو اول کیم اکا  
الدنیه و دنیا نعمت بر خوان زهر آلودر که غافل اول اکا ال صومیه **بیات**

جهان برکتناذر بر جیمش ایچی طولو سمنده یا سمنده  
ادورمش کلبن سده ایستاده جمن صحنه جیجکلر فاده

النده ساغر زین لاله ایچر کل عشقنه طور فریاده  
دانی غنجه ناک ایدر تبسم ایدر تبیل اکا قارشی ترنم

دیلنده سوسکت ذکر کی خدا دمی آذن دم باد صبا ناک  
آغاجله بکماله آتشش آغاجله بکماله آتشش

نیم نوبهار و کت کل نوای قمری کل ناک تبیل  
طوردور هر کوشه ده یوزدور دم کیمی سوریده کیسوی سنبیل

دیش باغ ایچنه خلق عالم کیمی تبیل کی طومش عم کل  
کیمی سوریده کیسوی سنبیل



قباو کیمیی رنک لاله کر بان  
 کیمیی طوطی سو کیمیی قوسری  
 کیمینه خوش کلور صوفی ناز کوک  
 کیمینه خوش کلور آواز بیل  
 کیمیی ابرود ایست کیمیی به  
 کیمیی شفت بود کیمیی قیسی  
 کیمیی خوصه باقار کیم صفه سنه  
 کیمیی مشغول حسن باغانه  
 کور نند اکا حسن سیره زک  
 و یا خود بر دیرش خوان ساهی  
 صوف اطعمه آند ه قونش  
 اولور اصناف مردم آند ه حاضر  
 کیمیی دانه دیر کیمیی زرده  
 کیمینک کوکلی ایتر طاعتی علوا  
 کیمیی یحیی دیر کیمیی بریان  
 کیمینک در کوزنده حسن شاهای  
 دیر کوکلن بونک فکرینه کلی  
 و یا بر سهر در کیم بر بضاعت  
 طولو دورور دکا کین ضایع  
 کیمیی صرافه دایر جوهر آتور  
 کیمیی مر جانه جانیله خریده



کیمین کو کلن مفرح اولوی قوت  
 کیمین دلب جربا یسرباسی  
 کیمیدر شتری کیمی با یغ  
 کیمی دایم دورور دکان ایچنده  
 کیمی ادور کرز طویر مدرس  
 کیمینک مبیسی دایم خانقاه  
 جالار آلتس الن کیمینسی جنک  
 کیمینکدر ربابیل دلی خوش  
 کیمینکدر دلنده اسب تازی  
 کیمی مورسک سورس طبرخی جان  
 کیمی مسبرم دیو ایدر حکومت  
 کیمی صانیر که شاه اولدی  
 کیمی صانیر که عالم عام اول  
 کیمی خیبر لیس دیو کیر قصایه  
 کیمی ایلر علمه خدمت دیو تدریس  
 کیمی فتوی دیو رب صانیر کمال اول  
 کیمی طور ماز اولور والی قاف  
 کیمی عاشق درر با قسک مجازی  
 خراباته دوسوب هر دم اولور  
 کیمی عاشق درر نور خدایه  
 بو ملک مالکته جان عاشق

کیمینک جان نقدیله بولور قوت  
 کیمی اسکچیدن آتور بلاسی  
 کیمیدر نپ ایشله عمری ضایع  
 کیمیدر کچ ویش ویران ایچنده  
 کیمی داغظ اولوب قیلار محالسی  
 کیمینک غنت و اموال و جا به  
 قلکده زهد و قیلور اکا آهنگ  
 کیمینده نغمه عودیلر آتش  
 کیمینک لحو اولش مرغ باری  
 که مایق فکر ایدوب اصاغر اندک  
 کیمی غاصی اولوب ایلر خصومت  
 السنده در آتک دور زمانه  
 کیمی صانیر که خفته خوش نام اول  
 آلی بیلمر که اول اوغراق قضایه  
 آلی بیلمر مالی مکر و تبلیس  
 آلی بیلمر که بو بینده و بال اول  
 کورر ارقه سنه برکه قاف  
 عبت بیره جگر زار و نیاز می  
 ایکی عالمده قیلار کندولی است  
 یوق آتک مبیسی یو کیمه دوسرایه  
 دم اورر مهر ایله هر صبح صادق



رهی دولت اکه یکم شاه جهان اول  
قارنمزد اول طور وب دنیا پشته  
دو عالمده قمو جانمره جان اول  
کوکل ویرمز انک آلا پشته

جهانک بو قدر جوکم سبانی  
نه خوسدر حالی سول محمد عیسی  
لحاغیت بورقعه شطرنجی ای دی  
نمائی حیات اینه سن ای جان  
دیرسه ک یکم جیلاسن خرج تمل  
صافن ای جان که نو مید اولم آید  
دیرسه ک دو جهان جبهه کوکلن  
کوترسی فی حیاب حیاتی  
جویه صاباز وجود کائناتی  
که وار هر خانه ده تسویش مانی  
حیات آکله حقیقت سن ممانی  
اریت وار سن بو اخلاق و صفاتی  
فومه ای دل سن امید بخاتی  
دشمن آر دیکه آت سن بو جمانی

ولا عصفه نت زایت ملک جانی  
حزاب عشق اولان آبا داوور اول  
دیرسه ک سن صفا بیاب دیکه اول  
یوری سن بو شیمندن کدر قیل  
سنگ آرددر از مکارهاک  
اوردده بی نوا به بولور کار  
اوردده درد آوب دوان دیرلر  
ایستیلر اوردده کتختدالن  
بوکشی ده که نام زند کانی  
سکا دوشمرنه ایده کت اسنده خاب  
صدای عشق اید طولدر جهانی  
غلام عشق اولان آزاد اولور  
دیرسه ک نام سن بی نام دیکه اول  
سنگ یوک دکلی بو دار سفر قیل  
اوردده در سنگ آب دیکه کت  
اوکسورده کدایمیله پور یار  
اوردده جان آوب جانان دیرلر  
جویه صاباز لوله آنده یاد یلن  
سکا همیشه اولو پدر بادبان  
که ناکه کشیکسی غرق ایده کردب



جهان است و بسی غم نه دکنز  
 جهان ایستی همین نیرنگ سازلق  
 بو بوستانده نه کیم دار کس کل  
 نظر فیلسف حقیقت کورینه سن  
 که خد خوب و چشم دلستاندر  
 اگر که خسرو و حبیب نامک  
 جو دفت کوچ اوله اکا کاهن اولر  
 بو مال و ملک و فرزند و زر و دور  
 کیدر یس کیم سی قالمایکنده  
 عمل اولور سنک پولدار سنک آنده  
 جهانی ترک ایده کو عاقل ایسک  
 اسیر ایش دگی دار رها بیت  
 الک صومعه مکر بیانه عشق  
**نیر** الهی فرشتک اسبابی کوه کوه اولوب هر دم کلور بونی برکه  
 زوالی کیمی یوق الهی و شکست موجب لری کاه کاه نورور کاه کاه  
 ایدر آنک دخی قاری و درسی یوق الهی و شکست بیگ شرط کو کرد  
 فرشتک شرطی یوق بر ساعت کو کل صبح نی ایتمک هزار رحمت خار  
 کرک بر خط دوست یوزینه باقمعه قیبه آباغی آتنده خوار کرک  
 الهی محبت بر بوستان اولدر ریاحین خوف درجا ایدر آکسنه  
 آتی بودنک بر گستان اولدر که صد هزار انجیل کلین ناما میو  
 پیراسنه الهی عاشق جان باز کرک که دصکست هو اسنده اول باق



۵۵  
اولینایه الهی طالب صاحب نیاز کرک که عسکت یولنده برپاره یوز  
یویه الهی عسکت هوا سکت آنسفته لرینی وادی چیریدن سن جیقار  
الهی مجبکت اودینکت سوخته لرینی آتش فرقتندن سن فور تار  
هر آتش فرقتکت آتشی فتنده سرد نهرمت که بیلده اولمه سکت درد  
الهی سیدی و مولایی بن بوق ایکن نه اولمه جسم بیلیر دک و بنی یاراندن  
نه ایدیکسم بیلیر دک بن نه قوبه یابیسنه جسم تهنه یازمکت دک و بن  
نه یولده کیده کیم اولده بلیش ایدک اگر اولده قوعغه قبول ایدک فضل سکندر  
نصرت بکا و کر دک ایلده ایدک ایسه عدل سکندر حسرت بکا الهی  
بو ترتیب عوالم غیب و شهرات و بونظام حضرت غت و جلالت برکده کیم  
برادجی لم یولده و برادجی لایزالده و بر دژن درکه بر طرفی عیاینده و طرفی  
مائلو ما دک اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله  
متمن اولمه عیاینده بلور الهی سرشت سرشت از لور الهی نیست نیست  
اولدر هر سکت بخلق و بد بختی جراید تقدیر قدومه بکشد و هر سکت  
ان نگیر خیاطی نه از لور بختی در هر سکت به که کارگاه قدون  
سابقه حسنی قرین حال و عنایت ازلی موفق احوال قلمنمش اوله  
آدم مرحوم سعید کبی بک آفت عصیان سرایه درجات کمال تقاضا  
بر درجه یه نقصان کلز و هر کسیتی به که دیوان اولده دالی محبت شهنش  
ولایت جان و فلادز هدایت بدرقه راه ایمان اولمش اوله  
شیطان ملعون طرید کبی بر خاطره تأخیر الهی یوز بیک بلیق عباد  
بر ذره قدر فایده کورحر الهی عاصیدرک معصیت قدرتی و با خود کناه  
الهی فتنده بولور لودی سن تو ماسکت و با عابد کرک عبادنه قوت و طاقته



استطاعت زنده بولورودی سن و بر سر کت الهی بمبیس طوطه لم  
آدمه زرق ایدی اول بغدادی آدمه کیم زرق ایدی الهی مقام محمود  
مرتب سن جیبیکه ویردک اما نفاعتی کنه رضا که موقوف تودک که  
من ذالذی یبغض عنده الابا ذنه الهی هدایت کلیدی بنی محمد صونک  
اما هدایتی کنه مشیکه تعلق ایدک که انک لاهدی من احببت  
ولکن الله بهدی من لیس الهی هدایت کر محمد الله اوله ایدی ابوطالب  
جهمنده حریق می اولورودی و اگر نوح دله و یکن شفاعت اید به ایدی  
کوزینه قاروا علی غریق می اولورودی لوطک پیغمبر کی عورتنه نه سعادت  
ویردی فرعونک کا ذکی آسبه به نه شقاوت کتیردی الهی قول سندن  
رسندن الهی شفا سندن در رسندن هر کیمی قول ایدر سرک عزیز  
ایدر سرک هر نه مقدار خیس آسبه و هر کیمی رد ایدر سرک حقیر ایدر سرک  
هر نه قدر نفیس آسبه هر کیمی دیدک اختیار ایدر سرک که و ربک خلق  
مایا و پختار و هر کیمی دیدک خوار ایدر سرک و من لم یجعل الله  
نورا خاله من نور قبولک طاعت و عبادت کوره و کل در دکت کف آه  
و معصیه کوره و کل کیمی اعمال بهشت ایدر کنده و در خی کیمی فعال ایل و فوج  
ایدر کندهی بهشتی سابقه زنده نه باز دکت اول اولور خاتمه عمره  
نه تود که اول کلور نجه را صاحب ریاضت و عمل سابقه ازنده شفا داران  
و نجه لر معکف لات و هبل خاتمه عمره سعدان الهی پاک قولک  
سکا نجه امید دار آسبه بی پاک قولک هزار نجه او مار و اگر مطیع  
قولک طاعت کینه اینا نیر لسه عاصم بیک دخی کر مکه بیک اول قدر  
طایا نیر لره الهی اگر قبول قایمه کوره آسبه قابلیت سندن و اگر سعاد



دَرِے استغاد کچن الہی دل غسٹک ست و جیرا نری  
 عددن وجود ہمین سرخوش و بادہ نوشتن جیقمنکر در و تول  
 محبت آوارہ و سرگردانی ازل اظہندن ہمین ہیوش و دستار  
 کشن نکتہ در شوکت سرانیدن کہ بلبہ گردان محبت و غنہ انداز  
 مودنر ازل کونذہ ہر کیمہ بچیر و کسہ شمدی اول سرخوش و محبت  
 مادہ سندن کہ چیرا کن آدم و آوارہ ساز عالمہ الت مجبذہ  
 ہر کیمہ طایر و کسہ شمدی اول ہیوشد الہی ہرنہ بی گلہ ایندک  
 آبی اندم الہی الیمہ ہرنہ صوند و کسہ آبی طو دم الہی کو کلم اودینہ  
 نہ پاندکسہ اول قوتار الہی وجودم باغچہ سندن نہ دیکدک اب  
 اول میر الہی طاعت ہدایت اولما ہدایت سندن عبادت  
 عنایت اولما عنایت سندن نجات توفیق اولما توفیق سندن  
 انعام استقامت ارشاد اولما ارشاد سندن اگر انک الہی اگر  
 سخا بستینہ عنایت بیلہ اولہ ہزاران کو ہر کیمہ عوالمی بردمدہ صحرا  
 بحر و اگر عنایت اکا قرین اولمہ برکاتہ قدر مانع قارشو کلوب بولن  
 باغدار الہی تکلیف ایندک توفیق کنہ سن دیر الہی علم اودیک  
 تحقیق نہ سن دیر عقل دیر دکن و هم و سواسنہ مغلوب اینم  
 عشق دیر دکن سندن غیری محبوب اینم الہی سر دیر دکن کچنکہ خرنہ  
 ایت الہی سینہ دیر دکن سرینہ دینہ ایت کوز دیر دکن نامحرمل  
 صافلا قوتان دیر دکن مالایعیندن بکلہ دیل دیر دکن ذکر کردن آرم  
 کوکل دیر دکن فکرندن آرم روح دیر دکن روحانی قبل علم دیر دکن  
 رحمانی قبیل ایمان دیر دکن دائم ایہ احسان دیر دکن قائم ایہ ورد



او که تودک در دین دیر سوز او که تودک سوزن دیر نعمت دیر رسک  
 شکر بن ایندیر اینک دیر رسک ذکر بن ایندیر بصر دیر دکت  
 عبرت دیر بصیرت دیر دکت معرفت دیر سم دیر دکت رحمت لسمی  
 قو قدر ذوق دیر دکت روح خدا سنی طایر ال دیر دکت الم طوت  
 یوک بولکلندک بلم طوت آفاق دیر دکت آفاقه قومه آفاق صودک  
 ایقله قومه یوز دیر دکت یوزوم قره ایته کریمک ایندیکه کوره ایته  
 باش دیر دکت باشم آت غه قلمه غرّه جان دیر دکت خوارق کاله  
 جکر دیر دکت عشقک اودینه بریان ایت دیده دیر دکت شوکت  
 در دکت کرپان ایت هوش دیر دکت الهت جامدن بهوش ایت  
 خود دیر دکت محبت قدحذن سرخوش ایت خیال دیر دکت غیرکلن خالی  
 قیل درون دیر دکت شوکتک مالی قیل قلب دیر دکت قلب ایته ایمان  
 دیر دکت سلب ایته هسم دیر دکت خاسل ایته فکر دیر دکت دوس  
 ایته نظر دیر دکت فاسد ایته علم دیر دکت کاسد ایته قیاس دیر دکت  
 عقیلم ایته دلیل دیر دکت سقیم ایته نعمت دیر دکت نعمت ایته منحت  
 ایندک محنت ایته عطا ایندک بلایه دوندرم صفا دیر دکت جفایه دوندرم  
 خواس دیر دکت کلال دیر دکت کوکل دیر دکت ملال دیر دکت مال دیر رسک  
 مار ایته نور دیر رسک نار ایته سرور دیر دکت سروره دکتورمه حضور  
 دیر دکت ناحضوره دکتورمه حوال غلاب ایندک آخر غلاب ایته حو  
 دنیا ده ستر ایندک آخر ده عقاب ایته شرع دیر دکت سر یعنی مشیت  
 دین او که تودک متضرب دین ایته عمر دیر دکت عبث کچومه حیات دیر دکت  
 جهل دکتورمه وجود دیر دکت ستمکله باقی طوت صفات دیر دکت



شکله صافی طوٲ خلق و پردک سکا پارا ایت بی دید پردک  
 برقرار ایت روح و پردک نوخیدک کنجه امن ایت یقین و پردک  
 حضرتکه یقین ایت دل طاوٲه مجال و پردک وصلک حرمده حولا  
 ایتد جان طوطینه و پردک غسغک هوسنه لیلان ایتد الای  
 اگر غرت و غیم ویره سک کنه شکروٲناسن ویر و اگر رحمت ویم ایتد  
 کنه تسلیم در صاسن ویر و اگر غمت ویره سک نظم مولادن آیره و اگر غلا  
 ویره سک امیدم مبلیدن کسم الای خبر می قضاک و قیل الای ضامی ضاکده قیل  
 حق یولنده عالی منزل و رضا اهل اولور محبتی و مر لطف  
 هر نه که حق در کله راضی اولور کیجه کوندوز امر اید ماضی اولور  
 کر اید رسه سک سن ضامی قی طرب حکمه وار راضی اولور فصل و در ویر  
 در دینی در مان بیکل جا کنه جان فد اقبل یار دل نخاکه  
 چون هر بیده سن ضاک ایتد راضی حکم خدا اولیه سک  
 زهر اولور یوسه نوس ایتد آنی کله کر چه آلمز بونی دکه حوصله  
 یول اینه منزل عمل در اول منتسای جا بد دافین داول

بر اولور و ایدی دایم دیدی کوکلی کوزی حقله آبا دایدی  
 برکتی صور دی اکا باسدن نیجه ایدک دی ویر بو حاله سن  
 دیدی نیجه اولیمت دان بن کیجه کوندوز بی غم در خان بن  
 چون مراد مجبه دور هر دم فلک هر نه ایسترسم آنی ایشدرک  
 هر کشیدر بنده فرغانم بنم خشت یارم اوزره دورا غم بنم  
 دیدی اول شکله بود در لغان بوچه خیر در اوله سک کوفان



دیدی شکل صانه یکن سن بونی  
 هر نه اولور سه رضاك اولور سناك  
 خسته اولسه ك سن رضاك ايله اولور  
 اوله اولسه كیشی نیچون پنجینبر  
 بر کیشی سا حله کیدر کن کورر  
 جا غروب دیدی که کیم ای صیدق  
 دیدی هر که یکیشی ده دیمم  
 بن مراد ایدم خرم هیچ نفس  
 هر نه کیم تقدیر ایدر بیلکل خدا  
 کر چه صورتده کور سوز جسمینی  
 صورت معنی بی بیلکل نفسین  
 الهی نفس کیم غریقیم بنی اکا معنر وایتمه الهی فرقتک  
 اودینه حریقیم بنی ابدی جوج ایتمه الهی تم والسه جمله سنک کرکک  
 الهی نه یه مالک ایسم هب سنک نعمتک بن نه اولم بنم نه اولور  
 قول کیمک ایسه ملک انک اولور مالک الملک سنک کلی سنک  
 ملکک خالق انخلق سنک جمله سیمت قدر سنک الهی اگر چه قحان  
 مولی کیم قول محتاج اولور آنده زیاده دعا ایتمک حاج اولور امانجه  
 ایدم هم که حاجت کیشی بی سوز دیو و درد آدمی اغلا دیو و سنک  
 کرکک سمعی کنه هکار لر ناله سن و بکلر و قووک سمعی ساعده ایمنی  
 سور نتکم شیخ عظیم فصوصنده حکایت ایدر بعض اهل الدن  
 روایت ایدر که برکون جمعیت دخی آغلا س اهل جالدن بری کور و کیش



اول غزیر آیتس استعجاب آیت بو حالی کوردب استعجاب آیت هر سینه کت  
 حکمت کورد کت کرک هر معلو کت علقن بیک کرک انجون اجهدر کت  
 آغلام اول سبیدن دردی دیردی ایکلیم اگر آغلام دیشم خوش  
 کلمسه بلا دیر فردی اگر ایکله دیشم لیسنه مسه جفا ایزدی الهایا باها  
 پروردگار بن سکا نه دیشم که سکا کزلی اوله و بن نه بیلدیره م که سکا قحطی  
 هر حاله ناظر سکت و هر حاله حاضر سکت الهای خدا بی چون دای قادر  
 کن فیکون سکا لاین مدحی بن ایده مرم و سکا مناسب صفاتی  
 بن دید مرم سنی کت سن سنا ایده بیلیر سکت و سکا نه دیک کرک کت سن  
 ادا ایده بیلیر سکت بن هر نه ادرسم عقل قاهر م ایردیکجه بن هر نه  
 سولیرسم مضم ناقصم تئیدیکجه

**آیات**

عکله ه سکت خدای عالم	حیرته همیشه روح عظم
نبیج سبحان افلاک	سجائک نحن ما عرفناک
آدم که خلیفه معلی	سرکشته ربنا ظلمنا
احمد که خلاصه در وجود ده	لا اخصی سنائی دیر سجود ده
آنکه که جالت کی گفت و گو به	واقف اولادی مار مویه
آنکه دل که طواف کا پا	سرکشته دلان لاله در
حرفی که دیر آئی اهل تقلید	خرسندی طبعه رنه توحید
توحید خدا کتابه صیغفر	تغیر آنک خطابه صیغفر

**نثر** الهی سیدی و مولای بزرگ نمیکدی هب قبح  
 بیدک که فدا غلم نفس اخفی لهم من قره عین آخرت نمندند  
 بزم حقیر کلمه الهی بزرگ ایدیکدک فغان تمام اکلادق که



ما لعین رأت ولا اذن سمعت ولا خطر علی قلب بشر الہی برکت  
 قنادینک کہ الدنیا بفتح بعوضۃ نہ قدر طول و عرض اولیکم برحمت  
 ممدوار اولکہ عوضا السعادت والارض و عیش خردہ بینک نہ قدر ادراکی  
 و فرض اولکہ بخارینہ کتخالی ایدہ ملاکہ جمع اولہ آندہ اولین و آخرین رحمک  
 دریاسدن عالمہ برقطرہ صا جدک کہشتی ہنوز شکرندن عاجز و سرگرداند  
 و محبتک جامندن جہانہ بر جرعہ دو کدک ہر موجود ہنوز شکرندن  
 مست و حیراندر غم سطا شدن بر سطوہ تشدی ہرزہ بی دینی و درد و  
 ایدی عشقت آوارہ شدن بر صدایوروی جہانی پر ولولہ و غوغا نمایی  
 کلمات لانہایہ از لب کدن و حروف غیر متناہیہ لایزال کدن یکی  
 حرف ایدن کز بہک عالمی افزا ایدرت و نفوت کالیہ الہیہ کدن و سماء  
 رحمانیہ جالیہ کدن بر اسم ایدہ جمیع کائناتی ابرا از ایدک نہ کہ بوبام حربیہ  
 و سقف قبہ سجادہ مصباح زرین آفتاب تابانی مشکوۃ رخاۃ اسمانندہ  
 پاندر دک کہ نو بینک بر لوی و شعا غنک بر سفلہ سیلہ اقطا عالم ظاہر و  
 ہر قطری روشن و برضیا ایدر ہسجمنان بوسرای وجود انبی و مطہر  
 صورت رحمانیہ چراغ نور شد خشتی ایمانی مشکوۃ ابکینہ سینہ  
 مؤمنانندہ او پاندر دک کہ تابانک انواری و صبا سناک انامیہ زوایا  
 عالم باطنین ہر زاویہ منور و برصفا ایدر سویلہ کہ آفتاب آسمان شہادتی  
 چراغ عالم ظاہری صورت ایدک آفتاب ایمان و شہادتی دخی چراغ عالم  
 باطن حقیقت ایدک اگر فضیلا و حسن سین صدلہ محاسبہ ایدوب  
 بویل بولید بر سہ کہ آفتاب سما کرہ خاک و مادان یوز التمش اوج اول قدر  
 زیادہ در علماء محققین دخی بصیرتہ مکاشفہ ایدوب سویلہ کور و پر کہ



اگر آفتاب ایمان را ز رویت بر کف سه سده و جمیع سموات و ارضین بر کف سه سده  
 قوسه لر ایمان آخر کله که لو وضع الایمان فی کفه و وضعت السموات و الارضین  
 و من فیهن فی کفه لنقتل الایمان بیکر آفتاب اسمانه بر قطعه سیاه نقاب  
 اولور نور آفتاب ایمانه عیش و کرسی حجاب اولور آفتاب آسمان قرب  
 و بعد و ارتفاع و انحطاطه متفاوت اولور که حاضر و که زایل اولور که طالع  
 و که اقل اولور دوران کردن هر شام خورشید آینه کوئی حجاب طلسمه  
 متواری می شود ایدر طبعه سیاه طبعیتی لشکر هند و سی سیه مقهور ایدر  
 فصل نموده افتادن ارتفاع مدار سی غایده کم اولور و حرارت شعاع تابانی  
 مکتوم خزینه عدم اولور سعه سی شش خلیل ابدی سرد و ضیاسی روان و روی  
 بستیم کجی رد اولور تاباننده بر قندیل آتش کن نموده سعه لاله  
 بی حرارت و تاب تابشی پیدا اولور یازین بر شمع خوش سوز آکن قشین  
 صاف که روغن زیتون که بی اثر یکا در پشتهای صغی دلو لم تمسه نار اسکا  
 اولور پس آفتاب آسمان جنس احوال ایدر قابل یاده و نقصان اولور  
 اما آفتاب ایمان شب و روز و دی و تو ز یکان اولور چراغ آفتاب  
 روز قیامده بی نور مکرر اولور که الشمس کورت و چراغ ایمان اول  
 کون دخی روشن و منور اولور که یوم تری المؤمنین و المؤمنات بسعی  
 نور هم بین ایدیم و با یانهم آفتاب جهان سر بر تحت اسمانده کسوف  
 بولوب نموده زوال اولور آفتاب ایمان فلک وجودانده بر قاره  
 طور و بی تغییر حال اولور آفتاب آسمان آخر جهنم و دوشوب پندسه کرک  
 آفتاب ایمان صاحبین جهنم قور یار سه کرک آفتاب فلک کاه سب  
 منقعت اولور کاه و سبیل حضرت اولور اما خورشید معرفت هر وقت



هر وقت واسطه فرائد طاعات و موجب عوائد عبادات اولور تاب  
 آفتاب برنج کردن چون تن این نه زیاده تأثیر ایده بر سیاه بدن  
 ایدر اما برین نور توحید ایمان چون دل سیاه تمام بر ایده بر این  
 در روشن اولور شمس سما که در ده دن مضیضه که حصیضه دن ذروه  
 حیضار اما توحید کونستی دائما یوقار و به عروج ایدر که الیه یبعد الکلم  
 الطیب العمل الصالح یرفع نور آفتاب آسمان سبب معرفت وجود  
 مخلوقات حق اولور نور آفتاب ایمان سبب معرفت وجود خالق مطلق اولور  
 آفتاب آسمان افق مشرق زمین لامع اولور آفتاب ایمان مشرق افق  
 مقدس شدن طالع اولور الهی چون بوجه دلائل و قرائن و نیجه دخی حجج و برهینه  
 بیدر دک که نور خور آسمان ضوء آفتاب ایمان کم اولور و باطنده ارباب  
 توحید ظاهره اثر تابش آفتاب بدن محکم اولور پس سبب دست توحید  
 هدایت و دامن ضیاء کسب غنائت کردن رضعیف قولدر پناست مأمول و مستغفر  
 اولور کیم نه که آفتاب اخلاقی در بجه مشرق شدن پیدا ایدوب بدی افعلی  
 نوریه منور و روشن ایدر سبب آفتاب معرفت ادر کی دخی کوکل کوکنده  
 هویدا ایدوب سینه صحرایی شوقیه مستفی و کلشن ایدر نه که اول آفتاب  
 ظاهره خاک خوره تربیت و دیوب زرغری و شرف ایدر سبب که  
 محبوب عالمیان مطلوب میان اولوب شاهده تاج سر و عسله پیر  
 و زیور اولور امید و اولور که بو آفتاب باطن ایدر دخی بوقاره طور افرا  
 تربیت ایدوب اکسیر و صفائی و لطیف ایدر سبب که منازل انده  
 و مراتع قدسه مقبول قدسیان در غوب روحانیان اولور چون اول  
 آفتاب سرگردانک سایه حمایتنده بر باره تیره خاکی کان بخشنده



لعل خشان ایدر سگ نوله که بوقتاب تابانک طلغاینده دخی  
 بوبرآوج غبار نایکی معدن جشانده جوهره کان ایده سگ الهی  
 دایما ذکر کی دیکر دن کسمه که نام کر یک دلدار اعدر الهی دایکی کوکلر دن  
 کیدر مکه یاد سرفی کوکلر اعدر الهی کلاکلی ایشتمه دوز دوزغمر دندر  
 الهی جاکلی کورمه دوز کور کور دندر **ابیات**

چون سجاد آفتاب اوله عیان چشم اغی کور غالیسه نه زیان  
 کوره فرسک سن کورک بی نورد بویه صانع حق قولندن دوز  
 اول بزه بزدن در غایت یقین اینانیر بوکا سوکیم اولدی یقین  
**نثر** الهی کوزمیدر اول که هر ذره ده سنی کورمه الهی قولمیدر  
 اول که هر صدان سنی لیستیمه در ویشلر دیر که سماع حلال شاد  
 صباح اما نول سماعدر اولکه سعادت دیره شول دکلدر که سهوت آیره  
 نه تکیم بعضی اهل الهیدن صور دیکر که سماع نیجه در ابتدی منع کیدر  
 دیدیر که شاد نه در ابتدی کورن نه کشیدر الهی زایدز پد عبادنه  
 طیاریر عارف اولانه یاریر عابد جنت لغیم اومار  
 صوفی اولانه دیداریر اما صاقین ای غریز صوفی شول یورین  
 ددر ویش شول کور وینی صانع صوفی شول تن دکلدر که کاه یرکاه بکر  
 صوفی شول بدن دکلدر که کاه طور و کاه کوز صوفی اول بدن و کاش  
 دکلدر که هیولالی اوله صوفی اول ذات پاک دکلدر که جسمانی اوله  
 صوفی جان دکل جانک جانید صوفی ایکی عالمک جانانید صوفی بوز  
 کور دن خیا لیدر صوفی بر و عدر یور وین مثالیدر صوفی نه در کنه  
 صوفی سیلیر بزوئل کچر سر نه در در ویش اولانی کنه در ویش سیلور



طشردن سوبلن یا قشردن در الهی بنکم برده سنی کو تو بنی  
 بدن نهان اینه جون بن بنکم کورمیدم دینارینی عیان اینه  
 الهی برکوزنه ایکی شنه کوز و کزنه هرگز بنی بکا کوسترمه و خنده  
 ایکی کتخا صیفخارنه کو کلیم اوینه بنی کورنه الهی بن دیمکله بولنمازیک  
 بکا بن دیدیرنه الهی فال قیبل بویولده حجاب ایسه سن دیدیرنه الهی  
 اگر عدد سترک اولورسه آره دن سن دفع ایت و اگر همنک  
 جبه سی علق اولورسه بنه سن رفع ایت الهی سنی دور صانور لمر  
 اما جاندن قریب سکت الهی بن دیم که سترک سرینه قریب سکت  
 الهی سن یزه یقیسکت بز کور خرز الهی سن برنله بیل سکت بز یلمز **زایات**  
 ای بسته چارمیخ ارکان بومی ایدی سکا بویولده ارکان  
 کیم الدایه ایدی سنی بوضورت بولعبد سکا اوله ضرورت  
 اول سکه یقین در و کورک **نی** دوسر دک آرایه برده لوجوق  
 کورنک آجید ایدی سن کورورک سنی سن کنه دشمنک بیلر دک  
 سندن اولو دشمنک بولنم سن قبلد یعنی کیمنه قیلنم  
 ای کم شده وار سنی طبع قیل سن سکا کرکلو سکت قیل  
 کوته نظر اوله کی صافین سن کلدی سکت کبی عدد دن  
 اکبر یکی دوزدی دست قد آلدی اله فاک و آب مکت  
 مخمور چهل صبح قبلدی ساینه صد فتوح قبلدی  
 ویردی که طبیعت کیا اول کرچه دو جمانه قبلدی شه اول  
 آنده نو دی قوت نیانته هم ویردی حقیقت جانی  
 ارکانه دیروب تمام ترتیب بر جسم لطیف قبلدی ترکیب



بیس روح باغشادی قتلدن  
بیس برتور روح راحت افشا  
چون نفس اولدی آستاندا  
قیلدی آئی بونستاینج خاک  
ترکت وطن ایلی قودی کبار  
بو صحت آب و آتش باد  
نفس اولدی بور و ککک جبار  
هر کرون مدعیده باری  
هر حرص و طمع ندیم دیاری  
اولدی دله دایما منقش  
هر دل که آجیلدی بیهوش  
اول دشمن اولبای مرغوم  
بقسم که سکت اولدی هر کار  
نفس اولسه ایله آره ده ملوک  
فی الجمله بلای عالم اولدر  
بر خواب هزار درو تعبیر  
ای دل که کل بر و سن اوی  
کبیر نظرین بواب و خاک  
که ادبوی حیات جادوی  
نفس من و طبع کی یا قیل  
عالم قمو خفت کنه جیران

جان و بدی اوجسمه حضرتندن  
نفس ایلی سکنده اول هویدا  
اولدی بوبلایه مبتلا اول  
بر بیده جل و عفا فداک  
بیس قیلدی بو خطه ده گرفتار  
ایدر مدی روحه اهلنی یاد  
اولدر سکا جلدیرن عذاب  
هر دیده معنوی ده خاری  
سهر شهوات انک قراری  
شیطان و هوا ایل موافق  
هر تن که صحیح خسته سید  
اول هزن انبیای معصوم  
افسانه نفس اویدی کبار  
کیم ایلی عجب دین انا الحق  
سرفتنه خاک آدم اولدر  
بر حرف و بیگ اوله انده تفسیر  
جانیه آئی ارا که قویمه  
بوین آله سکت او جان پاک  
اول رهبر اب زند کانی  
سندن سنی یعنی کیم جاقیل  
سن غافل اولیغفنه دران



همی اولمه هوایه بویله مقصود  
 هر صورت خوب ورثت سند  
 لوح و قلم ایله عرش و کرسی  
 پیدا و نهان و بود و نابود  
 دلدن دار ایسه اگر نمانک  
 سعی ایله کوتوریکور حجابک  
 بسط اوله اگر دکنده بوفرش  
 ای بی خبر جهان معنی  
 دل آتش و زهره نفس بوق  
 نخلین و عصا در حجابک  
 عصا سکا بر عقیده دریل  
 سن اولمه همیشه بویله غافل  
 افسرده دله نظر دمیدر  
 باش اوستنه خدمت ایت قلم  
 خدمت ایدین قلم کی دار  
 وار لوح فنا ده بر رقم تو  
 شخی که بلند اوله تبریر  
 اول کیم قفص وجود یکنده  
 کونه قطره خیس همت  
 ای بیل روضه مقدس  
 ای مرغ هوای لایزال

جمله سناک ایله جمله دن دور  
 ههم دوزخ و ههم بهشت سند  
 آینه ک یکنده هر برسی  
 باق لوحک یکنده موجود  
 دار آنده زمین و آسمانک  
 روشن اوله ماه و افتابک  
 نظا هر اوله استوی علی العرش  
 نیجه قبله یم بیان معنی  
 دژان نه ایده م که دسترس بوش  
 کیمدر که شمشیه عتابک  
 اکلا مکه بونده حیل دریل  
 یکنده بوخورد و خوابه مایل  
 سندن سکا بر خبر دمیدر  
 بسته مکر و تنی شکم اول  
 بر جیه زرد و اساک خون بار  
 کل بام جهان سن علم تو  
 فی چونکه نیم دیدی شکر پر  
 اوفاتی زیان دود یکنده  
 اولور دونو کون اسیر نمت  
 مردار پیون اولمه کرکس  
 دلداده دانه خپالی



وار اوج که دکل بوی دراک  
ای باز فنا این سکارایت  
ای جوی دما که قان دریا  
ای خس که همین کوز که ساهل  
کوهر آره و صدف سکن دل  
بر باره مجید اول صفدن  
سندن سنی کل برو جدایت  
کر غیر خدای بوی سن  
مقبولی اوله سکن اول جنایت  
سندن کید ربه بومیت  
یوقلق جو تمام اوله محقق  
بوریه نهایت طریقت  
دیوانه اولور همدار عاقل  
ای خام طمع تو هرزه کوپا  
کلمس کله جاک جمیع حیران  
ای دل پوری دار خوش اولور سن  
خوشیدی کور می چشم خفاش  
هر برده که دار خیال باری  
ردحک دخی بیل خیاله بکوز  
دار تو بو خیالی حقیقی سن  
کر سن کوره سکن خیال ابله حق

۲۷  
اولر بو هواده سار کارک  
بس عد شهره دار قزایت  
جو بکده یدی دکنه هویدا  
قور کف اولور اکده حاصل  
غواص محیط خویشتن اول  
ال بحر محیط معدفتن  
بر خطه سنی پوری رها ایت  
خلق و خدایی طوبی سکن  
بی واسطه ارجعی خطا پاک  
اول دم بیل سکن نه دعبت  
سمعه ایره لغده انا الحق  
بوراده خلاصه حقیقت  
آسوده در اول کیشی که غافل  
کناج ردی و خیره روی  
سجائت انی انت کویان  
بی چشم دزبان و کوش اولور سن  
نیجه سخن کزاف و فلکاش  
هر نقش که کورینور مجازے  
که بدر و کھی هلاله بکوز  
حق نوبته قیل خیالی سن  
دل حق دکل آنی بیل که مطلق



کور دم صانوب اوله کی صافینست  
 استار سکت ات خیال یکدست  
 ویرمیه سکا صافین که هر باد  
 فی کبی همیت قور و فریاد  
 قیلایه صافین که سنی مغرور  
 بردانه کبی صنیاء هر نور  
 ای ذره ایوم دیکه آفت به  
 سکت صبر ایده بیل اراقده به  
 الهی هر کسینک بر طوری دار  
 الهی هر درونک بر نوری دار  
 هر کورک بر تجلیسی دار  
 و هر دکت بر تسلیسی دار  
 هر بصیرتک  
 بر عبیری دار  
 هر کورکک بر غیری دار  
 هر سرک بر سودا سی دار  
 و هر سرک بر سودا سی دار  
 هر دکتک بر سودا سی دار  
 و هر تنک سندن بر یوستنی دار  
 هر دمانک سندن بر لذتی دار  
 و هر لذتک بر دینغنی دار  
 هر شجاکتک بر معرفتی دار  
 و هر معرفتی دار  
 هر دکتک بر معرفتی دار  
 هر بچاره به کر مکن بر چاره دار  
 و هر عینک کوکله لطیفکدن بر غمخواره دار  
 هر بنده نک بر یوزدن غنی دار  
 و هر فقیرک بر درلودنی دار  
 هر کاهنده بر جلال نک دار  
 و هر مردارده بر یولدن باککک دار  
 هر صورت بر معنیسنر بولنر  
 و هر معنی بر صورتسنر اولر  
 صورت که معنیسی ست  
 الیکور معنی که  
 صورتی اکسک اوله خیال بکوز  
 الهی هر ننده سندن نش  
 دار  
 اما بی نش نک  
 الهی هر مکانه سندن اثر دار  
 اما بی نک  
 الهی هر غاسفک کوشه جکر نده سکت  
 جلاکک تجلیات سوانه  
 برداغ دار  
 الهی هر غارنک خانه دلنده سکت  
 جلاکک سجات  
 استراقتدن بر جراف دار  
 الهی هر موجودک نور سی سندن  
 و هر کسک  
 ظهوری سندن  
 هر غاسفک محبوبی سندن  
 هر طایفک مطلوبی سکت



هر ساجدک مسجودی سسک هر عابدک معبودی سسک  
 هر قاصدک مقصودی سسک هر عاهدک محمودی سسک هر ذاکر  
 حاکموری سسک هر اکرک مسکوری سسک **ایات**  
 سسک طلبنده خرقه بوسان سسک هوسنده باده نوشان  
 بر لبی طور و ب اید مناجات طور عز بر لبی کر ز خرابات  
 یکسی دخی طرب سنی اپتر سر چشمه سن ابویحق بنه ایتر  
 محراب جهود اگر گشتند ر اوقوعغ آنکده سر گشتند  
 هند و که بونه طیار همیشه طور عز سکا یا لوار همیشه  
 نامکدر و جسدیه نشانه بودیر و صلب بر بجهانه  
**نثر** الهی بر کیشی اگر مسجد و محرابه بکیره ذکر دور دستک و اگر  
 بیکده و خرابانه داره شوق و دور دستک و اگر کلیات نامک  
 ایستنه بر یوک هجرک سوخته لری تر ساردر یا نوب پوردر و اگر  
 بت پرستد کور مک ایستنه بر یوک فوفک داره لری مغاظر در  
 جا غروب کر زله الهی جلد سی همین بوبه یله الهی جمیع عالم همین گفت  
 و گوید بر غرناک قد حدن کسه به بر جرحه دیر مدک همین فوفسند  
 مستدور و جودک حقیقت ندن کسه به نشنه طو پور مدک همین  
 پرتو ندن مستدور الهی ای دلیل هر بکشته وی همنای  
 هر سر کشته ای غار کننده جهان بدید آرنده نهان ای فرارنده  
 خیمه بی ستون ای فرمان فرمای دیوان کن فیکون **ایات**  
 ای دیده کنای دو بینان سرمایه ده نهی نشینان  
 ای جلوه کن جهان خندان بینا کن چشم هوسمندان



کوهل باغی شویک نسیمه معوی قیل و جان نکل این مهر ک  
 هواس به بر نویل دل طغنه ازل کت خانه سنده و بر دیک سبغی  
 لطف خلک ابر اندر و جان طوطی به قوس شکر ستاندن طائر دیک  
 شکر می کر کردن مکر اندر الهی است مستلک می عدم ایست الهی علی عهدی  
 بر دوام ایست الهی جامک طولو صون الهی غر و سرائی صولو صون  
 الهی نعمت در دیکه شکر سندن بلا در دیکه صبر سندن هر نعمت و بلا  
 سنک فرستادک و هر شکر درضا سنک دادک ابوبک صبر بن  
 اوکر سنک صبر سنک قولدینک سکرین اوکر سنک سکوی سنک منفعتی  
 حد ایدر سنک و باب سنک تا تبیین مدح ایدر سنک توای سنک  
 معصومین عصمت اوکر سنک عاصم سنک مقسطین قسمت  
 اوکر سنک قاسم سنک الهی هر کجه که صبر حسان اندک دولت  
 آنک و هر کجه فقر مقدر اندک غن آنک **ایات**

مرد عاقل دائما صابر کرک	نفع و ضرر دینه ش اگر کرک
سن کاستدن بلا و فتنه قاج	صبر ایست که الصبر مفتاح الفرج
صبر کینه نعمتی طالب دلور	مرد صابر لغنه غالب دلور
صبر دلور بر بخشش پرور کار	از کسی به روزی قیام روز کار
صبر قیل فقره و سن حکم طلال	فقر ایچنده در جوغ و ذوال الجلال
خدمت ایست قول دل و سلطان سین	زخم بی کوی دل و جوکان اکلن
خاص از نو کیم کوره حقن بلا	بی تخیر در لر آکا مر حبا
مرد عامی کم ایکن آکا ه یون	کاهی صبر اولور آکا و کاه یون
صبر سیل برش خدر خندان و تر	بیوه سیدر لطف آنک سر سید



صبر اید و بن کور دیو رنج و غنا	کور که بونجه اولیاد انبیا
ایندی تقضیلین حدیث و اہم	صبر ایوب نبی بی خود تمام
هر کسی به صبر انک انعامید	الصبر ہی بیکلی انی نامید
کر چه صبر بیل جهانده بول در	منظر حق اول انک اولدر
هر کیم یکم رنجی وار در کنج انک	هر کیم یکم صبری وار در کنج انک
کنج انک رنجی به بیل در	نوح انک عادنی بویہ در
صبر اولایان نصیرہ غار اولدر	صبر در دیشہ همیت کار اولدر
صبر اولہ حق یولنده توشہ سی	دولت اکا صبر اولہ بیہ سی
لیک صبرہ صبر غایت مشکلی	صبر کر چه بویو یک بر منری
خاص خاص اولان قیلور انک	خاص قولر صبری قیلور لر مقدر
صبرہ صابر لر اولور آخر مدام	صبر اولور آنلہ اولی مقام
اولور اول ملک فقرده بادش	کیمک اولور صابر رنج د بلا
فقر در پاک ایلین جان دولی	فقر در توحیدک اول منری
راضی اولوب فقری اول تقضیم اید	فقر اولدر کہ نفس نی تسلیم اید
فقر ایکینده ربی ذاکر اولہ	فقرینہ خشنود و هم ساکر اولہ
بر اولہ قشندہ جملہ خاص عام	قیلیمہ کو کلندہ فکر ناک و نام
بو جهاندن اولہ بی اندیشہ اول	کیم کوندوز غولت اید پیشہ اول
ربنہ قیلہ توکل توشہ	اختیار ایمہ خلوت کوشہ
فقر پاک اوستندہ اولہ دلم فام	فقر پاک قدرینی بیلہ دلم اول
فقر بیلہ کہ نہ خفتند بر لب	فقر بیلہ کہ نہ جوهر در لطیف
فقر اولور ایکی جهانک مفری	فقرن لورمہ ایلکندہ سر سری



فقر نفس و فقر ما بود در فقر خرم سوز و هر موجود در  
 فقر اول و بیکیکل جالی در دین فقر اول و بیکیکل کمالی در دین  
 فقر اول اندیشه دنیا و دین فقر اول حرص و هوا و کبر و کین  
 فقر جوینیم حکمت امکان در پس سواد الوجه فی الدین اول  
 بریک اول و حسن یحیده اول باغ دله دانه دام سداد

**نثر** الهی زاهد لک شدن جنت او مار لسه عاشق لکه  
 ویدارک بسدر الهی عابد لک شدن بهشت آرزو لار لسه غریب لکه  
 انوارک بسدر الهی زاهد سکا اجرت و قویق ایدر لسه بن توک قویق  
 کرکه صیفندم الهی عباد و عبادت قبلار لسه بن ضعیف عبادت  
 رحمتک لایاندم الهی نه ضعیفند که دوست لکه دیر دک هر که انری بلدی  
 سنی بولدی و هر که سنی بولدی انری بلدی الهی غریب لک باغی  
 التند جنت بر دیکندر الهی سنی سوز لک نظر ند جنت بر دیکندر  
 صوفی اولان بهشت و جوری سیر آند بر کوز واد در که هر باغی  
 بهشت ابو الهی سیدی و مولای اوج غلیم آفت واکیم سنی  
 آندون سن صافلا و اوج بویک فتنه واکیم سنی آندون سن بکله  
 بری و سوس شیطان که سکا صیفندم سرندن و بری هوای نفسانی  
 سن خلاص باه مکندن و بری غرور نادانی که سن صافلا بویک سرندن  
 الهی خلقت کریم حق صحبت انس و حدیق اولو تالار و دنبا  
 مصاحبدی حرفان محبت علی و خلوقی فراموشی تکرار خات سرن  
 کرم معصم خلق کر بکندن که ازل بهاری و قدم مرغزارنده گلستان قدس  
 و بوستان انبیا بجه الست صبحگاه و وحدت بارگاهنده مجلسان



ب با ط ق ر ت و ه ن ش ن ی ا ن ی ک ا م ع س ر ت ا ی ن د ی ک ت ق و ل ی ک ی ح ف ر م ک د ن  
ب ا ل ک ل ی ط ر د و د ر ح م ت ک ی آ ن ز د ن م س د و د و ص ا ک ت ک و ن د ن ت ا م ا د و  
و ج ا ک ت ت خ ل ی ن د ن ا ب ی م ه ج و ر ا ی د و ب ح ب م ا ت ن د ح ر ی ق و پ و ی  
د ک ر ن د ع ر ی ق ق و ی ه س ک ا ل ل ی ا ی ک ی م س ا ر ک ا ر و ی ح ی م ن د ه ن و ا ز  
ا ی م ی ت ی ی د ک ر و ی د ا ن ا ی ی ا ک ر و ی ت و ا ن ا ی ی م ک ر ل ط ف ک ل م ن  
ص ف ی ف ک ی ا د ا ی م ی ک ن ه د ا ر a l l e f k ع ن ا د ل ر ی ح و د ر ع ن ا ی ت  
س ن د ن a l l e f k م د ا ه ن د ی ا ک ت ر ه د ا ی ت س ن د ن a l l e f  
ب ن ا و ل ن ا د ا ن د ک م ن ک م ک ب ن د ی م ی ل ی ز م ب ن ک ی م a l l e f ب ن ر ی  
ا ف ت د ه ی م ن ف س a l l e f ع ا ج ز د و ر م ا د ه ی م ن ف س د ی و س و ی م ی ل ی ز م ک  
ن د ر ه م ک و ن a l l e f ا غ ل ا م ح ب ر م ی و ی ک م ن ه ن د ر **ا ی ا ت**  
م ع ر ف ت ی و ل ن د ه ا و ل ر س ک ت د ت م ا ک ه ن ف ک ی ی ل ی م ی س ک س ی ن ی ک ت  
د ی د ی ا و ل ک ی م ا ک ل ا ت د ی و ر ی ح ق ت م ا س ا و ل ک ی م ا و ل ک ی  
ن ف س د ر ح ل و ا ی ب ر ی ه ر ح ف ا ل ط ف ح ق ا ن و د ه ن ف س د ر ع ن ا  
ن ف س د ر ا س و ب ا ف ع ا ل خ د ا ا ن د ن ا د ل ا ز ه ی ج ط و ا ت ج د ا  
ک ه ا ط ا ع ت ک ا ه ع ص ا ی ا ک ر ا و ل ک ه ه د ا ی ت ک ا ه ل ط ف ی ا ن ا ی ک ر ا و ل  
ک ه ل ب ا س ت ب ر س ت ا ن ا و ل ک ی ب ر ک ه خ د ا ل ی د ع و ی س ن ا و ل ی ل ر  
ک ا ه ع ن ف د ن د م ا و ر و ع ا س ق و ک ل ک ه م ح ب م د ی ر و ل ی ص ا د ق و ک ل  
ا ی ک ی ز ن ب ر ج ر ع ی ی س ل ک ا ی د ک و ر م د ن ا و ل ی و ع ی ه س ت ک ا ی د  
خ ا ن ه ط ا ع ن د ک ه ب ر ی ا ر س ک ا ه ا و ل و ر ق ل ا س ا ر ا ر ه و ا  
ک ا ه ا م ا ر ه د ر ر ن ف ک س ن ت ا ی س ی ک و ی ف ت ن د ر ی ک ل ا ن ک  
س و ل ک و ک ل ک ی م ی س و ا م ا ر ه د م ع ر ف ت ا ی ن د ن ا و ل ا و ا ر ه د



نفس مار و عجب غداره در  
وصف ایدر سه م اگر اماره نک  
سوز اورانور یکم ویدم مختصر  
نفس نقویدن قاجوب چون تو  
بو توایی تو تلا نور هس که دل  
عجب مجمل و حرص جاب و مال  
اکل دنوم و آخر دهم کبر و کین  
هم نشاط و هم بطالت هم  
جده سی مار نک احوالیدر  
یکمکه اکا ادوبین مغرور اولور  
کیم مراد نفسی اول کار ایدر  
عجب اودر کیم نفس سوم درین کو  
مجبک ایچی طوبو با دهوا  
کبر چون وصف بلکان اوله ال  
حرص جو کیم صفت موش عیب  
حب دنیا فطر ظلم و فساد  
حب دنیا دن تو با مجمل و امل  
منش ایدر جمله جرکین حالک  
حب دنیا سه امل میباید  
نفسک بیل آتی سرک اصغری  
کیم ریا ایدر سه صایه مرد آتی

یدی ماشو مار مردم خواره در  
کر دیرایسه م حالن اول مکاره نک  
تاقید نک و اما آذن حذر  
نام اماره اکا طلاق اولور  
حکم ایدر نیجه ویرسه اکا اول  
نفس و قصد و شتم و غر و قیل و قال  
دخی اولق منکر مردان دین  
دخی نیجه بو بخیلین قیل کوز  
نفسک بیل اول مفاهمه حالیدر  
اول خدا حقی خدا دن دور اولور  
کلشن طبعن تمامت خوار ایدر  
هر نه ایش که ایدر ایسه بکوز  
مرد معجب دشمن خاص خدا  
کبر ایدن خاست که انسان اول  
و جهی یوق ادمده حرص اوله بدید  
حب دنیا معدن جهل عباد  
حب دنیا در دیرین در کل  
را سدر هر بر یار فار خصلت  
حرص کوی و جاه انک جوکانیدر  
بو حدیث حضرت میبیری  
دین یولنده صانع اهل درد آتی



تاج و خرد کبر و زرق دین  
 حاصلی که علم جاه یکن اوقو  
 ایچی طولو کبر و دین در حق عاق  
 کاه دعوائی فاهت ایلر اول  
 حکمت ایلر سرتک کوکل لوجیه باق  
 نیجه یہ دکت نحو و صرف اولک  
 جانی فتح ایت ایکن فتح ایلکل  
 ماضی و مستقبلی تو حاصلی کور  
 اسی گرفتار یجوز و لا یجوز  
 هیت او فورسک درویش لفظ  
 عیش کرسی پرده کوکده هر  
 طولو در افلاکله افسیم جان  
 جان کوکسک ایلر دابی اوزکده  
 هرکھی که اندن باغه ابره بار  
 هرکھی که اندن خوان ابره سکا  
 قالمیه جان روضه سنک حضرتی  
 دوکه اول کشتن تمام برکشی  
 عاقل ایسه کت کوکلک بیک غم کله  
 کوره فرسک کردن کدن سن ایلر  
 سعی ابد و علم اوقو صامت صفت  
 شوکه انک علمی هو ایکن

در دینک در تاج برکت علمین  
 اول حوائی صوفیان مدت اولو  
 سور کلک هر سور می طلعت طاق  
 بوق بره خلقه سفاهت ایلر اول  
 ناکه سکه عقل کل دیره سبق  
 دار برزکون حق صرف ایت سوز  
 نفسی کسرایت سرتی فتح ایلکل  
 پر برانده سن لاکت ایل کور  
 حاکمی کور جوق اولو عالمه سوز  
 کیم بر و کوک بیلدر ایلش سیر سیر  
 جده سنی سوپه بیلکل سنده دار  
 هر ری کردان کردون جهان  
 ماهتاب و افق ایل اوزکده  
 جان ددل صحرا سی اولو سیر زار  
 غالب اولور سنده بیل نفس دپو  
 باغ دلده هم معارف نصرتی  
 قیلک بیل اولکلن ترکشی  
 باغ دلدن بر درق کرک کله  
 آله فرسک ذوقله اندن خبر  
 ایلر اول علم بیل حق یقین  
 انک یستی آه و دایه اولور



اول سبدن کچه کو نوزاده  
 او تو دم بازدم هوا بولنده بن  
 عمر مات کجی جو غی مدیس اید  
 ادمارم حق باری سید کرمین  
 لطیفی جو قدر اول کریم دکا رب  
 بوصفات نفسند قبله خدا  
 انده فی انجده بولور خیر چون  
 اولدخی کریمه اکا نوزد کتر  
 پس بوکر نفک کجا چون ارم اوله  
 بر قدم بوندن اگر بالا اوله  
 مطمئن اولور اول حقه یقین  
 محزن اخلاق و اوصاف کمال  
 چون کیده اول قبله رک خاکست  
 کر دیلر سه کت بوله کت اولدول  
 خواب غفلتدن سنی بیدار قبل  
 روز و شب در دیل صابح بلکه خاکست  
 کوی حق ایلدک دیر معان  
 روح سکینی تو دک زنداده سن  
 دار در سن کیم روحی زاده کت  
 نازمان یغینه سن افتاده کت  
 سن غم و شادیدن ایتمه جو سکی

ایزم کیم عسر فیلدم بن تبا  
 حرف او تو دم خدا بولنده بن  
 لیک قال قبل اید مدیس اید  
 ایلک خیر اید بیکده بر سین  
 لطف ایدوبشاید قبله نوز  
 اولار اب باری لوامه قبله  
 انک اسی اولر اکن دخی دین  
 عاش ایلک قبل ایتکندن کت  
 اکا اولدم علمه بیل نام اوله  
 مطمئن اولوبن زیبا اوله  
 قابل اعرار رب العالمین  
 مستفیض فیض انوار جلال  
 ایلیده حقندن خطا سخطاب  
 اید کور تندیب اخلاق صفات  
 بر زمان دار حبست و جوی تا قبل  
 دور قبله می سندن اول محو کت  
 خانه سنی بر ملوت خاکندن  
 اول دل بیچاره بی دانه سن  
 بودل ویرانی اباد اید سن  
 کر زمان ایلکده اوله اراده کت  
 سن خیال و همله اتمه هو سکی



دل که مشغول غم و خنده در  
 شول که مشغول غم و خنده در  
 شول که عاشق در بوردن برود  
 حقیقه که کل بند بچیدن ای سیر  
 عاقل ایسه که پوری کز آب سن  
 خوش دیشتر شول سراج انسان  
 مال دنیا دام مرغان ضعیف  
 مال مار اولور ایچی بر زهر با  
 نفس اولور بیل مرکبی جان دیک  
 هر کیک نقوی اولور بهرری  
 کز زن و فرزند جلد دشمنان  
 اوله غافل ویرم کوکل آغده  
 عیسی بی بیتر میک برسوزنی  
 ملک تجرید ایجره بره ایکن اول  
 دوجان برسوزنه دکزدی جون  
 هفت جونی کدی عرسه حقیقی اول  
 جویمه کلکزدی کوزینه جون جهان  
 بنده خاص اولدی حقه جون آده  
 حقه کیم بنده درر باینده اول  
 کیکه نفس قول اول اول خوار اول  
 هر نه غن کیم کلکدر جادوان

صانع آنی که بصیرت دیده  
 اول جهانده مرده و شل زند اول  
 بی بهار و بی خزان سبزه و زاول  
 نیجه به دکت بند سیم بند زور  
 ترک ایده کور خانمان و ملک  
 بوجان و اول جهاندر خزان  
 ملک عقی دام مرغان شریف  
 عزت تعظیم خلق در آردها  
 نفس یل اول که اولد مسکک  
 اولور اول دنیا و عقی سروری  
 حق یولنده جلد سبزه ره زبانه  
 کی صافین آله امغل سن بکره  
 جرح جازعدن کجور مادی آنی  
 کور که بوسوزن نیجه با غلادی بول  
 خرم عالم حضرتنده و دن کون  
 جبرئیلی یولده قودی کیندی دل  
 اولدی آذن اکا جویمه جهان  
 ای حق دوسه ایه یا دسه  
 هر که مرده اولدی ایسه زنده اول  
 دجهان عاقر و غنخوار اولور  
 سن آنی اولش کیمش طوت هاک



طوالت که سنگ اوله ملک غیب و شرف  
 پیردن که شاه ابده سنی جهان  
 نیجه لری سندن اوکدن همچنان  
 آخر آندن قیو آتی اول جدا  
 کیم کوکلون جیفاره سنگ سن آتی  
 کوکلکی برره و برکیم دلم اول  
 یعنی کوکلک سن جهان و برمکل  
 عشق صورت قیغی سن پیش کی  
 عشق ایکنده چونکه بوی یزید اول  
 عشق مرده بکنه اولار بیدار  
 کلن کل اولور آخرباه  
 کلتن دهری بلور سنگ مردم اول  
 آلاما سون سنی نور و زجهان  
 صبح اولور سه طوالت خوشید خوب  
 بدر کوجه خوش چراغ جار طاق  
 برغلامی که دله محبوب اولور  
 سول تن سمن تنان کل عذار  
 بو جهان دس کنید منمشتر  
 بو جهان و عاشقید منقطع  
 پنج دقت اولور نمازه همنون  
 کیکنه عشق ایکنده بولور زندگی

نولور آندن بر دم اولور حق رقی  
 فرستدن بیم ناک اول اول زمان  
 شاه داید ویدر آنک ایل اول جهان  
 لیس سکا بودر بونی بیلکل سزا  
 دهر زور ایلد ابرمادن سنی  
 سنگ ایلد بیلد اوله قائم اول  
 سن ایلد سکنی آکا و برمکل  
 عشق معنی ایلکل اندیشه کی  
 عشق اولور عاشق اول سنگ اولور  
 سن جهان حق قیل عشقه عذار  
 هی کل و کلزار دل و حیات  
 کلتن عقلی کوزت کیم خرم اول  
 بیر دالمشدر بهارینه خزان  
 هم زوال ابرر آکا دقت غروب  
 یک نولور کورانی دقت محاق  
 بو قیلبله اول کینه محروم اولور  
 رد کار ایلد اولور بر بیر زار  
 اول جهان دس کلیدر ستر  
 اهل اول عالم محله مجتمع  
 عشق اهلی فی صلاوه دانون  
 غرق معشوق اوکنده بندگی



مرک بی مرکی اولور اکا حلال  
ظا هر نده مرک و باطن رنده اول  
اولکه اکا مردن اولور فتح باب  
کبرای دل انشی خار و خشک  
سن جال مهری کور و ب ای کوکل  
بر تویدر بر کوکل کم ذره سی  
سوز لر مدر کوه سر عثمان درد  
جمه سردار حق بقدر سوزم  
محمم ارواح در دیستاندر  
بو حقیقت اهلنه دیوان راز  
بر جاندر معنیدر بو صد هزار  
که چه بو سوز لر بکا لاین دکل  
هر عبارت ایچره صانه حالنی  
لفظی منصور ک دینده نور اولور  
آنچه کیشی در دینی اسماء قیلور  
فعلی تو قوله فی فعل نظر  
بن که بر سر کشته بیجا ایم  
در دمندم ناهرا دم بی دلم  
بیم امید ایندی بنی روز و شب  
ای خداوند کیم کار ساز  
لطافت ایله سن بر می آباد قیل

برک بی برکی اولور اکا نوال  
صور تا فانی نسان پائنده اول  
سایه اولور اکا دائم خطاب  
جهدایت اکا کیم حق اولور موسک  
عاشق اولمه کی صابن اکا کاه اول  
نابنه دو بحر جهانک زهره سی  
سوز لر مدر هر سر میدان درد  
اول آخر هب دقایق در سوزم  
هر هم صافی دل ریشاند  
بو طریقت ساکنه دنوا راز  
بر فردوس خوب بی رنگ دکار  
چون دکل عالم سوزم صادق  
که چه حال دست دعوات آلتی  
غیری دیرسه آنی بلکه زور اولور  
لیک عیسی او قوسه احیا اولور  
سوزینه باق صاحبندن قیل کند  
حیرت ایینه دوشوب داده ایم  
سجده اوله عالم دیو لا عیلم  
طاهرم خندان در ایچم سوز و شب  
یا دشا ه قادر بنده نواز  
بند غدن جانم آزاد قیل



بسید بکر لطف ایدوب تحقیقایت  
 مرغ روده وصلت که راه دیر  
 خفتله دایم بری بیکانه قیل  
 یاد عالمان دلی سن دور قیل  
 شوکت اید سن بری بریو قیل  
 بی نهایت فقه درود کناه  
 در کسینک که کلوبیم بود می  
 جانی فوف دایم دینی صید ایدر  
 حقه یارار ایندم هیچ روز کار  
 هر نه ایند مسه بیلورم ناسیرا  
 عمر شوکه کلدی حقدان غافلیم  
 شیوه دافانه دار غور  
 آه کیم بولفس محبوب و غل  
 ای شب افروز سحر خیزان  
 عالمه بکوز بنم صبح نخست  
 ای درون دلده اول بها اول  
 این دلد دردک ایدست دان  
 جلد شهلو استگده برکدا  
 سول کیتی کیم اوله عشق محرمی  
 عالمه چون ایدمی جودک نظر  
 ای که سندن خانه دل بر چراغ

مصطفی ارنجه سن توفیق ایت  
 دیده بیت دل آگاه ویر  
 ذکرک اید کو کلمه همنه قیل  
 یادک اید سن آنی معور قیل  
 عیجز سن لطف ایدوب متو قیل  
 کیمه دیدیم فقه می بن آه و آه  
 نوله ایدمی اولمیه ایدمی ادمی  
 کوکلی مشغول عسرو زید ایدر  
 غفلت اید کج دی بونجه روز کار  
 حق دیو استلیم جمده خطا  
 دلغریب روز کار چلم  
 ایدمی بیکانه رب غفور  
 ایدمی خانه حجب محبوب ازل  
 شب کبی اولمدر کوکلم سیاه  
 بن نبات و خود نما و نادرست  
 دو جهانک در دینه درمان اولان  
 بندکان خاک آرد جهان  
 هم بولور هر بی نواسندن  
 نیش نوش اولور جرات فرمی  
 رقص اورور هر دلد مهرک دوه  
 ای که سندن دست صحاباع داغ



ای که دلد و صحت بخورم که لاله  
کار بار حالمه حیران بن  
نه که اینجا حقیقه جسم بیایم  
مصطرب در دغمه بود سبب  
قان اولدم کهیم خدا دل سازیده  
بر دیره لطف ایوب بر وارنده  
نور تاره کوکلیک در دندن اول  
بیایم جانم خدمت بن خدمت  
بنده ایمنی دامن نقصان اول  
عقوبت اولوب فضل بن اولقم  
عقل دردی فهم دردی اول  
بوجسین ضایع ایتم نیده یم  
انقب و اولیا کوند دی اول  
نفسه اولدم کهیم بن یولنه  
لطف جوقدر قولره لطفی عماد  
کر جهان خلقه غفران ایله

اول هواده مرغ جان بی پروبال  
بوقفده دهنک دسر گردان بن  
نه حقیقه حق نه اوله جسم بیایم  
بیایم کهیم اولیسیر عالم عجب  
بوقفصدن بوقوشی آزاد ایده  
ببلان قدسه دسار ایده  
آنده درخی هم جسم اولدندن  
یور می قاره وارسایم حضرت  
حقه لایق عفو ایدوب غفران اول  
عدل ایدر سه نیجه ایدیه یم لایقم  
سمع ویردی ذوق ویردی پیش اول  
نه یوز اید بن اکا یا لواره یم  
راه حقیقی نیجه در کوستردی اول  
بر ایتم یوق ایوته باکه بولنه  
ایلم بن قول ده اکه عثماد  
بحر جودندن نه نقصان ایله

تر الهی بزم حاجده کیمیکم یوق سکت رحمته الهی  
بزم کنا پده کیمیکم یوق سکت مفترده الهی تقوی توستنی  
آخر عمره زادایت الهی بزمی آخرت عصه لوندن ارادایت الهی  
بوز بیک بزم کبی به رحمت ایتمدن نه ک ک بیایم  
غدا بایتمدن سکا نولور الهی عاص بدیکه معصیت ایدر دیکک



مغفرتک بیلدر ملک ایچوندی الهی قولدیکه کناه ایتدی دیکک فضلک  
 کوستر ملک ایچوندی الهی صریحه صنوب بتون المیحه استادق تو بوز  
 برقا زیوب بوز المیحه عمارت اولوب یا یلیم صید دایم دوسوب  
 قورلیجه صیادقنی ایجاز آدم معصیت ایدوب باشلا بمیجه شیطان  
 اکن یخیمز الهی ازل سحر کاهنده زهنوز خواب عدمن باش  
 قالدیر معدن زه لطف ایدوب خطاب ایدر دک که یا عبادی دوجو  
 باغچه سنده هئوز نهال ضعیفمز لهور بولدن بزم ایچون ایشیه  
 عتاب ایدوب ایدر دک که ان عبادی الهی برفه مکالمه ایدوب  
 احر و نهی دوعده وعید ایدر دک هئوز عالم اولدن الهی بزمه  
 ملاطفه ایدوب خطاب و عتاب ایدر دک هئوز آدم بار اولدن الهی  
 بزم ایچون ملائکه اینه مباحه ایدر دک بزم جبرم یوق اکن الهی  
 بزم طمردن بزم ایسته سینره جوایو دیر دک بزم اثرم یوق اکن  
 الهی مغفرتک خود بر صفتد اکا اثر و جوش کرک عاصی ایدر  
 اثر می کیده بلور دی الهی رحمتک خود بردگوزر اکا جنبش و خروش  
 کرک کناه کار لولمه زهیه طاعت و کسبوردی الهی ازل  
 قسمتده جوان ملائکه طاعت نصیلت و انبیه خلعت سالت  
 وز زاده شرف عبادت و یردیکک دقت عاصیدک نصیبتی دخی  
 غفر اکلدن ایدرک ابد غمتده دخی هر لحظه به عملک مرز بنه  
 و عبادتک اجر چنی و یردیکک دقت کناه کار قولدیکک دخی اکن  
 اینه الهی سکت عطا کت موهوبدر مکتوب و کل الی سکت رحمتک  
 عنایه داردور عبادت و کل الهی متقی قولدیکه جنت دوعده ایدوب



بیور د کسه که تلمک انچه الهی نور من عبادنا من کان تقیاً عاصی دیک  
 دخی نومید ایتیموب بیور د دور رسک که لانتقلوا من رحمہ اسد  
 ان اسد بغض الذنوب جمیعاً الهی بزی طاعتک حریم یله اما غمار  
 کللی کا ویرم الهی بزی عبادتہ قوی یله اما توکل بزدن ایرمه **بایات**

بیل توکل موئمنه عالی مقام	بیس توکل دامن طوفان مدام
کوزله دایم ایست تدبیر یله	سن کورت تدبیر کی تقدیر یله
اختیار کی کریمه کیم برکت انیمه سن	لیک کور و آبی آندہ فایده سن
کیجه کوندوز سن غم فردابی تو	ایرته نه بیرم دیو سودابی تو
کون بوکوندز بیور ایسه کسن خبر	ایرته ایچون ییمه سن خون جگر
ایرته کی زلفک قوسن سنوشتی	شده دی ویرن ایرته ده دور آبی
بارینی قوسن مکر یارینی کون	دون دیمه الا مکر کیم دوکی کون
وشتکی کور صوفی ابن الوقت اولو	حاله بافضل بوقه حاکم فوٹ اولو
سول که بوق سودا در قوغل آبی	هر ایسکه بهیل حاکم تقدیر یی
هر مقامه بر توکل بولنور	هر برینک اکا کوره امانی اولو
هر بریسی اهلکته برسد نه	اول مضاعفه اکا اولو مضاعفه
اول مضاعفه کیچک اول آبی	اول توکل اکا ادنی کورینو
سول توکل کیم بزه غایت کلو	آبی بولمق بر اولو حالت کلو
سول کیشی کیم بولدی اول جی بیز	اول اکا نسبت اولو سرک یضین

ابن ادیم کیدر ایکن سیرده  
 امتحان ابدوب دیرای کسرتیه  
 کوردی بر ارباب دوتور درده  
 نیره دندر بونده س که خواب خورد



ویدی ر ا ه ب با که صور مقدر خطا  
بنده اولان بر بنده فرمان اولو  
نیجه بر غافلست ای غفلت اری  
آز دیوق رزق کسکا بیل تیسور  
رزق ایچون بیل سعی نادر مقدر  
بیگ بیل اولسه ک نیاده سن  
غیره فالور هر نه جمع نیکه کنج  
طوته لم دنیا پس سلطان شاه  
شاه اولور نه ایلدی سن نه بیده  
آز تور لیک از کوره سگ سن شاه  
جند تیغ سن یوگک پینلر سگ  
بول اوز و نذر یون غود بیلش اول  
اوش قف که کله ی سلاب اصل  
شول که نفه بونده غایت خوش  
سگ ایچینه کرتکه جا اولور  
سکی جانه سور که تن واکول نرا  
لیک نامی سن لاندن صافل  
ذکر اودر کیم سن کوکلدن بیده  
کوکلک ایچی طوبطولو امد اوله  
ذکر کیم دبیده اوله بر قلفه  
ذکر خطا هر سره کلخن اولور

وار خدایه صور که رزق دیر خدا  
رزق بیلر صاحبی فنده بولور  
وار قوغل بو غصه آب و کلکی  
ابر موج بر کون اصل ده ایرشور  
دنیا ناک صوکی لشیما مقدر  
آخونده بر نفس فالور بهمان  
سن جابنده کور رسک دلوخ  
یویدی اقلیم سنک بادشاه  
غایتی سن ده فوبون کیده  
چوق تور لیک چوق کوره سگ سن  
بول اریسک غافل اوله بولده  
وار حساب بیت باری یوگک کورسن  
ارض تنده سن فومیرج اصل  
کورا یچینه اول کاک آتش اولور  
کوره کندی اناک سید اولور  
سگ اولور بیل نام یاک اول خدا  
امد آدینی زبانن صافل  
جان و دلدن حققی سن ذکر لیک  
روز دشب ایچینه دود آه اوله  
وار توجه دلدن ایل سن حقه  
فرجه اوزره کل و سوسن اولور



ذکر باطن بر تو نور خدا  
 ذکر دائم عادت کاری کرک  
 آدمک آدمکی اندیشه سے  
 شربت سکه در ناف خوش کوار  
 نف باطل دائم شیرین کام  
 بیل که دنیا و سمندر رهنم  
 آذن او کین کیم قبه خایک خراب  
 روحک یحیون دار بارقه خایک  
 خاکه بادی آتش غالب است  
 بوجها ندن کیستی سن یاقین  
 کیم اولو مدن تو رخا ز اول جا بلدر  
 طرنا عکدن بار معکدن چکیو  
 جیقه بغدن صکره دخی حالنی  
 بر غریب افتاده فالور یا لکر  
 کیم اولار آنده اکا دسترس  
 خویشت ذکر دوستک دوارسه کلور  
 هیچ برندن سکا ابرغر برمد  
 نامکر اول بادست ه بی نشان  
 اول دم ایدو سکا الهام صواب  
 بس فاله سکت سن وایتد بگت غل  
 کر سکا اول روضه بر بوستان اوله  
 ذکر باطن سنی ایدر سندن جدا  
 ذکر حق اندیشه و بار هی کرک  
 پیچیدر استخوان در پشه سی  
 باطن اولسه کام نفس زکار  
 آجی کلور سویلر حق کلام  
 دیرمه کی صافین اکاسن کر دینک  
 چار عنصر خاک دمار و باد آب  
 ال حقیق رب یقعه دن دیرانه دن  
 کرم اولوبن حق عیلا به او جیت  
 سن جهاندن کو کلکی آزاد قیل  
 جان بدندن کیمسی سکلدر  
 جیقه سی جاکت بدندن کوچ اولور  
 حق بیور انجی نولور احوالنی  
 بر یوله کیدر که یوقدر قولور دوز  
 هیچ کیم اولور اکا هم نفس  
 کورک اوزره بر دم اول کران  
 کورایچینده سن گرفتار لحد  
 لطف ایدوب ایدو عنایت اول  
 تا فرشته به دیره سکت سن جواب  
 با فرج اوله ندیمک یا دجل  
 جمد ایست بس سکت آسان اوله



تا قیامت اوله سن زیره زمین  
 کر اوله کورک سنگ بریت مار  
 بالهی سن بزه احسان قبل  
 عاقبت خیرین مقد قبل بزه  
 سندن آرتن کیمه فریونی آله  
 تو لک ایچنده بریجاده بجم  
 امی کوکل حالتدن اولان باخبر  
 قلب قلب دیرک انی کسیریت  
 عونک اولانسه بزه کرد سکر  
 عون سندن لطف سندن انجا  
 راحت و دون و حضور اینه ایدین  
 حشره و کین سن اوله سک زار و  
 بوک دمنده ایشم آسان قبل  
 هم پیری سن مبد قبل بزه  
 سن کردن لطفه قبل کاه  
 نفه اوبوب روز و شب دایم  
 بودل مکنه سن اینه نظر  
 شکل اولد ایشم بد بلیت  
 بر ایچنده مار و عقرب بزی بر  
 قول سکدر صافا غل سن ای خدا

**نشر** الهی بزی نادانقدن و نادانردن صافلا الهی بزی ایتقلد  
 و از غیندردن صافلا الهی بزی ایه باب قلوب ایه انیس ایت  
 الهی بزی کوکل اریجه بیس ایت الهی بزم مجلسی خوان دین ایه ایت  
 الهی بزم مصاحب بزمی اصحاب یقین ایه ایت الهی جیاتردن قالانی  
 خدمت کرده صرف ایت الهی عمر فرک بقیه سنی انر کله خرج ایت  
 دنیا مصاحبدی بله الفت سنی سن کیدر دونه سبی اچمزدن سن  
 هر نه مقدار که حله حقیر دست مال هر دون و بای کوب هر زبون  
 مجادرت مصحف کریم و مصاحب کتاب قدیم اید مقبل شفاء ساهان  
 و مجمل جمله عالمیان اولور و هر نه مقدار که آتش صفا و در و سنلکله  
 معروف و حدت و تیز لکله موصوف ایه چون فکستره مقارن  
 اوله روشنی کدورنه و حدتی جلادنه مبدل اولور کستی به هر نه که اوله مصفا



اولور واده هر نه کلورسه صاحبندن کلور یولدا سدر آدم اولغنی  
 ایزدن ایشدیرکیشی به درلوا ایش ایدن حقه طالب دلان اینه  
 قاشیق کرک آتی ایشین آنزک انه التمن کرک یولداش  
 یولداشه آرقه اولور بری دوشرسه بری قالدیر برپاک همتی  
 برنی ادا داید برپاک دعا سندن بری استمداد ایدر دعا که  
 ایزدن دلدن اوله و همت که غیری کوکلدن اوله نایترنی پادشاه کلور  
 و جانی آرقن کویتدور الهی بوضیف دل خسته به کرکدن غنا  
 ایت جمیع سکت خاکیم ایم و اول اشیک اولی کداسیم بوسه  
 انجون خلقه دیریم و بونضر عانی انجون ایه بیلدیریم که ناکاه غریق  
 ارنه طوش کله و براغنی قونویه سس کله نظر ایدوب همت ایش  
 اسرکوب همت ایده چون بزدن دعا دیمش ایده لم چون فاخته طلب  
 ایش اولوب لم دوب خلاصه حقان دعا ددر و سندن بوفیق انجون  
 استمداد ایده اومارم که مقبول اوله امیدم اول که قبول اوله حق  
 قونوی جواد اولور ویر و کلر بنه اولور رحمت بانی سدر  
 ایتملر و سدری رد ایتملر هر قونون ایه کاک کرک آنزک  
 لطیف سدر دهر ایشکده باور من کرک آنزک فیضی سدر  
 الهی هد دل اهلندن سئی اسد و هر کوکل ایزدن براره نگاه  
 دل ایدنه نفس اندن فریاد و کوکل یادش هله نه دهم سطلاند  
 داد جان خانه لرینه طبعیت سخته لرینک طعمی اندن حکایت  
 در روح سطلانیه قوی خاکدینک جور اندن حکایت الهی سن بویکه  
 دادمی آتوریه لر الهی سن اعرابیه که فریاد دهر ایه لر هر نه ایدر لر سس سکت



تدبیر کله دهر نه ایشلر سه سکت تقدیر کله الهی بطنم خراب ظاهرم  
عمارت الهی بصیرتم معیوب بصرم سلامت الهی تنم صحیح جانم خسته  
الهی بدتم درست و کولم سگسته الهی بنده کجیو طور لب غار یوق  
الهی بنده کوندوز ادر وچ دونلا نیاز یوق الهی بنده حج و جهاد یوق  
الهی بنده خت یجون زاد یوق بنده شهر مات حرامدن حذر یوق  
بنده طاعت و عبادت نوردن امر یوق بنده صلاح سیاسی یوق بنده  
اوسن هواسی یوق عزم آخر اوللو اولدی آخرت فکری یوق اولوم قایومه  
ککلو اولدی اولوم ذکر یوق طاعت ایدرم درونده صفای یوق و در  
ادوم ککله جلاسی یوق الهی یونم قره در فایکده الهی سوزم آساعه  
حضر کنمه کول خانة سنده اغیار قویم غیرتک مافلامدم دل حدمنی  
نامحمود طولر دم حریکی بکله دم شول کونک فکر ایدم که ناکاه هودج  
کبرای جناب حق و فائده جبروت مالک مطلق کولک حه سنده جا بگاه  
دسینه حرم سنده بارگاه اید یوب کولک خانة سنده غیا یکنین و صد وصفه  
نامحرمی صدر نشین بوله اما حاش سکت اگر کدن که اول کونده غیرت  
مستدرینه اول خانة بی ویران و حجت حامبلر نه اول حرمی تاراج و تالان  
ایندیروب دل بنیادین یاقوب یعقوب و درون ادینی یعقوب یاقوب  
اول تشک و ددینی و اول دودک نفوذینی بلیک آه بکرموز ایلک ککله  
حیفه سکت کولک کندی اؤکدر اغیار دن سن پاک ایدوب اریست  
دل کندی حرمکدر نامحرم دن سن فودوت اداسی ادینی پاک بولمیه حق  
بیستهار ایدر حرم صاحب حرمینه طوار کیریک بوزار تور و در  
اداسی طور و یکن ادینی توکسور بکاک دلاز خانة صاحبی وار ایکن



۷۳  
 او غریب آیریت کیستی صفیاز چون کوکله اوم دیدک هوا در دین  
 سن صافا چون قلمی شس ایدیک شیطان عودن سن بکله  
 الهی ظا هر کعبه سن اودر دیدک ایچی طوبیبت لایکن کمن بیت اسد  
 دیدک خاش که بو کوکل کعبه سی که کوچک او کدر هوا بتدی بکانه  
 صایه سک ننه که اول تجمانه اولس ظا هر کعبه سنی جیبیک صورت  
 عالمی سیدل یاک و مطهر اندک بیه بو موت اولس کوکل کعبه سنی  
 باطنی قوسیل ط هر و منور بیه الهی چون بوجان مرغنی قدس کلستان  
 حیقار و ب غم سته سانه براندک کاه کاه وطنی سیدله باری فرج  
 و شادیت الهی چون بو کوکل سلطانی روح مملکت دن طوبیبت  
 طبیعت زندانه صاندک آفریده باری آتی بو زندان ارادیت  
 الهی جنوت میسر لیه که حضور می اوله الهی بر حضور میسر لیه که نور می اوله  
 الهی دله بر انقطاع دیر که خلع دن کیمیه الهی سکه بر انقطاع دیر  
 عقد دنیا جو زوله الهی کوکل بکشربنی سکا سن ربط لیه الهی لایحه  
 سیطاندن سن ضبط لیه اگر چه اختلاطه تفرقه و کثرت حق اوله  
 و انقطاعه صفاء وحدت حاصل اولور اما سوبله ده دکلدر که اختلاط  
 البسته آفت اوله و هر جنوم دائم راحت اوله سول کیمینه یکه باری بند  
 صفت اولور ایچی سی ده آفت اولور برنده خلق کور و پوندن ار  
 و برینک کزدوبی کور و کجه آشی دو شر جدا بدوب اوصاف حقانی  
 اینک کرک دمی بدوب اخلاقی نورانی اینک کرک تا کاه کاه  
 خلفه فارسیور سه دخی کور و یکی حق اوله و دائما خلوت فالذی دخی  
 قالان وجود مطلق اوله ننه که اسناد محقق و فاضل مدقن جامع انواع



عدم مولانا دالد مرحوم تغذیه بفرمانه داسکنه فی علی غرف  
جنانہ برغلنک اولنده بومعنا به است دت ایدر اول غزل بود که مرض  
موتنلن بر ایگی کون اوکلنجه دیتدر **ابیات**

عشق پیردهفتاد و دو ملت جانست در میان جمع دگرت عاشقانه احوالست  
این نوا و نالهای بی نه از باد هوسست ز آتش عشق بنان در سینه دی خوست  
ساعتی دهر رقص چون تب من است سالها در صیل قدس همجو غم سناست  
فکرت باری دارد در میانش دقتی نقطه موهوم راهم از دیانش ضمنت  
در درون از سوز خمن سوزش شبی در داغ از فکر پیچ رقص جنست  
نزد دقت سر و چون کردنت لانی خفت بین دیت صبحا با سجد کاب شهرتست  
نوبت بخون بدور چند آخر شد ولی حضر را عشق تو تار و مجسمه نوبتست

چون اول بهانه ایته مرحومک بوسه ده مبارک آوی آکلدی  
و بر مناسبتیه بولضر غنامه ده برغلی یارلدی جمیع حاضر اولان بالوزن  
دبوس له بی و قیوب دیکله ناردن مسؤل دمتنی مطلوب مستدعی  
اولدر که آنک یاک و شریف رریم چون که دنیا ده صانع اولد یغنیجه  
اوقات شریفه سنده دساعات لطیفه سنده علوم دینیه نک مطالعه  
چالندی و احکام شریفه نک احبانه در سدی اخلاص ایله در دن دلن  
و عایدوب فائمه اوقیه لر کیم حق تبارک و تعالی رحمته غرق و لطفه  
مستغرق ایدوب غنایی کونشدن بر ذره سیمه و مغفرتی در پاستدن  
بر فطره سیمه سبباتنی عفو و تقصیر اتنی مجاہدوب داننی حبت اعلا  
جلیس در وحی ارواح علماء شریفه سیمه امین ایله آمین یارب العالمین  
الهی بزرگه کلک کنده در دره بسلام اول آه سر دره اه که



دلن کلمه اول آه صادق اولر و ناله که جگر دن قویمه اول ناله  
عاشق اولر آه که صادق اولیه بی درد اولور و ناله که بی درد اولور

### ابیات

سر اولور

درد دین اگر بوله دلک  
درد دین در مان کبیبت نوشن  
جهد ایده کور درد اولر بنده  
درد اید زنده اولر سگ پیر  
در عشقن کیم بوله بیگ خنول  
در عشقن کیم بوله بیگ خنول

مایه شادی عالم دردی  
درد اید اندوه محبوب ای لیسر  
درد اید اندوه محبوب ای لیسر

ایره که

درد اکا دیر که جانی یاندیر  
درد صامه انی کیم یرتوق اولور  
درد اکا دیر که جانی یاندیر  
درد صامه انی کیم یرتوق اولور

سوق کیم ادمه اولور برق دار  
درد اید بیگم انک بیک فرقی دار  
سوق کیم ادمه اولور برق دار  
درد اید بیگم انک بیک فرقی دار

نشر هله نیکیلم بره دوش اغلا مقدر یالان کر حاجت  
ایکله مکدر بیورن یالاندر اما نیجه ایده لم هله بالاس دخی برار  
نشر هله نیکیلم بره دوش اغلا مقدر یالان کر حاجت  
ایکله مکدر بیورن یالاندر اما نیجه ایده لم هله بالاس دخی برار

اغلا یلم امیدور که اول چاره کر بر چاره ایده سید بو یایی  
اغلا یلم امیدور که اول چاره کر بر چاره ایده سید بو یایی

دائم بنده سی عینه باقن اولر هر نه سی وایه کند و کند کسب  
کد بک انکدر دیکسه کسب تو مایوب تمام ایدردی ایستنه برکن  
دائم بنده سی عینه باقن اولر هر نه سی وایه کند و کند کسب  
کد بک انکدر دیکسه کسب تو مایوب تمام ایدردی ایستنه برکن

دیکله تمام ایدردی چون بوینه دینه دی دیک انک بنده لم  
هر نیجه بیورسه دینه ایده لم نه بونده ارادت اید کلک که کنه بوندن  
دیکله تمام ایدردی چون بوینه دینه دی دیک انک بنده لم  
هر نیجه بیورسه دینه ایده لم نه بونده ارادت اید کلک که کنه بوندن



اخیارالمه کیده رز هچین بزه واجب اول که الدن کلکجه بوز یعنی  
ایده لم هچسی آنک ارادته دگر در قبول درد عنایتنه دگر در  
اگر نقصا غر خام طواریسه فصلدر نه دیه لم و اگر فطره کوره فینه

### کته عدلدر نیجه ایده لم **ابیات**

بزه لازم عتقا دایمک در	هر نه درسه افتباد ایمک در
هچین بزیلر ز کندی بلیور	قول آنکدر نیجه دیرسه قبولر
بونده دخی ایده دخی قولور بزه	هر نه اوله بویغینه قائلر
مکک کند دیک لصر ف کند دیک	ماید ه مطلق اول حجه آنک
چون عدلدر بزه اول دیر دخی	بر لکن بیلدیروب ایدر دی سجود
شکر بچی بونک قان ایبدک که بزه	دخی آدن لسته لر استیاز
بزه دوشن اولدر در دیمایه دز	لطف آنکدر حجه اکا قویه دز
لطف اعلی عا دین ترک ایملر	بوقدر ایملک ایدن بویه قوه
اول کر بکدرینه اول اکرام ایدر	بونده کی انصافی اول اتمام ایدر

**نشر** همان بزه لازم اولان اولار که اوبیز قومایه دز شوکه  
آنک کومدر اکا اعمار لایه دز بزه بوعث بیر که آنک قولی اوله دز  
قولور چون بر خد متذره طوره دز قول اولان قولور عتده طواریس کرک  
جنت و جسم دمک کرک جنت لیسیدک اکثری خدمت  
ایستمر خالق ایست و بهشت طلب ایبدک جوغی قولقدن ناجیه  
سلطان ایست لغو ذبابه آدن که قول قاجیه قولقدن مایه  
ممکن ممکن اوله ممکن دکل که قولغی کسیده فقر ممکنه لازمور جنت  
ممنونه دایمدر کشتی جسته کیرمکه نولور اسکی قولدرینه قول اولور کدکد لغی



بیک کک قول خدمتده طویق کک بی دل جبت اومارسه  
 نوله برککله خدمتیدر وکوکل جبتدن قیاسه نه وار بر منظر  
 سلوتیدر اگرچه ایکسی دخی اوابه دهر برسی قولوغیه هر یکی خدمت  
 بر اولمز دهر یکی مرتبه برابر اولمز جمدن که عارف احراز ایدر بونی نیت  
 ایدر دوزخدن که عاقبت اجتناب ایدر بونی قصد ایدر که بر آخر توفیق  
 کیم ملا اکبات قبله و بدن ضعیفده ناکاه باشه لمبه و هم شربت  
 عذاب سد شدن نفس انجور سن ناکاه قولغی ایدر کن مولی سکا  
 کوجنیه بوسوزدن بواکلامنه کیم قیا منده تکلیف اولور بلکه  
 بونده کی تکلیف کیمیدر که آنده ده سوبور بونده کی اعمال  
 نتایجیدر آنده ده ظاهرا اولور و بونده کی افکار صوریه بابت  
 بربر کوزیکور بونده کی دوست بقبریدر که کلسه کک و دنیا واقعه  
 تا و بیدر اولسه کک اگرچه آنده یکی تکلیف اولمز ولی تکلیف نابدن  
 قوتی حق حضرت حق و عیله دادل جنابک صدق عهدیه اعمال  
 حسنات تا و بی البسته کو کک اولسه کک و اعمال نتیجه کک  
 بطرز که نوله کک مشیت الله در و اختیار پندره در  
 دیکه دیکه عدل ایدوب جزا ایدر و دیکه دیکه فضل ایدوب عطا ایدر  
 هر نه بلوکن نصیب ایدر سه تقدیر اکندر و هر نه جماعتدن تکیه  
 تدبیر اکندر لطفدن ایدر اولدیکیم خیرین مقدمه قبله و کرمندن اولمز  
 اولدیکیم پسیرین میسر قبله کتا هر مزون کچه لطف عمیمی ایدر جزایم  
 عفو ایدر خلق کریمیه امین یارب العالمین الهی بویوم عاقبه دنیا  
 دار سرور و کل الهی بویوم عاقبه جهان جای حضور و کل بدن بندی



طور دجه جان قوسى طيسر تن توى قوند قج دل مرغى سيلکين  
 هرکيم دنيا کنت زارنده اخلق تخن اکدي بي را خلق کنويسر  
 هرکيم کوکل باغنده آرام آغا جن دیکدی بي را خلق بتويسر هر فضل  
 غم ابريسور دهرمختدن محنت يفتور هر غمناک دلى اولور دهرمخت  
 دلى اولور هر را حناک آفتى اولور هر بلاناک رضى اولور صد  
 اوکولر پنج اولور علم توکمر کنج اولور جاه جاه بلا اولور وقصا  
 خود برقصا اولور تدريس تبليس اولور ورپالى شيخ ابيس اولور  
 پيرى که خود يرست اولور برابر بت يرست اولور واصل درلن ناگام  
 اولور تام کوزدن بدنام اولور عابد درلن بي طاعت اولور زاهد  
 درلن بي عبادت اولور جود سعادناک زودبا نيدر و سجا عت سيادناک  
 با سبناک کبر صاجنى خور ايدر دکندو لي کورک کشتى کور ايدر  
 فراغت دردنه حضور ويرر دبناست يوزه نور ويرر تواضع غنى  
 موجب در دولت مجبى مستوجب اولور وصول همته کوره اولور  
 وسعى غيرته کوره اولور قصور بن بيلن سودمند اولور دکندو لي اوکن  
 نامرد اولور سهوت يلى جوان اولور و غصبه و ايان شيطان اولور  
 جملی اولان مرده اولور عشقى اولان زنده اولور خود راى اولانک  
 طاعنى اولغن اولور دکندو فکرينه اديانک اليتى اوکفن اولور  
 اولولق حسن خلقه بولور و حق دخی ضای خلقه بولور حق نسين  
 توکلده اولور و تن بيلن اکله اولور حسن صوتيه اولور سیرت  
 کرک خلق اوکر مکلده اولور طبعيت کرک آدمک ايچي طبعي باک  
 کرک و حقندن غيردين بي باک کرک سول دل که صفا ايسر



تصافیه رضا و رب مک کرک و رسول جان که خدا ایستار کو کله  
جدا و رب مک کرک طریقت اهلنه اول شریعت کرک و حقیقت  
ایستینه اولدن طریقت کرک بوله کیدنه اوز کرک حق ایستینه  
فلا و ز کرک سلوک ارش و سیرا و طر و ارش و انقیاد سیرا و طر  
ارادته اخلاص کرک و عریده اخلاص کرک انکاری غایت اهلک  
توم اولور و انکاری خوی پدن محرم اولور کاذبک و عدی و طر  
و ملوک عهدی و طر بی ادب و دنو اولور و طوع غری سوز طاعت اولور  
صودک راحتی و طر و یول اربک استراحتی و طر ایمان اولور  
عطا و طر و غرور و ن بویک خطا و طر فکر دن یک هدم و طر  
و عقیدن اولور که محرم و طر توبه دن یک عبادت و طر در صدق  
کوچک طاعت و طر طمع اهل ذنب اولور و دنیا دن کین قبل  
اولور عیبه جالینک کرک لوسی فوت اولور و عقیده طویمیا نیک  
منه بی موت اولور حریص محمود اولور و عام مذموم اولور فضل  
حبس و رتب دخی زیور اولور ابراهیمه اول نیک که آتاسی آرزو  
احققت فکری دینده اولور عاقبت لسانی الله اولور سکران نعمتی  
صید ایدر و کفران یولنی سید ایدر همد بلا ده که صبر اوله اول صفایه  
دور و هر صفاده که غرور اوله اول صفایه دور الهی همت دمی  
یا دیکه اوله غرور اولور و هر غمده که یادک رفیق اوله اول سرور اولور  
و هر دردنده که دردک اوله اول راحته در و هر کوکله که غمک اوله  
اول محسنه اولور هر دله که سوخت اوله و ذوقی بودر دل دلی سخته  
فرقی بودر الهی نیجه ایدیم که وطن هو اسی روحی طبقات علیه یکبریه



صورت برنجریده هیولا در کلمات سجینه صوفار و اگر هدایت بدرقه سی  
 سعادت برانیده طریق حقه دلالت ایدرسه بواسطه فی سنهات  
 آفریده راه نفس ضلالت ایدر الهی بوبسته دلی هوا بندن قوتار  
 سگت بنده قبل الهی بوستگه کوکلمی نفس عهد سندن خلار  
 ایدوب سگت عهد کد قبل الهی ذکر کله الفت دیر الهی فکر کله وحدت  
 دیر الهی ایمان شمعنی کوکل خانه سنده نا اید یا سنده ایت الهی  
 توحید کوشینی وجود فر ملک سندن هر دم تا بنده ایت الهی  
 ذکر نوریه بو فرانقده فاشس کوکله شوق دیر الهی توحید سربنی اکلامه  
 در و نمره دوق دیر ذکر همین و پله دیکات و کلدور و توحید نور و لفظه  
 سولیک و کلدور ذکر ایدن امان سربنی بیگات کرک نفی دانات  
 نذر آکلامن کرک

### ابیات

نهی ایت اثبات هر موجودی سن      نا بوله سگت هپتی معبودی سن  
 هر که حق سندن غیر می مقصود کدر      تیغ لای بی جاک که معبود کدر  
 لا نهکنت قدرم وحدت در      لا کلنک خانه کثرت در  
 لا قلا ووز در فنا تسلیمه      لا دلیل اولور حقیقت اینه  
 صیقیل مرأة ایمان لادر      حنیف فحاشیطان لادر  
 لادر جادش سلطان جود      کیم بولنده اول نور غیره جود  
 لا جو پاره وحدته الا اولور      یعنی آنده بر الف سید اولور  
 لام لادر چون آرا ده ترجمان      ترک ایت آئی کیم الف که همان  
 طور و یغنج بیل آرا ده ترجمان      ممکن اولور اوله مقصود ک عیان  
 شوکله الاکانت اوکنده لاسی      به جهان کثرتک غوغاسی



و فر کردن لا و الای کسدر  
 جده ایت کم فالیه سندن نشانی  
 حق قاله آجی اگر حذف ابدی  
 کر چه کیم حرف الف بر حرف اولور  
 نقش بر در او قومه سی سنده  
 آره دن نامی اگر ج ابدی سیک  
 کیم قطره قبله اکی نقشه بیله  
 کر آجیور سه سکا سر قدم  
 نفی و اثبات هم کر که اهللنه  
**نشر** اما صافین ای عزیز بونا کبی سوز لر دن پاکش اکلامه  
 دبوصل الفاطدن بر در لوفهم ائمه در دیشور دلدلزن بنم کبی سوز لر  
 جوق اولور و عاشق آغزندن بو حبش کلمات سولفور اگر چه بو سوز لر  
 بزم حاضر دکلور دبوکلمات بزم فخر دکلور اما الله غنا بیتمه علم شریعت  
 قوسیده سول قدر فهم اولور که معناسی دل دکلور که قاصد اکلامه  
 و مراد اول دکلور ملحد فهم ائمه بر بنده طالب مولای غالب اولمده  
 واجب ممکن و ممکن واجب اولور خاشاکه بر ممکن اسد اوله و شاکه  
 بونی اهل دیه حق بر موجودله بیلور اما علوی یوق و کوکل الهیات  
 خائیه سدر اما زولی یوق سکا سندن یقیندر اما کمانده دکل  
 هم اول و هم آخورد اما زمانده دکل هر کجه سماء دنیا به اینر  
 اما بزم اکلامه فیسر نزول دکل و اهل دله بولیسور لکن بزم فهم  
 اینکیز وصول دکل نزول که بی تغییر حال اولور آنی عقل ائمه بیگ محال اولور



و صول که آندۀ انتقال دطر آنی اکلامه مجال دطر برزودل که  
 حله عودن نهان اوله اهل عقل آنی سیمز نه زبان اوله  
 بر دصول که سهری کرو بوئدن غیب اوله عقل آنی اکلامه نه عیب اوله  
 عملک ردائره سی دار آتک ایچیدن چقار و فکرک بر میدانی وار  
 اندن طشه کیده عز عقله حق بهن جراع ایه اناب آزار  
 فکرک بیکک دینه بیدیزله ماهتاب آزار در ویشکک بشقعه بری  
 اولور آتک ایچون سوزلرینک مشکلی اولور کرکدر که بصیرت کوزی ایله  
 که حق نورید حق سنجیده نرم کسیده همین آنرک سوزلری قبول ایدوب  
 ایاغمن کرکک دینه مراد لری آتزه قومن کرکک دلوکا اعتقادیمک کرکک  
 بنده هر نه قدر جهد ایدرسه دلی اولور آله دطر بیاده هر نه قدر سعی ایدرسه  
 فرزند اولور ساه اولور الفاظ لاف طامات مکر اولور سبکلی  
 نه یکم بوج و طمع اولور انا الحق و سبحانی سر بر بویست بر سر دکه کبل دخی ایکن  
 کهنه ایتمز و حضرت وجود بر حضرت که انبیا دخی ایکن حقیقته نشین  
 علم زیاده اولد قجه حیرت آمار و حیرت زیاده اولد قجه هست آمار  
 آنکوندر که اول خرف لم سید انبیا دایما دعا سنده دیر ایدی که زدی  
 نجهرا وزعه کل غایبین عقائد عجائز اوزرینه یوز دیوانصاف ایدر  
 آخر سوک شوبه بیککه همین اولنه دایر عقائد همان بیدگر دکه عیانله  
 اولور غایبی علم انسانی ایکن ربانی اولور و وجود کونی ایکن حقانی اولور  
 هر مرتبه کند دن اعلی مقامه حال اولور حق و سبذر امار کوزر  
 دوست برنده در امار بر سطر هر برده اول بیداور برده نظریوق  
 هر موجوده اول آسکار در برده بصریوق معنوق هر نه قدر عیان اولور



عاشق کوزی دخی کزان کرک محبوب هر نه قدر جذبه ایدرسه بوجانبد  
 دخی میلان کرک معصود حاضر همین قاصد جا ناک کرک مطلوب  
 مهیا همین طایب جست ناک کرک محبوب بیداهمین محب موافق کرک  
 معشوق هویدا همین عاشق صادق کرک الهی هر برده سن مطلوب است  
 همین ناظر کرک و هر صورتده سن کوزیکورسک همین باصر کرک **بیت**  
 ای درینا کیمسه ده بوق هیچ تب دیده لرکور جهان پر آفتاب  
 عقل فلک و آنکه هیچ راهی بونی کنه مصف کن آنک اکاهمی بونی  
 جمله دیلر سنده اولور بی لسان انبیا خاک رنکده جان فشان  
 ایکی عالمده اولورسک سن عیان کنه بوق عالمده هم سندن نشان  
 کر عیان در لر سس سن غایت نهان کر نهان در لر سس خود سسک عیان  
 هر جکرده در دینک براهی دار سکا هر بر ذره نیک براهی دار  
 فکر کنده عقل جان فرو تو در عقل حیران جان دخی مبهود  
**نثر** الهی جنت دید کلوری و صالکدر نپسی غور لوان الهی  
 جهنم دید کلوری فراکندر ماعداسی فقدان شهوات الهی و بدارک  
 بیده المیجن عاشق جنتی نه ایدر الهی قفسک بیده المیجن کوکل اری  
 جهنم ننه خیار **بیت**

هست جنت جمله حور و هم تصور خون جاکت اولمیه بیده تصور  
 الهی حکمت کله کرچه هر نسبه به سبب تو دکت اما قدر کنه اسباب و آلات  
 کرکر الهی نه بهر کله کرچه هر موجودی بر علته ربط ایدرک اما تقدیر بکه  
 و غایب کرکر میلان کرچه صوبک طبع بند ارادت اولدی موسی  
 برات رنمه طوع غور دی ندرج کرچه پیشک عادتیدر عیانست ایدی



مریم بر ساعده ارکوردی الهی یقینش فی کرجه سنی سو مکدر  
 اما علمش هب تسلکدن بکندر عاشقش نسائی کرجه عدم ایچکدر لکن نهایت  
 مپ تسلکدن بکندر الهی بیوم عاشق اولان همت نسبت اولان کرک  
 دوستلن دعوا سن ایدن خودیرست اولان کرک الهی عبا بک عقابدن  
 حجابک مذنی آر تقدیر الهی عبا بک بلا سندن سخطک ذنی آر تقدیر  
 الهی عمرده کرجه سکایار ایش بیدم اما دئم نداننده ہم الهی صفالم عا  
 برایک قازعده اما هر ساعت جمالنده ہم الهی نیم فعله باقمده عاجز  
 دسر کردئم الهی نیم علمه نظایمه که داله و جیرئم اگر توبه اندر دخی عاشق  
 توبه سی کبی سست دنا استوار و اگر عهد اندر دخی معسو قلع عهدی کبی  
 ضعیف دنا بیدار

### ایات

اول اولور ناجی روز قیامت بوکون ایده کناهنه ندانمت  
 یازماز ایشلرینه اول یشمان اولوب ایده نضر حقنه نهان  
 کله افسالنه بزار لغدن کیمجه بیدار اوله اول زار لغدن  
 نشر اگر دعوا می محبت ایدر سه علامت قنی اگر لاف عبودیت ایدر سه  
 عبادت قنی اگر عشق دن دم ادر سه دم در دناک قنی اگر سو قنم واردر سه  
 آه سوزناک قنی اگر اوصو و عظم نجون کرمی قولوغنی صاف ایشلرم و اگر  
 اینه و بون ایه م نجون دنیا ایش کلاف ایشلرم اگر عالم ایه م علم کوره علم قنی  
 اگر جاهل ایه م بوجه بید نبیره سعی علم قنی اگر طالب ایه م نجون حق بولنی  
 جست دجوی ایشلرم و اگر فارغ ایه م نجون اول باده کفت و کو بی کسمرم  
 اگر اهل خست ایه م خوفله نه م قنی و اگر اهل نابت ایه م دم سرد و دل گرم  
 قنی اگر در بیکره محب ایه م نجون بولدرینه بر قدم با صهارم و اگر اول طایفه







زاهده صور غزل غار و دره دل عاشق اولانه در میخانه صور  
 عند لب اولان بهیور کل حالنی بومه دارسن گوشه ویرانه صور  
 عشق بر هر غده که علامت خلق اکا بال اولور عشق بر دولت که ادبار  
 دنیا اکا اقبال اولور عشق بازارنده جامه دیبایی برجه بهیور عشق  
 مجبزه ناموسله نمی بر جو به صبا مار عاشق اولان غیرت و عاری  
 بر قیصر دوست بسته بند اول و قاری بر قیصر عاقل ایدر جبه و دستار قنی  
 عاشق ایدر خانه خوار قنی عاشق و کوندن بی نیاز اولور عاشق جهان  
 یکنجه سرفراز اولور عشق بر کلک بولاد در که هر وقت وارلق بناسن  
 یقینار عشق بر بنای ستاد در که دائم یوقن سر این یا یار عشق بر درد  
 مادر ادا اولور عاشق ایکی جهان دن آزاد اولور نه مصلحت دونه غم  
 فری اولور نه دستنده صبر نه بایده قراری اولور عاشق همیشه بلاش اولور  
 دائم بلا یکنجه خوش اولور عاشق هر دم سوز و شوقه اولور در عشق ایچده  
 ذوقه اولور عاشقه خدا بلا اولور عاشقه صفا جفا اولور عاشق که بونده  
 مرد اولور بخنی دار و راحتی درد اولور **ابیات**

عاشق آه و زاری لار صدر در لو در لو بلا ملامت صدر  
 رنج عاشق که یوقن شماری انات یوقدر آند خستاری انات  
 اختیار اختیار مجبوی هر نه بی اول و طریقه مطلوبی  
 طالب اولور فنا به اول متنا تا که کورمه اول ملای فراق  
 جان عاشق لبا طهره عشق شهر بند مرا دسهره عشق  
**نثر** آتش طاهر سوزنده بدون اولور آتش عشق سوزنده  
 درون اولور عشق کر چه مگر سوز اولور ولی سینه یکنجه نور افزو اولور



دل اهلک کاری عشق اولور بول لر بیک شکاری عشق اولور عا عشق  
حکمی نه پهب و دین اولور عاشقده محبت قان و آیین اولور عشق اهل  
لدنی ناکاملقده بولور لر عاشق اولور عزنی بد ناملقده بولور

وصف معشوق عز و جباری      وصف عاشق مذلت و خوار می  
کاری آنک غنچه کرشمه و ناز      بونده در سوز و استیاق و نیاز  
بریک وصفی آخره مربوط      بریک حالی بیر بیهوده و ط  
نازه هردم نیاز ایلد بولور      سوز هر دمده ساز ایلد بولور  
بری کس اولمیه فقیر و حقیر      اولور اول بیرسی عشق و امیر  
بری اولمیه چون عزیز و بلند      اول بیرسی اولمیه ذلیل و ترند  
عشق اولور بونک اکا رابطه سی      عشق اولور بر برینه واسطه سی  
هر طرفده اگر اوله جنبش      اک یک اولمیه بر طرفه جنبش  
بر طرف کر اوله تمام و درست      بر طرف دخی هر کر اولمیه است  
بر طرف کر اولمیه صادق اولور      بر طرفده اکا موافق اولور  
**نثر** عشق و بازی و فانه و کلدر عشق اهل قولایه و کلدر عشق  
اولمیان کو کلده لذت اولور عشق اولمیان باشد دولت اولور عشق  
جسمه سینه ابرمین اب حیات مذ بیلر عشق فاقه قونمیان سمیع و نیجه  
اکلاماز هر دل که عشق بازی با طنده مات اولور قیم عالم اولوب  
ابدی حیات بولور

### ایات

دل که بوی عشق دل بی نیک اولور      اهل دل فاقنده اول دل سنگ اولور  
دل باغنه که عشق کلی اولور      بر بزمه بکوز که آنک علی اولور دل تاب خا نینده  
عشق شمع باغینه بر خانه تاریکه دوز که جراحی اویاغینه

### ایات



عشق ایچیندا اولور عجب الطوار	کاه کاه قبال اولور دکاه ادمار
کاه اولور دوده کالدر اولور	کاه اولور نقص ایدوب زوالده اولور
بیک بو ابد ای حال اولور	عشق تام ایچیده بو محال اولور
عشق اری ابداده خام اولور	در عشق ایچیده نامقام اولور
اکلاخ دوستک کالنی اول	ضبط ایده فرهنوز عالمی اول
هر اکا بکره بن نگاری کورور	کنذویه ابی غمگار لو پدنور

نتکم قده جهان مجنون	ارنار ایکن محبتی دون وکون
جایجا طور محبوب کرزدی حلام	ناکهان بر غزال اولادی دام
کلدی در حال تو پور دی آنی	حومت ایتدی دادلو کوردی آنی
در کوزی صانکه چشم یارد	کردنی کردن نگار در
دجھی بوتی کیم اکا جفا ایده	واجب اول کیم اتی رها ایده
عشق ارینه اولور بو حالت	سیمی نابغوغ غایت در
مرد چون یخته اوله اول اشنه	هیج غیری کور غمیه کوزینه
سبه ایتاقی آنده دور اولور	بلکه اذنداده غمیور اولور
کور فر اولور اوبرا حده حال	دلبدینه اوله نظر و مثال
ایستی قلمز جهانده کیم اینه	الا اول که اکا نسبتی به
مثلا یاسبان هندی و سی	یا خوشاک ره و ساک کوسی
یا فو زلف و عذار و خط و خدی	یا خوش چشم و دیان و سر و خدی
چونکه عشق آخرا اوله بوله کمال	طوریع عشق ارنده وخی بو حال
دستدن غیر لسنی کور فر اولور	دستک ایدنی ده سیز اولور



طالب عین اتحاد اولور      سائک راه انفراد اولور  
 زلف درخ فکرمی کوتر و راز دکن      برده اولور اکا حجاب بدن  
**نثر** عشق عالی قصه و حکایت اولور      عشق بازی حدیث و روایت  
 اولور عالم عشق عالم دیگر در      بایه عشق آذن بلند تر در هر ممکن  
 اکا منزل اولور      و یا انک مکانی بر آویج کل اولور      عشق بر مقام و حد اند  
 جذبہ سی جذبہ نور اندر      عشق خلق کونندہ دیوانہ لکدر      عشق کنی  
 وجود بنہ بیکانہ لکدر

**ابیات**

عشقہ کر اولمیه بکلی رام      کیتیم آذن تعلقات تمام  
 نفس خطن اگر که ایستیه اول      وصل باره تمام بولمیه یول  
 بیکمه دانندن اول جذ اولور      خلعت عشق اکا سزا اولور  
 کند و دن بیکمه منخلع اولور      آندہ بیل عشق منطبع اولور  
**نثر** عشق ازل قد حذن بیوسلقد      عشق ایکی عالمی فراتسلقد  
 مرکب عشق قی پتیز اولور      هر زمان اکا منزل نو اولور      هر کجک عشق  
 همعتمان اولور      منزلی انک اول جهان اولور      دل عشقک سوخته  
 درینہ سیدر کوکل محبت بندہ مکینه سیدر

**ابیات**

محبت جانی جان عاشقا ندر      اول آرام روان عاشقا ندر  
 محبت شمع ایدان کوکلدر      محبت کینج ویران کوکلدر  
 محبت اختر برج کوکلدر      محبت کوه و درج کوکلدر  
 محبت جوهر دریای جاندر      تپای نازک بالای جاندر  
 سوکیم جام محمدان ایدر      ایدر دنیا و عصای خراموش  
 کوکل کیم عشقه اول آسناد      اکا اول بخشش لطف خداد



مجبّدن صواری سه کن کرستان  
 مجبده بونی بیلکل عیان سن  
 که اول مرتبه بو آنده ناجار  
 دلندن آمار اول غیاری کبار  
 در ونده بولور محبوب آنجن  
 قشده اول اولور مطلوب آنجن  
 اگر کله اکا محبوب دیگر  
 دلارا دلطف و خوب منظر  
 مفید اولیوب با قمار یورینه  
 آتی اصل کتوریز اول کورینه  
 بدی می ملک اولور لر اهل اخلاص  
 محبت کاه عام اولور کھی خاص  
 کھی جان طالب اولور نور ذیّه  
 دل میل ایدر وجه صفاته  
 دینلر اولنه عام بیلکل  
 یکنیفینه خاص نام بیلکل  
 محبت چونکم اوله اول عامی  
 می بی بیلکه صاف اولر عامی  
 ولیکن اول قدح کر خالص له  
 می خمخانه اخلاص دلیل  
 بیلکه اول قدحین بیوش اولور  
 جانی جانان اید خوش اولور  
 عقل اول را به کیرفر و فکر اول پوره به  
 اوغراماز عقل معرفتک امید  
 عشق یقینک حالتیدر عقل بر نکدر که آنده  
 بوی سر اولر عشق بر بویده  
 آنده رنگدن اتر اولر عقل بر سنک معرفتد که ملکی یوق  
 عشق بر نک  
 حقیقتد که سنکی یوق عقل بر مر غدر هوا پوزنده  
 عشق بر هوا در مرغ  
 ایچینه مرغ هوا ده نظاره لک ایدر  
 هوا مرغده آواره لک ایدر  
 عقل حالنک حلی قیل قال اید اولور  
 عشق درونی آنکه بیلک حال اولور  
 عقل ایشیری بی سندا اولر عشق حدیثی سندا  
 اولر عشقه صون  
 آره سنده یقین دارانی و ابدی که اول  
 تعلقه تعلیق اولر نیکی و بدی  
 کوز نک و جوی نک عشق بازار نعل بیکان  
 اولور خویق و شینک  
 عشق اینه سیان اولور زلف لیلی ده  
 بر شین وایکه دل مجنونن بیجا



اول صفتی که افلاک و عذار عذار ده بر خط دار که جان و امقدن  
 او که سی اول خطی او تو فر لب شیرینده بر شکر دار که سینه فرهادانک  
 خسته سیدر جعد ایا سده جلقه دار که دل مجوده آنک بسته سیدر  
 عشقه حسن کرک حسنه آن کرک محبوب اولانه همان آدن نسان  
 کرک حسن ملاحت اولقدر صباحت اولحق دکل کوز لاک کولکل  
 امقدر صورت و دزماک دکل صباحت همین نفس دلواره بکوز  
 ملاحت پرشپوه مکاره بکوز صباحت ملاحتن هیچ اولور ملاحت  
 صباحتن کولکل اولور سورا اولور که نمک نو سکوار اولور شیرین اولور  
 کرم و دل آزار اولور حسن بر عروس زیبا در که عشق کوی پیچ کیمینه بن  
 آفرین حسن بکیمینه نایا یادر در که عشق کلمینه کیمینه فیوسن آفرین  
 اگر بی عشق اولور رویه محبوب کمال و جمال اولور محبوب عشق معشوق  
 بر آینه اولور که صورت حسن آنده معاینه اولور معشوق دخی کندو  
 جهان آنده کور اول سبیدن عاشقه عاشق اولور **ابیات**

نیت کیم اول شیخ عالم با یزید	نور چشم روی دم با یزید
نقل اول نور کیم دیمش اصحابه	اهل دلدن بولنان حبابه
بن صانیر دم بویجه بیلدر عشقم	طالبم یاری کولکلن صا دتم
بو عام اولدی بکا آخر عیان	عاشق و طالب اویمش بی کان
اول محب ایش بکا محبوب بن	طالب اویمش بنی مطلوب بن
اویمش جذب ایلمن بنی آکا	اویمش هم قومایان بنی بکا
سول کولکل کیم عاشق اند اوله	دل دکل اول و دجه شاد اوله
اولمیه اول کولکل هرگز حجاب	روی معشوقی کوره اول بی نقاب



عاشق کل اولوک ای عشق جزو حسرت ایجره قالیسرتاق جزو  
 نفس جزو کر عاشق جزو ای اولو چون آنک معشوقی کله وصل اولو  
 دور اولور معشوق و بی حاصل فالو سعی ضایع جمعی باطل اولور  
 کر دیر ایسک بوده کله وصل اولو بر بریده بس کنه وصلت بولور  
 بلکه هر جزو دیده وار بر وجه حاصل اول بوزنه کله بولور اختصاص  
 بر برینه بس نه دن بولور حاصل اکلا فار بوسوزی الا اهل حال  
 عشق بر جو هر بی مثل محبت در که آنک صغی اماله دینمز عشق  
 بر سر مخفی ناپیدا در که آنک تصویری مثال ایله کوس ترطر عاشق در که  
 دلی آلتنده سوز لر ای اولور که لب اکا محرم اولور عشق اهلک سین  
 ایچدن نفی ای اولور که دم اکا هدم اولور عاشق معشوق آهسته  
 بر کفت و کوی اولور کیم زبان حاجبدن غیری اکا تر جان اولور جان الله  
 جانان آره سنده بر جبت و جوی اولور کیم کوشه جشمدن اولور که اکا دیدنه  
 اولور غمره معشوق ایله غمز دکان عشق آره سنده بر کرشمه اولور کیم اگر جان  
 اوله هزار راه روان طریقات تنیدن روان روان اوله عشق بی باهر  
 اولور غمز عشق بر سر در که ایملز عاشق کیم ایله کاری اولور آینه  
 عشق رنگاری اولور عشق مولاری بنده ایدر عشق سر فرزاری  
 سر افکنده ایدر

رواند که بر کون ش محمود رواندن آنک حق اوله خشنود  
 دیدی آباره که ای محبوب دلدار جمالکله کو کل صحرا سی کلزار  
 نه دندر عشق اولور خجیه زاده تکلف هم حجاب آره آره ده  
 قدیمی انبیا طی بولماز و سنگه اسکی حالی کوره باز



کجی که کند و ز جو آرتمقد محبت      نیچون نقصان بکینده اولفت  
 دیدی آبار که ای شاه چون      دجو و کله مشرف تا بخت  
 بن اول قول ایدم سن بکاسط      نیجه نیکه کت الکه بنده زمان  
 بوکر کیم عشقش غالب اولما      دل چاندن بو قوله رغب اولما  
 دجو دمی عشق بکینده زنده اولما      دلی بن بنده سنده بنده اولما  
 جو عشق احوالز تحویل ایدی      قدیمی وضع اول تبدیل ایدی  
 بود عشقه همیشه عادت دراه      که ساهی قول ایدر دقونی شاه  
**ن** عشق اف نه دافون دکلد      عشق صنعت هر دون دکلد  
 هر عشق دعوا سن ابدن عاشق اولمز      و هر محبت دن دم اولان صادق اولمز  
 هر سرده بود اولمز      و هر دست ید بیضا اولمز شکر و پیکله دیا ن شیرین  
 اولمز خسرو و پیکله خسرو آیین اولمز      هر حلقه که قوله اوله سوار اولمز و هر قلعه  
 تمیشه بینه سوار اولمز      هر مالک دینار اولان مالک دینار اولمز و هر  
 سری اولان سری اولمز      هر مشهور معروف اولمز و هر رفیق مألوف  
 اولمز عشق برکتدر که نیجه جاندر آنک      و جودن خراب اولمدر عشق رستگار  
 نیجه جگر لاک      در دندان کباب اولمدر عشق برکتدر که نیجه پورک  
 اول سودایه غرق خون اولمدر عشق برکتدر که نیجه دل اول آرزو  
 تنک و مستحون اولمدر عشق برکتدر که آنک      اوز که کانی اول  
 عشق بر دریکانه در که بر درونش فی اولور      جمیع مبارز لر قلب سیاه  
 عشق بر صفدر در که سیاه قبه دیر      و جمیع عیار لر طلب خوانه داده  
 عشق بر دلادر در که خوانه طلبه کیرور      **ایات**  
 عشق خواص تلمزم در یا      عشق جوایم لوتوی لالا



عشق بر معادان یهود اندر که بر فراشه بیک بیان وار عشق بر بند  
فصیح زباند که هر نفعده هزار دستانی وار

عشق در غم مایه سن سودا این	عشق در ویرانه دن غوغا این
عشق در خواص درمای وجود	عشق در طلاع فلک بحر جود
عشق در آینه کسینی نما	عشق در اسطرلاب اسرار خدا
عشق در لال سدر کوی عشا	عشق در شمع همنکام جای بنما
عشق در پستی فکر ایده فر کوفه این	عشق در عاشق اوله غم شک و یقین
عشق در پستی دامنات اولو	عشق در کوکلی کوزی محله آباد اولو
عشق در پستی عالمه سلطان اولو	عشق در صورتا کر داله و حیران اولو
عقل اینی جمله حکم اید تمام	عقل اینی بخت ایدر اوجاز اولم
عقل ایدر کل برین اولم	عشق اکا کولر که نادان اولم
عقل ایدر فکر اینی ایشیه لم	عشق ایدر فکری الدن تویم
عقل ایدر کار ساز و مقلقی	عشق ایدر بایک بازار و مقلقی
عقل ایدر کیم بوله آسوده کت	عشق ایدر کیم اوله آلوده کت
عقل ایدر کتخ دلق اینکه	عشق ایدر یادش لن اینکه
عقل ایدر خلقه رسوائی و مقل	عشق ایدر بوری خود ایمی و مقل
عقل ایدر بوری مستلک اینک	عشق ایدر خودیر مستلک اینک
عقل ایدر بن بدن سلطانیم	عشق ایدر یکی جهانک خانیم
عقل ایدر بن جمال عالمم	عشق ایدر بن کمال آدمم
عقل ایدر بن جهانک زمینم	عشق ایدر بن دوکونک رکنیم
عقل ایدر کل بر دلو مقل سنورم	عشق ایدر سن دخی بصقل دوم



عقل ایدر علم نیچون نو دیکر  
عقل ایدر بن یقین دیردم  
عاشق اول عشقه قلم جک سن  
دما نیجه بو بختین بخت اولور  
عقل دار لفته لولور ذوق صفا  
ملک عشق اولور وراکی سالت  
شمار عشق چون شکر جگر  
عشق اولور بیسته هر بولوس  
طوبو عالم کره کفت و کوی عشق  
**نثر** الهی هر کس بی مرد عشق اولور و دکه یرده در عشق اولور

عشق بر کیمیا در آنک معدنی لامکان اولور عشق بر جوهر در آنک  
مکانی کان اولور عشق بر دور دکه دکرده بولور عشق بر اینچو دکه  
هر دو لاقده صالنامز عشق بر نور دور دکه کوزده کوغز عشق بر  
هر دو رنده بولور عشق بر ذوق در آنکده بیقه بر دلی دار عشق  
بر سو قدر آنکده ایمی ایل دار عشق بر جوش در آنکده شیدالری  
دار عشق بر خورشید در آنک ده در یالری وار **ابیات**

کوکل کیم شوق ایستدن بختی در  
بولور عشق اولکم شوقی یوقدر  
نه خوسدر دل کیم اوله شوقی دلم  
اور واقف بوسه استیافه  
کلی ای دل کوی عشق نه قدم صبا  
بور می بس عالم علوه علم اص



عشق بر بوق صاعقه داره کز که زده یه او غار سه یاقار  
 عشق بایست ه قمار و که او غار دخی ملکیتی بیقار هر دکه عشقه خانه  
 اوله تیر بلاشت نه اولور دهر کوکل که مجسته مقام اوله محنت انده عدم  
 اولور هر مرتبه دتوار لفته حاصل اولور هر غرت حور لفته حاصل اولور  
 هر کیم بیلده عشقون سرمست اولور نوره بلبان اولور حمد ست اولور  
 عشق مخی کرچه دل کست زانده اکیلور و محبت نهالی اگرچه کوکل  
 دیکلور اما اجستم نمناک دحارت درون سوزناک ایلر نودنا بولور  
 سینیه تابدار عشق کنجیات باسبا ندر دیده خونبار محبت قوسه ک  
 دیده با ندر عشق مجازی اگرچه هوادان اولور ولی اول دخی جذبه  
 صفادان اولور عشق مجازی الفتان اولور عشق حقیقی وحدت ان اولور  
 اول سویدان اولور بو هویدان اولور آنده جهان ترک اولور بونده  
 دل دجان ترک اولور آنده ریش خلق اولور بونده ریش خلق جمیع اولور  
 آنده آل خویا دفع اولور آنک نوری دود آمیز اولور بونک نوری  
 سون اکنیز اولور آنک مآئنه رنک اولور بونک اینیسی بی رنک  
 اولور آنک اینی جسمانی اولور بونک ایکلدیسی روحانی اولور آنک  
 آه در دناکی جگر یاقار بونک ناله سوزناکی کوکله جیقار اول شری  
 متاع بازار اولور بو مشتری فلک دور اولور اول ای کبی نورستعار اولور  
 بو کونش کبی ضیاسی برقرار اولور دست سون آنک رقیب مهر ولی  
 دست دوستی باب جانده محبوب اولور اول طبیعت قوی اولور بو حق مفضل اولور  
 بر حکایت کور دم آتش بر اولور جان یاکی دوجها نده بختو  
 کیم دار آتش بر کونل زینا لیسر شهر تبریز اکیده غایت معتبر



در پیش اکا لطف اید بن ذوالجلال  
 رسک سر بوستان بالاسی انک  
 چشم پستی فی سطر عشق  
 وار ایمن بر میرزاده ستم  
 دور اید رس کوبنی هر زو سب  
 در پیش اکا سون عشق و سوز در  
 بی دل و بیچاره ایتمش عشق آبی  
 هر که یار می کورمش اوله بر نظر  
 خلق ایچینه چونکه عالی فاس اولور  
 پند ایدر لر هر یکا دن بار اولان  
 بعض دیر اکا کیم ای یکه جان  
 مرد عاشق زار اید دیر غلام یوب  
 مرغ جان چونکه جسد ام اولور  
 عشق اید اولون اولر نبل روا  
 بعضی اید رس سنی غافل قودک  
 اول دیر اولر چونکه یاد سزدلم  
 اول که عشق بیسمر اول جالده  
 جان دیر بیل محبت معرفت  
 بعضی دیر سن دخی و غلام سوز  
 دیدی کیچکه عشقه دوسدی درد  
 کیچکه عاشق اولمیه کر بیک یاسار  
 حسن خلق یکبزه غایده کمال  
 آفتاب آسمان لالاسی انک  
 خط و خدی آیت برهان عشق  
 جان اید المومس محب صادق  
 جسمی کریان ددلی ر سوز و تب  
 آه کرم اسک سرخ و روی زرد  
 در دمنده آوار ایتمش عشق آبی  
 خاکسار سنی قیلور کسل بصد  
 بر عجب دیوانه واد باش اولور  
 کیمی بنده کسمبسی غمخوار اولان  
 قوبونی بکم نامکان اولوز بان  
 عاشق ایسی نولور عشق قوبون  
 یولنان اوکر دی پیر نام اولور  
 شیه عشقه اولور برکدا  
 قیسنی ضایع ایدوب جال قودک  
 بو تیر ایکی جهانده حاصلم  
 فاش اول غفلنده فی صلد  
 بیلور آبی کیمده اوله صوفت  
 ساکه دوغور سندی عشق و درد سوز  
 بیل طریقه حقیقت مردود  
 ایل دل آبی صهین اولان صابار



بعض در اول بت در ترک خطا  
 جوئکه بد خو اوله دایم بر جفا  
 کولوی دیدی فانی اول دولت  
 کور دلم بونی لایعقل در  
 جمله پانندن کیدوب ط غلدر  
 سول قدر کیم قیلدی دل سید  
 جمع ادوب عشاق جمله کلدوب  
 قصه ایدوب بونی یاز و نعل ایدین  
 اوسدی عالم خلق جمله اوسته  
 ناکسانی کور دم اول محبوب جان  
 کوزلری پاشه طوشت غلا نور  
 دیدیم ای مه رو ندر نه اولدی  
 دیدی دار کو کلمه بر در دم  
 شهر تبریز اوله لی بوئکه زان  
 حسن ایکنده بی نظیرم بیایوم  
 بنی کورن دله تو مازر کنی  
 زلفک هر عقده سی برکت  
 بر دیشم بیک لؤلوی مر جان دگر  
 حسن کلارنده بر سر و قدم  
 یوسف مصر دلم بی اشتباه  
 بوئکه حسن سباب وار یوق عافیت

کرجه نیکوروی لیکن بیوف  
 ناکسان ایرشدره سکا خطا  
 اولدوره یا خود قیلد اولت بکا  
 بونی صلاح ایتی مشکدر  
 کنه کندو حالی بیه تو دلم  
 یار ایکنده طرب رسوالخی  
 اورته آتوب بونی محکم دو کلدوب  
 دیرکه اول دم حاضر ایدم انده  
 کیم اتکا سوکر کیم آتی سوکنه  
 بر بو جافده کیزلنوب طور زنهان  
 کند و کندوبه طور دین سوپله نور  
 ایته یار اشفر سکا اه د بکا  
 کیم بکا بو کسره ییاد لدر سبب  
 دیرمدی بر کیمیه مشکدن لشتان  
 خوبلق عکسده میرم بیایوم  
 کل خشم عکسندن آور رکنی  
 بر قیلده دو جیفان اولم بها  
 نعلک بر قطره سی یوز جان دگر  
 لاله رو سنبل خطا نیرین خدم  
 بر زلف بونی بوتبره بر کجه آه  
 اوشده عذر ایک یوق و دایم



بس دیدم ای یوسف عیسی نفس  
شهر خلقی جمله حیرانگرد  
شهر ایچینه که صفار و کربار  
سؤل طور انزده سناک شیدارک  
دیدم عاشق در ولی بکا دکل  
نفسه عاشق در رنبار بنی  
کر بنی سوسه ایدی بونر تمام  
کر بنیچون اوله دی سوادری  
سوسه لری دی کر بولر جان بنی  
سؤل کیتی کیم سودی جان اولی  
عشق ایچینه صلح و جنگ اولی  
عشق اری کیم عشق شهو که یوت

بوکه دیر سناک بونی دیر هیچ کس  
جمله سی در دکل کس یا کندر  
جمله سناک عاشق ای زیب کار  
دیگلد یگلد هب سناک غوغا کر  
نیدرم بنم سوزم آکا دکل  
بر بوله بن صایم یوز بیکنی  
ایتمز ایدی بر برینه هیچ کلام  
اولمز ایدی هر کسک غوغا کر  
هم سوزلر ایدی بنی سونی  
بنی سون نیچون اولور دشمنی  
عشق ایچینه بوی نیک اولی عجب  
دوستک بیل دوستی که دوست

**نثر** عشق که طبیعت دن کله آکا عاشق دیک کی چوان اولور  
محبت که شهوت دن قویه آکا محبت دیک نا اولور عشق که بوی  
بهار دن اوله بهار کیده جک بی بهار اولور عشق که صورت دیکار دن  
اوله صورت بونر حق بی صفا اولور عشق اولدر که سبغی در یای بی  
اوله عشق اول دکلر که سکان آخر چهار بابان اوله عشق اولدر که آنک  
قبله سنه محبت اولیه عشق اولدر که آنک تحفه آلت اولیه عشق  
اولدر که بر شجره مبارکه دن صیغه که نه شرفی اوله نه غریبی نه غمی اوله  
نه غریبی عشق اولدر که دایم اوله اول سنده محبوب کرک خطا ده اوله  
کرک خسته عشق بر جوهر تابناکدر که آنک کافی کان الله و لم یکن معه



عشق بر جسمه سار یا که در که انک منعی و من الا کل شیء حی عشق  
 بر جسد در که قهری اولدر سحلی بد عشق بر در یا در که کج سسی و کناری  
 سر مد عشق حصیتی بر شجره در اصلی فنا اولور و بود قهری وفا و پیوستی  
 بقا اولور بقا اولدر که کیسی اکانا دن ایرلیسه و در بیک اولدر که  
 یوفیق آغا جندن پتسه

عشق اولدر که اول قدیم اولور      جا بجا هی دل کدیم اولور  
 عشق محدث فروغ تابدر      اصل می فضله تراب اولور  
 منشی ذات ذوالجلال اولور      لا جرم یا کت و بی زوال اولور  
 عشق عین اولدر مجاز ارمی      بر نظر در فتاده نظری  
 اول عیندن اول کستی نظر      کاه اوله کیم محبان قله  
 خلق دیوانه در و عاشق هشیار      عالم خفته ابدی اصحاب کف سزار  
 اگر دیر سه کیم عالمه سلطان اوله سک      و اگر ایستر ایسه کت ایکی جهان  
 خان اوله سک

بنده عشق لایزال اول      عاشق جست و لا ابالی اول  
 عاشق نرفته ارادت کرکز عاشق بدنده عمارت کرکز تصور مایه  
 ایتماک کرک توجه مطالب ایتماک کرک هر نه قدر کتساب و اقبال  
 مسمر جلال حوال و صوف تعلات موجب جزائل مقامات اوله کیم  
 کرک عاشقده اوج مقام اولور عجم و پنجه کش و کوس و کس کانام  
 اولور اولکی مقامده که حکمکدر مار کبی املق کرک که بی دست  
 جست و جویده و بی یامی کت و بوبی اوله یکسختی مقامده که  
 جاسمقدر مور کبی املق کرک که دائما کارده در ساعت قرارده و لمیه



ایجنی صف مد که دیکمدر بر دانه کبی اولیق کرک که فناسنه طالب  
 ده لاکنه زاعب اوله عاشق درت عفره عین عاره الف دباره  
 سین سفاوته قاف قضایات رندر عاشق اولانلر قضایه رضا دیک  
 کرک که عاروغه ادبار دولته سفاوت سعادت مبدل اوله چون حق حل  
 و علی کار کا نکوینده ان فی درت عنضردن یاراندی عاشق اولان  
 دخی خاک کبی لیل باد کبی بی دلیل هو اکبی بی قرار مار کبی تابدار اولیق  
 کرک دائما اوجسند یار و چهره سنده زاب یو کینده آتش و کوزنده آب  
 اولیق کرک هر دم بل کبی یوب یولرده طویراق الوب اود کبی یانوب  
 صو کبی یو وار لالوب کرک کرک احکام دنیویه به حکم دیر ماک کرک  
 نومق مات افرودیه به دخی بانق کرک دنیا و آخرتک حاصلنی و عاقل  
 و اهلک محصولنی ارباب قمارخانه عالم تجرید حلقه پاک باران بساط  
 تغریده آرمنده زمین نیستی و هسکام عشق پرستیم براغوب اولیق  
 کرک آلیش وجود دعتبار و آمیزش الوان اغیار دن اجتناب  
 ایدوب قلندر دایر جمع عالمدن بی پاک دمو می هپتیدن اینوب  
 پاک اولیق کرک عشق سلطانه اوجمان کرک و هم شیطانی قومن کرک  
 خوشدر خوش اوزمره عشاق اول بکر سوختکان راه فران  
 اول غریبان منزل دنیا اول عزیزان جنه المادی  
 محرمان سراجیه قدسی لوح خونان سدره کرسی  
 سالکان طریقت علیا راهداران جاده مستلی  
 زین جانان حردۀ غم یار مست حالان جان و دل هیار  
 بادشاهان تحت روحانی غوطه خوران بکسر نورانی



جست کیران جویعه تجرید	باک باران عالم توحید
جان فزونی بارگاه عدم	خرقه پوشان خانقاه قدم
جمله فانی سر فنا ده صفا	دفتر نقش انتم الفقرا
جنت عدن جاسم عتبات	دل و جان خاک سیم عتبات
جرج جبرخه تو بمان مفسدن	نغمه خوش صد آسیت عتبات
سول کوننده که عرش ذره اولد	مطلع صید سما سیت عتبات
عقل کل اوله مست لای عقل	کر اوله ماجر اسمیت عتبات
سبب امتداد دور زمان	اولامی دور بقا سیت عتبات
هر صفایی که دار بو عالم	عکس سوت صفا سیت عتبات
دوق اولدر که در عشق اولد	آرته طور سون بلا سیت عتبات

انجم اسدور اندر و نذر عشق	علت حکم کاف و نذر عشق
قیل در و نیکی تاب خانه عشق	یا قدم باص بردن خانه عشق
وصف معشوقی دار عاشقه صو	حسن عذرا بی چشم و زلفه صو
لذت عشقی عاشقان اکلار	باک باران جان فشان اکلار
عاشقه دائما کر کدر ادب	روز و شب اوله خاک رطب
عشق اری کیم سوزی اناختی اولد	عاقبت داره اول معلق اولد
عشق ایچینه نه لاف و دجوی	عشق ارینه همین معنی کرک
عاشقه سوز و شوق و در درک	نفس کرم و آه سرد کرک
عیب اولور شیوهای رنگ امیز	عیب اولور کفتهای باد انیز
عاشقه چونکه عشق قوت ویر	قوتن حی لایموت ویر



عشق بر ساید که عقل آنک کم کد اسیدر عشق بر بادست بیک  
جهان طو لوصیت و صد اسیدر عشقه در بر و کوکک بنا عشقه  
دو جهانک بقاسی عشقه در کائناتک طو لری عشقه در موجوداتک  
نوری عشق استخوان جهان سار در سهم محبت هر برده وار در عاشق  
عالمه روان کبیدر تنده محبت آورده قان کبیدر بدنده

عشق مغز کائنات اولدی تمام	عشق ایدر صاحب دلی صاحب مقام
جو هر عشق اولدی بیدار نهان	جو هر عشق اولدی نور دو جهان
جو هر عشق اولدی داری عظیم	جو هر عشق اولدی بر در شیم
جو هر عشق اولدی ذات و صفه	عقله اکا حاصل اطر معرفت
جو هر عشق ایدمی خاکه نظر	خاک ایچنده اول دور بندیم و
عشق ایدر جانده عشقی عیان	عشق ایچنده ساکنه راز نهان
عاشق اولان دائمیک سوادور	یک دل و یک قبله و یک راولور
عاشق اولدر طو کنه برائش اولور	کرم رو سوزنن و سرکش اولور
مرد کار افت ده در عشق اری	مردم آزاده در عشق اری
عشق بر سیر غدر یکیم دامی یوق	عشق آغازی اولور انجامی یوق
عشق اربیک بشقه بر ذوقی اولور	هر زمانده بر یکی سوختی اولور
عشقه در کوکک دوندیکی عشقه در یک طو یعنی عشقه	
جرعه قویان تلکی عشقه نمجید او قودان تلکی عشقه بیلد لری سیر	
ابتدیرن عشقه رای و کونی دور ایندیرن عشقه نباتات میورن	
عشقه بیچیکله کتورن عشقه کاس تقابن بر شراب ایدن عشقه	
دیده ترکس نیم خواب ایدن عشقه زمین بوزینی بر انوار ایدن	



عشقده هوا کی کلبه بی عطرا ایدن عشقده باد صبا بی مسیح دم ایدن  
 عشقده لاله بی مبارک قدم ایدن عشقده غردسان چمنه زرد و زیور  
 ویرن عشقده جان بخت زین و فر ویرن عشقده بیدل دی ابر لادن  
 عشقده طولا بزی بکله دن عشقده هر مرغ آواز ایدیرن عشقده  
 مطربه ساز ایدیرن عشقده کلری پیدا ایدن عشقده کل یوزلوری  
 هویدا ایدن عشقده چنده ریخا غزی آجان عشقده زلف لری یکان  
 کبی صا جان عشقده کلشنده سروی زاد ایدن عشقده سروی بو بولومی  
 زاد ایدن عشقده معدنه احجار یعل و یا قوت ایدن عشقده یعل تازی  
 جان قوت ایدن عشقده عدنده در ایدن جان ایدن عشقده بدنده  
 مر جان دندان ایدن عشقده عالمی لاله و یا سمن ایدن عشقده انسانی  
 سمن بدن ایدن عشقده قاشلری کان ایدیرن عشقده غمره لره  
 قصه جان ایدیرن عشقده بار بار بی مدام ایدن عشقده خالنی دانه  
 زلفنی دلم ایدن عشقده حره لری تیر ایدن عشقده ایکی کوکلی بر ایدن  
 عشقده محبوبه آن ویرن عشقده مرده کوکله جان ویرن عشقده  
 کوزلری ساقی ایدن عشقده کوزلکی باقی ایدن عشقده جلاله نیت  
 ویرن عشقده کوزلره عزت ویرن عشقده صورت لری محبوب ایدن عشقده  
 محبوب لری مرغوب ایدن عشقده حسن ایلنه قدر ویرن عشقده دل کلشنه  
 نور ویرن عشقده کوکل کوزین آیدیران عشقده معرفت جی کلکین صابران  
 عشقده دلی آباد ایدن عشقده درونی شاد ایدن عشقده کوکلی کلشنه  
 عشقده آجی طاشی روشن ایدن عشقده صفای قوسن فتح ایدیرن  
 عشقده ینه کندولی مدح ایدیرن

ایات



ای رند سراب خانه عشق  
آندۀ طرب قسم بیک عشق  
اولکه بیک خطی بودک  
بندار وجود و دید طاعت  
آندۀ که نمازی رکوع  
اول قبله برو نذر جهالت  
عشق اولکه جاتماغن عاقبت  
سیمدغ عشق که بیشت نذر  
عشق اولدی بدنده جاری جمله  
یوق ذره که عشقن اوله خالی  
سوزنده صدهزار خرمن  
هر گیمه دل عشقه محمد اولو  
حلاج که اولدی مرد مطلق

کل دیکله نذر ترانه عشق  
دار کور که نه ررقم بیک عشق  
بس صکره قبول ایدر سجده  
عاشقده لشکر اول دناست  
یوق آندۀ اصول قدوعی  
اول کعبه وراسی کائنات  
اول یر جبرئیل باقدی  
قاف قدم آکا اشیاندر  
عشق اولدی جهان ساری جمله  
اول محمد هوای لایزال  
اولر آکا قبله معین  
ما تم زده دد عالم اولور  
بو عربنه ده دیدی انما الحق

سبکی که یکانه جها نذر  
مقبول طوافت یخ  
سؤل واقع حسین منصور  
اول قص اکا جو ایلدی یر  
ای ذات مقدس تعالی  
حلاج نه مرد سر سیدر  
بن صانور ایدم آتی که اول شاه

سر خلقه جمله ره رواندر  
علم و عمل ایجده کوه اسخ  
قبیلدیانی خپنه جان و بخور  
اسدسان حاله دیر  
هر و هم و خیال دن مبرا  
اکاد یولندن اول بریدر  
مقبول مقربان درگاه



کر اوله ایه ندر سیاست  
حق دیدی یلیکی طوت بوی دار  
چون قصه اصل ایدی فرعه  
اول دیدی معین بیور هم  
بر در نوکیر ده مله اولور  
هر مرتبه نیت کلامی وار در  
طفل او قوسه صرفی اکافض  
ای ذره کورمه آفتابه  
ای دل امل محال قبله  
اول کیم دل و چشم نور آندان  
اول آجیه کونیک اکر کیم  
ای عضل کر بیک یفتیندر  
آنده که اولور عجب مقامات  
اولمز بر احد بوسه آگاه  
بیک قافله دمبدم رواند

اول محمد ایه جهان سخاوت  
بادش زبان اولور سردار  
سستی اولدی زجر ترعه  
هر کیمه دکل اوسوزه محرم  
هر کیمه دیر آنی مفدا اولور  
هر مرتبه نیت مقامی وار در  
اکلا به فر اول دنیک کث  
یوق چونکه تملک اوتا به  
اولمز طلب خبال فلیه  
هم کنه اویقلدی دور آندان  
آجیه آنی اولور ایه هر کیم  
معداج بیتر سکا هین در  
نیج لری کیم ایدر کرامات  
نه ایدی نه اوله بوکندر گاه  
هر عشق اری میر و کارواند  
عشقدر آدمی معمور ایدن  
دل خانه سن پاک ایدیرن  
عشقدر دوست یولنده فنا دیرن  
عشقدر ایکی جهانی صالدیران  
عشقدر ازل قدح دین  
عشقدر ایلدن سر خوش ایدن  
عشقدر ایلدن مست ایدن  
عشقدر



بونده دخی جی برست ایدن عشقده صفا و شوق دیرن عشقده  
 راحت و دوق دیرن عشق خرمی جی اولور عشق مستی آلمور  
 عشق مستک خمار ی اولور حق نوزیکت ناری اولور عشق آری  
 بی سلامت اولور عشق بولی ملامت اولور ملامت عشق تمام اولور  
 بی ملامت عشق خام اولور ملامتک اوج حالتی اولور اغری عشقک  
 غایت اولور اوکیسی ملامت خلقدر که عاشقی خلقدن کسر اولور  
 انرک اید بولسمقدن قچار اولور اوکیسی ملامت نغدر که کندوی دونه  
 مناسب کورفر لغنی اکا لایق مصاحب کورفر نغزده بوغزده وصول  
 اکلاف و داننده بوستغاده وصول کلهر همین طبع کونین انک لطفنه  
 دیگر اوسیدریده سبله فضلنه بافار بس بواکی ملامتده فائده بوا اولور  
 بواکی مف مدن غائده بو قالور که خلقدن ده و کندودن ده کسپور  
 همین جبانده اینج دوستی کورر بار اولور همان نظرده کورینان اول اولور  
 بصدرده اما اوجی مرتبه به پیشچک وادل دولته ابرته جاک که دو  
 جلال استغاسن و غث و کبر بایسن کوروب اندن دخی تمام کسپور  
 همین نظری عشقده قالور

بودر اول مف می تحبیرک ابتدا می ظهوری توحیدک  
 عشق اولور بو مف حاکم و میر عشق و معسوق و عاشق اولور  
 عشق اولور کند و سبله اول قائم عشق هم کند و کند و به دائم  
 کند و سکی کند و به وصال اولور فرقت اولور اکا محال اولور  
 عشق چون کورفر اوله غیر نمی بس نه دن کیمسه هجر نمی اول  
 عشق جوکنم وره حقیقتنه هم محبتده ارسه غایتنه



عشق آینه اولور عجائب حال      کیم خبر دیر فراتی قبل اینه قال  
عارض اوله کرک حواری عشق      برن اولر یسر دور بوارن عشق  
توبار یسر بونی صواعق عشق      قابیسر دور بونی خواطف عشق  
چونکه عاشق بوله فانی صفات      دانه ویر فن صواعق ذات  
حاصل اولور فانی کل وجود      اولور اول انده وصل مقصود  
عمدن انده بهره ورا دلو      بیک علمنی بی خبر اولور  
عقل عاجز اولور اول درک      خوش دیدیلر که عقل درک ادر  
عقل خطی حقیقت خبری      بولان عشق ارنده عین آری  
وادی عشق بحر مجوری      خانه عقل بیت معوری  
غایت علم عشق نادانلق      آخر ملک عشق ویرانلق  
نثر عشق قال اینه اولور      اکا حال کرک عشق رواستد اولور  
عاشقه آیت کرک عشق اصولنی ارباب      وصول بهلور ارباب فصول  
اکلاف عشق سرینه اصحاب کشف کرک      اصحاب عقول کرک

اکلام

هی عشق دروننده حالت بهتر      صانع که فرد حکایت ابر  
بزم سولیکم که همین سرنمه در      بزم لفظه آنره اوکنمه در عشق مشکلم  
حلنه بر عاشق بهلوان کرک عشق      سوزلای فوس دلبدر اکا سید  
کرک بزم مقصود فراتی اولانه اکرده      بزم مراد فرات ادرت  
احسنی قیاس در عشق بر محبوبدر      سوزی دخی محبوب اولور عشق  
بر مطلوبدر نه یوز دن باقارسه      غوب اولور عشق قصه سی برشکدر  
مکرات کج دکن اولور عشق نفسی      بنقصدر جو غالمسی خوش اولور  
عشق بر کوزلد که لباس اولور      ده یقینور عشق بر عوددر که



هر نه کید پیر سهک پیر شور عشق بر نکار در که نکارستان چین  
 آنک نقشه ده دلیس در عشق بر بند که جمیع بتخانه که آنک عشقینه  
 با لب در عشق بر سر ابد که هر میخانه ده آنک بوی دار عشق چیده  
 هر صومعه ده آنک کفت و گوی دار عشق بر کوفت در که هر ذره ده عکس  
 و تابی دار عشق بر آن در که هر پرده سقعه و تابی دار عشق بر سوز لری  
 بر نغمه عشق قدر که هر ساز ده جالیو در محبت خبر لری سول ترغز لدر که  
 مجموعه کرده باز بوی فی و لیک دلیک اول در دخی و کز جنک پیر الموش  
 هنوز اول آوازه بی کسوف طنبور که یکی قیلله نه لر سوز فی یانه دوستوب  
 بیه ایگل فی خود بر آواره در غزبه دوشمنش دوشمنش یو زکی یو رکله دل  
 طوشتش درونی جگر که یافار نستان اکد بغچه ناله ایدر یانوب  
 یاقیوبن طور مرز ایگلدر یانجه در دی دلان بیه پیر سماع ایدر طور دین  
 اهل دلد

### ابیات

ای که ایشید رسک همین نام سماع عشق باز زنده هنکام سماع  
 هر سماعی صانع کیم شیطانید سول سماع اهل دل رحمانید  
 کیم سماع دلیب آنک منکر می راه حفاک بیکه اولدر حد بر می  
 هر سماعی نذرت قربت در وجد عالی سر سبر رحمت در  
 اولمر آذن شویه بلیکل سن یا بلکه آنز و اصلمان کبریا  
 هر دلف و فی آنزه و اگر در در کینز لو دلد اهلن لجا هر در  
 اکلار لبسه ک سن دخی کر اول علی وار سماع اور تبر عده یون کللی  
 کر یا ایله اور در سهک ست و بی سن اولور سک فاسق راه خدا  
 بی تکلف چون کله رد ایتمکل کلپنه دخی هم جمد ایتمکل



بود که اگر کیم کور سکت بی خبر  
 کن دی بی طور مر قیور زیور  
 سن اکا مغور اولوب آلدنفل  
 انی کوروب امله منکر املفل  
 مرد معنی داغدن طوت یوری وار  
 اهل صورت الداماسون زینهار  
 بو طریق یاک بازاران خدا  
 بود کلدن راه یوق بی حیا  
 بو میک ده بسقه بر محمودی وار  
 بو چراغک اوزک درو نوری وار  
 عالمی آسغه ایدن سود سید  
 دلری جوشه دیرن سود سید  
 خوش دیتلور خداوندان کار  
 نفس نادانه دکل بومحی حلال  
 جان اولوب محبوب زندان اکین  
 فی دل جون مرده جانان اید  
 جان تن ده شوقه جنبان اید  
 جون دم دردیه اول اوز اید  
 دیمدم درد اهلنی دس زاید  
 ایتمسن اندیشه طبع وهوا  
 عاشقانه ناله لریدن ایشیت  
 فی کبی اول دایما نالان سن  
 بوسماع اولور تمامت حالت  
 نفس اولور بولسیده سرگون  
 عقد بخل دکلن در حص و حسد  
 بوسماع آنی کوکلن اریدر  
 بیکله بوید اولوب بن رقص ایدر  
 عشق کاری بوالعجب کار اولور  
 بلکه دینن اولور بن نفس ایدر  
 بازار اولور هرکه سر عشقن خبری اولور  
 عشق بازار ای غریب  
 هر کیمکه سخن عشقه قایل اولور  
 اهل دنیا صحبتی اکا زهر قایل اولور  
 عشق بازار ای غریب



کیمکه دعوی عشق و محبت ابدی قاضی وقت آندن ایکی کواه ایستر  
 بری دلی دایم مصروف ذکر نده اولق بری کوکلی مدام فکرنده اولق  
 مادامکه شاد لری بونمز سوزینه استماع اونمز عشق بر جوش یابیدر  
 اغیار ی حق بولندن قوار کیدر عشق بر جارد و سجانیدر کوکلی ایسی  
 ایسیجون سپور عشق دلی حصه سزاوار ایستیرن عشق کوکلی  
 اکایار ایستیرن دل خلق آهن اولور دل عاشق زر عین اول  
 آینه فان آره سنده بو بین الاصبغین دل عاشق اول اولور ایکی عالم  
 بری دله بود کلیم بر کوست صنوبری دله عاشق کوکلی بر سهر اولور  
 ایکی بر لطائف بلکه بر کعبه اولور عالم آبی طائف عاشق کوکلی  
 عرش اولور ظاهره برده آب حق استین آنده بولور هر فدا یه  
 اول نقطه که دائره وجوده ظاهر اولور و اول بریکه صحای حدیقه  
 سائر اولور دل عاشق صادق و قلب انسان کامل اولور روح حیوانی  
 دل خونی فضله سنک سائیدر در روح نفانی دخی اول خونی  
 لقمه سنک سایی در اگر پاک طومار سنک کعبه رحمن اولور و اگر بی  
 اولور سنک خانه شیطان اولور نفس اغیار دن اگر پاک اولور  
 تحته دل کشف اولور آنده البسته هر شکل انسان دید کلری دلد  
 بر آدوج کل دکلد آدم دید کلری کوکلد بونی اکلامیان کول در  
 منسوب طفت اعضا تن دل نامه تحریر الیتمدر و برات هما یون  
 پادشاهی بدن انک آدینه تقریر الیتمدر جمیع اعضا حیوانی اند  
 استداد ایدر جمیع قوایه ارواح اول مداد ایدر استراحت اعضا  
 انک حرکتیدر در قیاس کون لغاف ن انک بر کنبه در دل باردی



جوارح انک عیسی کو کل بر سطا ندر که جهان طوطو ملکیتی  
 ای سیر در دلی دمان دل غرقه در یای بی پایان دل  
 بیکه دل در محزن اسرار حق اولدر آینه و بنار حق  
 زنگینی که پاک اید رسک بی کان عکس انوار ازل اولور عیان  
 دل امین بارگاه محمد می دل سس کارگاه آدمی  
 روح قدسی هم نشیند انک عقل کلی بسا بنیدر انک  
 نقله جان آره سی اکامقر ربیسی مادر در بری بدر  
 کو یا اولش روح ای فخرک بو اکیدن طوغش اول فرزندک  
 گاه آبه بسیل ایدوب لطف اولور خاک اوجیدن که کشتا فکری بود  
 روز و شب کردان بی رام اولور قنبل قطعی اول سبیدن نام اولور  
 کاه نسک گاه قرب دکا عین جرح و کش کردنده بین الاصبین  
 هر که دل در پاسته طایوب کرد صد هزاران در معنی جفا  
 هر که اکا دل معنی حاصل اولور اول زمان صدر ندانک دل  
 سول که دل فخری نادانی اولور دل دکل ادخانه سلطان اولور  
 خانه دل معدن صدق صفا مظهر انوار ذات کبریا  
 دلدر ربیل کاشف اسرار روح دلدر ربیل قابل امطار روح  
 زهد و تقوی قرب خوف درجا اختیار و صدق و اخلاص دعا  
 توبه و توحید ایمان یقین هم ثبات هم درع هم مهر دین  
 جمه سی ادصاف دلدر کورانی صاف ایدوب پاک ایدرسک  
 دل که دائم ذکر حق کار ایدر اول آینی مستغرق و بنار اید  
 دل ندر کنه هسی هلیو آلی نین حق بولور جوهر شمس کیه



هنوز خام در یاقوت صافور که سنگ رخامدر **ابیات**

دل دانه که کلاه در نهانی      ظن ایتمه که دانه بهیانی  
دل آینه جمال ساهی      محکوم او آمد و نواهی  
هر کیم ایچریه برده دل      بیدا اوله صد هزار مشکل  
هر مشکل ایچون هزار معنی      هر معنی ایچون هزار دعوی  
هر دعوی ایچون هزار بسنک      هر بسنک ایچون هزار بسنک  
هر بسنک ایچون هزار محذور      اولدی برسی حین مضور

**نثر** الهی دل قدری بیلندک قدر و غریبون الهی کوکل ازلینک  
اشکیندر منیچون الهی سول عاشقربانک یوزی صیوچون که فضایی  
جبر و تنق بادیه محبتکه دو شوبن آواره اولوبن زلال و صالکه ستمون  
عصان کنز لر و سول مجلربانک یاغی تویچون که صحرا می ملکوتین  
عشقک بریه سی یخنده بیچاره اولوب شوکت جذبه بیلده دلد و حیران  
اولوب یور لر سول بیر می فروش سوچون که عشق خراباننده اولور و ب  
اهل دله لطفله اول حر می محو ایدر و اول ساتقی باقیانک عشقچون  
حق نیجاینده طور و ب لعل لب عک بیلده باده یکن یر نور ایدر الهی  
سول ساتقی مهر و نیک صیوچون حسن ایچنده آنچون طاه سنک باتچون  
غره سنک عباچون شکر سوز لود صیوچون صا حلیانک تسکینچون  
زلفنده کی سول خم ایچون کیسوسنده و صیوچون قدنده کی ستمون  
ایچون سوزنده کی راسنک ایچون که شوه ایله نایچون که لطف یارینچون  
سول جسد سکیار ایچون اول خد کلهر ایچون سول لنده کی جام عشقنه  
اول لعلنده کی مدام عشقنه حرفه طالب و صالکه رغب دلان



نوید که عشق میگذراند بر کوه ده مقام و از دل خمیدن بر جبهه  
 می نام نصیب ای که کم یغین جبهه سن حقیقاً روبرو و شخص دستارین کید و  
 عت باقه سن چاک و سناک ملائمتن بی ناک مست و لا امانی دار  
 و عاشق بی قرار ادوب کیچه و کوندوز اول استانه دولت را بر لبیل  
 و هزار اول جیم غنچه مجا در ادله بر بر میدن نوش ایتد که سبیل  
 اکا حسرت این و بر قد حدن صوک که جام جم اکا رسک ایتده  
 بر میدن دیر که عارض ساقی کبی ناباک اوله بر قد حدن صوک که لبس کبی  
 صافی و پاک اوله بر میدن دیر که چشم کبی دل آسوب اوله بر قد حدن صوک که  
 یوز کبی روشن و خوب اوله بر میدن دیر که لفظ کبی غمک اوله بر قد حدن  
 صوک که جمال کبی فخر ای اوله بر میدن دیر که خدی کبی آستان اوله  
 بر قد حدن صوک که دیده م کبی خوب اوله بر میدن دیر که صفا دانه قوت  
 اوله بر قد حدن صوک که ایچینه خانه قوت اوله بر میدن دیر که روحه حیات  
 و حضور اوله بر قد حدن صوک که ایچی طولو نوز اوله بر میدن دیر که حیات بخش و دل باد  
 اوله بر قد حدن صوک که دیده کشت و صفا داد اوله بر میدن دیر که عصیر  
 حوران بهشت اوله بر قد حدن صوک که جام جنت سرست اوله بر میدن دیر که  
 قطره سی آب حیوان اوله بر قد حدن صوک که ساقی حضرتان اوله **ایات**  
 الا ای ساقی سپهر بنا کوش صونیور جام زرین قبله لم نوش  
 کل ای ساقی مودی کل اندام کتور جام می کیده و دلن سرخام  
 صوک ای ساقی باقی بنره ساغر که غنم زهرینه می تر پاک اکبر  
 جگر مسموم می تر پاکی آنک خوش اول ای که تشنگی حاکم آنک  
 صوک ای ساقی سن آب زنگانی که بوله وز حیات جادو دانی



صوکت ای ساقی و سنا بکینه  
 شراب روح بخش جام زردن  
 صونویر جام جانی زنده استکل  
 صون آتی کیم غشلا زانه جا اول  
 قتی اول حی که یا قوت روان اول  
 عجب قتی که سول اکبر اعظم  
 بو غمدن بنفس اکله بزنی سن  
 صون ای ساقی طولو ارجله قدح  
 صون ای ساقی می کل رنگ نکل بوی  
 دکت میرانی جمدن در جویر جام  
 الا ای ساقی قیل جانی معطر  
 شراب جام لعل حور عینی  
 الا ای ساقی قی صون جام السی  
 شراب جذبه لطف الکی  
 زهی دولت میان روح و بجان

ای سیرینک و نام دنیوی  
 صبحدم ال سن الیکه جام عشق  
 کرشام جان ایره بوی دوست  
 س قیا کل جام جان افروز دیر  
 طوطی باغ دلی سپرن قیل

و دکنه آشنیدن آب کینه  
 صونویر کیم کجه لسم جانی ویردن  
 دل آزادی ساکه بنده استکل  
 کهن میری قبلور تازه جوان اول  
 دل فوت ویرن قوت روان اول  
 که مسک کبی اریبه قلبدن غم  
 حرامی صون حلال به آنی سن  
 که روحه روح دراحت دیره دل اح  
 شوی کیم ادمی ایلر ملک خوی  
 نیچون ایده دل آسز بردم ارام  
 صونویر بر زلال حوض کوثر  
 عصبیر مویه خیلد برینی  
 یو یاوز دو جھاندن مانه دستی  
 که بزده قومیه هر کر مناهی  
 شراب روح بخش دیره رضوان

بسته هفت کام دم معنوی  
 تا اوله سکت مست بی ارم عشق  
 جان و دل اوله فدای کوی دوست  
 بلبله سن مرده نوروز ویر  
 عند لیب جانی سرگردان قیل



عشق جامدن شراب ناب ویر  
تا اوله دز جمله مست ببله  
جمله دز یکث یکت دیکث دل اوله دز  
کره هستی بی کوکلدن سیکله  
ای کوکل سن منزل بالایی تو  
ای نواموز دبیرستان عشق  
بوعلایقدن مجید دیکث دل  
کوکی ییغقل کوره سکت کوپنی  
دکله اولور مستغرق دینار دوت  
تفرقه اول پرده پیل پیدا اولور  
بر کوکل که الستی بر نیالمن اولور  
بر دل دیکث آرزو مستکدر  
هر که تحسید ایجره اولور اول فرد  
نیجه اوله سکت بند فکرة بای بند  
نه اولدک ای دل پوری رنگ توام  
ای کل خندان آجیلعل لاله دار  
راه غندن کل که قیل بر نفس  
بیل قدسبله وارهم از اول  
که کلهی جام حیات آمیز کو  
کیکه سوتی بوت مجیدن بری  
سوت داروخانه اهل فن

خم حقدن بر می نایاب ویر  
عرس و فرست برافه دز غفله  
شیشه اغیار سکنه حاله  
بای همسکه علایه قالدوز  
شیخ لایی حکمدن الایی تو  
دار درشن دج اوله بجز خوان عشق  
حق بولنده سن قوی جالاک اول  
رنگ دبو قومه الاسک بوپنی  
اولور آنده بوی مغز و رنگ کوس  
کانن دل باران پر غوغا اولور  
اول کوکلده نیزه در غوغا اولور  
بر قیل آنی سنده چون بر دلدار  
اهل معنی صابا زانی هیچ  
چین که اوله سکت نور حقدن هر بند  
وار حیدیم قدسه آرام قیل  
باد نوروز ارد ابر نوبهار  
اولمفل سن بای بند خار و خس  
سن نسیم صجله دسار اول  
حالت مردان سوز انگری کور  
سوت اولور سهار عشق سهری  
قبله مشتاق انوار خدا



سَوَقِ اُولُو عَشَقِ اِهْلَكِ تاجِ سِرِ  
 عَشَقِ بِي سَوَقِ اُولُو بُولُو اَدَلِ کَمَالِ  
 بِيونِ نَسِیْمِ اُولِ کَلَاکِ بیدا اَدَلِ  
 لَعَلِ سَوَقِ دَنِ شَوِکِیْمِ بِرِجَامِ اَدَلِ  
 بِهَرِ کِیْمِکِ طُولُو کِهَرِ دَرِ مَعْدِی  
 کِیْمِ مَحَبَّتِ نَطْعِی اِجْرَه رَه بُولِو  
 بُو سَعَادَتِ هَرِ کِیْمِی دَرِ بَرَقِیَاوِ  
 کِیْمِ مَحَبَّتِ بُولِو بَر دَارِ اَدَلِ  
 بَنِیغِ و عَدَتِ دَارِ عَشَقِی اَرَه  
 نِیغِ جَو لَانِکِی اَهْلِ دِلِکِ  
 ویدی اُولِ کِیْمِ بُو یُو کَلَدِ فاضِلی  
 طَالِبِ اُولُو کَفَا یَتِ نَارِ دَا  
 طِ لِبَانِ سَاکِکَانِ رَه رَوَانِ  
 هَرِ بِرِیْسِی عَرِشِ بِلُوسِی دِیَرِ  
 اَهْلِ قُرْبِتِ سَوَقِی اَزِیْقِ بِلُوی  
 سَا قِیَامِی دِیَرِ کِه بُو اَفَاقِ  
**نَمُ** اَلْهٰی عَشَقِکِ مَبْکَدِه سَنَدِه اُولُو اَزِیْقِ کَرِ سَتِیچُونِ  
 اَلْهٰی مَحَبَّتِکِ بَادِه سَنَدِنِ اِیچِنْدِکِ سَلَامِیچُونِ اَلْهٰی عَشَقِ خَرَانْدَه  
 پَتِنِ اَفَاقِ دِه اِلَیچُونِ اَلْهٰی مَحَبَّتِکِ بِرِیْسِنَدِه دَوَسِنِ بِيَادِه اِلَیچُونِ اَلْهٰی  
 عَاسَفِ دِلِکِ جَلَدِ کَلَمِی لَایِلَیچُونِ اَلْهٰی سَنی سَوَاقِ اِنْدِیْلِکِ اَسْلَیچُونِ  
 اَلْهٰی عَشَقِ اِهْلِکِ اَوَارَه بَکِچُونِ اَلْهٰی دَرِ اِهْلِکِ بِيچَارَه لَکِچُونِ

اُولِ حَسِدِیْمِ حَسَرِ سَکَدِ رَه بِرِی  
 کَوِکِه بِي چَو کَانِ اُولِه بَارِی مَحَالِ  
 نِیچِه مَبْسِلِ بَاعِنْدِه کَو بَا اَدَلِ  
 اُولِ جَسَانْدِه یَارِ اِنْدِه اَرَامِ اَدَلِ  
 بِرِزَرِ و سِیْمِ اِنْدِه زِیَرِ دَامِنِی  
 فَرِزِ کِیْمِ هَمْنِیْنِی شَه اَدَلِ  
 خَاکِ بَا یَمِنِی فَلَکِ اَفْسَرِ بُولِو  
 دَارِ قَدِ جَبَلِ زَلْفِ یَارِ اَدَلِ  
 خَنجَرِ لَاهِرِ طَرَفِ دَنِ یَارَه  
 شَاهِدِ اَهْلِ عَاشَقَانِ کَامَلِکِ  
 نِیْسَمَلِکِ بَرِ اَرَه و هَمَلِکِ مَرِی  
 جَو کِه مَطْلُوبِی اَمِکِ نَامِنِی  
 هَمَتِ اَمِنِ چُونِ خَدَا وَ نَدِجِهَانِ  
 اَسْتِیْقَانِی هَم کَنه اَفْرُونِ اَدَلِ  
 و صِلَتِ اَهْلِی عَشَقِی اَزِیْقِ  
 هَر کِه سَوَزِدِه قَالَدِی دِلِ بَکَانِ



الهی عشق مستدینک حیرانغیچون الهی محبت سیدالربانک سرکردانغیچون  
 الهی نفس غایب ربانک یهدو نقدیچون الهی دل ابدی هدریانک  
 سلطانغیچون الهی وصلت اهلنک امن و خلاصی حقیچون الهی رادت  
 تودرینک اخلاص حقیچون الهی سؤلاری جاننک طهارتیچون الهی  
 سؤل یقین کوکلارنک عمارتیچون الهی جواهر مجرده نیک تجریدلری حقیچون  
 الهی ارواح مقدسه نیک تجریدلری حقیچون الهی نفوس نیکه نیک زکاء جلیلیچون  
 الهی ذات طیبه نیک صفا طیبیچون الهی حمد و سئوایچون الهی  
 ملائکه فخرک سلویتیچون الهی حیرتیک امانتی حقیچون الهی عزتیک  
 اطاعتی حقیچون الهی یکایتیک عدل بی نظیری حقیچون الهی سرائیک  
 نغمه صوری حقیچون الهی سؤل جمیع معتکفان صواعق برین و سبحان جماع  
 علیین و سنده بیت معمور و خزنه سرای بر نور و ساکنان رواق یاق  
 و مقیمان تقاسیم ازان عمارت کنان کسبد خضر و صفاد کان بسطه  
 غیر و کارکنان ان فایضات امرای یعنی حمد طائفه ملائکه قربلری حقیچون  
 و جمیع ملائکه سموات و ارضیک خدمت لری حقیچون الهی مره انبیا و ائمه  
 تعظیم حقیچون الهی جمله اولیا و ائمه نیک و کریم حقیچون الهی سؤل سلطان  
 دیوان رسالت و اول سیمان دیوان جمالت اول فافله سالار کاروان  
 تحقیق و اول بابک سوار میدان توفیق اول خواجه کسور کائنات اول  
 دیباجه دفتر موجودات حضرت سالکات روح مطهرینک صفایچون  
 و اول جناب جلالکات روان نورینک ضیایچون سرع ابرهه  
 یهدیکی حرم حقیچون تبلیغ امرنده کور و کبی محبت حقیچون اول  
 ذات کرمک کرامت کرامتیچون و اول رسول معظمک عظام معجزاتیچون



سوال کننده کی نور نبوت چون سوال آرد سنده کی خاتم نبوت چون سر یفتند  
 بیورایان احکام ربانیه سرفیه حقیقون و طریقتنده حاصل اولان کالات  
 انبیه لطیفه حقیقون چار بارینک حمتیچون و جمیع الکث و اصحابک  
 عزیزیچون اکا نازل اولان قرآن حقیقون و اول قرآن اولان ایمان حقیقون  
 بو اک بیکو قودرینک ایمانی کر مکن در سته کور و هوبیج دیوق اولان  
 اخلاص مندی لطف کله هسته کیم انعام ایندیگک ایمانی لطف ابدین  
 دائم ایله دنیا و ایندیگک احسانی آنده دخی فایم ایله ارباب دلت هر وقت  
 کوزلرینی روشن ایلد و صاحب یقینک هر ساعت دل فایزینی کلتن ایلد  
 هر دم دلمزینی و مکله زنده طوط و هر نفس جو دلزینی و جو دکله بایند  
 طوط هر خطه دلزینی در دکله صفاده پیل و دائما دلمزینی فزادن صکره  
 بقا و پیل الهی بضعیف بنده لره قوت سندن الهی بوضع کوه کله صحت  
 سندن الهی بو آدم اوغلی مسکین نیجه ایسون که اوغلا غلبه هنوز  
 اینلک اینلک اینلک اینلک اینلک اینلک اینلک اینلک اینلک اینلک اینلک  
 و اگر طوق اوله بیکانه اولور و اگر دیور سه بر جیفه و هر دار اولور و اگر ادیان  
 اولور سه متجرب دبی مقدار اولور و عجز همیشه قرینی ضعف دائم مقارنی  
 اگر معرفت جاسته خطاب کلور که ما قدر و اسحق قدره و اگر عبادت  
 در سته ندایند که غور عبادت محمود لرب و اگر شفاعت طایفه  
 قولاعنه بتور که من ذا الذی یستغ عنده الابدانه و اگر هیچ مقصد  
 او طرسته تمهید اولور که ان بطش ربک لشدید و اگر کثرت فی استر  
 دیکو کیم بلس کتله شئی و هو عن الانفهام بعید و اگر کرامت است  
 عتاب اولور که لاند که الابصار و اگر بیایک است خطاب اولور که



لا یبلغه العقول والا فکار فی الجملہ آدم اولیٰ ملک ضعیف و بیچارہ کنی و متحیر  
 و اوارا و کنی بیک استینہ عبرت سہرہ ما فرا دلق کرک کہ آدمک  
 زار لغنی کورہ و عشق کوبہ قدم با صمق کرک کہ نو ملک نو صحن ایشید  
 خلت اقلیمہ خلیل دلق کرک کہ ابرجہاک ایکد بسن اکلا یہ و صرت  
 ممکنہ والی دلق کرک کہ بقصوبک آغلا دلقن دیکلیہ جد چاہنہ دلا  
 زندانہ گرفت رادلق کرک کہ یوسف نہ جلد کین بیلہ امر معروف و نہی منکر  
 خدمتہ قائم دلق کرک کہ زکریا و یحیی نہ کور دکن کورہ نفس فرعونہ غرا  
 ایک کرک کہ موسیٰ بلای معلوم اولہ و همسم جہودینہ عداوت ایمک  
 کرک کہ عیسا نک ابتلاسی مفہوم اولہ نفس بتنی صمق کرک کہ محمد نہ جلد کنی  
 بیلہ سکت کوکل کعبہ سن آرقن کرک کہ احمد نہ کور دکن کورہ سکت  
 المھی بزم دیمک نہ طاقتی وار کہ سنک و صفک دینہ بیلہ وز المھی  
 بزم سلیمک نہ عربہ سی وار کہ سنک دانک بیلہ بیلہ وز المھی سن اول  
 بی نیاز سنک کہ ہزاران ہزار عارفان اسرار اما الحقی عسکت شحہ سی  
 منصور وار فنا فنا سہ بلا دارینہ اصرمت در و صد ہزاران عاشقان  
 جلال مطلق شوقک جلادی مجرم صفت انتظار زندانہ حسرت تیغیلہ  
 بلندن یجمدر ای نیچہ ماک ملکوتہ ماک اولان دیوانہ دش  
 کوکلکہ کہ فیوہ اسل تمنای و صا کلکہ با غلاست بر در ای نیچہ انوار لہوئی  
 طالب اولان دیوانہ صفت جانکہ سعلہ استیاق سمع جاکلکہ پشرد  
 ای صاحب جمال کہ جلاک عاشق جاکک ای ذرا اجمال کہ جاکک  
 مندرج جلاکک ای مطلوب کہ کنہ سن طالب کماکک ای محبوب کہ  
 کنہ سن محب جاککک ای معشوق کہ کنہ سن عاشق انوار دانکک



وای مقصود که کنه سن قاصد' ظها صفات ای معبود که رزه  
 قولن ایدین کنه سنسک ای مسجود که بری سجوده کنون کنه سنسک  
 ای مذکور که ذکرک آندران کنه سنسک ای مسکود که مسک  
 ایدین کنه سنسک الهی کوکل سهرن مجت آفتابن افق اعلا دن  
 سن تابان ایله الهی ل صحرانده مودت رقتی ابر حقیقتدن سن  
 دشتان ایله الهی صفا بخورینی جان مجره سندن سن توردور الهی  
 دفامیشنی محبت سحره سندن سن قیصر الهی سنک عسکایک کوکل گنار  
 جنت بوستان دکلدر الهی سنک سرابک دل خانه سیدر بهشت  
 ایوان دکل الهی کوکل ملک تده غریب نه یار دنه غمخوار الهی دل قلمین  
 وحیدم نه مونس نه دلدار الهی سول عاشق لیک حریص چون که لیده  
 سویان ذکر دآلود ادوب صحرای حیرته پیچود و حیران کوزله و سول  
 محب لیک غریب چون که زرد رویان و غم اندود ادوب بوادی آشیانه  
 مد هوش سرگردان ادوب یوردر سول عابد لیک سعادت یچون که شامان  
 سحره و کین سرمه سپهری کوزرینه چکولر و سول زاهد لیک کرامت یچون که  
 لیلادنه زار انفس برینی قتر ایدوبن مراد لندن کچولر الم ال بنم که حیرت  
 دکرینه غریبم مدوایت که غیرت' و دینه حریفم بیلرم نه یلیم نه جاره  
 قیلدم مکرلبس جیاسی یاره یاره قیلدم الهی بنم درو مه نهایت یوق  
 الهی بنم آغلامه نه غایت یوق الهی بکاره ایت بیچاره قالدیم الهی  
 بکاره مدوایت آواره قالدیم **ایات**  
 یاری ایت' ای مونس غمخوار کان جاره ایت ای بیچاره بیچار کان  
 الهی یوق کن غیری دار غم یوق الهی سندن غیری بالوار غم یوق



الهی اولوم و قنده الم لوت الهی طایانه حق برده قولم طوت الهی  
 سول ساعنده که مصیق لحد کفر اولدم و سول دمه که کفن القده  
 عاجز و غار اولدم عنایت کی بن قولدن دور ایتمه و هدایت بن صبیحان  
 مهجور ایتمه الهی بی کسم سندن غیر کی کسم بوق الهی فصریم سکا بارار  
 سندن بوق الهی مانده قالدیم مددمه ابرش الهی افتاده قالدیم  
 فریادیمش الهی غایت و قنده خوش حال اب الهی جل و سنده  
 روشن مقام اب الهی و حقی ذکر کله آل الهی کو کلامی فکر کله آل الهی اول  
 دمه و سوسه به بول و برمه الهی اول حیده کو کله باراز سنده کورمه  
 الهی نزع و قنده ایمان ابرش اب الهی قورق و سنده امانی حلیت  
 الهی آخر نفعه قرآنی قرین ایله الهی مشک و کبر ملا سندن امان ایله  
 الهی اول دمه توحید بدن ارمه الهی اول نفعه ایمانی بدن ارمه  
 الهی سول دمه که عمر دن بر دم قاله الهی سول قنده که آخرت بر قدم قاله  
 سول ساعت که نفس نفیدن بر نفس قاله و سول کلمه که مرغ جان مقصد  
 ا و جمیع اوس قیل سلطان سلطنت تسلط تسلط سندن سن صافلا  
 و بیس بیسک تبلیات مو به سندن سن بکله سول قنده که سر اجه  
 ریخ در حواس تدبیر باهی فوت ایله متر لزل و طاق رواق سرحد  
 صوغی سکران موته متحمل اوله عقل در اکث اولر اکث قلوب  
 خیره اوله و بصیرت فکری کو مکدن قلوب نیره اوله جمیع باران  
 همدم بار یقندن و جمله حرفان محرم غشی ارفندن قلوب عاجز اوله  
 سن لطفکدن مدد ایشدر و کر مکدن عنایت تبسیر تو معنی رضی  
 ایله و عنایتی تصیق ایله هدایت بدره سنی دلیل در جهات زلالی سبیل



الهی بول جان که سلیمان جان رکت تخت قالب انسان ایدوب تصرف  
 با نفس مغرور و ملاحظه احوال فردیه بشغول اوله خانم ایمانی که  
 نوشته قدرک و نیکین حکمت کدر دست دیولعین و تصرف شیطان  
 جمیع سن صیانت ایت الهی تصدیم اساسن محکم ایت الهی ایامم  
 خانه سنی مستحکم ایت الهی جابجی جنابکه خوش حال و علاقه کن  
 ایت الهی روحی فخر که خوب اعتقاد و صحیح و درک ایت الکتب معجب  
 الانی ام بخش نادران کدای در ککدر شهر باران  
 جهان مستغرق در بای خودک و دوعالم صورت و معنی وجودک  
 خداوند زمین و آسمانست تن و جان آفرین انس و جانست  
 چراغ آسمان سندن منور و ماغ روح لطیفه موعظه  
 رفیق و همدم در بستانست شفیق و مرهم دل خستگانست  
 غم و سادی عالم جمله سندن جهان ریشه مرهم جمله سندن  
 او نور هر ذره دایم عذوبی عهد کلی التبیح و التقدیس و اکمده  
 که کفر صنعتک هیچ الت و ساز بکلامند بولم حرف و آواز  
 نه که مثل و شبه و خوش پیوند نه که جفت و جایی بار فرزند  
 جهانی سن بارانک موراکر مار جمیع سندن اولدی نور کر مار  
 اگر بر موره دیسه کن ملک جمید نه نور فوک و اکیمه دن نه مید  
 اگر بر مار دیسه کن کنج فارون نه زهره کیم و دیه کیم جراحون  
 نوله بن تو لکه ایتنه کن عنایت بو آتش کوکله ایتنه کن هدایت  
 نه نقصان عرصه ملک بقا که اگر رحمت ایدر سک بو کد که  
 بن اول محمد مسکین و ضعیضم که ضایع اندم اوقات سر بضم



و نو کون درد دور این بستم بن  
 بولم غایت اوزون بن بستم  
 جهان یزور دغانم اولای بستم  
 او کده آینه نور بصیر بوق  
 مستم بستم عالم طول و مسک  
 هوا فرمان ده و دل بی کفایت  
 کور غم حاصلم الانداست  
 بوق اصلا بنده طاعت  
 بن اول حاکم که خواست که دکن  
 بن اول بستم که غفلت جان بستم  
 ایا دانای اسرار ضمیر  
 خریدار نیاز است بران  
 سفا بخش درون درو مند  
 تظنیل جان کوزنی آجوب کل  
 بنی سورعه الهی سن قیو کدن  
 بکا هر نه قبول رسک بن سزاوار  
 دجو دکت مثلنی چون اول  
 قودک کجینه عرفان دلد  
 عنایت ایوب ایندک مقدر  
 سکت لطف کن ایدم بن امید  
 یوسن و بر دکن جوع عقلم نور

همیشه بای محنت بستم بن  
 او کده چاه بنون دیده بستم  
 دل و جان نشسته در حشمت زین  
 جهان بر قصه بنده خبر بوق  
 لب در یاده طور دم لب حشمت  
 درون بی نور و بیرنده غایت  
 بولده سیز ما زم استقامت  
 ولی طو تارین امید شفاعت  
 بن اول حیم که مرده خاکه دکن  
 بن اول مر غنم هوا دانه ستم  
 شناسای تمنای خواطر  
 سزاوار نما صبح حیران  
 دوا فرمای در دستندان  
 کرم قیل رحمت آبن صبا جویر کل  
 بنی رد اتمه یارب حضر تکران  
 ولی لطف که کوره ایل سن کار  
 کرم توقیع ایلک مسجل  
 کلید کینج ایمانی المده  
 که تو حیرت دله اولدی میسر  
 که ایتمه سکت آخر بنی نومید  
 کنه بندن عطا کی ایلمه دور



جراغ عقلی یادک چونکه لطف  
 اوله تابنده اولد فیه حیاتم  
 هوای دل جو دوتا که دمی  
 الهی یایه غمسم بلند ایت  
 خدا یاسن بنی پاکه شاد ایت  
 بنی سن خضر که قیل بکانه  
 بنی شیرانه نفسه زورمند ایت  
 بکا یول کوستر یور بولده قالدیم  
 بنی شنه ایتدی بوتیه ملاهی  
 بنی سن بوشمندن جدا قیل  
 دیار قیل یکنه خانه دیر کل  
 اگر سرسم و کره هوس یارم  
 دلمی مطلع خورشید دین ایت  
 کوکلی محمد اسرارک ایت  
 فنا عتبه تمنی زنده دل طوط  
 حقیقت خانه سنده کوشه دیر کل  
 چراغ غم یاق که تار یک اولد یام  
 در دغم نورک ایتد رستن ایت  
 دگر کل بو اخلاق صفت  
 الهی دلف اسرار سنک  
 الهی دلمدین توفیق سدن

صافین کیم ابریمه باد مخالف  
 که روشن ابدیه راه نجاشم  
 بکا عون ایت توانا ایت تمنی  
 دل دجان خلعت سنی که بند ایت  
 بکا محرم سنی قیل سنی یاد ایت  
 بنی سندن اراق ایت جاودانه  
 بنم بنجه مده اول کللی کردند ایت  
 الم ال کیم بنم در مانده قالدیم  
 صونیور آب دریایی الهی  
 دل دجان کشته اشنا قیل  
 اول اقلیده بکا کاشانه دیر کل  
 الهی لطفکه اسید وارم  
 رداغم کوکب برج یقین ایت  
 وجودم مشرق انوارک ایت  
 عراجسم طعنه که معتدل طوط  
 طریقت آریغند توشه دیر کل  
 الم طوطی که غرق ایتدی کنایه  
 دلمی ذکرک ایتد کلستن ایت  
 یوغل دلدن بونقش کاشانی  
 شفا بخش دل بیمار سنک  
 بو جان ایرلمدین تحقیق سدن



شو دمه که نفسن فله رهو  
 الهی بو امیده سن و فانیل  
 هدایت سمعی کو کله یاد  
 دله ذکر طبعیت قبل عادت  
 سها دنده زبانم سن روان است  
 هدایت نورینی جانه دلیل است  
 کوکل و برکسم اوله ذکر کله معمور  
 دماغ در دمنده دوا است  
 الهی یاد است با بی نیاز  
 نه عذر ایده م که بی حد و کثرت  
 کجاست کیم وار غایت دن رانی  
 چو سن سکلک بنم اوله کیم  
 کنه لطف اید الغل حضرت کنه  
 ایر سدر رحمت کن با که بر مو  
 بنی سن حضرت که آشتان قیل  
 بو غفلت اوله یوسف دن سن  
 که آخر دمه بن بولم سعادت  
 بدن ایر یحیی زنده روان است  
 عنایت هیری با دلی سبیل است  
 درون و برکسم اوله شو کله بر نور  
 دوامی خاک با بی مصطفی است  
 خداوند اگر بجا کار ساز  
 مگر کیم لطف اوله عذر خواهیم  
 بولور عوغای محمد خجانی  
 چو سن نفخ ایلدک بورج با کیم  
 کنه طاهر ایلدک آتی قنه

### آمین یا رب العالمین

بعد تسبیح و ذاکمال و تقدیس لایزال و حمد حضرت واجب الوجود  
 و شاء جناب فیاض اخیر و کجود بعد قطرات غمام و انقاس  
 انام و دقایق حرکات فلکی و عقود تسبیحات ملکی و بعد از خصوصیات  
 ذرات و تفصیل اشخاص بوجودات صد هزاران هزار تریف  
 صلوات صلوات طریبات که آنک بر شمع رایحه سی مایه بخش  
 راجع عنبر بویان اوله و لطایف تحف تحیات نامیات زاکیات که  
 آنک طیب نغمه سی قوت دل و قوت جان اوله و صنوف جواهر و اهر



نسبت که تصور صبح کاغذانی وین کبی خندان و ظهور تابش  
 شامانی و یقین کبی تابان را می عاقلان کبی صافی و روشن  
 و الفاظ دلبازان کبی موزون و عزمین اوله و اللف غرور در دعوت که انک  
 اخلاصی و زینبایرک مکنه که دریا و بوی تکلف ابر شمش اوله  
 و صفاسی شاربک منابغه غاشک نفاق شائبه نقص  
 قارسمش اوله جمیع انبیا و مرسلین و زمره اصحاب نوامیس و لیلین  
 و آخرین یعنی فاضلین جیم جلال و محرم حرم وصال عند لبان  
 باغ سبوحی و طایران جن قدوسی ساکنان سرای نبوت و مشرک  
 سراب خلت ساکنان بیدای قدم نوش کمان دریای کرم خرقه پوش  
 صبره الله باده نوشان قطره الله عارفان معارف ربانی خایان  
 اسرار بجانی طائفه سناک ذات مظهره و ارواح مقدسین نثار  
 و فدای اوله کم هر بری نبوت صدر بهک مهری و رسالت سرب بهک  
 سرور می دلوپ تیه ضلاله نه نیجه آزمشری بوله دلالت ایدوب  
 و بودای جهالنده انچه بیگزری حقّه هدایت آیت سرور هر بری جان  
 دلایتنک تساهی و کوکل کوکبت ماهی سون خانه سناک چراغی  
 و صفافضا سناک باغ و راغی جصل ظلمت سناک ضیاسی دل سینه  
 تناسی صدر صفه سناک صفاسی سینه سرب بهک تناسی حقیقت  
 بحرینک دری طریقت حاتمک مهری تحقیق عالمک نور می توفیق  
 بهارینک نوری حکمت یسدرینک افتابی معرفت جمیع کلامک ماهتابی  
 دین احمدک طریق عالم خلقتک تصنیفی شریعت بولک دلیله کلامک  
 سبیلی حجت سلطانینک یعنی عصمت خزانه سناک امین علم کوهرینک



معدنی و جمیع جوهرینک مخزن حقایق روضه سنگ طوطی و قایق  
 چمنک طوطی سی سعادت چمنک طرازی سیادت سربینک  
 سرفرازی کوکل و جان نوشینک شهبازی جمله جهان خلقتک  
 کارسازی شفاعت اوینک دیواری امید شهربینک حصاری  
 عزت اقلیمک شاهی و دولت ملکک بادشاهی یکی عالمک  
 سلطانی یکی جهانک کامرانی در صلوات الله و سلامه علیه  
 اجمعین

حضور ما یحیی زنده شوییدی ارباب شریعت طاهره و ارباب طریقه  
 با همه هفت آسمان عالم رسالت و هفت سیاره آسمان خلقت  
 هفت دریای توحید و هفت اقلیم تغذیه هفت بحر آشنایی و هفت  
 چشمه روشنایی هفت بسیل کلستان شرع دین هفت طولی  
 بوستان علم یقین هفت صفت صدق و صفا و هفت آسمان  
 مهروفا و هفت خبردار اخبار ملکوت و هفت رسالت دار  
 عالم جبروت هفت مقتدای عالم و هفت مرتضای بنی آدم و هفت  
 دلیل راه کم کردگان و هفت تلاوت فافله های نادگان و هفت  
 شمع کفایت و هفت چراغ بزمگاه معلی

اگر کسی که ابواب هر صل سلسله آن بنیاد بنا و آدمیان  
 مسجود ملائکه مقربین مهبط لغات اولین و آخرین تاج سر عظیم الهام  
 موافق بدرقه بنا ظلمت جامع مکارم مکرمات واضع محاسن  
 مشرف تشریف یا آدم اسکن انت در دجاک ایمنه فاتح ابواب  
 توبه جالس بساط قرینه مبتلای حاره و عصی آدم ربّه نفوذی مستدای



حبل ثناب علیه به فندی مظهر صورت رحمان باعث لعنت  
شیطان مظهر بدایع معلم صنایع باقی بناء شریعت رهبر  
کاروان طریقت سبب نعمت تکلیف مکلفین واسطه وجود رحمة  
معالمین اول نبی حضرت آدم صلی الله علیه وعلی رزاقه واولاد  
واحفاده الصالحین **ابیات**

تا ابد اعجوبه آدم اودر اصل کرمش بنی آدم اودر  
مرکز دنیا دین سلطان اودر نقطه عالم صفی حق اودر  
پرده کوکده جسمه سکرانک جسم و جانی جزو کل کسیرانک  
اول اول دعد که عالمه هنوز محبت بناسی اولدین وودت قاعده  
دوشمن ناکاه بادیه بیدای خاک و زادیه مغاره مغاکدن  
بر عاشق پیاده رود کتاده روی در محب بارهغه و اشفته موی  
نه اندام آدم نام وجوده کلوب محبت اسستی تحکم و سوق قاعده سنی  
سنگم ابدوب ارواح ملا اعلایه ولوله و کنگان منار لست  
وبالایه برغوب هر جانبدن اعدا و هر طرفدن ربا بلعوب محبت لست  
علمی عشق سلطنت عدم جسمی ظاهرا دلوب آدم اراده محبت عشق و بار  
صادق بی خانه و خانمان آواره و سرگردان اولوب کز روی اگر عشق  
ترک ملک ترک کس کز جنتی بر جو به صاندی و اگر محبتده هیچکس  
گر کس به جو خور و ضروری هیچ طو ندی و اگر دوست بی قرار کرک  
بهشته ایکندی بن کپردی کون طولاندن چغندی اگر عشق اری  
بی سرو پا ددان کرک اوجوز سیل شرق و غربی پیاده کردی  
و اگر محبت مردینه کوز پاشی روان کرک کنه اوجوز سیل یریوز نیش



طوره ای غلادی مجسمه برسیان صالدمی که اون سکر بیک  
عالمک مهری انک مهری نمه سنده بر ذره در عشقه بر جوش  
ویرد که جمیع مچان عالمک محبتی انک عشقی جامدن بر قطره در چون  
طقوز یوز ادوز بشته ابدی حق امرده عمری آزاد لدی حق جبل و علا  
نا حشره دکن غلشقه وصلنده ویدار نعمتک و فرشته عشق لدنک  
تکری توانی انک روح روانه واصل قنوب تا قیامنه دکن هر عشق  
اهلک انفس ام آلودی عددیجه وهر در دهلک آهگر سوز غلشقه  
صدوت طببات نسیمات نامیات زکیات که رواج غیره غیره  
کبی شک بود معبر و فواج نسیم غیره جنت سرشت کبی خوش  
طیب و معطر ادله اهدا و ابلاغ است

یکجی صاحب المعراج المقامات و صدر نشین سر بر سادات  
مقنن قوانین دین واضع عالم یقین بانی سراسر معانی مقصود  
رفع تحفه مدینه قدس کتوای خانه انس جلیس قدسیان این  
کردبان امام حکمت علمی عملی استاد معارف حقیقی و جدلی

سکات معارج سعادت مقیم سماء سیادت اسم سراج دین معلم  
علوم یقینیه واضع قواعد هیئت نجوم رافع خفیات غایب علوم محرم  
اسرار بانی مطلع انوار سبحانی معکف بیت معمور و مجاور حرم سرور مطهر  
حکم معدن تدریس حضرت نبی سادرس صلی الله علیه و علی آله و صحبه  
اول اول ادریس در که نیجه بیلدر عالم ظاهره بدنی یوب ایوب  
یور و یوب گردب خلقه تعلیم دین دارت یقین ایدکن عالم طین  
روحی بدن لبس کیدروب و تن بالاسنی حیفا روب ارواح



علاء علی وزمره ملائکه علی ایله بیت معموره معموره دوار سرورده مسوره  
 ادوب برنجیه مدت ظاهریه پرده بالنده گوین صورتده زمبند  
 معناده آسمانی ادوب زفرکه ایچوز سکان درت پاشنه ایردی  
 و دنیا دن تمام اوصافدی بدن دخی روحه قرین و بدن دخی خست اعلا  
 مکین ایدوب تا ساعت ساعته دکن جیاده و روز قیامته دکن صحنه  
 ادوب بفعل فوق سماره ممکن و عرش جوارنده سکن یکدن ایکن  
 بخش بور و مکدن و کر مکدن طویش بشریت صفات کیدر شش نفس  
 هیئتدن انیش بو عالم صورتی بر نفس و بصورت لبش حقیقی  
 لیل و نهار روح مقدس ایله تقدیس و تجیده و هر کجه نفوس  
 سماره ایله تسبیح و تحمیده در حق تعالی تسبیحه دائم و تحمیدین ملایم  
 ادوب تسبیح برکاتیک انواری بر اهلنه شامل و تحمیدی انار بنات  
 فیضی بو عالم عناصره سایل اوله

ایچینسی آدم نامی شیخ الانبیاء و قدوة الاصفیاء المبالغ  
 فی دعوة الدین و المجاهد فی اعلام البقیین المتصل فی اظهار الشریعة  
 و المقدم فی اعلان الطریقة علاج بحر توحید کشتیان دریای  
 تفرید بخار سفینه نجات سازنده کشتی حوده سبب صلاح  
 خلق عالم واسطه بفانسل آدم قره عین نجاه و غره صباح  
 فلاح دفع باران بلا رفع طوفان هتلا مقبول استانه حضرت دخی  
 جناب رب عزت صاحب الکائنات و الفوتوح حضرت نبی الله نوح  
 صلی الله علیه و علی آله و صحابه اول اول نوحه که آنک دکاسیله  
 مدت دنیا و کندی و آنک وجودیله نسل آدم کسلدی آنک حیاتیله



عالم یکی حیات و بر لای انک بقایه جهان یکی رات و بر لای نظام  
 عالم انک سبب بقا بولدی باغ جهان وجودیه بخت و ضیا بولدی بوخه  
 انبیا و اولیائک وجودیه سبب دلای و بر پنج مخلوقات طاعت  
 و سجودیه سبب دلای حق بونده بی حد بلا حکدی دین بونده زها بستر خفا  
 حکدی اول حکد یکی رحمتی امشدن یکمه حکدی اول کور و یکی محنتی توشدن  
 یکمه کور بولدی طغوز بوز الی سبیل تومی بخنده طور دی اول قدر کمینه  
 ابدی مع ند که حکمت موصوف و معرفت معرفت ابدی انبیا انک  
 حکما شدن و در سبک علما شدن ابدی آخر عمری بیک در توجزه ابدی  
 اصل اکا دخی یثدی حق جل و علی رحمت کوره اجری و بلا سکه کوره  
 صفای سنی میرا بدوب بقا سبب دلای نسل آدمک عباداتی  
 عدد و بجه و انتظامه باعث دلای نظام عالمک حسنی حسابی انک  
 اعمال دوانه اول قدر ثوابات دایم محاسن صحایفه اول مقدار حسنت  
 مصطفی قبله

در پنج سی شمس خلک ربیع و معدن نوبایع صد رصنه نبوت  
 و مقنن قوانین نبوت ابوالرسل العظام و جد الانبیا الکرام و نورستان  
 نایانار کونی براد اسلاما سر دبوستان ابرار ان ابرهیم کان امنه  
 قائما مد حیف مسلمان مقتدای حرمت و مقبول هرمت سکت مسکت  
 توحید مالک محالک تغزید مجاور حرم رحمانی محرم حرم سبحانی مصطفی  
 صیف غیب کتدای خانه لاریب مانی بناء صفا شرف دودمان مصطفی  
 مخزن اسرار احمدی منبع انوار محمدی واضع اسس قبله الاسلام عمر  
 خانه بیت اکرام مصطفی کعبه حرمت ساعی مساعی نبوت سار



زخرم اخلاص جالسب ط خاص الخاص رافع برده ضلالت کاستف  
 اسرار جلالت مستبث خلقة ارادت منک جل سعادت خوان سالار  
 خوان ربانی قام ازرق صدای مستلای بانی فی اری فی المنام  
 فی الذبحک فانظر ما ذاتی بقدر بارت الهی بابرهم قدست  
 الرّویا حکرم کریم کرامات مشرف تشریف فیذات بیات  
 حلیم الذات کریم الصفات شریف الخلق رحیم الخلق عزیز الوجود منبع  
 سخا وجود واجب التجبیل والتکویم داعی، داعی، داعی ابراهیم محبوب  
 الاولین والآخرین فخر خاتم الانبیاء والمرسلین خلیل الرحمن حبیب  
 البرهان مظهر عزت و تعظیم نبی احد حضرت ابراهیم علیه و علی آله  
 واصحابه افضل الصلوات وکلی التحيات اول اول ابراهیم در که  
 عالمه بتد طوئش کن جهان شریک قابل من کن هر دیر بتد طوئش کن  
 و مالی و کلک صمد له عزین عالی طلقه بربت معبود و هر قوم بر صحنی  
 مسجد هرامت برلات و غنی و هر ملت بر شکر اعلا ابدون  
 جهان یوزین حکمت ضلالت و عالم اکیسیتی و جهالت طوئش کن  
 ناکا شمس روح عالم اراسی و هر وجود جهان ریاسی توحید افقند  
 طالع و قدس مطلقند لامع ادوب عالمه یکی صفا و همانه بخت و ضیا  
 و بر دلب عالم یوزینی خرم و خندان و جهان کنه فی تاره کلستان ابد و  
 معرفت حیجکلری آچیلوب و حکمت یکدی تیسوب جان روضه سی  
 مزین و کوکل حرمی باغ و گلشن ادوب دل خانه سنی هوا بتد نازیده  
 و کوکل حرمی شهوت صمد نندن توریدوب عالمه سلوک توحید ذاتی  
 بیدا دارت و تبدل صفاتی هویدا ایوب دنیا به توحید نورینی هما جدی



و جهان هدایت قصصی آجندی نبوت کجسته معدن اولدی فوت کوهسینه  
 محزن اولدی غیب س درونیه برصیافت خانه دوز دی که اولین و آخرین  
 اول خوانک نواله سنگ کلا سیدر ددین اهلنه برعبا دخانه یایدی که  
 ناهسته و کین جهان قول غنمه انک صبت صد سیدر چون عمری یوز  
 طفقان یاشیه تندی ربی جوارینه حلت ایندی حق تعالی جرنی منکوره  
 و عین مآجور ایدوب نایامنه و کین کعبه داران حجابک هر منبلی  
 صیفیخته صلات نامیات که طیب فواج ازهارند سیان و نواج  
 راجیان نه خوشبو اوله و اول حرمت اولان قربانک هر توبی عدد و بخت  
 زاکیات که بخت و بجا گلستان روضه صفا و بوستان چمن و فایله  
 معموله انک روح مطهرینه دروان منورینه و اصل و متصل اوله

بستجیبی سفر از انبیا و سیدالاصفا صاحب السریعة القاهره و سین  
 الطریقه الباهره معدن عجایب معجزات و منبع غرایب کرامات مطهر اول  
 کتب ربعه و مظهرایات مشهوره تسعه مقتدای جمهور انبیا عظام  
 و متبوع ذرعه ادبای کرام غالب فرعون ظالم و باطن پاک قطبان  
 پیدا و کامن قاید کمر دحانایان ممتزج کراسر انبلیان حمیدی هادی  
 نور مخصوص خطاب طور حراض یا فتنه توحید مجاز مبیقات مقامات  
 تجرید سلاک مساکت یقین شیخ خلوتخانه اربعین صدر نشین سیر  
 جلالت هادی حیارای ته ضلالت مطلع لواع انداز مطلع غوامض اسرار  
 جامع علم تقوی مشرف من و سلوی حسته زلال تحقیق رفیق حضرتین جمع  
 طرائق مذاهب منبع دوازده مبارک کلیم الرحمن حضرت موسی بن عمران  
 صلوات الله و سلامه علیه و علی اله و صحابه اول اول موسی و که دلال



مصر نه نفس فرعون سلطان و کو کلله شهر نه هوا قطب لیدی که بیان  
 روح سکری بنی اسرائیل دار اول فرعونه مقهور و جان لشکری قوم یسوی  
 اول معدنه مجبور دل تختگاه مقربا طین و کو کل بارگاه منزل ملائین  
 جان صحرا سنی طلمات غوایت طومش و سینه نقصان ف و ت جهالت  
 طومش کنن ناکاهه شجره زنا و مجتدن عشق ناری بلور و پ و مدت سب  
 چیردن رحمت آتاری کو یزوب حق جبل و علام بر ذات مظهر و بر روح منور که  
 کوی تعب قدسیان و قرینه قوم روحانیانده برنجی بیلد تربیت بولش اوله  
 عالمک اصلاحی و جهانک صلاحی فطرت توفیق و دینک تحقیق چون خطاب  
 نکریم ابو مکرم و غنعت رسالت ابده معظم طغوز آیات قاهره و نجه و فی معجزات  
 ظاهره ایله مؤید ایدوب عالمه بر افتاب صاددی که نیجه بیلد جهان یوز بنی ایدیت  
 نوریه منور ایتدی و جهانیه بر هفتاب بر قدیمی سالها شریعت کل نماز نیت  
 هیچیک بره منور ایتدی دل خانه سنی کلشن و کو کل صحرا سنی روشن جهان  
 شهر نی منور و روح سکری مضمون ایتدی بر بنی اولدی که نیجه بر یک انبیا اکا  
 امت اولدی و بر دین کوز دکی نیجه رسولله شرع و ملت اولدی چون یوز  
 بکرمی و ج باشند یتمدی وارفان و منور بقایه کیندی حق تعالی جمیع  
 اکامت اولانر صانع شرافت صلوات که ایام بهار عالم قدس کبی صفیا  
 و بر صفا اوله و منتنه بر ظرف نیجه لطایف نجات که ارهار حدائق باغ  
 انش کبی اوجدن اوج حسن و بها اوله انک روح لطیف و جان شریفه  
 و صل فقیوب تا قیامت دکن اربعین موساده خلوت ایدن اهل اسد خضر و بر  
 اذکاری عدد نیجه سلام و انقاسی تعدا نیجه تعظیم و اکرام جنت فردوسه  
 اکا جهان و انعام ایده



التجیسی بنی معظم و رسول مضمّن نفخه نفس رحمانی و مطهر الطاف  
 سبحانی زنده ارباب تجرید و صفا عده اصحاب توحید و وفا و اضع معالم  
 شریعت مرشد ملک طریقت بالانشین ملک اقبال صدر شین  
 آسمان جلال کل کله از بنوت سکوفه باغ قنوت صبح کننده مرضای  
 صلاات حیات بخشش اموات جمالت بلبل سیرین زبان و سخن  
 شهد طوطی نفس لکونیت و مهد مبشر احمد و مصدق موسی مشرف  
 شریف ان مثل عیسی قطب دایره ملک تجرید محور ملکه آسمان  
 نفیر روح سد مکرم حضرت عیسی بن مریم علیه و علی خواریه و اصحابه  
 شریف الصلوات و کرام التحیات اول اول عیسا در که جفا فی  
 ظلمت کفر لغو تناسل و عالمه شریعت موسی صومئیس ابن خلق طریق  
 حقان عدول و عالم وادی جھالت نزل ایدوب اعلام شرع مشکس  
 و آثار دین مدرّس سمس یوفین کسوف و بدر تحقیق خسوف سمع هدایت  
 منطقی و شرع موسی مخفی اولوب صلاات مرضی افرات ایدوب  
 و غوایت فساد داری حد دل آسوب جھالت الملکی جفا فی طوئوب  
 و فساد و الری دنیا فی قابلا یوب خلق صورت اصحابه مرضی دزی  
 احبابه موفی اولش ابن ناکاه رحمت نسیمی اسوب و عنایت بادسی  
 ایدوب حق جل شانہ و عظم سلطانه کندی لطف غمیم خلق کریمان  
 بدقت و عین حکمت بیده امر ربانی و نفخه سبحانی و سبطه سیده رحم مبدان  
 آنا سبز برات مکرم و بر روح مجسم وجوده کبر و کمی بهر نفس حق  
 و هر فو لی حکم مطلق عوایت بدینه دن معدا و عدالت هیولانیه دن  
 مبراتن صفات دن خالی و جان معارفیله عالی و می حیات بخشنده و سنی



صحیح کننده هم چهل هم طبیعت میسرینی محبی داول بکیند  
 اولده عرضا دن بنجی کندی طیب القلوب والاسباح و تسبیح جات  
 النفوس الارواح اولوب برنجی بیلدیر یوزنده هدایت و نیجه مدت  
 از شری حق دالالت ابدی عالم بر حردی بی بهار و جهان کنه بی  
 تاره لاله زار ابدی قلوب صفا پردی ابدانه شفا پردی آخر که  
 عمری دوز اوچه ابدی روحی بدنه غالب اولدی و جانی سماوی طالب  
 اولدی بس قدرت لایزال ابد و حکمت ذوالجلال ابد بدن رضی بوالهدی  
 و تنی دخی او پردی سمدی بدنی ابد علامه تنبیه ساده در  
 هنوز اولامدر قیامت و کین اولمز و بوسورک معناسنی هلدن  
 غیر می کلاخر دکنه قیامت دن اوک بوسرعت اوزره اینسه کرک  
 و عالم خفقی اکا ابدیه کرک دین محمد هدایت اینسه کرک و جال العینی  
 اولدرسه کرک و عالمی عدله اولدرسه کرک صلیب بلدی اینه کرک  
 و کلب الی بقیه کرک یر یوزنده دینی بر اینسه کرک و جمیع سرعته دی  
 بر کورسه کرک حق تبارک و تعالی انک اولده دآفرده سعادت  
 ارجون و عدلک فر دجون قیامت و کین کلن نفوس عد و نیجه  
 صلوات سرعته که طیب نسیم شراب ارغوانی جنات کبی خوش بوی و جان  
 قرا اوله و من سماع نعمات ارغوانی سموات کبی طرب بخش و کت اوله  
 و هر بر بنک انفا سی چابجه سخیات لطیفه که لذت تروح هبوب  
 نسیم شجاریه ست کبی روح اقرا و جیات داد و ذوق تصنع نعمت  
 از بار غیر سرشت کبی صفا بخش دول آباد اوله انک ررحنه بهر فیده  
 و صل فیده قیامت و کین انک وجودی بر کاسک انارینی و روحی انک



انوار بی سکان ارضین و قائم روی زمین اوزرندن ایک ک  
 اینمبوب و اما ارباب نو جده مددندن استداد و صاحب تجدد  
 همتندن استعدا و تنوای فایض اوله بحرمه محمد و اله و صحابه  
 بخنسی خاتم الانبیا و المرسلین و سید الاولین و الاخرین  
 اول رسول کونین یسوی لفتلین خوشید سپهر سعادت  
 ماه فلک سعادت مستری جرج دولت قطب کردون عزت  
 شکوه جان کل خیباران سید مملکت خواجه مساکت  
 مهتر و بهر عالم سر و سرور بنی آدم مصباح هر ف و کلید هر مراد  
 مجای مطیع و عاصی رحمای دانی و قاصی فخر و مبان رحمت عالمیان روی  
 سیاه ارباب دولت و دین یست پناه اهل اسمان و زمین نقطه  
 داره و حدت نمره بحره حکمت عارف خیر حقایق کونی و لاهی نافه بصیر  
 انا الاستباده کی هی رسول محبتی نبی مرتضا خلاصه موجودات معجز مخلوقات  
 و بیایی بی پایان و بی قیاس افتاب جلاله نور ایمستی به فی الناس  
 سلطان منصور لوی و عز زده و نضره قمران صاحب طغری دما تا تکم الرسول  
 مخدومه زنده ماده خلقت خلق من الماء عالی خطر بلند قدری نصب  
 و جهک فی السماء سکن خلوت سرای قم السیل الاقلید هار و ستان  
 اکان سرای و رقی القدر ان ترید ارفع اعلام و ان جذنا لهم العالمون  
 و اصنع اعلام و لا یخط بهمینک اولار تاب المبطون محزن هر اسما ان الذی  
 هری و سلمه دمار ملک قیصر و کسری حازن فردوس حقایق  
 کاسف زور اسرار دقایق اول شاه سر آفرینش اول ماه میر شمس  
 اول کوهر و بیایی هبستی بدرقه طریق خدا برستی همای عزت شیان



عقباتی قاف لامکان مفتاح خونیۀ جود مصباح آسمان وجود جان

### ابیات

جهان صفا جهان جان دنا

سپهر سالار نزد بیکان درگاه

مراو کن فکان مقصود کونین

جنبست ران میدان طریقت

جسم پیرای باغ لایزال

سقاغت خواه ایاب جنایت

خطیب سکنان ملک تجرید

شبه نه منظره و انجم مواکب

کل خوش منظر بوستان عالم

حدیثی کوه دج رالت

طراز عرس ذیل کبریسی

سپهر اشد در مغلی غباری

راستگشت نشانی قم فاندز

قدم شهر ندان المش آب و

قدم بهمنس نه کیم دار کن نگانه

اسس شهر بند نفسی نفس

عبادت خانه سید بیت معمور

بیر و عده اهل بقیع او

مقیم خانه کوی فقیر اول

نظرگاه سرای روح جاند

جسراغ بر مسکاه لی مع اسه

کان ابر دی کان قاف فوسین

مضائق جبین بوستان خفیف

هزار آوای کلمه معالی

جسراغ افندوز مسکوه هدایت

دلیل همبران کوی توحید

غبار موکبی تحمل کواکب

تن بی سایه سید جان عالم

جبینی اختر برج جلالت

قبای طلسم کحل رداسی

سب معراج در کبوس ناری

تپانه طراز اولش فطر

قدم نمکنند دورش آینه

قام حکمت بکلی انس و جان

سوزن جار طاق طبعی نفس

طناب بارگاه کیسوی حور

کنز کار امتنه هم تنقیع او

ولی بختنه نایج و سر بر اول

نماشگاه باغ لامکاندر



فلک چلیز قدر اجتبابی ملک طلاس باغ اصطفا  
 نثر اول شاه بارگاه دین اول مهر فلک یقین در ورج دانی  
 کوکب برج آشنایی مقتدای خواص الهی کنخدا ای مملکت بادشاهی  
 مبین اولم و نواهی قاهره اسباب فرامیر ملاهی **بیت**

یعنی اول داری دارالملک جان	خاک باسی قبله خلق جهان
آفتاب شرع و در بای یقین	نور عالم رحمة للعالمین
مهرین بهرین انبیا	همای اصفیاء اولیاء
مهدی اسلام و پادای سبل	مفتی غیب امام جزو وکل
خواجه اولاد ادم اولد	شمع جمیع انبی عالم اولد
بر تو جمله جهان عکس دی	ملکت هفت آسمان بر مری
جان باکان خاک جان کبیر	جان فوکم آفرینش خاکبیر
آسمان بر خلقه سید موبت	خزانه پوشی خائفه کوکب
عقل کلک خلوت راه یوق	جبرئیلک وقتنه اکاه یوق
دین جانة لقا سی بدر	انبی عالمه رضا سی بدر
داروی دردی کوکله مهر بدر	نور جانر عکس نور چهر بدر
مایختش هر دو عالم نور بدر	جمله اشیا دن مقدم نور بدر
اول که اول ظاهر اولدی غیب	نور پاک ایدی آنک بی شک و شب
ظاهر اولدی نوری و یکدی غلم	اولدی عرش و کرسی و لوح و قلم
ماه و مهر و حرج و جمله خسترن	اول علمدن اولدی جمله سل علان
بر علمدن اولدی روحت عالمی	بر علمدن دخی اولدی آدمی
جمله عالم اولدی آنک امنی	جمله سی آنک خوشه چین همی



چون لای حق نیدرک  
روز محشر ده که دیکله طویندو  
است اولحق ایستی موسی کا  
موسا به باطنه اولدی بوهرام  
بهری دورک فایدرک  
سویتر کیمه همین اول ل قور  
عیسی دخی جوق دعا ایستی کا  
عیسا به ظاهر ده دخی بوهرام  
نیز اول جهان بخش جوان بخت  
رضین وقار و سهارف جرح کمان و سهامدن مکی ممکن مدلی وطن  
نور حدقه نبوت دوز حدیقه فوت

ابیات

الا ای مطیع خورشید شاهی  
سن اولدک مهربانم دل  
سن اولدک کینج دوعالم کماک  
دوعالم زنده دارینک نامک  
ملائک نغمه زبوسانک  
قمر زین سمند تیز کامک  
ملکله یاسان بار کامک  
هوای طیبه مشک افشانک  
نصای در کیمک فردوس علی  
رکابنده جکر صف حور عثمان  
حرم حضرت عت و نامک  
سجاکل اولوبد خاک کوکب  
جهان بندک دوعالم کسانک  
مسحک نفی برسمه سوز کدن  
الا ای مطیع خورشید شاهی  
سن اولدک مهربانم دل  
سن اولدک روحی بوارج جمک  
شمنه فلک کمر غلامک  
کواکب خاشه روستانک  
زحل جویمک زن هندوئی کامک  
فلک مشعل فردوز خانقاهک  
جمال کعبه نور افزای رویک  
ستون سابعانک ساح لوبلی  
چراکه برافک باغ رضوان  
درای نه فلک در جار طاقک  
سفیع نوح اولوبد راب رویک  
سیمان تخت فاکند سیرک باد  
کلبک نور می برلعه بوز کدن



فلک قطبیدر خلوت نشینک  
جهان خلوت نشینی خوشه چمنک  
گذرگاهت هوای لامکاندر  
نظرگاهت فضای ملک جاندر  
زمانگذر زمان بی زمانی  
نماند نشان بی نشانی  
سر بر عرش در ملک سنانج  
این وحی صاحب سر معراج

اول صد صدر سعادت و اول سرور سر ریادت در  
صدف اقبال دوری سما جلال غواض بحر معانی معدن سبع معانی  
مبدل انوار یزدانی منبع اسرار صدائی بصریح کوه ملکوت سبزه هوای  
جبروت مبطل کلار قدس طوطی سبزه زار انس خطیب بلبل بیان  
مجمع قدوسیان عذیب فصیح زبان محفل کربیان

سید کائنات و سمع رسل  
مفخر انبیا امام سبل  
سمع بطحا جرج بیت حرم  
صدر بدر جهان جهان کرم  
بنی هاشمی رسول خدا  
مرغ دستان سرای هرد و سرا  
حجت حق خلاصه کونین  
جم انجم سر بر کردن جیش  
طیبت طیب خبیر برب  
کار برد از کار نامه غیب  
حافظ صفه معانی دل  
مستقل فروز دودمان قرین  
سکن خائفاه اوادی  
بسل کلستان ما وحی  
خازن کنج خانه لاریب  
دانیدر عالمه کلید نجات  
رحمت خلق هادی ثقلین  
کوکلدر خازن خزانة عشق  
دلبر مرغ شبانه عشق  
جسمه یحرف والذی اسرا  
هم حیات جهان احم  
دلبر مرغ شبانه عشق



امر و نهی است اوله موصوف  
 عارض لاله برک باغ بخت  
 نخبیدر منکر اهر بر معروف  
 حجه سی نه سرامی سپین خشت  
 کریمیم ایسه اول جناب کریم  
 ارتق اولور بهای دریمیم  
 اول زرجان بارگاه قدم  
 اول فصح عرب و عجم اول معدن

علم و کرم

یعنی اول خاقان ملک و شریع دود  
 دولت هر دو جهان درگاهید  
 اول رسول خاص رب العالمین  
 انبیا به قبله خلو تکا هید  
 حاجی عصیان آدم نمید  
 ابکی عالم جرعه خوار جامید  
 مطمع انوار حق مقصود کل  
 میتوانی شریع و سلطان رسل  
 اول ماه آسمان جلال شاه و سکا ه کمال  
 در بحر امض مضر سرور  
 سرخ روی بعثت الی الاسود و الاحمر  
 جان و کتایلم نترج زبان  
 همنایمانا فصح

عنصرک محض زبده فطرت  
 دره التاج کنن نکال نسبت  
 مدحک نقش خجده فلک  
 قرة العین انس و جان لعلک  
 سید سل کل آدمک  
 سبب رحمت و عالمک  
 صدق در معرفت دانک  
 منظر نور حق در آیاتک  
 جرحه خاک رو بیدانک  
 عیسی در یاسان ابوابک  
 ظلمت محض جعد برینانک  
 آب حیوان عین سیرانک  
 حلقه داران جرح کسل بون  
 اولد ببرد که سکه خرقه کوش  
 رقصک حرف سنج نخه کن  
 اولد ببرد که سکه خرقه کوش  
 فلک راست کار است سخن  
 حرکت استان فوج ملک  
 علق آفتاب برج فلک



مرده به زینت و صفا شدن      رونق ملک و صفا شدن  
 پایه قدرت آسمان پیوند      پایه نورک افق تاب بند  
 نهر طائر کبوتر حدکات      اطلس جرح شقه ملک  
 کل عالم طفیل سن مقصود      سن محمد رسالت محمود  
 سن برج ماه مطلع بولاک      سن نقد سر کلشن افلاک  
 سن اول روح مقدسک      و اول ذات معنی کم برادک  
 عقل اول برادک قلم اعلی      سن اول نیک که هنوز سب خلوتگاه  
 عددن صبح صادق وجود عالم و آدم بدو میوب      دور وردی هنوز  
 مشعل سمارکان بسط افلاک جهان ضیا درمندی و هنوز  
 مشعل سیاه کان چارسوی بازار زمانه غوغا برافشادی هنوز  
 طبایع اربعه مضاده بربریه ترکیب و الفت بولاسردی و هنوز اکران  
 واسطیات برآه به جمع ادوب فرج و وحدت بولاسردی هنوز  
 خاک برسان دیده ایس لعینی رجور انباشدی و هنوز باد  
 افغان و غیران جستم حشمت شد عادی مقهور انباشدی هنوز  
 بند معاند جوشن آینه خلق رعونت فرعون بسته ادلماشدی  
 و هنوز بر لبه صعیف و خیاب آینه داغ نخوت عمرو دهنه اولماشدی  
 هنوز چنین جن رحم مادر قد مدان کلمتدی و اینن انس برده  
 غیب عددن حیفاش ابدی که خلعت دیبای نبوت و قیای  
 زیبای فوت آینه حق تبارک و تعالی سنی کریم انباشدی که گشت  
 نبی و آدم بین الماء و الطین و سن اول بولاسک که هنوز نه ماه  
 داری فراز سمارده دانه ماهی داری سبب زاده نه خوان داری نه نوز



نه دمی داردی نه نموز نه رنگ نه رکانون آفرین زمین یوزنی یک  
 رنگ اینک ایچون سرخم صبغة الله چیش ایدی ونه زکرستین اولین  
 اف نه زور و زیوری صحن حینه صاحبش ایدی نه شعبه زمان ایچون  
 فصل بهار ده هیا کل عرایس محذرات حینه شکسته باغ حمانه  
 آرایش ایدی ونه عطار بوستان حجر آتشین لاله زار ده صفای  
 رواج بخور عین الیه سام دل چانه آسایش ایدی نه دیوه  
 زکس ایدی نه بنا کوش مرز کوش نه عقبه عضل داردی  
 نه لوحه خرد و هوش نه صومعه آسمانده طاق و فقر قدرناه منازل  
 حتی عادی کالرحوبن الصدم حکمتی ونه زاویه زمین سجاده  
 جعلت فی الارض سجدا و لکورا علمتدی که حق جل و علی طاق سرائی  
 جلالتله باط سر برسات اوزرنه سنی تعظیم ایتدی که یس  
 و القرآن الحکیم انک لمن المرسلین سن اول عذاب سخن سراسر  
 غیب کلار ایچینه سجان عالم ملک و ملکوت هنوز جواب عدم دن  
 باسن فالدریوب ساکنیدی سن اول خطیب خوش اداسک که قرب  
 قلمینده قدس جامعی ایچینه لا اله الا الله ووب توحید ایدرکن عابدان  
 مقربان حضرت جبروت هنوز عدم اقبمندن طمعه جمعیوب صامندی  
 سن عقول مکتده ت ایکن بوکار کا پده نه غلغله ملک داردی  
 نه دوله ملک سن ارواح عالمینده سلطان ایکن بو بار کا پده نه معرفه  
 سماک داردی نه دمه سماک سن الس کوشنده وحدت سر ایدن  
 مست ایکن نه هتیار داردی نیست سن غت سر دفته بالایی  
 هفت چرخ صد سنین ایکن نه بالا داردی نه لیست سن اول کوشن



هونز نقاش قدر بوقش لاجودی نفوس صور کو کسبله تصویر  
و هوبدا ابدن و هونز معماران قضا بوجار طاق عناصری بوترتب  
و اسباب اوزینه بنا وید ابدن و هونز فراتان نسیم صبا  
صحن زمین اوزره فرس زمرین دوش مدن و خامان یا چین جهان  
بخنه زین و فروید مدن غیب عالمند روح مشرقدن طالع ایدک  
و نفس کلارینده جان مصلحتدن لامع ایدک سن اول دریای کرمک  
کرانک بوق سن باران برک که یا یا بک بوق سن اول درک  
و کرک حقیقتد سن اول جوهر سبک که معدنک شمعیدر سن  
اول ذلتک که وجودک رحمتد سن اول وجود سبک که ایشک محمد  
سن اول عاشقک که محبوب کنه سبک سن اول طبع سبک که مطلوب  
کنه سبک سن اول شمعک که سوختر سبک سن اول آبی سبک که  
طول عمر سبک سن اول آفتاب سبک که کوفی بوق سن اول ماه سبک  
خونی بوق سن اول کلسک که کلزار ملکوت سبک موز سن  
اول سبک سبک که ممالک عالم سبک معطر سن اول ملک سبک  
رقاب ملک جهان ربعه طاعتک بسته دافاده سن اول یا سبک  
ارکان داعیان ثان اومر و نواهی که منفاد و کمر دن نهاده دوران  
ملک موافق فرمانک بساط آسمان میدان جولانک استهب صبح  
و اهرم سب ایکی جینکس جنابک تو سن جرج مرکب و جرم قمر  
نعل رکابک خاک جناب عزیزک توتیای دیده کیوان نعل سبید  
سبد بیک کوسوار کوسن اختران ملک عظم منده منطقه بروج ایدک طای  
نطاق باغلاش نفس کل لوحه قلم علامه مدحت تصایدی یا شمس



رُحل در بان قصر عرمت اومش بر جبین داعی و مداح صدر رُحمت  
 اومش بهرام اعداک فخر یحیون خجری بنده آفتاب ادبیاک نصرت یحیون یعنی  
 آئینه نا هید بزه مک یحیون مجلس عایانه مطربده میر مک ایدر  
 عطارد ملک یحیون دیوان فضا ده اولور من کاتب سر مک ایدر ماه  
 مهرک توفه لاله دوز ابر عشق اودن برابر کواکب کوکبه  
 جلالت یحیون بر خدم نقوش کائنات صورتک نسخ شدن بر رسم  
 آتش سوخت حرارتی و سوب محرق اشباح اولدی هوا هوکدن  
 دم ادر یحیون محبتی رواج اولدی آیه لکنت زلالی فارسوب  
 مدد حیوة حیوان اولدی خاک حکمه اوکندی ماده موالید و آب  
 ابدان اولدی فضله عرمت افلاک ایشدی سوخت دی قرار ایدی  
 جرعه حرمک زمینه دوکولای ساکن صاحب وقار ایدی روزگار  
 علم شریعت وجودک شرفیه نو بهار اولدی عروسان معارف طریقت  
 سوخت زبوریه بر حسن و نکار اولدی شریعت جهان آرایک  
 عالمه زبور ویدی سیاست ملک پیرایک جهانیه ریب و فرویدی  
 عربی حبیبک آتشی دانی آنوشروانی دوده ویدی حجاز ده حکمت  
 صولتی بدی علمی بر برینه دردی شریعت یوزی جویبار سبزه زار  
 لطایف کله لاله زار هدایت یغنی زلال چشمه سار معارف کله  
 آبدار ظلم لوسی عدلک محابینه مستکس و طغیان لشکری  
 شرفک ایشیله مندرس آسمان همک قامتیه بر زمین خبره آفتاب  
 رأی منبرک اوکند بیره سن اول مدد و حکمت که فلم او هفت خمر بزه  
 حیلان دین اول محمود مک که عضل منافک تقریر نده سرگردان



سن اول نورسک که جسمانی و کل سن اول روحسک که هیولانی  
و کل سن اول ادیبسک که معنای جبرلی بین سن اول امیکسک  
او فواید کتاب بین سن اول بولسک که جنبه دانش رسالت  
تمام سن اول نیسک که دائرة وجود نبوتکله تمام **ابیات**  
شمه نه مسند هفت اختران ختم رسل خاتم پیغامبران  
مسند افروز شب خاکبان شمع سر برده افلاکیان  
کشف بستر مهبط روح الهی روح ملک خرمنه خونه بین  
در بنیم صدق اصطفا واسطه عقد رسل مصطفی  
شاه ملک جبین جهان جوید شمع جهان تاب ملک دو دید  
کوش جهان حلقه کس ممید یکی جهان حلقه تسلیمید  
خاک دری روضه جاندران کرد رهی جان جهاندرانک  
همه کس مطیع فضل خلیل مرغ حرم مردم جبرئیل  
خسرو نسیم رسالت اود صف یکن اهل صلات اود  
چار ملک ببل بنامید هفت ملک صحن شب نامید  
راحت ارواح ملک بویید آب حفر خاک سر کو بید  
میشرو قافله پیش بین مردمان دیده عین یقین  
**نثر** اول سید سادات اول منبع سعادت واسطه قلداده  
جواهر کائنات خلاصه سلسله زواهر موجودات نورشید  
رخشان روز اقبال صاحب قرآن و حرض المؤمنین علی القفال  
باز بلند پرواز ساعد سعادت های رهنمای آسمان سادات  
بینوای محراب صلواتی رایتونی رهنمای بی تریاب فلان کنستم



تجربون الله فامعوفی بیکانه و بیکاه هفت کسب دنیا نشانه  
راه و الدین جاهد و افینا موده مردن کعبه صفا حضرت رسول الله  
محمد مصطفی علیه من الصلوات از کایا و من التحيات اسما

اول ختم بیضا مبران مرسل	صوره صوکت وجوده اول
اول حکم کتور رسالت	فرمان ده لشکر ولایت
دارن حجج الحق	دانشه راز صبحا هی
شاهنشاه تحت آسمانی	خواننده تحت نهالی
سلطان ممالک هدایت	طغیانی صغیفه عنایت
سکوب مخالفان بتر	تن پوش برهنگان محشر
صاحب نظر دلایت جود	مقصود و جحان جحان مقصود
مجموع خلاصه معانی	سرسیمه آب زندگانی

اول شهسوار میدان سبل اول فافله سالار کاروان  
ریل اول سرور عالم که صبح روز عید سعادت غره دلربا بید  
و شب قدر سال سادات طره عشره ساجد اول طحیر  
بازماندگان کران بار جہالت اول پناه دماندگان گرفتار ضلالت  
اول دست گیرنده غنیان قلم شوات اول یقطان کسند  
نماکان مرغ لذات اول روح قالب عزت اول قالب روح دولت  
ای مسند لیاقت و رای افلاک قدرکت سنک و بوقا ک و خاکی  
نقش صفحات را بیکند لولاک لما خلقت الافا ک  
سلطان سر بر کائنات سنک شهنشاه کتور حب سنک  
خاکله سرشته روی آدم یوزکده جیلغ یکی عالم



زمین و ملک در غبار است ازل تا ابد در تماشای کفایت  
 و ملک در دریای رحمت است کفایت در سبک بردیافتن  
 زحل هندوی با سبان در است و دیگر در دایه دیگر است  
 سن اول طالع سر قفس است که جولا نکاه است بوستان  
 دین سن اول شیر حقیقت است که سیرانک است صحیحی بسین  
 سن اول لوطی کلزار توحید است که دامن خاک است کستان  
 ریاض قدس کلور سن اول بیل باغ نوید است که طوالت است  
 همیشه کستان سبز زار است اولور سن اول بحر حقیقت است که  
 هر مشربده کورین مختلف ابریا قدس سن اول کوه است که  
 هر مدیده ظاهر اولان زلال معرفت سن جعفر است  
 اول آسمان سخاست که هر کوب اول آسمان بر آفتاب سن اول  
 دریای جود است که آفتاب اول دریاده بر حباب سن بردات  
 مکر است که جمله ملائک آدمه است عتقه سجود کلمه سن  
 بر روح مجسم است که جمیع ارواح عالمه است محبت که وجوده کلمه  
 بر جان مظهر است که صفای وجود کردن زمره قدس صفا سور  
 بر روان منور است که نورک بر توذن شرق و غربه صفا بر پیوج  
 خلق است که جمیع ارواح انبیا انوارک دریاسن هر بری قطره  
 بر قدوس صفا است که جمیع انوار اولیا جلال آفتابن هر بری  
 بر ذره دم آدم روح کن فتوح نوح روح حکم در سن دیس کنایه  
 کلام کلیم خط بکدن عزت اسماعیل جلایکون خلق خلیل حاکمون  
 نفیحه عیسی نفس که رهبر حضرت جبرئیل است بونس دایه بری انبیا



نعمه داود اکاشکله ملک سلیمان سلطانکله حسن یوسف بوزگردن

حدیث سبت سوزگردن

قبله روی صوفیان بارکه صفاسیده سره چشم قدسبان خاک در سید  
 اول شمع ایوان تحقیق اول مطلع انوار توفیق اول دوصه ریاض  
 قدم اول روضه رباعین کرم آینه جمال شاهی جام جهاننمای دناهی  
 محرم انوار رحمانی محرم کعبه سلطانی حبیب حق نبی طلق ندیم حاصل لم یزل  
 حضرت نبی الله حمد مرسل علیه سرائف الصلوات و لطائف الخیات  
 حق تبارک و تعالی تکم انک و نبی موبد و سرعنی محمد و ملتی حسره دکن  
 دایم و امنی قیامه دکن قائم ابدی کنه انک همت در خانه سک  
 عنایتی امداد و امان نورانیه سک برکاتی امداد و تاحسره دکن  
 امنست عارفی کوکله نبی معارف یقینیه سبله محلی و عابدی محمد نبی  
 آداب و ینیه سبله حرکی ایدوب انک اول علایق هیولانیه دن ک  
 و مطهر و حکمت صفاسیده و انوار قد سبله روشن و منور و انک صفاسیده  
 ارباب قلوب و خاطری معمر و اصحاب کسور سرری بر نور سینه لرصفه  
 سر یعنی صفاسیده بطیب باطله برین و کوکله خانه ری طریق خیر  
 و لیلدری سبله روشن اولوب ذات سرینی ذات جواهر مجده  
 عالم بخیر بایسته منازل انده ابدی نوسن مسرور و قس قدسی  
 زمره ارواح نفع سبله جهان تقدیس ایچینه خطایر قدسه و اما صفاسیده  
 و بر حضور ده ابدله احکام شرعیه سک متفرعاتی و فروع دینی سک  
 جزئیاتی مغشحه صلوات طیبات که انک نسیم نغات غنبریه  
 و نسیم نغات غنبریه سی اول حضرت اخلاق طیبه زکبه و محاسن



کریمه سینه سی کبی جهان باغی معطر و انک صفای سینه سمنک  
 انوری و غوصی علامت اناری اول جنابک ظاهر شریفک ضیای  
 و بلین طریقتک صفای کبی عالم بچینی منور ایله و سیمات نامیات که  
 اصول تجربه شریفه سی و عرفان دودعه منیفه سی حدیقه باغ فواید و روضه  
 حسن اعتقاد و زلال باک ایمان و منبع حیات حسانه تربیت بولوب  
 هوای مهر و دلاده و عالم صدق و صفاده بی تکلف نصیغ و ریاضیه سائیه  
 مدلهنه و مدار ریاض خالص طوبیت و برکات نسیم صفایست بر له  
 نشو و نما بولیش اوله اول دان کریمک روح مطهره لیل و نهار احوصل  
 و موصول اوله

سلام من العالم احکام	علی روضه المصطفی الهاشم
هزاران در و جهان آفرین	نثار در سید المرسلین
تفصیح اسم خاتم انبیا	سهر رسالت ته اصفیا
فوائد خاص پروردگار	سائیه حجت استوار
کلید در کنج رب جلیل	امام پی در درج خلیل
سه آسمان قدس بار جبین	مه با سخی افتاب قرین
او در بیت معموری معموران	او در سقف رفوعی رفوان
صفائنده خیره قوای عقل	تمام ابله عرسان عقل
خرد کیمدر ابله و صفی انک	نه در دل که ایده بیده مدح انک
کسبک که مداحی نه اوله	بره سوره آنده فحان راه اوله

همین بوقدر تقریر و تحزیر دن وخی امیدم اولدر که بوقدر  
 قالمش کوکلم خاشنی براز ذکر می نوریده روشن و بو خواب و لمس وجودم



با غیسی بر باره وصفی نسجیده گلشن ابدوب بونجه بیلدر که دلمی  
عبث است کرده خرج ایدم و بجه مدت که کوکلی بوق هوالده صرف  
ایدم براز آلی انگفله مکافات و برار ذکرک ایتمکله مجازات  
ایدم که لطف عمیم و خلق کریمدن ساعت ساعت در وقتانده  
هواجر بودی چیرنده شفاعت بجزیدن بر قطره دعایات نسجیدن رزق  
بوین ضعیف قولندن در بیغ اتمیده که اگر چه اکا لایق خدمتم و امکنه  
مناسب خصلتم بویغیه دخی امنی و بنده نمجیدی جمله عزم بود امیده که  
من تشبه قوما فوتمشتم

ای زمین آسمان خاک درک  
انبیا و صفکده در حیران  
اهل دین روضه که چون خاک  
یا رسول الله قتی در مانم بم  
بر نظر ایدم بوین غمخواره به  
ناکه بنده جان اوله ورنده ام  
در د دل دایم سناک اوله سناک  
در کهنه بی بضاعت کلمتم  
چون وجودک چمن اوله ضلعه خوش  
خوف شیطاندن بنی ثامون قبل  
چون انکده غنی سن جان ایدم  
سین فین این جان سن ایمان  
قهر کوره چون کیره م ای سمع بین  
عش کرسی عکس نور کوکرت  
سر تناسان سنده سر کردرت  
جمعه عالم اوله کلکی خاک خاک  
نفس النذر عاجز ادوب ایدم  
چاره بیت بو بنده بیچاره به  
قوتدینک قولنه بر بنده ام  
نقد جان هر دم دفات اوله سناک  
دائق لطف شفاعت کلمتم  
با که رحم ای کلدی جانم حلقه او  
روحی بس ایمان ایدم بیرون قبل  
لطف ایدوبن در ده دامن ایدم  
جان اوله خدمتده تن او کور خاک  
بر قلیک یدیر بکا حبیل المین



نیجه اولدم مست غفلت ای میر سن مدایت با که ایض و سکر  
 بر عمل کیم ابد کم کسر ابروم بی نوا یم جبر بنی جبر ابروم  
 هر سنگ شکست کسری چون دلم اولد کسره خود بید که جبر لازم اولد  
 بر نظر ایت کار می این کل عام باقی لطف کدر نه دیم السلام  
 و دخی عقول سیمه و طبع مستقیمه فائده مقرر در کیم مضایق  
 ابرار کرام و مجالست احباب عظام که کل بوستان اقبال و سمع شبنان  
 آمال و ریحان چمن روح و منقح خوان فنوح و واسطه عقد کمال و کفن  
 خاتم جلالت که کبر محاکم مقتضای عقل کرم و موجب ذهن تویم اولد  
 راز و صالاری قوتیسته مقالری ذکریم و جمالری خیالنه خضالری  
 نثریه تخمین کوکلیت و دیرنه دلی بادی و بجان کوزینه سوز توپا سیدله  
 راز نور و دل مجسمه سخن سقییه بر باره سرور حاصل اولد چراغ بصیرت  
 راز فروزین و باغ سریت بر باره آینه چمن روح معطر و تخم فنوح منور  
 ادوب راز جان کلری آجیله و صفای چیکلری صابیلله کوکل ای رکن  
 و دل خانه سی مرغین جان باغ حرم و روح خسته سینه مرهم بقیسه و ما  
 بو فلاید فراید محامد و مدحات در بار و بوجوا هر زوهر صوف و دعوات  
 اخلاص شعار لکه درن کوش و در کار و احاف و صد و رکودش دوار  
 مرغین مالی و بنقوش الفاظ رقیقه اوصاف صفوه موجودات  
 و بوضوح ترکیب انیقه صفات خلاصه مخلوقات صفات ایام و لبالی  
 و اوراق شور و غوام تنوالی منقش مالی و لب و بر سجات افلام  
 و بنظرات دای کلام ایله که یا کلک و لطافت که رسک استک سجاد  
 و صفای قند غیرت جام و سر ابر یعنی نول عبارات مستعد به



فو حصه ای و اثبات مستغنیه ترج ز دای اله که حق تعالی  
 حضرت سبک نعت کریم سبک فتم ناقص تکیجه اولان است راندن دل  
 جناب ذوالجلالک خلوص در وسیله دینیلن تضرعاتنده و اول و اول عالمه  
 مصطفین اخبار و اول نفوس مقدسه فذوه ابرارک اوصاف کریم برنده  
 و نیکتر سوره که معناسک صنایسی هر حرفه لایج و مدلولک صفات  
 هر سنده واضح اول رواج مطهره نک انوارا بهره سی هر کلمه سنده مع  
 و اول سعادت کونستد نک اسرافات ساطعه سی هر لفظدن طالع در  
 اگر چه باز فصاحت است فضای لغت عرب غرابده خوش یرواز و طهران  
 ایدر و طالع حسن حقیقت و مجاز بوستان بیان اهل حجاز ده خوب و نیا  
 جولان ایدر و بدو ضعیفک دخی اولان النسم اول زمانه و قدیدن بکیم  
 اول لسانه ایدی لیکن کور و مکمل مطالعه اسرار لطایف غریبه اول دیده  
 و مکمل حاصل و سیر اول و میده انوار نکت عجبیه اول لغت ده  
 جو کشتی به نصیب و مقدر نیمه طولی جانور اول باغی صامت اولور لر  
 و هزاران هزار دستاغر اول کشته ساکت اولور لر پس ضروری حمد و ثناء  
 حق و ثنای حضرت مالک مطلق و صلوات نبیا و مرسلین و دعوات  
 اولیای صاحبین بر دله ترکیب و بر نه ترتیب ایدم که اول حضرت نک  
 عنایتیله و اول جابک هدایتیله اول نفوس مقدسه نک همت نوری  
 قوتیله و سعادت روحانیله و معونیله عام النفع اولوب هر کیم اوقویه با کتیه  
 بر نوع خط و ذوق و بر بولدن صفا و سوزی حاصل اولقدن خالی اولیه  
 سوز مدر موش غزلت کریمان حدیثم محمد صحت شینان  
 سوز مدن پیشور هر جانه بیک جان میده بر آندن بوی جانان



سوز مدر ما جرای عشق بازان  
 رفیق یاک بازان طریقت  
 بو نظم و نثر که ترتیب بقدم  
 نضر عت مه صاحب لاند  
 انیس خاطر بی جا کاند  
 کماند که دشمنش چمند  
 اگر شک شکر دیرم بر شو  
 بودر شمع شبستان زمانه  
 کو کلد خانه سید روشن  
 معانی بحرینه غواص اولوبد  
 عباراتی دلا لاتنده واضح  
 صبا و عکس انوار الهی  
 دیر او خوشی لذت زمانه  
 سوادی نافه مسک تانازی  
 نسیمی جانه عنبر بوی مسکین  
 انیس در دمنده سخن بیل  
 سخن ساقیسی محمودان عشق  
 سخن جسم جهانک اولدی طانی  
 سخن باران دل ابر مطرک  
 سخن آرایش دلدار عشق  
 سخن بر سر اسرار الهی

تمامت قصه صاحب نیازان  
 جلیس دلنوازان حقیقت  
 بو الفاظی که بن ترکیب بقدم  
 که مقبول روان معبد لاند  
 فرح بخش دل آوار کاند  
 طولو ایچی کل ایله یاسمند  
 اگر در کهر دیرم بر شور  
 کل خوشبوی بوستان زمانه  
 خراب آباد عالم کلشن آذن  
 دل اهلی بزمنه رفاصل اولوبد  
 ادور لفظنده حسن معنی لایح  
 دیر الفالکته شوقی کا هی  
 بار بوز سوز لرم اوراق جانه  
 بیاضی صانکه کل برک بھاری  
 ندیم صادق عشق مسکین  
 جلیس مستند اندر سخن بیل  
 سخن جلاب رنجوران عشق  
 سخن باغ دلک آب روانی  
 سخن نوکوی دریا سی ضمیرک  
 سخن نو باوه سی کلزار عشق  
 سخن بر در درج بادشاهی



سخن تشریف رب العالمین در رسوله تحفه روح الامین در  
 مدامک بوبکار افکار معانی و عرایس نفایس مخدرات مبین کج  
 تنق الفاضل شریفه و عبارات لطیفه آتشدن مجلی و شدر هر دو بانه  
 لذت و سرور و هر دیکه بیه صفا و حضور هر مجلس احسنه سماعدن ذوق  
 و هر اهل حاله ذکر بیه شوق حاصل ادوب حسن ظاهر الفاظک حسن  
 بلاغتی و عبارات زبور فصاحت بیه محفوظ و سرور و حاشه بطن معانی  
 مطالعسی و مدلولاتک ملاحظه سبیل بر صفا و بر نور ادوبن صدای  
 کوسی عباراتی و آواز و مدینه مجاز و استعاراتی بیه مسامع دل جانده  
 دوله شوق و سماع و صحای صدر جانده غنچه هکام استماع ادوب  
 طرب و محبت کشن دل حرکات بنان بیان بیه روحش و جعفر  
 و زینت جمال نگارستان کوکل پیرایه در الفاظ طبعیه صفا داد  
 و دکت اوله ادقویا نودن و دیکه نودن و آید نودن و کلان  
 بوضعیف دل خسته بی دبو فقیر شکسته بی کاه کاه دعای خیر حسن باد  
 و فاتحه اخلاص بیه دلش و آید کلر بجه بودر مانده دلش و برکات  
 و غوات بیه اعداد و بی سحاره دلش کوکله همت جالیدن استعدا و بی سوب  
 و نیاده صاغ و نورسم علائق ارتباطات قوای جسمانی دن و دوس  
 تمویهات او هام شیطانی دن و نور نغمه توفیق و آخره کیمش ادوبسم  
 حجب طمانیه اوصاف و نیویه دن و آمار و دیکه بدیه دن خلاص  
 اولمغه طریق مبسر اولش و آید یارب العالمین  
 بعد الصلوة والسلام علی سید الانام الوف صحایف محاسن  
 نجات عن بر نسیم که نقوش صفاء فوآد و اما حسن اعتقاد



هر برور نمک بوزنده واضح دلایح اوله و صنف رسائل کریم است  
 که رنگ جهره دلا و بوی نفحه صفا هر برسطرینک بحد لامع  
 و فایح اوله فافه فوسمان و برید رود حانیانه زمره آل کریم است  
 و جمیع اصحاب عطا مکرم فذکر بحارینه ایصال و لوب جناب عزت و کبریا  
 و حضرت دلی الایادی و الالاجلث نه و عظم سلطانه ملک عوالم  
 ربانیه و عنایات سبحانیه سندن مسدعی و اُمول و منفع و مَسول اولدر که  
 صد هزاران هزار آثار روح و بجان و کلاسه بسته رضوان یعنی  
 نعمات ماضی حیان و نفحات ازهار جنان هر دعه رد و کینه و وصل  
 و لطفه روانینه موصول دله کیم  
 هدایت کدیان دری صاحب دلایت جمیع کسلی کفیان دین نبی  
 و حامیان علم عربی حافظان شریعت محمدیه دنا صران طریقت احمدیه  
 ناقلان کلام قدیم و زوایان حدیث کریم ناسران آثار دینییه دها دان  
 عقاید یقینیه رافعان اعلام ایمان و دافعان لشکر طغیان باغیان  
 باغ نبوت و راز داران اسرار نبوت بوابان سرای رسالت و کاشفان  
 رموز رسالت همنایان ممالک عالم ملکوت بیسویان عرصه مسالک  
 جبروت امیان و حی زانی و ضربه داران کوز و حالی نجوم نجوم مرده  
 سیاطین ضلالت و کواکب ثواب جبارای بودای جبهالت  
 فلان مرغ علم و حکمت ملاحان کشتی بحر وحدت تاجران بصفت  
 طاعت مسافران مسالک ریاضت جو هر فردشان در حقایق  
 صرافان بازار دقایق مفاتیح ابواب هدایت و مصابیح ظلمات غوایت  
 و ایمان ایمان و اعلام اسلام طرود



جمعه غواصان در بای صفا بلبان باغ شرع مصطفی  
رضوان الله تعالی علیهم اجمعین

فقد صاوت عسره مبسره وارواح مطهره ده شمع ایوان احمدی  
وده نسیله جریغ محمدیده سرودان صفا وده عندلب بوستان  
وفاده طوطی کستان رسالت وده لوبلی آسان جدالت وده مرغ  
مرغزار گلزار معانی وده بلبل سبزه زار سبع مثانی

در دی اول چار بار صادق واول چهار سوس موافق چار یه تخت  
شریعت وچار کن طاق طریقت چار سوی بازار تحقیق وچهار حکم  
مصدقین چار عنصر دین وچهار دست و بای یقین چار نصفه صفا  
وچهار قبه وفا چار درجه فضای قدس وچهار روزه حریم انس  
چار طاق سرای شریع وچهار دیوار بنا و فرج چار باغ گلزار معانی وچهار  
جوی باغ لایزال چار دیز کسور هدایت وچهار حکیم امراض جمالت  
چار گوشه خانه نبوت وچهار دروازه مدینه نبوت چار بحر در  
حقیقت وچهار حوض معطشان طریقت هر چهار آفتاب جریغ

امم بحر صدق و جفا و عدل و کرم

اوکیسی امیر المومنین سید اصحاب سید المرسلین حبیب حبیب الله  
ایشین رسول الله منبع معارف الهی معدن لطایف صبحگاهیه راز دار  
اسرار احمدی خزینه دار کنجینه محمدی مجمع محاسن وسمائل مجموعه  
مکام حصایل مهبط انوار سبحانی متعلق اخلاق رحمانی

مخزن سر حضرت نبوی عاشق نور روی مصطفوی مشرق آفتاب صدق  
ولی اثر لطف ایزد آب کلمی قافله سالاران باب هدایت مبسوده روا



عنایت سرصفه جمیع مهاجرین و انصار مخصوص نص از بهمانی انصار  
اول قدح مدح ذاتی آخر الدلیل آیت صفاتی

اول محرم راز آسمانی اول محرم کعبه امانی اول هدم خاص ثانی آئین  
اول خواجه چار سوی کونین صدیق طریق شفقت ساوکت  
معارج کرامت صاحب قدم مقام تجرید سر دفتر حجه اهل توحید  
اول اول مؤمنان امت اول صد خلیفه های ملت قان المودین قانع  
الفجدة و المعز دین عین ناز بار غار ابوبکر کینت و صدیق لقب  
امیر المؤمنین عبداللہ بن ابی قحافہ بن عامر بن عمرو بن کعب

صد دین صدیق اکبر قطب حق ہر صفہ ایمش اصحابہ سنی  
رضی اللہ عنہ وارضاه و جعل فی اعلیٰ غرف الجنان مواء اول اول ابو بکر  
کعبہ الحی بوکر طوئش لیکن و جملہ عربی شرک طوئش لیکن مکہ محضر لری  
و فرین سرور لری و عرب اول لری و حجاز بلور لری جملہ بت پرست  
دینک تا سید ندہ و عبادت اصنام ایمش تا کبد ندہ  
ابا عن جد اول دین ایچندہ و کند لری بللی اول این ایچندہ اولوب  
سرعت مذہب لری و طریقت نذر اکلا مر کتاب الہی کور و کوری بوق  
و خطاب آسمانی ایستہ کوری بوق توحید کونشی طوغر و معرفت بیلد لری  
کور عمر حکمت ضلالت ایکل دین طیل دین آتش و قنات جہالت  
طاہر لری باطن دین قابلاش ابوبکر حضرت فی دخی آتک لری دو باطل  
دینک ریشی بوکر ایچندہ یو یوب و بوکر دکلہ یو یوب ایچوب رکلا  
بوال اوزرہ و عمری بوکر اوزرہ کیدہ بوکر کن ناکاہ جناب رب عزت  
و عالی حضرت جل شانہ و عظم سلطانہ حضرت زکریا کرم بحری جوش



و عنایت و کرمی خرد و سه کلوب عالمه رحمت و جهانیه مرحمت ایدوب دنیا به  
صلاح و عالم خلقه اصلاح آزموده هدایت و حق یولنه دلالت اینگونه  
کنند اوی خلقه زیاده احسان و امتنان و کوثر و عالمه حجت و برهان  
کوثر مکنون بنه عرب اینچنین و قرین شدن حضرت رسالت صراط  
و محمدی مصطفی ایدوب رساله گویند یکی وقت هیچ کینه طاعت  
و بر احد اطاعت اینگونه هر برمی استغفار و انواعی در لو ایدالر ایدوب  
حضرت رسالت سوبید کج انز کلوب و زیاده سوبیر سه سوکوب کاه محمد  
ولی دلدی کند ولی سبیر و نه سوبید یکن اکلما از و کاه سحره خلقی آلام است  
و جاذبه عالمی باشد من ابتر دیوب کلام حق سحر تحبیل و وحی  
الهی بی حدی نفس و تسویه حمل ایدوب آنا فردن دده فردن  
کور مد بکرم و سندی به دک ایشمد بکرمه انا غر ز دیوب اسکی ضلالتدی  
و قدیمی حیاتدی اوز بنه مصر اولوب طور رکن ابوبکر حضرتی سفده ایدی  
کلمدی فریشت اولوری کوره کلمدی استنزا ایدو بیغامیری آیدو سحر لینه  
حکایتن ایدو بر همین ابوبکر استیدیکک تصدیق ایدو و نتیجه تحقیق ایدو  
خلقند ایمان بناسی محکم ایدو و جببند سعادت بنیاد می استقام ایدو  
همین داروب بیغامیره بولسد می و اما دلجه انک دینه جالسدی  
نفسی و الی جمله اول بولده قودمی اهسانی و عیالی انک بولنه  
رک ایدو ماداکله حضرت رسالت دنیا ده ایدو و بدنی خید حیاتله ایدی  
کیجه و کوندوز آنکه همد ایدی و جمیع اسرارینه حرم ایدی و اما کذبک  
جلیسی ایدی و اصحابک رئیس ایدی جمیع اصحاب اکا تعظیم ایدو می  
و جمعه سی کا کتریم ایدو می و وفاتدن صکره و وحی دینی احب ایدو



و تریعتی بقایای ابدی حکام رسیده تفرقه بی اول دفع ابدی و دین  
 اولوری اوزنه شدن اختلافی اول دفع ابدی عزیزی پلاک ابدی  
 متحد لری پلاک ابدی تریعتی خوش نظام و بردی و دین الهی نظام  
 و بردی خلافت بر در ملک ویریدی که قلمی بهانه بولمندی و عدله بر طریقه  
 سلوک ابدی که استقامت در دزه چه آبرمندی حق تعالی سحبتی مسکوره و جری  
 موفور و جت اعلا ده و جاتی زیاده و فردوس محلا ده منارلی از دیاده نموده  
 بکینجینی امیر المؤمنین خلیفه رسول رب العالمین معاون الاسلام  
 تظہیر المسدین معدن معالم ملت رافع اعلام است بانی مبانی جلال  
 معارف مقصوده عدالت کاسر کسری غالب فیض فایز و مصر و غازی بحر و بر  
 فتح کننده ممالک اسلام احکام کننده شرایع و احکام کت نده مداین بجا  
 کننده حرین عامر دبار هزل ایمان یادم بنیاد سرک طغیان مقین  
 قوانین الغر و الجهاد محمد مایده العدا له فی البلاد و اضع قواعد الحساب  
 معدل میزان العدل و الحساب مکمل العلم و العمل منادی یا اسامه اجعل  
 بیوای ملک ملت مقدا ی عقل و دین نظر فصل  
 د کمال و معدن علم و یقین امیر المؤمنین عمر بن الخطاب بن نفیل  
 ابن عبد العزی شکرانه مساعیه فی الدین و بواله مکانه فی اعلی علیین  
 ملک عدلک میرد لطافی عمر دین حصاک سبف و بر بانی عمر  
 فضل و دانش جسته سبک منبغی لطف جو دکت معدن کافی عمر  
 کله ی کریمه مؤمنینه جوق امیر یکله ندن اندک فانی عمر  
 اول اول عمر و در که اسلام دینی لخوا ربولعه فیلر اولدی مسلمانن  
 آیینی آنکه صورت بولدی اول کلمینجه اصحاب رسول اسکاره یوریه فردی



و اول سلمان المسیحی جو فی سلمان دینی پیدا اید فردی اول کلیسای  
 اسکالر و اذان او فوئندی و اول دینه کیر مسیحی ارکان دین بورودی  
 بر سلطان یهودان شریعت ایدی که عدلی در سنی حکمی الله المسیه  
 سلطانک نه زهره سی واردی که و سوسه باز آئنده طاریق ایده سکه  
 ان الشیطان لیفر من ظل عمر بر مرد میدان طریقت ایدی که اگر حضرت  
 رسالتن غیری اول عصرده بیجا بر اول اول اولودی اولم بعث  
 بعث با عمر بر مبارک قدم ایدی که نه که اول سلمان المسیحی اعلام دین  
 ظاهر اولوب ملت اسلام صورت و سوکت طوئندی کینه اول خلیفه المسیحی  
 اطراف مملکت فتح اولوب امت محمد علیه السلام تمام کثرت بولدی  
 بر حق کوی ایدی که هیچ مداهنه و مدارا کو طرزی برکت رومی ایدی که  
 هیچ نفاق و قرآه بیلمزدی اجزای هکده دقت ایدوب پنجه ایک یک  
 قومازدی امضای شرعه تصلب ایدوب اولو کو جو فرق ایتزدی  
 سیاست شرعی بی تمام ایدودی و احکام دینه بی عیب تمام ایدودی  
 مرد بنده هیچ مسأله ایتزدی حکم شرعه هیچ ماسحه بیلمزدی  
 تو این عدلی جهانده اول فودی و بساط معدلتی عالمه اول دوشه دی  
 بونجه خلافت ایشینه یکن اکننده براسکی با لاس ایدی اول یونلو  
 اوله کیدکی عاریت لباس ایدی بونک برله مهابتی عالمی طوئندی  
 و جمعی هیبتی قابلشدی سلطانین ردم و عجم خوفدن و تیر  
 ایدی خسروان رت ویم نامندن قویارودی ظاهرده درویش  
 و معسیده سلطان ایدی صورته فقیر و حقیقتده خان ایدی خلافت  
 مستحاربت جوئی کندوسی بدردی و امارت امر کریمت کریم ایدی



طولای و نیامایی و عمارت و نعمت ایدردی و مملکت او جند  
اولان فقیرلری هر وقت تفقد ایدردی بکجه ایله فقیرلره آرقه سیله  
اون طایرلادی و ونه ایله قریلره دستی ایله صو کتوردی

خلافتله برورلک ویرلدی که کیم آنجلین درلادی عدالتله  
برطریق سکون ایدی که کیم ارنجه کینلادی حق تعالی برینه بایک  
عوض ثوبات و برابیلکله هزاران هزار ثبات ایدوب جنت فردسه  
زخیره انبیا ایله حبیب منزل قدسه ارواح مقدسه این ایله

اوچینسی امیر المؤمنین مختارسته الشوری باجماع المسلمین رابعه  
فی الاسلام واقف بر رومه علی الخواص و العلوم امام معظم شهید  
مرحوم قدوه اصحاب حیا قبله ارباب سخا کاتب وحی جناب حضرت  
امین کلام رب عزت بعل بوستان قرآن کل کلستان ایمان محرم  
خاندان نبوت جامع مکارم قنوت مجمع محاسن شیم محرز فضایل ام  
مقبول الحفزه النبویه عماد السده المصطفویه محبوب الذات  
حرفی الصفات نور حدیقه شهدا و نور حدیقه سعدا این اخلفا  
الراکدین فخر الهدایه المهدیین بادشاه ملک

روحانیده اول محزون اسرار چانبد اول المعظم بحبل الله  
المعتمد علی کتاب الله ذوالهجرتین جامع القرآن ذوالنورین امیر المؤمنین  
ابوعمر عثمان ابن عفان قدس الله روحه دراد فی اعلی غایت  
فتوحه اول اول عثمان که کلام قدیده اول ایدیکسی سبکی کیم ایدی  
و انک همنی برکاتله قرأته اختلاف اولدی دینک بنیستنی  
ظهور اولدی و سرایکت بقاسنه نصیر اولدی اسلام امینه بنیت



و خلافت تحت اہبت و پردی صحابہ کرامک بختوساییدی و دنیا و دوزخ  
 و بختوساییدی و اعیان بختوساییدی و نبوت مصاحدہ صاحبی  
 جیاسدن ملائکہ اونا نور دی ابدن بختوساییدی و حق بولندہ  
 نفسی وانی قومندی و دین مصلحتی چون کند و بی برآمدی خلافت  
 امرندہ سوکنوایدی امارت تربتہ زینلوایدی خلافتہ اول تربت نظام  
 اول و پردی و امارت امرتہ انظام اول و پردی خلافت طوری کوکبات  
 طومندی و تربت قولہ محکم بختوساییدی عدالت طریقیدن ذرہ  
 طرہ حقیقتی و تربت اکثن برخطہ الذن قومازدی و جود سخاوت  
 مصلحتی ایدی و محاسن خصالت مجموعی ایدی عبادت قلمیک خانی ایدی  
 و زہد اہلک سلطانی ایدی معرفت درہک جری ایدی و حقیقت  
 دگرہک دری ایدی جان لکریک سروری ایدی و روح عسکرہک  
 مہتری ایدی کوکل کوکبات ماہی ایدی و دل اقلیمیک ماہی ایدی  
 حق حضرتان معصوم ایدی اولوی دمی مرحوم ایدی شہد برک اولوی  
 سجد برک کرکوساییدی حق جل و علی آندن حسود اولہ و حق قاتندہ  
 مود و اولہ جسدہ رضوان مقام بولہ بولاشی رسول اللہ اولہ

و بختوساییدی امیر المؤمنین فخر آل طہ و بس سرور مطہی ابن عم نبی و بی رسول  
 زوج بول بسرای طاب بذر ہر طالب مہتر بہتر فاتح خیر صاحب  
 بدیع الایہ عامل آیتہ نجوی سالک مسالک مصلحتی کوھر کان لایقی سلطان  
 سرہیلانی لقمان دانش رستم توانش بہرام زور تھبہ نور مستری  
 سعادت عطار دقظت فہر سرعت باب رفیع انامدینہ العلم بحر سخا  
 کان کریم کوچم پیوای صاحب زہد و عبادت رھمای مسوان راہ ریاضت



منها می سلسله مساجد متقدمین و متاخرین مقصدای زمره اولیاء  
 اولین و آخرین اصل نجره ولایت فرغ عمره نهایت قطب دائرة توحید  
 و محور عالم تغرید سر حشمة جمیع مشارب ارباب طریق مذکوره دفاتر جملة  
 اصحاب تحقیق کل کلمه لطایف سر سبز زار معارف جویبار باغ کرامت  
 نسانه راه استقامت و بی القلوب کاشف العیوب عالم ظاهر و سرعیت  
 عارف باطن طریق سرعایان و قاین رموز الوهیت و سرور کاشفان  
 حقایق اسرار ربوبیت کامل علم لدنی و ارت سرائت منی منبع تفسیر  
 قرآن عظیم معدن تأویل کتاب کریم مطلع فواید هر مضمون قرآن منهد  
 بر اطناف مضمون عرفان پسر عزیز دین الله مشرف تشریف من کتب مولانا  
 قدوده اولیاء ربی هضبا

سرور دین محمد و مبدع جمع و فضل  
 اولی حقیضات و حامی شریع دین  
 روح امین امانت ایدر اندیشه  
 مرآت نقوش غیب و عروج حال حق  
 جرح کمال عزت و چشم جهان مجد  
 سر دفتر جاقوت ارباب فضل و علم  
 بیکمه آرزوی شاهی ملک ضابط  
 یعنی ابو الریحانین اسد الغالب السید السعید امیر المؤمنین  
 علی بن ابی طالب کرم الله وجهه اول اول علیدر که اوان  
 لطف نبدان خاندان نبوده و زمان صبا و تدن خانه فتوت  
 بیویوب فطره اسد اصلا تبدیل استیوب حبیب اسلامه تغیر و بیویوب



عمر که در سرت دانه قدم با صیوب و کفر و افسوس و کفر و غیوب  
 کند و بی بیداریدن دین اسلام و شریعت محمد علیه السلام اوزرینه نشود  
 بولش ایدی و اما حضرت رسالت شفقتیله و کجبه و کند و زربسته  
 اولمش ایدی هر دم روز باطنه همراز ایدی و اسرار توحیده و ساری  
 نفوذ و قایق و حیه مخزن ایدی و جواهر حقایق حقه معدن ایدی نفس  
 صفاتی کیدرشدی و بدن هیأت زن ایش ایدی تمام توحید ذات  
 ایشدی و بالکلیه تبدیل صفات ایشدی بقای بقای حق ایدی  
 و وجود فانی مطلق ایدی عجایب کرامات منیع ایدی و انواع سعادت  
 مجمع ایدی خلق خلق رحمانی ایدی و علمی علم سبحانی ایدی و شجاعت  
 وجود ایشد ایشدی و صفات عدالت انده تمام اولمش ایدی  
 حق یولنده مالیدن و جانندن کجشدی و دین مصلحتی ایچون دنیا بی  
 برنشدی هیچ دنیا کربنه فار شماردی و دوعالم مصلحتیه ایشدی  
 اکثر اوقاتده حضور ضلوتده ایدی و کجبه و کند و زربسته ایدی  
 معارف و کربنه غنی اولمش ایدی و حقایق بحریه مستغرق اولمش ایدی  
 اسرار الهیه بی نظیر ایدی و انوار نامتناهی بی نظیر ایدی معیبات  
 استیجاب واقف ایدی و حوادث آئینه به عارف ایدی قواعد جفری  
 اول جمع ایدی و جدادی استخراج اول وضع ایدی و پنجه دبا غایب  
 اسرار ایدی و آنچه دخی اسرار معارفه دلالت ایدی حکمت کله جلدیه  
 لغمان ایدی و معرفت ذکر کرده عثمان ایدی علم بلاغنه شیخ ایدی  
 دفن عربیت اول تودی سورلری جوامع الکلم ایدی و در لفظنه  
 هزار درو حکم ایدی محبوب العارفین ایدی سلطان العارفین ایدی



حق چیستند مدیون می بادی دوست جانان بهیوشی بادی توحید کلانک  
 ماکلی بادی تفرید سلکست ساکنی بادی قدس بواسطت طاری بادی  
 ملکوت ملکست ساری بادی کریم ذات بادی مقبول الصفات بادی اول  
 اول علید که هر معرفت حقیقه لایک معنی آنده در دهر علم خزانه لایک مفاتیح  
 النور در هر کما لک کمالی آنده در دهر صفات افضل آنده در دلائل نسب  
 مبرور در فضایل قدسیه لایک محلی در انوار لاهوتیه به مطلع در واسطه جبروتیه به مجمع  
 جمیع ارباب قلوب خالصه لایک توحیدی گادر و جمله اصحاب مکاشفات صادقانه  
 کشفی آنکه در در دیشک سلسله لایک منتها سیدر و سلوک اهلینک  
 انتها سیدر جمعه اولیای کرامت مشایخی آنده در وزمره مشایخ عظام  
 انت بلی کادر هر شیخ ارشادی آنک هست به در دهر سلک  
 ارشادی آنک تربیت به در حق جل و علی آنک عنایتی سخاوتی دما رحمت  
 قلوب عارفین ده مطهر و تربیتی استجاری بر دم حقایق ارواح سلکین  
 معمر انبویب روح مطهر لایک اناری بر کایتیه ارباب قلوب کوکله ربی دما معمر  
 در دوان نور لایک انوار شرافتیه اصحاب کثوف منازلنی هر وقت بر نور  
 ایدوب ذات سر یعنی هر دم ذات مقدسیده و یا قدسیده نیست و وجودی لطیفی  
 هر لحظه ارواح مجرده لایک منازل مجرد آنده حبیب لایک

و خصوصاً اول نورین از آخرین و نورین نورین در می صدف النور و منجمی  
 فلک النور قرنی عین الرساله و غنی وجه الجلاله شمس سماء البیاده  
 و بدری عالم السعاده در دی روضه الکمال و بجای بوستان اجلال

سیدی شباب اهل کجته

برسی امیر المؤمنین نور حدقه سید المرسلین کوه علم معدن علم



بحر سخا کان صفا در بای جود شریف الوجود صاحب القبه اخضر فی البخته  
 خاتم اکلفاء الراشدین عند اهل السنه فصیح اللسان بلوغ البیان  
 جرى انجان عظیم الشان جلای البرهان قوی السلطان مصحح الفرقین  
 مؤلف الفتنین سبب صلاح الملة المحمدیه منشاء اجماع الامه الاحمدیه  
 شبه الناس بکده النبی افضل الخلق بعد ایه الوصی خلیفه ابن خلیفه  
 السعید الشهد الامین الزاهد ابو الحسن المناقب ابو محمد الحسن بن علی  
 ابن ابی طالب روح الله روحه بالروح والریحان واسکنه فی اعلى غرف  
 انجان اول اول حسنه که پیغمبر کاه او کسده کاه دیزده و کاه الله  
 و کاه او نورنده نبوت حرمده و سالت حرمیده نشود و بولشدی قره  
 عین نبوت ایدی و غره و جه نبوت ایدی مهران سعادت ایدی و ماه  
 اسمان سبادت ایدی صورتی هیبتی ایدی و نظره مهتابی ایدی علی  
 غایت ایدی و گرمی نهایت ایدی پیغمبر محبوبی ایدی و اهل دلک  
 مرغوبی ایدی جان گلزار بهشت طویسی ایدی و جنت کشتارک طویسی  
 افراط اینه زاهد ایدی و نهایت سر غابد ایدی خلافتی کند و برافتی اکل  
 تفرقی دفع ایدی رابنده اینه کوز کدی و اجتهادی اکایتی که  
 است محمدت صلاحی و دوده سی و دینک صلاحی کند و خلافت امرن  
 بر افتاده در و امارت امرن دار کلمده در حسین هرنه قدر که حدی  
 و بن راضی دلم و دیو کشدی حسن ایدی بن صالح ابکن سکا و سکر که سوله  
 و بدن سکره نیجه پیوسته که اینه سکت بکا و ده مدن حکایت ایدر که  
 و بدن روایت ایدر که بتجون دیرش و بنی کورد که سولش که  
 بر او شمشیر سبیل امتن ایکی طائفه بر شپ کرک و بنوک اوجیه



مسئله نردن ابکی جماعت کور ستمه کرک امتم اره سندن اختلافي  
دفع ايتسه کرک ودين امرندن اختلافي رفع ايتسه کرک همين دوده مک  
ديديکي بوقضيه در بويور دغني بوقضه در ديوب خلافي براقدي و معاديه ايله  
برستي اول سببدن اجماع امک شهادتي واحاديث صحيحه مک دلايل  
حق جل شانه عظم سلطانه دنيا خلافي يرينه اکا آخرت شاهلغني و بوجها  
بکلکي بدلي اول جهان يادک بلغن ميسر ايدوب تا حشره دکين روضي  
ارواح مقدره بيله همراز نفسي نفوس قدسه سيله دمساره ايلدي يوما  
نيوما ساعته ف عه درجات تصاعده و مراتب برانیده اوله

يکچشمي سيد ابن سبب ابوالساده الکرام امام ابن امام اب الائم العظام  
اجود آل نبی و اشجع اولاد مصطفی حبيب الدات کریم الصفات مقبول  
الاخلاق و الخصای مرضی الاوصاف و الشاکی محبوب قلوب العارفين مطلوب  
نفوس العاشقين سيد السادات و جمع السعادات نور حقه ال احمدي  
و نور حقيقه باغ محمدی کل کلزار صفا نور دیده مصطفی صاحب القبه المحمدا  
فی الحجة سيد الشهداء باجماع اهل السنة الشهيد الطيب جمع الطرائق و منبع  
المشارب ابو عبد الله حسين بن علي بن ابي طالب روح الله روحه در  
فوتحه اول اول چيندر که اول دخی قار دشمی کبی بیخبرک قوينش  
قولوغنده و ارته سنده قوجاغنده بويوب سراي رالته و خانه جلنده  
ايلدی اخلاق حسنه و صفات مستحسنة مکام فضائل و محاسن شاملي  
آراسته و مزين ایدی سخاوت جوهرينک کانی ایدی و کرم بکرينک  
عفای ایدی سيادت تحکک سلطانی ایدی و سعادت تحکک کامرانی ایدی  
تدريب اخلاق ايتدی و تبديل صفات ايتدی علم شريعه در يابدي



و معرفت طریقتند بهنوا ایدی بحر توحید ده ساج ایدی و جهان  
تقرید ده ساج ایدی فناور بسنده عرف اولندی و تجلیات انواریه  
مستغرق اولندی طلقه انکه کرامت نسبی اندن ایدی و جمیع سادات  
خطا مک انتسابی اکا ایدی زمانه خلافت انک ایدی خطا مخافت ایک  
ایدی امارت اول مستحق ایدی و اول عواده محق ایدی انک اجتهاد ایدی بنده  
ایدی که عالمک صلاحی بونده ایدی که خلیفه اول اوله جهانی عدله طوله دو  
خلفه دخی ایدی ایدی کرکوسی بوئه ایدی خاندی طاعی ایدی عاصی اوله بغی ایدی  
جدی دخی بیخی ایدی سبوسوزی و میخی که بربر دار بهشته غایده بوجه  
ایرتمز اکا اولم سید اولم سید اول و جدن آخر شهادت میر اولدی و اجماعه  
اول سعادت میر اولدی حق تعالی انک نسلی دایم و سلسله سنی قائم  
ایدوب اولاد کرامت کرماتی آتاریک برکاتیه و انبار و انک سعادت  
انواریک اصابتیه جهان بخیمی معمور و عالم یوزینی بر نور نظام نیرعی منتظم  
دار باب طریقتی معتتم نیله

و خصوصاً اول عین مکرین و بدین مؤزین سیدی آل نبی و قدوسی  
دین مصطفوی کوکب فلک جلال و نجمی سماء اجلال عزیزان مکرمان  
مقبولان معظمان برسی سدا الله و اسد

رسول الله معتمد حضرت احمد و عزیزین محمد شجاع مقدم فارس ضرام  
مشهور عرب و عجم مقبول ترک دایم رئیس الشهداء اکرم السعاده و مدین  
حروت شیر حکام قوت ببریشته محاربه بلیک کوه مضاربه روان جسم  
بیکار سر و مرغزار کارزار کل باغ پیروزی چراغ راغ جفان سوزی  
نور حدقه رزحوب و نور حدیقه ستمیر و ضرب محبوب جناب سادات



و مقبول حضرت جلالت ابوالمعاف و المکارم ابوعمارہ حمزہ بن عبدالمطلب  
 ابن ہاشم رضی اللہ عنہ اول اول حمزہ در کتب پیغمبرک صغیری ایدی و محمد بنک  
 علی بنی ایدی و محمد بن غایت سودیکی ایدی و از الریدن تمام استبدیکی ایدی  
 الہاکت اسلامی ایدی و اسلامک پہلوانی ایدی ایمانی دینہ غوث  
 و پرستوی و اسلامی اسلام سوکت و پرستوی وجودی لشکر زینت ایدی  
 ہر حملہ سی عادیہ ہیبت ایدی جمہ عرب و عجم دیوبوب انک شجاعتی وصف  
 ایدہ مرزودی و جمیع رک و دیلم جمع اولوب انک بہا درغندہ مبالغہ اثیرلر  
 ہر دیکلہ انک شجاعتی مسہور اولمدر دینلور و ہر جملہ امثالی قصہ  
 اولمدر سولمور بہا درغنی انواع امثالہ صوقوب سولمور و شجاعتی بیک  
 درلو مائلہ کوسرلر اول اول شیر خرام و ہر ہنگامہ رکیزجیل  
 مؤمنلہ نصیر اولای و شریعتہ ظہیر اولای اسلام صورت اولدی  
 پیغمبرہ قوت اولدی اصحابک زینتی ایدی و دین اولیک رکنی ایدی  
 اول اولیچہ علی بہ بہا درنی دیکدی و اول کیمچیچہ شجاعتہ شہرت بولدی  
 اول اولدیکنہ پیغمبر قنی پنجشدی و اول کیدیکنہ غایتہ اجمیدی  
 حق تعالی انک برینہ علی بہ قوت ویردی و انک بدلی اکا ہیبت  
 ویردی اول و حق نعم البدل اولای و انک برینہ عیدہ مثل اولدی  
 قریبک سروری ایدی و عہدک ہمتی ایدی پیغمبر انک شہادتہ  
 شہادت ایدی و احادیث صحیحہ سعادتہ دلالت ایدی حق تعالی شہاد  
 منازلن اعلا مقاماتی و سعادتہ را تبندن اسعد کراماتی میسرلر  
 و کرجیمی و شہادتہ جرنی علی مراد ہور و الاخصار و تعاقب الازمان  
 و الادوار متوالی و مستدام ایدہ انہ ولی لا جابہ



یکجینسی ساقی الحجج و مستنزل القطر لانا نام و سید سادات قریش  
 فی الجاہلیۃ و الاسلام ابو خلفاء العظام و جد الامراء الکرام المعزز  
 المعظم الکرم المفضل الموقر فی مجالس الاکابر المکرمین المقدم فی الصد  
 علی الصحابة اجمعین عم النبی و صنوابه محترم الناس ابو الفضل عباس  
 رضی اللہ عنہ اول اول عباسی که جاہلیتہ بہن قریشک ادوسی پدی  
 و سلامده وخی اصحابک کرکوسی ایدی پیغمبر اکا اناسی کبی عزت ایددی  
 و صحابہ وخی اول بولدن حرم ایددی اول محبہ کلسہ پیغمبر ابن آرموز  
 ایدی اول بید اولہ سولکن یخوزدی انک قائده قتی سولمزدی  
 جبرائیل بکا بوید دیدی ویر ایدی اول وخی پیغمبری سورایدی عزت  
 بیک اول قدر ایددی پیغمبرک عزتی اکا غور ویر عزدی انک تعظیفہ  
 باقوب بولدن آیرلزدی اول انک کرمدیر بن بنی بلویم اول انک ایددی  
 بن نہ کشیم ویر ایدی مقبول الات ایدی کریم الصفات ایدی مشہور  
 الافاق ایدی مرضی الاخلاق ایدی خلف الراشدین قسندہ اذن  
 عزتو یوق ایدی وجمع اصحاب آره سندہ اذن حرم ابو عبیدی ابن  
 عباس کبی جرک اناسی ایدی و بویجہ خلفاء عظام دودہ سی ایدی  
 حق تعالی انک اولادینک اعلائی اعلام دیندہ سید بیک اجری  
 نوابجہ و اعلان معالم یقیندہ امکلا بیک عزدی حابجہ انک رجنہ  
 متوبات و انک رولہ حسنات ایصال ایدہ

و اذن مسکرہ باقی آل نبیک و عترہ ساداتک و جمع اروج طیبات  
 و کلا ہر انک و باقی صحابہ اخبارینک و اصحاب ابرارینک نفوس طہر  
 و اروج مظہرہ لربہ اول قدر سرائف صلوات کہ رضاب حوران بہشت کبی



مظهر مصطفی و اول مقدار لطیف دعوات که نفحات نسیم ارد بهشت  
 کبی معطره و مونی اوله ابلاغ و ایصال انوار که عد و بهت حب بنی انهدن  
 غیر کی سببیه و اذن صکره جمیع تابعانک و تبع تابعانک و علماء  
 شریعت محمدیه بنک و فضلا ملت احمدیه بنک دائمه کرامات و فقهائ  
 عظامک نفوس طیبه و ارواح زکیده بنه بیک که بیک تحف نجات طیبات  
 و نجه یوز بیک صوف نسبتات نامیات که حسن امام صبا و طبیب نسیم صبا  
 دلالت سایه امان و ز بهت ازهار گلستان کبی تارده و منور و روشن  
 اوله و وصل و موصول اوله

خصوصا اول درت صاحب مذہب چار رکن اسلام و چهار راه  
 احکام چار امام مظهر و چهار جوارح منور چار در و دریای نبوت  
 و چهار جوهر کان فتوت چار کوکب سماء امامت و چهار نجم ملک  
 چار بحر صفا و چهار کوه وفا چار دلیل کرامان و چهار بنیاد بیجا  
 چار بنیاد ملت و چهار عماد امت چار سوی شریعت و چهار دیوار  
 حقیقت چار حلقه سیرای شریعت و چهار امیر خوانه فرج چار مجمع یوان  
 هدایت و چهار مصباح خاندان عنایت چار چشمه زلال معارف  
 و چهار بلبل سبزه زار لطائف چار سر و باغ رسالت و چهار  
 سر و صدر جلالت

برسی سید المجتهدین دارت علوم الانبیاء و المرسلین سلطان  
 الشریعہ بریان الطریقه عارف اسرار قرآن کاشف رموز فرقان  
 شمع الائمہ سراج المائتہ فخر ایاب العبادہ شیخ اصحاب الاستفاده  
 البارع الواع المتع من علمه باعمل النافع علم الفتوی و عالم التقوی



منبع المعارف الربانية ومعدن اللطائف السجانية مهبط انوار الهدى  
 وجمع الكمالات الانسية جامع زهد وعلم ومجموعة کرم و علم صاحب الذهن  
 الوفاء والطبع النفاذ والفكر الصائب والرأى السائب حافظ قرآنة  
 القرآن الکریم وصاحب روایات سنة الرسول علیه افضل التسليم عالم  
 المعقول والمنقول وامام الفروع والاصول مستخرج قواعد الاحکام وافی  
 مبانی الاسلام سميع انوار اجتهاد ودرج خاتمة استنباط امام المکین  
 حجة الحق علی کلن اجمعین اما عظم ومقتدای معظم مولانا  
 ابو حنیفة کوفی نعمان بن ثابت بن رطلی رضی الله تعالی عنہ  
 وعن اجداد المجتهدین وعلامته ائمة الدین ومن فی مذہبه من المؤمنین  
 اول اول امام که احکام بناسنی اول حکم ایدی و استنباط اسنی  
 اول مستحکم ایدی قیاس کنشی اول تشبیه ایدی واجتهاد و بسنی  
 اول تأکید ایدی اصول قواعد بنی اول بسط ایدی وفروع احکامنی  
 اول ضبط ایدی دین اویسه زینت ویردی و شرع باعنه بهجت ویردی  
 عالم خلقته نظام ویردی و شریعت محمدیه انتظام ویردی امتنه  
 سراج اولدی بکشوریه تاج اولدی جوهانه اول مقتدای اولدی  
 وجهان انکله هدی بولدی جهل امواته حیات ویردی و دل خسته لپنه  
 نجات ویردی علوم دینی بی جنب ایدی و قوانین شرعی بی اهر ایدی  
 جان روضه صفا ویردی و سینه فضا صفا ویردی طایفه  
 صراط مستقیم قودی و استنبذه طریق نویم قودی نقی بنایک وینده  
 قواعد قودی و احکام ادرکات استنبذه ضوابط قودی استنباط  
 طلب ایزد یون پنجم انکات رت ایدی و استخراج استنباط یون



آنچه دلائل و دلالت ایدیه جهانده بر مذاهب تودیه که دین الهی است  
 اگر تری کامتا بعت ایدر لر و عاقله بر قانون وضع ایدی که آنچه سلاطین  
 کردن کنان اکا اطاعت ایدر لر حق تعالی مذهبه نکران اکتات  
 طاعتی مناسجه حیات و طریقه سکوت ایدن ملک عبادانی حیات  
 متواتر است روح معظم در وان مکرمه و صل فلوب تا دنیا طور و نجه  
 مذهبی دائم و قیامت توجیه طریقتی قائم الیه هر دعه صد ههزار  
 قطره غمام اکر ام و هر فده نجه بیک نفعه مسک آسای غیر فام است قلب  
 منور و قالب مطهرینه نتا ر ایده بمه و کرمه

یا بختی امام نانی بحر معانی سبانی غایات بدیع الایات کت و مشکلات  
 القرآن العظیم حلال مفضلات کتاب الکریم ناصب رایات التدریل  
 کاتف فناع مخدرات المعانی لتفسیر والتأویل علم الهدی علامه الوری  
 و جید عصره و فرید دهره امام المسبین محی الدینا و الدین امام معظم و مقصودی  
 مکرم ابو عبد الله مولانا محمد بن ادریس الشافعی رضی الله عنه اول اول ایدر  
 بوجه مجتهدینه اول دخی فلیمر اولدی و شریعت حسابنه اول دخی  
 نصیر اولدی احکام دینه بی نابید ایدی و مسائل اجتهاد دینه بی تجدید  
 ایدی دین امرینه اول دخی فنی جاسدی و احکامات احکامنه  
 محکم دوشدی دنیا کت اول ده برکتی ایدی و جهانات اول ده  
 برزینی ایدی شریعت عالمه صفا دوشدی و علم کلزارینه بجهت ضیاء  
 دوشدی اصول باعنی اول ده احیاء ایدی و شرع قوانین  
 اول ده اجرا ایدی دنیا کت اول ده برزوی ایدی و جهان  
 کلمات برزوی ایدی جهانده اول دخی بر مذاهب تودیه که



اکا دخی بونجه مایخ وادیا اندا ایدی و عالمده اولدخی برطریق  
 سلوک ایدی آتی دخی نیجه کل اصفیا ارتضا ایدی حق تعالی آنک  
 دخی اجرینی موفور و عینی مشکور ایدوب همت برکاتنک انوار بله  
 مذهبده اولان عالمک کوکلری خانه سنی منور و غایبنی سیمک  
 آتاریه طریقن اولان عارفک دل جانری و غنی معطر ایدیه  
 ابوحنیفی امام المدینه و صاحب السکینه سید الفقهاء و المحدثین و استاد  
 الائمة المصنفه بین ناصح الحق و متقلب الحق مغرر السلاطین العظام مرجع  
 اختلاف الکلام زین ابابعدی و قدوه صحاب فتوی امام المسلمین جهان النعمه  
 والدین ابو عبدان مولانا مالک بن انس بن ابی عامر الاحمدی رضی الله عنه  
 اول اول مالکدرکه ملک دینه مالک ایدی و مالک سرعه مالک ایدی  
 علم حدیثده اولو ایدی علوم دینه ده بلو ایدی سسک نصیحه  
 غایتده اقدامی و ارایدی وروانک تفحصده تمام ایهامی و ارایدی  
 اول کتاب که حدیثده معتبر اولان آنک صحیحی ایدی و شول اسناد که  
 زمانده مقبول اوله آنک نصیحه ایدی اکثر مجتهدینک اسنادی ایدی  
 و امام شافعیک اصلی آنک بنیادی ایدی هم عالم و هم زاهدی  
 هم عارف و هم عابد ایدی سلاطین جهان مقوری ایدی  
 امیران زمان ماموری ایدی ناصح عالم ایدی و مرشد بنی آدم ایدی  
 محدث آفاق ایدی مذهب الاصفان ایدی حق تعالی آنک دین امرده  
 سعیه کوره آخرتده جوارر و اول بولده رحمت کوره جسته صفالر  
 میسر ایدوب دواعی شریعه روحدن امداد و صفار بلن اهلک روادن  
 استمداد اکبرک ایتیه .



در نجیبی امام رابع و عالم دارع فخر المجهدين سيد الفقهاء والمحدثين  
 فخر ارباب صفا و قدوة اصحاب و دفا جامع مكارم الاخلاق و مرضي السماوات  
 في الافاق منبع المكارم والمناثر و مجمع المعالي والمفاتيح امام المسلمين  
 و تمس الدنيا والدين ابو عبد الله مولانا احمد بن محمد بن حنبل بن حنبل بن حنبل بن حنبل  
 اول اول امامه كه فضيلت معرفت كمال زهد ايله محلي و حسن علم زبور علمه  
 محلي ايدوب دين امرنده افراط ايله مقتصد و حق يولنده بي حد مستعصب  
 شرح نبوي احكام سند غايته جري و حكم شرعي امضا سنده حد سرفروزي ايدى  
 هر علمنده و ائم غريمته ايترودى و هر ايشه البت اولاسن كوزلردى خفته  
 رخصت و ير مردى خلقه فتوى و بر سر ده كنده ايتلمه دي قرآن عايد ر  
 ديوجبر ايتير و بو يولده هزار درون جرات ايتير هر نه ايتير سه ممكن اولوب و  
 ضرورتده رخصت و ايكين سويلدى اول سبيلان حنبل بلا حيكدي و اول  
 اوجدان بي حد جفا كوردى قصه سي تواريخده مذكور در و تقصلي حكايته مشهور  
 حق تعالى قبا مشته رحمتي مقابله سنده راحته و جفا سي چرا سنده ضغنه  
 مير ايدوب جنت اعلى ده بجني جمال ايله مسر و معظم و خطاب تكليمه  
 مسرت و مكرم اعيه بلطفه و كرمه

و انذن صكه با في اصحاب جتهاد و ارباب استنباط ارجح مطهره  
 هزاران هزار درود و تحيات و رديته التسليمات و غيرة التفات  
 و دين بانه سعيليه كوره اضغاف مضاعف حسات و اصل اوله  
 و جمله علماء احاديث نبويه و صحاب سنن مصطفويه و ناقلان اخبار  
 و راويان انارك ارجح مقدس بني انوار الفاظ و در بار محمدية ايله  
 منور و شمعات نفحات انفاس حمديه ايله معطر اوله



خصوصاً ایچیدن سول ایکی مصباح مشکوٰۃ سنت و ایکی جراح خاندان  
امت ایکی شیخ ابدان صفا و ایکی کوکب نور مصطفی ایکی معدن جواهر  
کلمات نبوی و ایکی منبع زلال معارف مصطفوی ایکی جامع احادیث احمدی  
و ایکی مجمع سنن محمدی ایکی رکن دین و ایکی عماد مسلمین ایکی در بحر عت  
و ایکی نجم سماء دولت ایکی قندیل جامع شریعت و ایکی فستیه جراح حقیقت  
ایکی مرشد ملک دین و ایکی هادی معارف یقین ایکی جوهر کان  
جلالت و ایکی جوهر معدن رسالت

برای سید المحدثین سند الاولین و الآخرین امام اکبر علی الطائی  
شیخ الرواة بالاتفاق فخر الزهاد و قدوة العباد زبدة ارباب البیوع  
و التقوی بین الانام و طبیب علل احادیث النبوی علی السلام صاحب الجامع  
الصحيح المأثور و جامع الکتاب الکبیر المستهور اعنی الامام الاحمدي و شیخ المکمل  
ابو عبد الله مولانا محمد بن اسماعیل البخاری شکر الله علیه فی الاسلام  
دبوا منزله فی دار السلام اول اول شیخ حدیث که کتاب اللمهدن صکره  
ادونه حق کتاب ملک کتابیدر و اول اول مبارک نفس که سوره دن  
مفاصل یرینه آنک ابو ابدر عمری احادیث نبویه ملک تذکار یله در ذکر کاری  
کلمات مصطفویه ملک تذکار یله هر خط سنی احادیثک تصحیحی مکرر ده دهر عتی  
سنتک سناده جلیستغنی کجند حدیث اخر نه بعضی ایدش  
ابتدای یکم اولین و آخرین اول سعه انصاف ایدر دست چپاکنده  
بر جلیستش جلیدی که متقدمون و متأخرون عجز زین عتراف ایدر  
بر کتاب کتیردی که ارباب صفاء طوبیت و اصحاب خصوصیت تجربه اینه  
بولشکر دیکم هر نه بیت ایچون که ختم اولنه میسر اولور دهر نه مقصود ایچون ادونه



مقدور دلور برخسته ایچون که اوقونه صحت دیرد هر عاجز ایچون اوقونه  
قوت دیرد هر درده شفاور و هر مرضه دواور هر بلایه قاتلان اولور  
و هر قضایه قارو طور حق جل و علا آئی آخرت بلالردن امین و روحی  
مقام اعلا ده کلین ایده حشرده یخبرایله حشر اوله و جنت یخیزده دخی

بیله اوله امین

ایچنجه سی امام نانی نالان احادیث اخبار نبوی و شیخ نانی راویان  
سن و انا مصنفوی عمده اصحاب سرعت و مقبول ارباب طریقت در  
بحر جواب رسالت و درمی سماء عالم جلالت صاحب الصبح النانی امام کامل  
و شیخ فاضل البکین مولانا مسلم بن ابی حاج بن مسلم القشیری السبوری  
رضی الله عنه اول اول شیخ حدیث که جامع بخاریدن صکره کتاب همین  
انک صحیحیدر و اباب حدیث آره سنده بخاریدن کیچیک مقبره انک  
نصیحیدر اول دخی حدیثه ابی جاسم سدر و شیخ اکبر قوموب  
دور شد در احادیث نصیح انک و سنی تفتیح انکله و سنانیدن  
اخراج انکله و روانی استخراج انکله تمام سر الطنی کور شد و هر نه کرکسه  
ایشمدر اول سبب ندر که انک نصیحی دخی محبوب اولدی و انک  
کتابی دخی مرغوب اولدی شیخینک بری اولدی و جمیع قوبده بری اولدی  
حق تعالی انک سبعین دخی برینه هزار ایلکله مقابله و جمیع چون آخرت  
بیک در لوح حسن معامله ایدوب کتاب کریمک برکاتی انا ربی و عجایب  
انوار پی قلوب اهل ایمان دن قیامته و کلین اکبر استنبه

و اندن صکره باقی اصحاب حدیث و سنت و علماء دین و ملت و شیخ طریقت



و فضلا شریعت از روح شریفینه هزاران نیت و انواع تکریم و رحمت  
در صدد اوله

خصوصا شول از باب قلوب طاهره و صحاب و لایات ظاهره که دل ملکات  
سپهری و درون و لایات با دست سپهری سینه سپهری و سرور  
و روح عکسینت سرشکر لری جان خسته سنگ طبعی و خود طبعی  
ایدهای ظاهر و صورتی سپهری و معنی عالمات سپهری حق استند  
و جبر لری طریقت اهلکات معتز لری عشق جا مانک سر خوشی دوست  
جامانک سپهری است سرانک مستی نیست عالمات سپهری  
جان مجسمات سافیدری فنا ملکات با فیدری کوکل صحرانک سپهری  
عشق میکند سنگ سلطانری حق خرابانک معور لری دوست غصه سنگ  
مسرور لری قدس بانک سافیدری کوکل کعبه سنگ عابد لری  
ملکوت اقیانوس سائر لری جبروت هواسنگ طایر لری قدرت ملکات  
سافری عزت حرمات مجاور لری ملکه جوهرات سپهری فلکات خاکست  
جلیسری سما سپهری سرفراز لری سعادت ساعدینک شهاب لری  
صفایکستانک کلری و نابوسانک بلبلی حقیقت بحرینک  
سباحی طریقت برینک سیاحی حق جوامع سنگ دل سپهری و برون  
آزادک و سپهری شریعت یونک ناصر لری و حقیقت بوزینک نظری  
تغیبه کوکلک پیلر لری و توحید سپهری و سوز لری دل روضه سنگ  
طوطی لری و جنت جیندینک طوطی لری معرفت کجینک و پیر لری  
و علم شهرینک خانه لری وحدت دگرینک غواصی و مالک الملک  
حرمات خاص لری قدم اقیانوس سائر لری وحدت ملکات طیار لری



حکمت فلک آنقا بری و قدرت سما سنگ ماه تابری صد صیفه سنگ  
 صدری و دل کش سنگ نورری جان ساقه لریک هادی و تن  
 ناله لریک هادی کوکل خانه سنگ جواغری و عشق جواغری غلری  
 عقل الیک یغما جیلری و جان براتک تمغا جیلری دل منسوبک  
 منبیری و کوکل کتابک محسیری غم میدا سنگ فارسری و غم  
 صحرایک هم سیری همت تو سنگ زامیدری و غیرت حاسک حامیدی  
 جد آتک رکبیری حق منزلک طالبیری عشق دیاسک در دانه زنی  
 و شوق اددینک بر دانه لری محبت در دینک آواره لری و مودت بود لریک  
 بیچاره لری بوقلمون سرایک کتب لری و عدم شهرت یک باغری و غم باغری  
 خردار لری و دوست بدینک سبکبار لری علم کوهر یک صرغری یقین  
 اسرار یک کف لری معارف جوهر لریک معدنری عوارف کجینه سنگ مخزنری  
 لطایف جسته لریک منجیری و حقایق دگر یک مجمعلری ریاضت کوسه سنگ  
 خلوق لری بوکرت عالمک و حدیثری وجود الیک تار شجیرری و ازل  
 مطنخک آنجیلری دل خانه سنگ هادی و تن لذتک عادری حق  
 عسک حاکم لری دین الیک خاقلری ادوب هر بری بر کوسه غزلده  
 ظاهری فقر و مفاده غاده ادوب کوکل سرایک تخنگاه و جان مصرنه باگاه  
 ایدوب روح عسکری بنی اسرائیل دار خدم و عقل تو سنی قوم موسی کبی  
 حشم ایوب نفس فرعوننی مقهور و قلب موسی منضو و صلات  
 با مانی ذلیل و نابکار هدایت هارونی و وزیر دکا مکار ایدوب و ساس  
 نفسانه لشکر بنی فطیل دار وادها م سبطانیه لشکر بنی مطروود و خوار  
 قناجر نه غرق و عدم دگر بنه مستغرق فیوب مونوا قبل ان توفوا حکمیده



نوای جوانی بی اولدیردوب و مرده نفس نه بی سکربردوب سہوات  
 آرزو لر بی قویوب و طول ایل ایلدیرنی اوزدوب غضب قاجیلرین آتوب  
 و صد طمرک کسوب طمع کوزینی یویوب و عداوت الی یویوب ہوا ہشد  
 آجوب و دنیا فضا سدن کجوب غرت سرائی یقیوب سید ویردوب وجود  
 بنیستی باجوب بیلہ ویردوب دنیا سرائیہ اینا نمویوب لذت سرائیہ آلد انمویوب  
 نفس غزورینہ طیانمویوب بدن سرورینہ کوردمویوب بوضورت اراپ شہ  
 بانمویوب و بوظاہر الایستہ بانمویوب حرص بولنہ یلمویوب نفس بد بکنہ اویمویوب  
 عمرہ بقا صانمویوب دنیا بہ ال صونمویوب ہمین کندوی اولش بکوب اموات برینہ  
 تتریل و تصور ایدوب و بوعالمی ہمین کندویہ برزخ رینہ فرض و تقدیر ایدوب  
 یا تدبیری بری کور و کندوسی کور حیاتی مات وجودی وفات تنی تراب  
 اعضا تنی خواب فوسنی سافط قوتی فاقد صد رینی قبر سینہ تنی سین  
 فکر ایدوب ہر ساعت کوکل کوزینی آجوب و عشق چامدن ایجوب جان باغنی  
 روشن و دل محبتی کشن کوکل ایدوبی فرج دشت دان و روح ملکینی معور  
 و آبادان ایدوب دل تخت کاہنی پاک و بدن جہنمی جاگ ایدوب یکی جہانی  
 ہیچ صانوب تن طرینہ بجلی یہ جیوب کوکل صحرانہ تاشیہ داردوب  
 قدس ملکنہ جولان ایدوب غیب عالمی سیران ایدوب سیمخ اللہ  
 پر آجوب عطا کبی فادن کجوب جامع فی یا ملاق ایدوب جلیہ بی  
 قیتل ایدوب ظاہر کوزین بوضورت عالمندہ کورینوب معنی یوزندہ  
 غیب قیمندہ بولوب چال غیبہ ہزار و نفوس قدسیدہ ساز ادوب  
 طی ہر دہ فقر و باطن شہ ہر صورتیدہ رعایا و معنادہ پاکش ہر  
 بولر سرفرازان کوتاہ دست بزرگان خود و بلند ان سبت



بولر نامدار آن کم کرده نام      بولر کما مکاران نا دیده کام  
 بولر بخشیاران بی بخت و رخت      بولر با جداران بی نا ج و تخت  
 سلاطین نشان خلوت نشین      اقا لیم کیدان عزت کرین  
 منازل شناسان راه عدم      ترسم نوازان برسم قدم  
 ولسلان کسراه راه خدا      چراغان نور دل مصطفی  
 عمارت کنان سرای صفا      ولایت کنان جهان دفا  
 صفا دادکان کلستان دین      آرایش کنان جمال یقین  
 کوکب شناسان برج اعلی      جواهر فروزان درج اعلی  
 صبحی کنان شراب است      امیران مأمور و شباز و مست  
 قدس سره ابراهیم دافض علی العالمین انوارهم و مسع  
 المسلمین بشاره احیایم و موتهم و ادام علی الانام برکات  
 محاسن بیاتهم حق تبارک و تعالی دنیا طور و فیه انلک هندی  
 اناریه عالمی معمر و روحانیت لری انواریه جهان یحیی بر نور  
 نظام لری سبیل بری کوکی منتظم و دعا لری برکاتیه بنی آدم  
 مفتنم و جود لری لغتیه جهان طوبی لغت و دانی لغت و سرفیل  
 عالم خلقیه حجت ابدی انلک سبیل هر دم مواجب رحمانیه  
 و انلک وسط سید هر نفس عوالت سبحانیه انلک یدندن دما  
 اعداد رجوبیه و انلک استیکندن هر وقت فیوض ربانیه نوع  
 انلک دندن اکسبک اولیوب ارباب قلوب قلبیه صفا باطنیه  
 صفار و صهاب کثوف سر لریه نورانیت روانه دندن صبا لری محلی  
 ایش کوکله آینه جهان نال دندن نفوس غیب و مریک ولس خاطر



ارواح مطهره لرزیدن علوم لاریب منواته و منوالی فایض و دھل اوله  
بمنه

خصوصا یکجہ لرزیدن سول ذات مطھر کہ زمانہ قطب اولش ملک  
قلبی اوکندہ و سول روان سوره که دوکونی تمام ایدر جرح طوبی  
اوکندہ سول وجود شریف کہ جہان باغنه زیب و فر ویرش  
سول عنصر لطیف کہ عالم عناصره زیور ویرش سول روح پاک کہ تن عکاسه  
آرامش سول صفات کہ نفس صفاتی آیتش سول بشر کہ بشر بدن فنا  
بولش سول فانی کہ ینہ حقہ بقا بولش سول مردیہوان کہ شہوت بجزیر  
ادیش سول شیر مردان کہ نفس از دہاسنی باہش سول چل خلت فوت  
قیمت اولش سول یوسف سیرت کہ کوکل مصرینہ بادش اولش سول  
سوی صفت کہ نفس فرعوننی غرق تیش سول کلیم حیت کہ طبیعت عجبی حرق  
تیش سول مسیح دم کہ ہر دم جہل امواتی جہا ایدر سول عیسی نفس کہ  
دائم کوکل مرصڈینہ شفا ایدر سول مصطفیٰ خو کہ لطفی عالمہ ایش سول محمد  
خلق کہ خلقی خلقندہ شومش سول بایز بدقت کہ عافہ سرور اولش  
سول جنید بان کہ زہادہندہ مہتر اولش سول عارف ربانی کہ علمی ہمین  
علم حق اولش سول ساکت نورانی کہ آیینہ وجود مطلق اولش سول  
عاشق صادق کہ معشوق ضامی ضیا اولش سول محب موافق کہ محبت بوندہ  
فنا بولش سول عالم عامل کہ شریعت تختہ سلطان اولش سول شیخ  
مرشد کہ طریقت اہلنہ خان اولش سول صوفی صافی کہ صفا بحرینہ غرق  
اولش سول عابد زاید کہ عبادت نورینہ مستغرق اولش یعنی شیخ  
فاضل دمرشد کامل منبع معارف الہی و محرم راز صبحکامی جمع حقایق



وستمع وقابض معدن العلوم الروحانية وينوع الاسرار البجائية المنسوخ  
 عن الحياكل الناسوبية المتوصل الى السججات اللاهوتية محيط الانوار القدسية  
 جامع الكلمات الانسية فخر المحققين ونبذة اللدققين سلطان  
 العارفين برهان العاشقين محي السنة فامع البدعة الداعي الى الحق  
 حجة الله على الخلق مدافع المعصبات الدينية حلال المسكلات البقية  
 امام علمي الشريعة والطريقة كاشف غوامض اسرار الحقيقة قرّة عين  
 اوليا ودعوة رومي صفيّا نوشده كاشف عرفان يوسفه لبس غفران  
 وارادويه معارف فارادائيه لطايف سوخته سجات جلال  
 اموخته تجليات جمال مظهر دلايت حمديه وارث علوم اخلاق نبويه شمس  
 سما تحقيق ومهر آسمان تدفين سرور هسل هدايت سلطان سرير دلايت  
 مقصد اي سالكان ملكات دين بيواي مالكان حاكك يقين  
 جسم كل از سر لغت باران سره زار طريقت اول كعبه علم اول قبله  
 ومع علم اول صاحب يقين في كان اول خلوت نشين في استان  
 اول شمع محافل عاشقان اول صبح سبستان صادقان اول مبارز  
 ميدان مجاهدت اول محضر بان مشاهدت اول كامل كارگاه هدايت  
 اول كامل بارگاه غنايت اول صباح باديه تفريد اول صباح بحر نوحيه  
 كوهر نايك دين دوايت زبورث هدايت علم امانت مشرق انوار الهي وحرز  
 اسرارنا نهاهي محبوب ارباب قلوب محرم خلوت خانه غيوب دين كوكبات  
 ماهي شمع اقيمتك ساهي روح عالمك نوري كوكل بهار ينك نوري  
 سرعيت باغبات باغباتي وحقيق سره ينك يسباني جان يسبيك  
 جان جان ملكات خاني شيخ ياي وعالم صداني صاحب الدفن الصفا



حضرت شیخ ابوالوفا ابن الوفا لازالت الدنيا معمورة ببركات آثاره  
والاخرى مرغوبة بانفاضة انواره

شیخ عالم آفتاب اولیاء  
شیخ هفت اقلیم و قطب العالین  
قدوة ارباب مملکین و بفا  
دلواری طایبان جان کداز  
کعبه تخفیف و قدس اصطفا  
شهنسوار عرصه میدان راز  
رحمت عالم دل آگاهید  
سککان دینه سنا و امثال اول  
آب حیوان قطره بحمد دلی  
چون سمنده هستی جولان آور  
اول محمد سیرت عیسی قدم  
جان پاک معدن صدق و صفا  
یا یکی کوزد لک نور می ای کوکلک سروری با شمرک تاجی اهل دلک  
مرا جی کوکل خانه سکک ضیاسی دل خسته سکک ضیاسی درو اهلک  
ایسی عشق آواره سکک طبعی بول استسکک و لیلی دل تحسکک خانی  
دیسنه سربینک سلطان جان غمینکک بناهی کوکل شهرینکک شمعهای  
جبریت و کزینہ غرق اولانکک الن لکچی صلالکک و دیسنده قالانی فالذبحی  
آزمشده بول کوسنہ بچی آذ ایسنه بول کوسنہ بچی طابدری اکر کویچی  
ایسنه مدن بولدریچی شیخ و بینه ایریچی دوست و بینه پیشچی



بزمینه سید برنجی کورینه کور دیرنجی طایمانی طوبی و دیرنجی ایچمنی نایرجی  
 حق سرائیک فایو جیسی کوکل اوپاک فایو جیسی ای متدای جیسان  
 ای مقبول انس جان ای شیخ عالم ای مرشد بنی آدم حیرت و کزین  
 عرف اولدم بنی آدن سن قوزار دنیا الیشتنه مستوف اولدم ایچدن آتی  
 سن حیفار شونت طمانی ایچم طیشم آلدی دنیا هواسی طاهریم طلم  
 طردی ایچمه براد وار آقده دن کوردم کاه ایشد کاه سورینور بوکله  
 برود وار بر بو جاقده طویش کاه یز کاکوینر نه بنی پاتوب افدا ایدر و نه  
 بالکلیه برغوب شک ایدر هر بیل اوماریم کیم کله سی بیل صلاحه کلیم  
 هر عایقی فکر ایدر که بوکیدیچک اصلاحه کلیم اما غر آیز قی عالم بدتر ایدر  
 کون کله که عواقب آرتار اولدی بکیتلکده هو آرتوغنه عشق دخی خودی  
 بیرلکه شونت اکسب ایشه کاهلک آرتق اولدی بنفس که فرق بیل  
 راحته ادر که قحان ریاضنه رضا دیر بر کوکل که ایچم طیشی هوا ایدر طوله  
 قحان خلوتده صفا بولور هیچ سلیم که نیلین هیچ فکر ایدر مزم که نیجه  
 ایدرین بکا مدد ایت آواره قالدیم بکا جاره ایت بیچاره قالدیم بکا  
 عنایت سجانی اره دیو اومارم آه اگر ایزر بر وقت توفیق ربانی  
 تبه صاندم واه اگر بیشتره و آبی تم حاطه اگر بو حالده قالدیم طوبران  
 بیلو که اگر قالدیم اگر سندن مدد ایزر ایشم سیدی داکر لک  
 دستکبر ایزر بکم سیدی بریج دستک که عالمه حیات دیر رسک  
 دیر بن فوکه دخی بر دکت ایشنه بر عیسی نفس رسک که هر خسته به نجات  
 دیر رسک و قیدر که بن خسته به دخی نفسک ایشنه عمر دن بقیه و کین  
 پیش بکا بو حال ایه اولدن ایش بکا جودک دکر نی ججه نه آقدی



نولر بن کمره بر فطرده ایریسه مهرک کونشی عالمی طومدی نوله بر ذره به  
 بر سقده نیسه مقصود محبت ایسه ایسه کوکل قشکده هرا ارادت ایسه  
 ارادتم انکده اگر بجا ریاضت گرکسه ریاضنه همت ایست و اگر بسند استغفار  
 ایسترسک استغفاده مددیت اگر کوکلده جلا گرکسه کوکل با سنی سن  
 آج اگر قنبده صفا گرکسه صفا قابوسک سن آج اگر دنیا بی رتک گرکسه  
 سن بی رتک ایته و اگر کوکل ادی باک گرکسه سن کوکلدن کینه کوکلده  
 معمار یسک بیق کوکل می سن باب اخت بام سکا بدم هوا قیوسک  
 سن باب دل خنده بی تم علاجی سنک قشکده کوکل مجروحیم مرهمی  
 حضرتکده مرض نه قدر ایسه طبیب حاذق اویق شفا بولور درد قدر  
 اوکمره حکیم استاد ایلچن دوا بولور دمد همت کرک سنابعه  
 غایت ایردی دله و قدر اقلدم کرک باشه هایت تیزی دله و طرک  
 و اگر بدم اورسک دله دیگت ادرسک و قدرک و اگر برفس  
 ایسهک ایسه دیگت ایشرسک نوله بر دکده بون بنده نی  
 با دایسهک نه وار بر فطرده بر صینق کوکل آباد ایسهک نه وار  
 رحیمسک خلق رحمانی سنکده کریمسک لطف ربانی سنکده  
 ایسک رحمت در جملده اناه وجودک نعمت اولدی ضایع عامه  
 جھان لطفی قبول لطف اسبری قیو کده بنده اولمدر امبری  
 ایر لطفک نسیمی مرده جانه باقار رحمت کوزی عاصمی لانه  
 نوله بر کرک نظر بن قوله صالکسک نوله لطف پیوپ کوکلومی آکسک  
 بنی قور نار بوسک بو بلادن خلاص نیسهک بنی سند هوادن  
 بیر قسم دنیا فکر بنی بن الدن الیم آکسک جیبارسک اگر ی بولد



الا ای شیخ کامل مرشد حق  
 حقیق چون که وجود کدر ایلیده  
 سکا کشیدیم ایدن نگریمی ایچون  
 سنی حرمستو قیلان حرمیچون  
 سکا عشق ویرن حق عشقی ایچون  
 سکا بود قدر ناک سکرانه ایچون  
 بنی آل وهشم شیطانی لندن  
 بنی شیطان لعینه غالب ایله  
 ایچیدن سن جیقا غل کائناتی  
 بصیرت کور بنی سن آچوب کل  
 وجود می توغسل حق لونه سنه  
 الکرده چون سنک اکسیرک ایله  
 چون اوله کبریمه کیمب دان  
 الکرده ور که بر تدبیر ایلده سنک  
 اگر دیر سه ک دیلک سویل بو نوری  
 طلبده ایل سنک علامت بویه اولمز  
 جالی شیر سنک طور وب دنیا ایشیده  
 بو سنکله دوست فکری نجان اولور  
 طلب اهلی طلب فکر نکرده کارک  
 جوایم بو که حقد ر نه که دیر سنک  
 بنم ده اودو یغشم بودر که سندن

الا ای قطب عالم شیخ مطلق  
 کیمجه کوندوز سجو دکت در اوکند  
 سکا تعظیم ویرن تعظیمی ایچون  
 سنی غرتو قیلان غرتیچون  
 سنک اوسکنده ایله حق ایچون  
 سکا بول کوسر نر جانی ایچون  
 بنی قور ناز بود سوسه بولدن  
 دونو کون حضرت سنک لب ایله  
 یوغسل بدن کیدر کل بوصفا  
 بو طاهر کوزه طور یاق صابویر کل  
 سیر بر کیمزدن اوکدن بنی سینه  
 زر ایشکده نیچون نقص برک ایله  
 اولور خاک ایله معدن آکاکدن  
 بو بن خاکی تمام اکب بر ایلده سنک  
 ایچینده هیچ کور غر عشق سوزی  
 حرد ایلده سنک اراده بویه اولمز  
 ایچک طوبطولو دنیا نئو ایشیده  
 بو وجهله حقه وصلتمی اولور  
 حق ایلده سنک دکر نکرده کارک  
 بنم ده چهرم بودر که دیر سنک  
 که آراسک بو حالی بن توکلدن



بنی کریم حق طلب ایده سکت  
 جکه سکت جذبه ایله حقنه سن  
 بلور سکت قلب ایستی حقت الله  
 حقت ده دیله کی خاص قولنده  
 دیله کسم بودر که دیله سکت  
 بنی لطف کله دایما یاد ایده سکت  
 بنی اونو تمیه سکت سن دکن  
 کریم اولان ایستی دایم کریم  
 نه ایست قیدم که بن کا طیانم  
 همین حق عفوینه در اعما دم  
 امیدم اولدر اولم دنده  
 عنایت یتیمه سندن بولوله  
 شود ده که نفعدن قالد بر دم  
 جهان یکره سنی حق دایم نون  
 جملکجه جهان باغی منور  
 هو اک ایله کوکل صحرا سی روشن  
 همیشه فیضک اوله خلقه سایل  
 آتین یارب العالمین

الهی سؤل مقربان سده جبروت کمال قربت یون الهی سؤل  
 محومان جرم جلالتک دفر جبروت یون الهی سؤل اولیا و کرامت  
 کرامت یون الهی سؤل انبیا و عظامت عظیم مقرب یون الهی سؤل



جهاک بخینه هاشم اولان کورلی یون و سول جلاک هیبتله  
 مد هوش اولان کوکلر یون سول و صاک زلاله معطس اولان  
 بکمرلی یون و سول فراکات استیله کیجه کوندوز یانلی یون سول  
 بادیه سنک سرگردان یون و سول محبت بادیه سنک حیران یون عشق  
 میکه سنک سرخس یون و اول آسمانه مک بهوش یون بیکه  
 فنا بولان و جوی یون و اول فنا بخینه اولان سجدان یون بوقلمون  
 دوستوب غرق اولان یون و اول بوقلمون بخینه کنه دارلق بولان یون طریقت  
 اتی سربعت قاجیسی به سورن یون و حقیقت یون پی معرفت کوزیده کوزنر  
 یون هرده حق فکرنده اولان دلی یون و هر نضده آنک ذکر نده  
 اولان و دلی یون الهی سول نفس یون که نفس قدسیله انیس اوله  
 الهی سول روح مقدسه یله حبیب اوله الهی سول جان یون که  
 جانان یله نهان اولس اوله الهی سول تن یون که دست بولس  
 جان ویرس اوله الهی سول جهاک کعبه سنک حاجیدک که و صک  
 عیدینه قربان اوله الهی سول نفس جها دینک غازی یون که مرد  
 صفدر میدان اوله الهی سول بولکده باش دیرن عاشق یون که  
 وجودله عدم اکایک ان اوله الهی سول محبتله محکم اولان صادق  
 یون که ایکی جهانی ترک اکا آسان اوله سنک غیر کنن بولکل  
 خانه نی بک یله دندن غیردن بری بی بک یله اول قلوب  
 موزه نک آسراق و ضیایله ایچر طیش منورایت و اول ارواح  
 مطهره نک نسیم و کت سبله دل و جان دماغنی معطایت بو خراب  
 اولس وجودی دایم انرک وجودله زنده ایت و بو قراکلفه قاش



کو کل نمی هردم آنرک سمعیله تا بنده ایت بو حیرت فاش دانه کرک  
 آنرک الیه الن طوت و یو بول بول بیجا ره کرک لجانده قیله قولن طوت  
 بو ضعیف بنده کرکه آنرک همتن رضی ایت و بو کینکار قولکرکه آنرک  
 شفا عنتی یغین ایت هر وقتنه آنرک دعا سندن اعداد اکیک ایچه  
 و هر فنده آنرک نوحه سندن استمداد الکیک ایچه آنرک عمره محبتنی  
 دایم سینه بو سناش مدام ایت و آنرک شجره ارادتنی همیشه کوکل  
 کل تاننده میستام ایت اول عمره نک حلاوتنی جان خداوند دایم ایله  
 و اول شجره نک طراوتنی تا ابدی قائم ایله اول عمره نک قوتیله جانی هر دم قوتیله  
 قیل و اول شجره نک طلعه روحی مدام راحتیه قیل آفریده نفسی آنرک  
 و میله ختم ایت و صوک و قنده توحیدی آنرک همسیره ستم ایت جانی  
 سندن آنرک عشقی بواسیله کید و روحی سندن آنرک محبتی صفایه  
 بیچار آنرک ذکر ایله اول دمه سیطانی دورایله و آنرک فکر ایله اول قنده  
 نفس العیننی مقبول ایله اهل دقنده آنرک مددینی بز قولکرکه معین  
 ایت و اولوم دمنده آنرک همسیره روحی بجایه قربن ایت امین .

### بابت العالمین

تم تحریر هذا الكتاب بعون الله الملك  
 الوهاب علی بن عبد العزیز الحقیق المحتاج الی رحمته رب القدر  
 اسماعیل حق بن محمد نعیم الدینکی عفا عنهما العفو العلی  
 فی الیوم التاسع من شهر رجب سنة خمس و عشرين و ثمان  
 بعد الالف من هجرة من له العز  
 والشرف



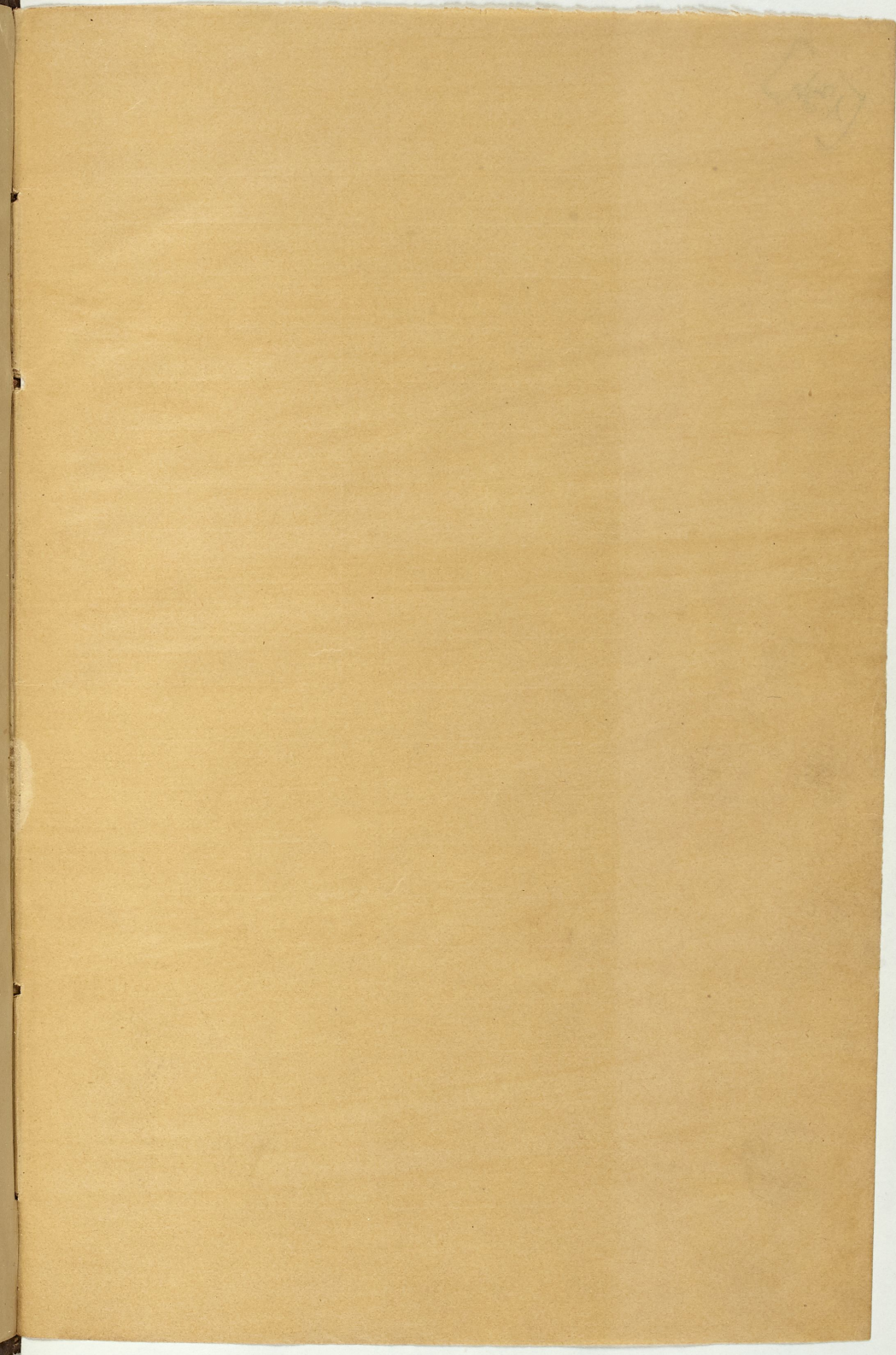
یا ناظرانیہ سل باسہ مرحمتہ  
و اطلب نفسك من خیر تریدیه  
علی المصنف و استغفر لکاتبه  
من بعد ذلک غفرنا لصاحبه

م

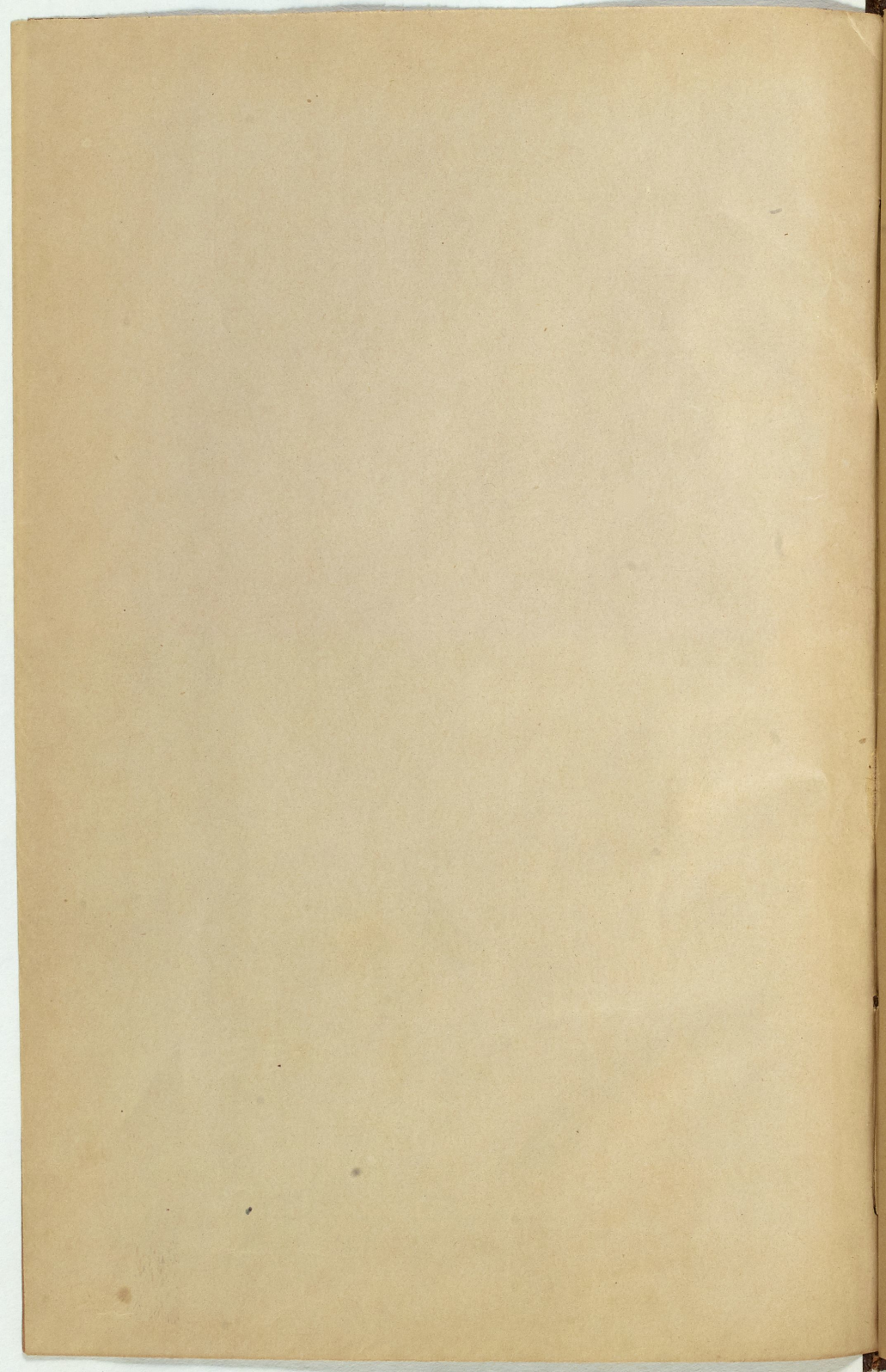


[134]

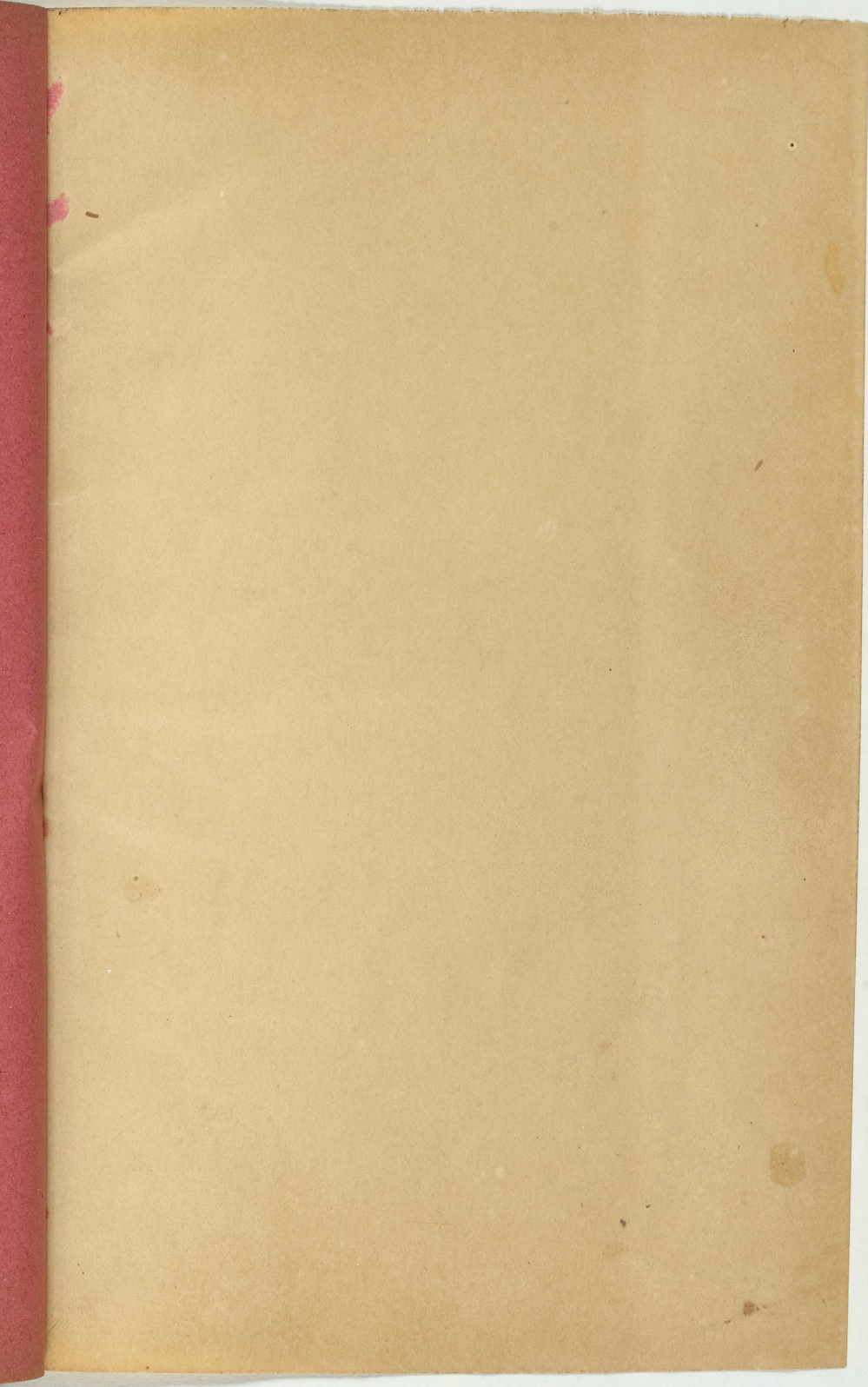




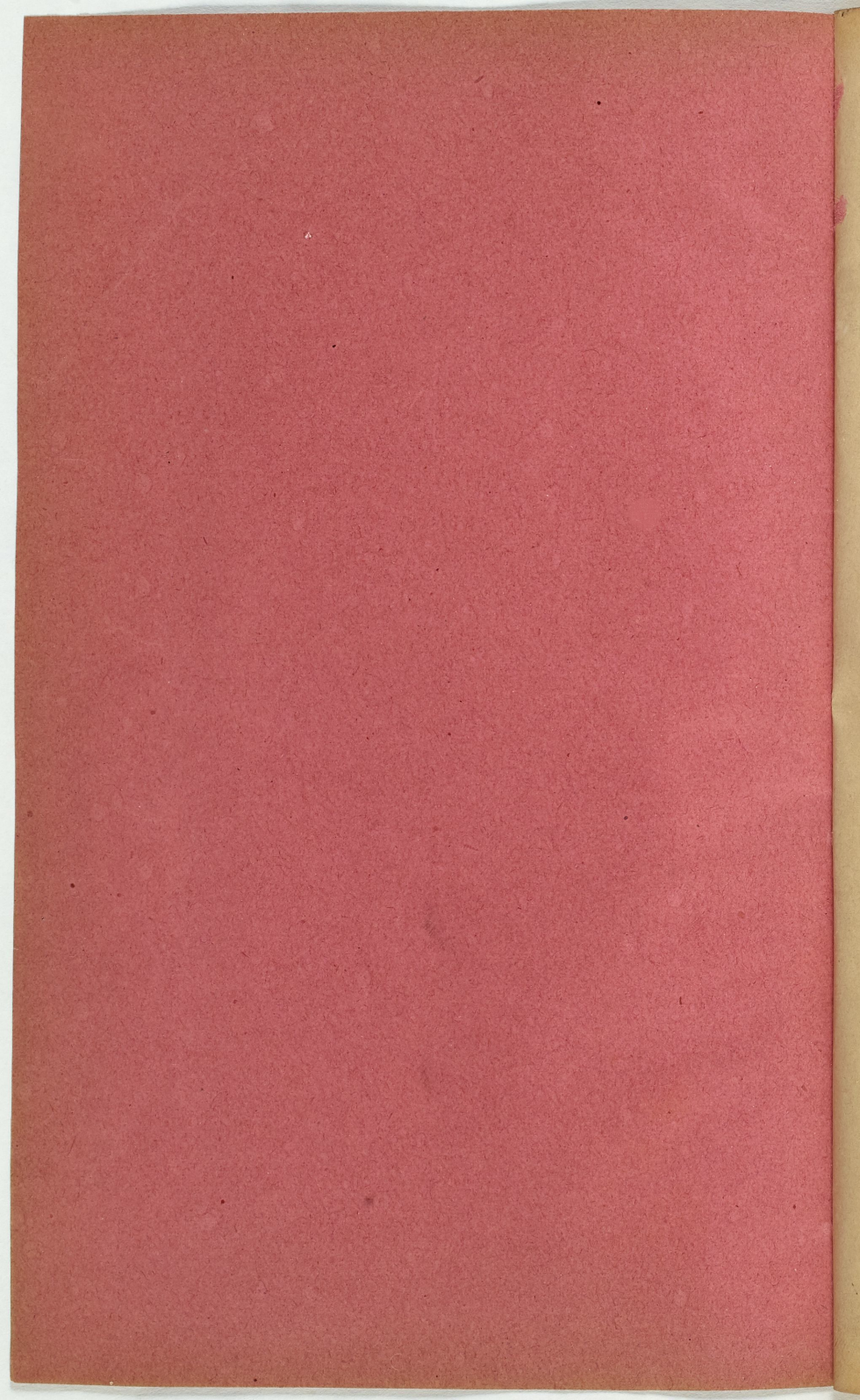












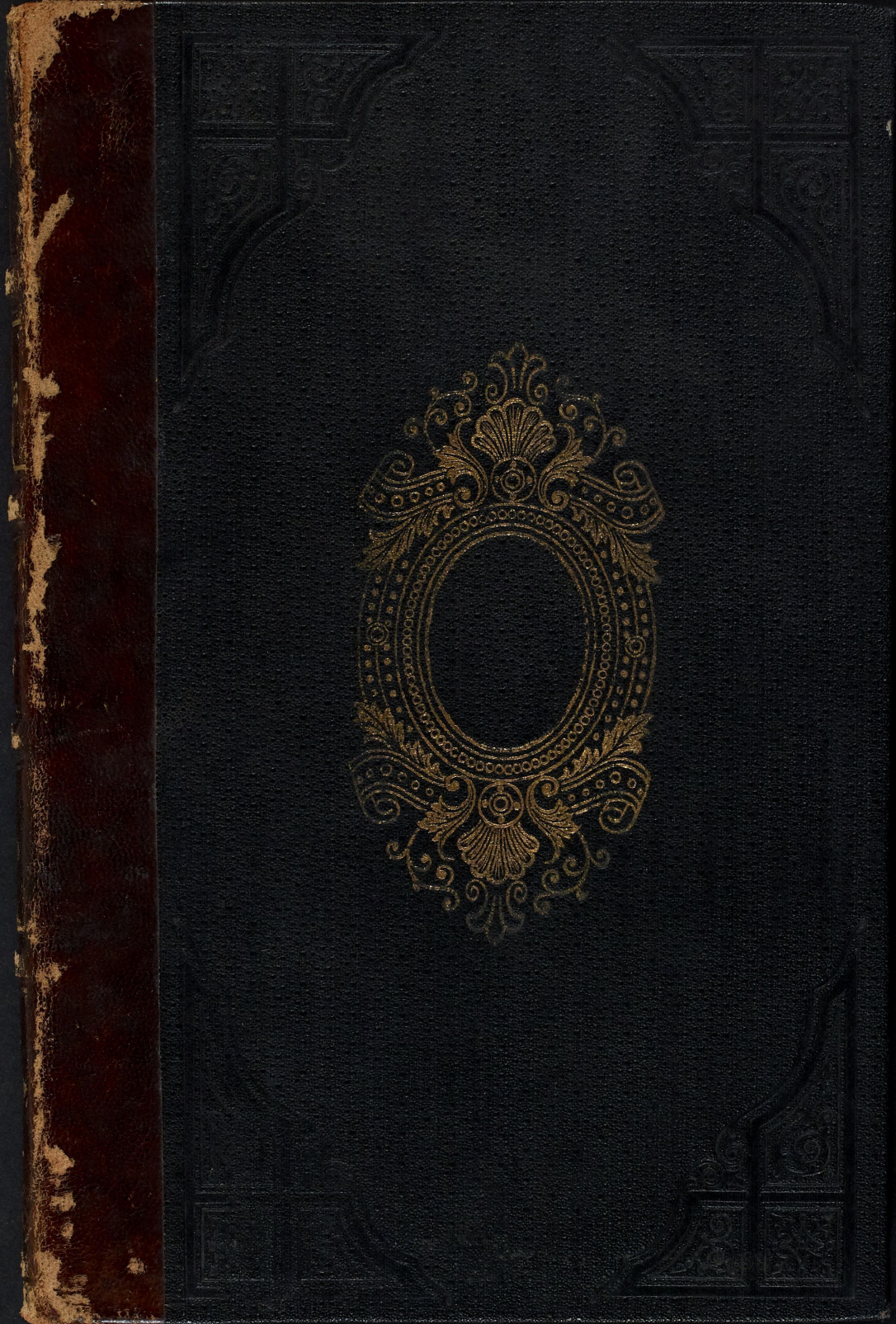


























Reliure en carton des ailes -

Papier jaunâtre sans filigrane - Posse' en blanc d'œuf

A folliote -

Haut. 21,2 - Larg. 14 cm

21 lignes - Pe'dome

Ta'liq - Encre noire - Titres, mots de' encre rouge

Kitab-i tazarru'at ve <sup>(Auteur)</sup>

کتاب تضرعات و مناجات سینان پاشا

münāğāt Sinān paša

(copiste)

Ismā'il Haqqı B. Mehmed

اسماعيل حق ابن محمد نعيم اللاني

Na'im es-Selānīkī

9 Reğeb 1325



2 Reg. 1322

Norm es-2ctānki

12mā il Haddi & M. Haddi

(capit)

mānāgāt sinā gāg

Kitol-i-tāgānāt u

(Anton)

Tāp - fūn nān - tūn, māt. d. nūn vāg

21 ligas - 21 ligas

21 ligas - 21 ligas

A foliata -

foliata son filigine - 21 ligas - 21 ligas  
- 21 ligas - 21 ligas



Kitab' Tazar Roat et Mandafat  
Saadan pacha manuscrit persan  
ce livre a été écrit par  
Ysmail Hag ibn Muhammed  
Na'im as salamiki ~~1325~~ 1



1336

1835

---

.11



L. DUBVX

---

PERSE

---



~~H<sup>te</sup> V<sup>tesse</sup> L. de Bonny des Eaux~~

Chât. des Eaux. La Foncière (H<sup>te</sup> V<sup>tesse</sup>)



en tête titre <sup>Person</sup> + auteur

Kitab ~~to~~ daru'at  
wa munağat  
Lunān Pasa

à fin: date

1325 h. ?



